



پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی

فصلنامه علمی - پژوهشی

سال نهم، شماره ۱ (شماره پیاپی ۳۳)، بهار ۱۳۹۹

صاحب امتیاز: دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام؛ دانشکده امام هادی علیه‌السلام

مدیر مسئول: دکتر علی بهرامیان

سر دبیر: دکتر برزو فرهی بوزنجانی

مدیر اجرایی: دکتر حامد فشی

دبیر اجرایی: محمد جعفری خرمی

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

دکتر علی رضاییان	استاد مدیریت دانشگاه شهید بهشتی
دکتر جمیل زرگان	دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)
دکتر منصور صادقی	دانشیار مدیریت دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)
دکتر برزو فرهی بوزنجانی	استاد مدیریت دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)
دکتر ارسلان قربانی	استاد علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی
دکتر قاسم کرامت	استاد یار حقوق دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)
دکتر عبدالرسول میرقدری	دانشیار آمار و ریاضی دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)
دکتر قدیر نظامی‌پور	دانشیار مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی

بر اساس مجوز شماره ۳/۱۹۷۲۶۹ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری،
نشریه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی، دارای رتبه علمی - پژوهشی است

ویراستار ادبی: محمد رجبی

طراح جلد و صفحه‌آرا: مجتبی ذبیحی

مترجم: محمد رجبی

شمارگان: ۳۰۰ قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، اتوبان شهیدباایی، دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)، دانشکده امام هادی (علیه‌السلام)، معاونت پژوهش

تلفن و دورنگار: ۳۳۲۴۴۵۱۸

سندوق پستی: ۳۵۸ - ۱۷۸۴۵

تارنمای نشریه: <http://srq.ihu.ac.ir>

نشانی پست الکترونیک: srq@ihu.ac.ir

کلیه حقوق مادی و معنوی برای دانشکده امام هادی (علیه‌السلام) محفوظ است.

مطالب مندرج در فصلنامه، الزاماً بیانگر دیدگاه‌های این دانشکده نیست.

نقل مطالب تنها با ذکر مأخذ آزاد است.

راهنمای تدوین و ارسال مقاله

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی امنیتی دانشکده امام هادی (علیه‌السلام) به منظور تولید دانش و ارائه تازه‌ترین نظریه‌ها و یافته‌های علمی در حوزه‌های دفاعی، امنیتی، حفاظتی و اطلاعاتی با رویکرد مقابله با آسیب‌ها و تهدیدات و همچنین به جهت تبادل و نشر افکار و اندیشه‌های بدیع، از اندیشمندان، صاحب‌نظران، دانش‌پژوهان، کارشناسان و دانشجویان دعوت می‌نماید تا با مد نظر قراردادن نکات زیر، دانسته‌ها و یافته‌های خود را در قالب مقالات علمی پژوهشی برای چاپ و انتشار در فصلنامه به آدرس اعلام شده ارسال کنند.

- ۱- مقاله باید پژوهشی و حاصل تحقیق نویسنده یا نویسندگان در زمینه امنیتی - حفاظتی و مرتبط با فعالیت‌های پژوهشی نشریه باشد.
- ۲- مقاله، در هیچ یک از نشریات داخلی و خارجی یا مجموعه مقاله‌های سمینارها و مجامع علمی به چاپ نرسیده یا به طور همزمان برای سایر نشریات ارسال نشده باشد.
- ۳- مقاله، باید دارای چکیده فارسی حداکثر ۳۰۰ کلمه و حداکثر ۶ کلیدواژه باشد. (چکیده و کلیدواژه انگلیسی باید ترجمه چکیده فارسی باشد)
- ۴- مقاله، حداکثر ۹۰۰۰ کلمه و تحت برنامه word ۲۰۱۰ با قلم B Mitra و فونت ۱۳ تنظیم و با فرمت WORD و PDF از طریق تارنمای نشریه به آدرس <http://srq.ihu.ac.ir> ارسال گردد.
- ۵- ذکر نام و نام خانوادگی، درجه تحصیلی، رشته تحصیلی (به زبان فارسی و انگلیسی)، محل کار، سمت و نشانی الکترونیک و تلفن مکاتبه کننده الزامی است.
- ۶- درج معادل لاتین اسامی و اصطلاحات جدید یا مهجور در پاورقی ضروری است.
- ۷- نحوه مرجع‌نویسی:
 - ۱- ارجاعات داخل متن (نام خانوادگی نویسنده، سال: صفحه) مانند (افتخاری، ۱۳۸۲: ۲۴). یا (smith, ۲۰۰۱: ۲۲)
 - ۲- مرجع در متن با سازمان: (در صورت نداشتن نام نویسنده) (مرکز اقلیم شناسی، ۱۳۹۱: ۵۲)
 - ۳- مرجع در متن با اسم مجله: (در صورت نداشتن نام نویسنده) عنوان مجله، شماره مجله، شماره صفحه.
 - ۸- نحوه تنظیم منابع و مأخذ در انتهای مقاله:
 - ۱- مرجع کتاب: نام خانوادگی، نام (سال نشر)؛ عنوان، محل نشر: ناشر.
 - ۲- مرجع ترجمه: نام خانوادگی و نام نویسنده (سال نشر)؛ عنوان، نام و نام خانوادگی مترجم، محل نشر: ناشر.
 - ۳- مرجع مقاله: نام خانوادگی، نام (سال)؛ عنوان، نام مجله، شماره مسلسل، زمان نشر، صفحه تا صفحه.
 - ۴- مرجع پایان‌نامه: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال)؛ عنوان، به راهنمایی: نام و نام خانوادگی استاد راهنما، نام دانشگاه (مقطع و رشته تحصیلی).
 - ۹- عنوان جدول‌ها در بالا و عنوان نمودارها در پایین آن درج شود. در ضمن جدول‌ها و نمودارها بدون ترام و در فرمت word به صورت Group تنظیم شود.
 - ۱۰- مسئولیت‌های محتوای مقاله‌ها به‌عهده نویسنده یا نویسندگان آن است و مقاله‌های ارسال شده بازگردانده نمی‌شود.
 - ۱۱- فصلنامه در رد، تلخیص و ویرایش مطالب آزاد است.

فهرست مقالات

- ۷ ■ نظام مطلوب حفاظت اطلاعات در فرمان هفت گانه بیانیه گام دوم
[مصطفی ساوه درودی / حمیدرضا نادی / محمد حسین پناهی]
- ۳۷ ■ سیاست های ترامپ در قبال سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پسا برجام،
پیامد های امنیتی قرار دادن سپاه ذیل گروه های تروریستی
[یونس فروزان / عبدالرضا عالیشاهی / حسین مسعودنیا]
- ۶۵ ■ مدل معماری امنیت پایه برای صحنه نبرد مبتنی بر فناوری اینترنت اشیا
[منصور فرزین فرد / محمدرضا موحدی صفت]
- ۸۹ ■ محیط شناسی نقش مشارکت مردمی در امنیت عمومی کشور
[بهرام بیات / فردین پیری]
- ۱۰۹ ■ بررسی تاثیر اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب
آسیا (عراق و سوریه) بر احساس امنیت شهروندان تهرانی
[پروین سوادیان / مصطفی هاشمی نسب]
- ۱۳۳ ■ واکاوی تهدیدهای ناشی از اقدامات وهابیت و جریان های سلفی تکفیری
(مورد مطالعه: استان کرمانشاه)
[محسن حسین آبادی / سید محمود رضا شمس دولت آبادی / محسن مرادیان]
- ترجمه چکیده مقاله ها به انگلیسی
[محمد رجبی]

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی
دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

سال نهم، شماره ۳۳ (بهار ۱۳۹۹) صص ۳۶-۷

نظام مطلوب حفاظت اطلاعات در فرمان هفت گانه بیانیه گام دوم

● مصطفی ساوه درودی

دانشیار علوم سیاسی دانشکده علوم و فنون فارابی mo_doroudi@yahoo.com

● حمیدرضا نادی

استادیار امنیت ملی دانشکده علوم و فنون فارابی

● محمدحسین پناهی

دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی (گرایش امنیت ملی) دانشکده علوم و فنون فارابی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۱

چکیده

هدف از نگارش این پژوهش، انطباق مفاهیم هفت‌گانه بیانیه گام دوم با مأموریت سازمان‌های حفاظت اطلاعات است. از این رو، تلاش شد تا با پیمایش مسیر نظام مطلوب حفاظت اطلاعات در هفت حرکت، راه‌های رسیدن به تحقق اهداف نهایی این بیانیه مورد تحلیل قرار گیرد و برای آن راهکار ارائه گردد. نویسندگان این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش هستند که «شاخص‌های نظام مطلوب حفاظت اطلاعات بر اساس محورهای هفت‌گانه بیانیه گام دوم کدامند؟».

این موضوع که از لحاظ روش، توصیفی و از لحاظ موضوعی، کاربردی است، با بهره‌گیری از تحلیل محتوای متن محور بیانیه گام دوم در حوزه مطالعاتی این مقاله، انجام پذیرفته است. نتایج حاصل از پایش یافته‌ها در هفت مدخل و با بیشترین ضریب تأثیر در موضوعات عبارت‌اند از سبک زندگی، آموزش اطلاعاتی، عدالت‌طلبی، تقویت باورهای معنوی و اخلاق اطلاعاتی، عزت ملی، مقابله با جاسوسی صنعتی در حوزه اقتصادی و استمرار دفاع اطلاعاتی از استقلال و آزادی. ترسیم نقشه راه مبتنی بر این فرامین در تصمیم‌گیری‌های راهبردی کلان نظام ج.ا.ایران با برآورد اطلاعاتی خوب، صحیح، منطقی و مستدل می‌تواند در مستحکم نمودن سازه‌های نظام مطلوب حفاظت اطلاعات برای دفاع از امنیت کشور نقش مهمی داشته باشد.

کلید واژگان: بیانیه گام دوم، حفاظت اطلاعات، نظام مطلوب.

عام‌ترین تعریف از امنیت در فضای مطالعات امنیتی تمرکز بر دو معنای آرامش و نبود تهدید داشته (افتخاری، ۱۳۸۰: ۲۱؛ عبدالله خانی، ۱۳۸۴: ۳۴) و خواستهٔ عموم جامعهٔ انسانی نیز همین است. هرگاه این دو در جای خود قرار نگیرند، حس ناامنی در اندیشه و تفکر انسان نقش بسته و به‌تدریج منجر به بروز رفتارهایی میشود که در اوج خود منجر به شکل‌گیری منازعات ضدامنیتی در جامعهٔ انسانی و واکنش‌های حاکمیت برای بازگرداندن نظم موردنظر خود خواهد شد. این نظم الزاماً خواستهٔ جامعه نیست و از این‌رو ممکن است با دخالت خارجی، جامعه در تقابل با حاکمیت، واکنش‌هایی را از خود نشان دهد که محصول آن تشدید ناامنی و برهم خوردن نظم امنیتی کشور است.

جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با ایجاد تغییر در ساختار حکومتی از حکومت استبدادی شاهنشاهی به نظام مردم‌سالار دینی و ایجاد سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی، تلاش خود را معطوف به حفظ امنیت سرزمین، ملت و حاکمیت خود کرد. محصول این تلاش در طول چهل سال انقلاب اسلامی، حکومتی مقدر و الهام‌بخش (بیانیهٔ گام دوم، ۱۳۹۷)، در منطقه و جهان اسلام است. نظام اسلامی ایران در تمام این دوران با عبور از تحولات ضدامنیتی داخلی و خارجی و تقدیم هزاران شهید، توطئه‌های ضدامنیتی را خنثی کرد و دورهٔ جدیدی را در آغاز دههٔ پنجم انقلاب پیش روی خود قرار داد. صدور بیانیهٔ گام دوم از سوی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، رهبر معظم انقلاب اسلامی، به‌عنوان مهم‌ترین سند حکومتی در آغاز دههٔ پنجم آغاز این دوران جدید، نیازمند توجه و اقدام لازم برای اجرایی نمودن اوامر و توصیه‌های ایشان است. در این راستا، سازمان‌های حفاظت اطلاعات ج.ا.ایران نیز وظایف مهمی را بر عهده دارند که با برداشت از بیانیه میتوانند نظام مطلوب حفاظت اطلاعات را ساماندهی نمایند.

وظایف سیستم‌های اطلاعاتی حکومت اسلامی برای ایجاد امنیت با اقدام اطلاعاتی در غرب و شرق و دفاع از آن، کاملاً متفاوت و بر اساس ویژگی‌های نظام اسلامی قابل تعریف است. درک ویژگی‌های انقلاب اسلامی مستلزم داشتن درک درستی از باورهای دینی و شرایط محیطی با تأکید بر تهدیدات امنیتی تهدیدکنندهٔ حکومت اسلامی است. داشتن این درک برای سامانه‌های اطلاعاتی به‌واسطهٔ مأموریت خطیر و حساس ایجاد امنیت و حفظ آن، به‌مراتب حساس‌تر و مهم‌تر از هر سامانهٔ دیگری است. از این‌رو، سازمان‌های اطلاعاتی نظام ج.ا.ایران باید با درک شرایط، اقدامات لازم در حوزهٔ مأموریتی خود را انجام دهند.

بیانیه گام دوم فرصت مناسبی برای سامانه‌های امنیتی نظام ج.ا.ایران است تا با بهره‌گیری از آن مسیر خود را متناسب با ایدئولوژی نظام ج.ا.ایران ترسیم نمایند. این اقدام، در واقع، گام مناسبی برای بومی‌سازی اقدامات اطلاعاتی مبتنی بر باورهای دینی و اسلامی و رسیدن به نظام مطلوب اطلاعاتی و حفاظت اطلاعاتی است که دغدغه اصلی این مقاله را شکل می‌دهد. دغدغه محقق، چگونگی استخراج ویژگی‌های نظام مطلوب حفاظت اطلاعات از بیانیه گام دوم انقلاب برای ساخت منشور بومی - اطلاعاتی و حفاظت اطلاعاتی است که برای تکمیل آن، ذیل مندرجات این بیانیه، سایر متفکران و نخبگان اطلاعاتی را با استناد به تدابیر، فرامین، ابلاغیه‌ها و فرمایشات فرماندهی معظم کل قوا، به همکاری و تکمیل این تلاش دعوت می‌نماید.

بیان مسئله

جامعه امن، مهم‌ترین خواسته یک ملت برای تأمین رفاه و در ادامه آن استقلال و آزادی کشور است. از این‌رو، ملت در درجه اول، مطالبات امنیتی خود را برای حیاتی امن از قدرتی به نام دولت می‌طلبد که به‌عنوان قرارداد اجتماعی در علوم سیاسی مطرح و امروز به‌عنوان یکی از موضوعات مهم در تحلیل‌های امنیتی و سیاسی مورد توجه قرار دارد (هابز، ۱۳۸۱: ۲۲). این اهمیت باعث شده تا حاکمیت برای رسیدن به نظم مطلوب امنیتی در کشور، دست به ایجاد سازمان اطلاعاتی در ساختار تشکیلاتی نهادهای حکومتی بزند تا امنیت جامعه و مردم را تأمین نماید. سازمان اطلاعاتی نیز با برآورد اطلاعاتی خوب می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در دفاع از امنیت کشور داشته باشد.

اهمیت آن، اساساً دفاع از امنیت کشور و مقابله با تهدیدات امنیتی بوده است. سازمان‌های اطلاعاتی موظف هستند تا در چهارچوب مأموریت خود، با اجرای اقدامات اطلاعاتی با مصادیق ضد امنیتی برخورد انجام دهند. این اقدامات، تمام موضوعات علیه منافع ملی کشور را دربر گرفته و منشأ آن الزاماً در داخل کشور نیست و همچنین، اقدامات ضد امنیتی در خارج از کشور که علیه مصالح امنیت ملی انجام می‌شود را نیز دربرمی‌گیرد. تحقیقاتی از این دست، بومی‌گزینی را با محک تدبیر عالمانه و چاشنی تجربه، همراه نموده و تلاش می‌نماید تا کارویژه سازمان اطلاعاتی که همانا خنثی‌سازی تهدیدات امنیتی با برآورد مناسب از شرایط محیطی است را برای تصمیم‌سازان کشور بیان نماید.

ضرورت آن، نپرداختن به مضامین ضروری مرتبط با این پژوهش و آثار مشابه پذیرفتن

خطرات منبعث از نقص و یا عیب در برآورد مطلوب اطلاعاتی منطبق با ضروریات زمانی و درگیر نمودن کشور به موضوعات ضدامنیتی‌ای است که جبران آن سخت خواهد بود. آثاری که در این مجال مورد بررسی قرار گرفت، دسته‌اول کتاب‌ها و مقالاتی است که در حوزه اطلاعات امنیتی نگاشته شده و بار تئوریک از مفهوم اطلاعات و امنیت دارد: دو مقوله «حفظ» و «بسط» مورد اشاره این دو گروه قرار می‌گیرد. عده‌ای خروجی سازمان اطلاعاتی را «اقدام» تلقی می‌کنند، اما در تشریح جایگاه سازمانی اقدام، اختلاف آرا وجود دارد. دیدگاه تمرکزگرا معتقد است که «اقدام» وظیفه سازمانی دستگاه اطلاعاتی است؛ از این رو از لحاظ سازمانی در داخل دستگاه اطلاعاتی جایگاه پیدا می‌کند. دیدگاه غیر تمرکزگرا، «اقدام» را وظیفه سازمانی سایر دستگاه‌ها از جمله پلیس امنیتی می‌داند (Lowental, 2006: 25) یا آنجا که بُعد مطالعاتی امنیت، نویسندگان را به واژه «محظور امنیتی» می‌رساند (افتخاری، ۱۳۹۱: ۱۳).

مهم‌ترین رکن هر سازمانی را نیروی انسانی تشکیل می‌دهد که میتواند سازمان را برای رسیدن به اهداف موردنظر آن هدایت کند. در این میان، مدیران نقش مهم‌تری در موفقیت سازمان ایفا می‌نمایند و نقش تیپ‌های شخصیتی موضوعی است که نقش مهمی در هدایت این سازمان‌ها دارد (اصغرزاده، ۱۳۹۷: ۶۴) «در بررسی زمینه‌ها و بسترهای چالش‌زا و تنش‌زا میان اطلاعات و سیاست‌گذاران بازشناسی، نتیجه مهم اینکه میزانی از تنش در این رابطه همواره وجود دارد و از بین بردن آن به تمامی غیرقابل اجتناب است» (سالارکیا، ۱۳۹۷: ۹۱)، «کارآمدسازی سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی وابسته به عوامل متعددی است که نقش مدیران را برجسته می‌سازد» (طلایی، ۱۳۹۸: ۲۵). این مقاله تلاش دارد تا سازمان حفاظت اطلاعاتی مطلوب را بر اساس بیانیه گام دوم مورد بررسی قرار دهد و تنها فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) را مورد تحلیل قرار دهد. منظور از این اقدام، رسیدن به منشور حفاظت اطلاعاتی مناسب برای سازمان‌های حفاظت اطلاعات نظام ج.ا.ایران است که امید است با تمرکز بر مفاد بیانیه، محورهای اطلاعاتی آن مورد استفاده ساحفا قرار بگیرد^۱. شایان ذکر است، پیشینه‌های با موضوع موردتحقیق در حوزه فعالیت سامانه‌های اطلاعاتی یافت نشد.

آیت‌الله شب‌زنده‌دار روایتی را به نقل از رهبر معظم انقلاب اسلامی بدین مضمون یاد کرده که رهبری فرمودند: «من روی این بیانیه خیلی زحمت کشیدم، من بنای این ندارم که اگر چیزی نوشتم یا مطلبی می‌گویم از دیگران درخواست کنم که روی آن کار کنند، ولی راجع به این می‌گویم، این کار را بکنند». مراجعه شود به سایت WWW.jameemodarresin.Org

مفاهیم و مبانی نظری

۱. مفاهیم

اطلاعات^۱؛ «اطلاعات به معنای دانش تخصصی در حوزه اقدامات پنهان است که با روش‌های خاص جمع آوری، ارزیابی و تحلیل شده و به دست سیاست‌گذاران می‌رسد» (میرمحمدی، ۱۳۹۲: ۳۲۰). «اطلاعات را جمع آوری و پردازش پنهان عناصر آگاهی‌بخش در مورد پدیده‌های داخلی و خارجی مورد نظر سیاست‌گذاران توسط نهاد اطلاعاتی میدانند» (Random, 1993: 21). «برخی معتقدند اطلاعات روندی با تمرکز خارجی است که از معلومات تمامی منابع در دسترس استفاده می‌کند و برای کاهش سطح عدم قطعیت برای تصمیم‌گیرنده طراحی شده است» (علیخانی، ۱۳۹۴: ۴۴۴). «والترز^۲ اعتقاد دارد، اطلاعات نوع ویژگی‌های از شناخت است که برای خریدگرای تصمیم‌ها و موفقیت مأموریت‌ها، ضرورتی حیاتی بشمار می‌رود» (Waltz, 2003: 1). «راتکلیف معتقد است، اخبار به‌اضافه تجزیه و تحلیل، مساوی اطلاعات است» (Ratclif, 2008: 11).

ضداطلاعات^۳؛ «ضداطلاعات به معنای محافظت از اطلاعات خودی به کار می‌رود و به تلاش‌هایی گفته می‌شود که برای حفاظت از عملیات اطلاعاتی یک کشور در مقابل نفوذ و ایجاد اختلال توسط ملل متخاصم و یا گروه‌ها و نیز حفاظت از اسرار محرمانه کشور صورت می‌پذیرد» (Lowental, 2006: 113).

سازمانی که این وظیفه را بر عهده دارد، سازمان حفاظت اطلاعات (ساحفا) نامیده شده و مأموریت آن بر اساس مفاد مطروحه در قانون اساسی، تعیین و مشخص شده است. مجموعه‌های اطلاعاتی و ضداطلاعاتی در تأمین امنیت ملی نقش مکمل یکدیگر را داشته و جدایی و عدم همکاری طرفین در تأمین امنیت ملی، ضربات جبران‌ناپذیری بر حکومت، ملت و سرزمین خواهد زد. از این رو، حکومت‌ها در تعریف مأموریت این دو، تلاش دارند تا هر دو را در کنار یکدیگر قرار دهند.

تهدید؛ «تهدید در معنای لغوی به معنای خطر، ترساندن و بیم دادن است (فرهنگ معین)، اما در معنای مفهومی، به معنای موضوع، اقدام و یا رویدادی است که امنیت انسان را هدف قرار می‌دهد» (افتخاری، ۱۳۸۵؛ عبدالله‌خانی، ۱۳۸۸؛ مرادیان، ۱۳۹۰). تهدید در مقابل فرصت قرار داشته و از مؤلفه‌های تأثیرگذار در سنجش امنیت محسوب می‌شود، هرچه میزان آن بالاتر باشد، امنیت با خطر بیشتری مواجه است. برای شناخت تهدید، آن را به سخت و نرم تقسیم نموده و با توجه به رشد فناوری اطلاعات و تغییر رویکرد در منازعات

¹ Intelligence

² Waltz

³ Counter Intelligence

جامعه انسانی، شکل تهدید امروز از حالت نرم و سخت خارج شده و آن را در قالب تهدید هوشمند و درنهایت تهدیدات ترکیبی هم تقسیم نموده‌اند.

امنیت؛ در فرهنگ لغت «آمریکن هریتیج»^۱ به تاریخ اکتبر ۲۰۱۹، امنیت در سه مفهوم، به معنای رهایی از هرگونه خطر و یا احتمال آن به همراه احساس ایمنی؛ یعنی رهایی از شک، اضطراب و یا ترس به همراه کسب اعتماد به نفس؛ یعنی چیزی که ایمنی را به انسان داده و یا آن را تضمین می‌کند، معنی شده است. این تعریف نشان از پیچیدگی مفهوم امنیت داشته و از این رو، سنجش میزان آن سخت و دشوار است. به همین دلیل، دیدگاه‌های مختلفی در مورد مفهوم و سنجش امنیت به وجود آمده که از جمله این موارد می‌توان به نظرات مکاتب رئالیستی، لیبرالیستی، کپنهاک، فرانکفورت و سازه‌نگاری اشاره کرد که هر کدام در مورد امنیت و واژه‌های مرتبط با آن مانند تهدید، قدرت و آسیب، برداشت متفاوتی دارند (علیخانی، ۱۳۹۳: ۵۸). به هر حال، فضای امنیتی، ماهیت تهدید - فرصت را دارد. فضایی که در آن فرصت محوری، احساس رضایت و تهدید محوری، احساس نارضایتی با خود خواهد داشت. در این فضا، سه بازیگر اصلی؛ یعنی حکومت، جامعه مدنی و شهروندان، محور اصلی آن هستند. حکومت به دنبال ایجاد نظم و امنیت و شهروندان به دنبال تأمین خواسته‌های خود از حکومت، مطالبات خود را دنبال می‌کنند. جامعه مدنی در این بین نقش واسطه را داشته و خواسته‌ها و مطالبات طرفین را در قالب تعریف شده قرار می‌دهد. از یک طرف، وظایف تعیین شده از سوی دولت را به مردم اعلام می‌کند و از طرف دیگر، مطالبات شهروندی را در قالب حزب، گروه و سازمان غیردولتی به دولت انتقال می‌دهد.

قدرت؛ پژوهشگران سیاسی و اجتماعی از زوایای گوناگون این مفهوم را مورد توجه قرار داده‌اند. «راسل»^۲ قدرت را ایجاد اثرات مورد نظر، «ماکس وبر»^۳ قدرت را تحمیل اراده خود بر دیگران، «رابرت دال»^۴ قدرت را به معنای تأثیر گذاری بر رفتار دیگران، «توماس هابز»^۵ قدرت را به معنای توانایی دولت در کنترل جامعه و «جوزف نای»^۶ قدرت را دانایی محوری در عصر اطلاعاتی می‌دانند (هابز، ۱۳۸۱: ۳۲؛ نای، ۱۳۹۲: ۲۱). قدرت با واژه اقتدار گاهی اوقات با هم دیده می‌شود، در حالی که قدرت مشروع به معنای اقتدار تلقی می‌شود. از این رو،

¹ www.Americandictionary.com

² Rasell

³ Max Veber

⁴ Robert Dall

⁵ Thomas Habez

⁶ Joseph Nay

هر قدرتی اقتدار نیست، اما هر اقتداری در درون خود قدرت را به همراه دارد.

بیانیه گام دوم؛ هم‌زمان با چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی و در آستانه ورود به آغاز دهه پنجم، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با صدور بیانیه‌ای در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۷ به مهم‌ترین دستاوردهای چهل سال اول انقلاب اسلامی پرداخته و با اشاره به تلاش‌های انجام‌شده در آن، برای خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی، آغاز دوران جدید را با عنوان گام دوم انقلاب اسلامی برشمرده و توصیه‌هایی را خطاب به آحاد ملت ایران به‌خصوص قشر جوان و سازمان‌ها و نهادهای مسئول در ج.ا.ایران برشمردند. مقاله حاضر با توجه به فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی در فرامین هفتگانه بیانیه گام دوم، تلاش دارد تا این مهم را در مورد سازمان‌های حفاظت اطلاعات به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سازمان‌های مسئول در تأمین و حفظ امنیت ج.ا.ایران مورد توجه قرار دهد. هدف اصلی از این توجه آن است که ویژگی‌های نظام مطلوب حفاظت اطلاعات را بر اساس بیانیه گام دوم از محورهای هفتگانه استخراج کند و برای نهادینه نمودنش، آن را به سازمان‌های حفاظت اطلاعات ارائه دهد.

۲. مبانی نظری

مأموریت اصلی سازمان اطلاعاتی، جمع‌آوری اخبار و اطلاعات از حریف با اجرای اقدامات پنهان و مأموریت ساحفا، حفاظت از مجموعه خودی در برابر اقدام حریف برای جمع‌آوری اطلاعات در حوزه خودی است. برخی مأموریت‌های ساحفا برای مقابله با اقدام حریف در خارج از حوزه استحفاظی است که از آن با عنوان دفاع تهاجمی یاد می‌شود. به عبارتی، دفاع تهاجمی به معنای اجرای یک سری اقدامات عملیات اطلاعاتی پیچیده، سخت و دشوار با کاربست ابزارهای اطلاعاتی ممکن در حوزه حضور حریف است که از این منظر، تأثیر مستقیمی بر روابط و دیپلماسی خارج کشور داشته و افشای آن می‌تواند تأثیر مستقیمی بر امنیت ملی کشور داشته باشد. از این رو، هرگونه شکست اطلاعاتی در آن منجر به تیره شدن روابط دو یا چند کشور شده و حتی می‌تواند به جنگ نظامی و یا حداقل به جنگ سیاسی کشیده شود. از این جهت، سازمان اطلاعاتی و حفاظت اطلاعاتی برای اجرای اقدام اطلاعاتی و جلوگیری از شکست اطلاعاتی باید اقدامات لازم را با در نظر گرفتن همه جوانب امر، مدنظر قرار داده و با توجه به شرایط محیطی و در نظر داشتن زمان و مکان، اقدامات خود را به مرحله اجرا گذارد. برای این اقدام، برآورد اطلاعاتی یکی از مهم‌ترین اقداماتی است که سازمان باید قبل از اجرای هرگونه عملیات اطلاعاتی، ارزیابی لازم را در مورد

اقدام اطلاعاتی تهیه و تدوین کند و برای جلوگیری از شکست اطلاعاتی احتمالی، مدنظر قرار دهد. از این منظر، شکست اطلاعاتی به معنای ناتوانی در پیش‌بینی وقایع مهمی است که توسط سرویس حریف و گروه‌های وابسته، از طریق یک اقدام ضدامنیتی و یا هدایت یک جریان (داخلی و یا خارجی) علیه امنیت ملی طراحی و اجرا می‌شود. به همین دلیل و با توجه به حساسیت کار ساحفا، برای اجرای اقدامات ضداطلاعاتی باید در اولین اقدام به برآورد اطلاعاتی توجه نمود. برآورد اطلاعاتی مرز بین اطلاع و پیش‌بینی است (صالحی و ترابی، ۱۳۹۷: ۱۹) که در نگاه سازمان‌ها با توجه به مأموریت هر کدام ممکن است از تفاوتی ماهوی برخوردار باشد.

لازمه برآورد اطلاعاتی، تجزیه و تحلیل خوب، مستدل و منطقی و داشتن نیروی فهیم، کاردان، دشمن‌شناس، باتجربه، مؤمن، پرنگیزه و دارای مدیریت جهادی و رویکرد انقلابی است که این مهم برای شکل‌گیری یک سازمان اطلاعاتی قوی و مقتدر، موقعیت‌شناس و به‌روز، لازم و ضروری است و چنانچه مدنظر قرار گیرد، سازمان مطلوب حفاظت اطلاعاتی شکل گرفته و در نهایت ضریب امنیتی کشور در دفاع از سرزمین، مردم و حکومت، افزایش خواهد یافت.

همه این موارد به درک و برداشت مدیران راهبردی کشور و حمایت از ساحفا برای مقابله با تهدیدات امنیتی بستگی دارد. اگر این اقدام به‌خوبی مدنظر قرار گیرد، برآورد اطلاعاتی کامل و جامعی برای تصمیم‌سازان مبتنی بر واقعیت و عدالت تهیه خواهد شد، در غیر این صورت ممکن است کشور با خطر جدی ناشی از تهدید امنیتی مواجه شود. «لامار دیویس»^۱ در تشریح برآورد اطلاعاتی خوب معتقد است: «فرماندهان و افسران اطلاعاتی از لحاظ گرایش به تجزیه و تحلیل، در سه گروه فکری قرار دارند. گروه اول، توصیف محور هستند که تنها به توصیف شرایط برای تصمیم‌سازان می‌پردازند. گروه دوم، توانمند محور هستند که علاوه بر توصیف شرایط، به توانمندی خودی برای مقابله با حریف هم توجه دارند. گروه سوم، نیت محور هستند که علاوه بر دو محور بالا، به نیت طرف مقابل هم توجه دارند» (صالحی و ترابی، ۱۳۹۷: ۱۹). نیت محور نیز زمانی به مرحله اجرا خواهد رسید که تصمیم‌سازان به تلاش ساحفا باور داشته باشند و همین‌طور در طرف مقابل، اعتماد ساحفا نیز به تصمیم‌سازان وجود داشته باشد.

در نظام ج.ا.ایران، به‌دلیل تنوع تهدیدات امنیتی حکومت اسلامی و تلاش بی‌وقفه سرویس‌های اطلاعاتی غرب با محوریت آمریکا و همچنین حضور این کشور در منطقه غرب آسیا و استمرار تهدیدات این منطقه علیه ج.ا.ایران، انجام برآورد اطلاعاتی از وضعیت دشمن با هدف اقدامات مقابله‌ای برای

^۱Lamar Davies

خنثی‌سازی تهدیدات علیه امنیت ملی، اقدامی ضروری است که سامانه‌های حفاظت اطلاعاتی ج.ا.ایران باید این مهم را با جدیت دنبال کنند. شرایط فعلی حاکم بر کشور و افزایش تهدیدات علیه امنیت نظام ج.ا.ایران در داخل و خارج و موج‌سواری سرویس‌های غربی در استفاده از گسل‌های موجود در کشور از جمله مباحث قومی، نژادی، فاصله طبقاتی و... شرایطی را به وجود آورده که داشتن برآورد اطلاعاتی خوب، از مهم‌ترین و مبرم‌ترین نیازهای ساحفا برای ارائه گزارشی مطلوب برای تصمیم‌سازان و مسئولان کشور است تا اقدامات خبثت‌آمیز سرویس‌های غربی علیه حکومت اسلامی خنثی شود.

با عنایت به مراتب فوق، می‌توان گفت، نظام مطلوب حفاظت اطلاعاتی برای کشور، نظامی است که توانمندی لازم را برای تهیه برآورد اطلاعاتی خوب از تهدیدات ضدامنیتی داشته باشد. به برخی از نیازمندی‌های برآورد خوب در مطالب بالا اشاره شد، اما به نظر می‌رسد برای انتخاب مستدل این ویژگی‌ها، نیاز به چارچوب نظری مناسبی دارد. بیانیه گام دوم فرصت مناسبی است تا این مهم با استناد به فرمایشات مقام معظم رهبری، مورد توجه قرار گیرد. از این رو، توصیه‌های ایشان که در قالب محورهای هفتگانه برشمرده شده، می‌تواند فرصتی برای ساحفا فراهم سازد تا این محورها که حکم فرمان برای تشکیل یک نظام مطلوب حفاظت اطلاعاتی دارد، به دقت بررسی گردد و شاخص‌های مطلوب از دیدگاه معظم‌له استخراج شود. این هفت محور، به ترتیب در جداول ذیل با هدف استخراج شاخص‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش از حیث گردآوری داده‌ها از نوع تحلیل محتوا است. تحلیل محتوا به هر روش استنباطی اطلاق می‌گردد که به صورت منظم و عینی به منظور تعیین ویژگی‌های پیام به کار برده می‌شود. در این روش، پیام‌ها یا اطلاعات به صورت منظم کدگذاری و به نحوی طبقه‌بندی می‌شوند که محقق بتواند آنها را به صورت کمی تجزیه و تحلیل کند (رامین مهر و چارستاد، ۱۳۹۳: ۱۲۵). در این پژوهش، با استفاده از تحلیل محتوای کمی و روش تحلیل و توصیف و همچنین گردآوری ۸۳ موضوع، جامعه آماری مرتبط با پژوهش مشخص گردید. جامعه آماری متن بیانیه گام دوم انقلاب، شامل هفت محور می‌شود و بر این اساس، متون دریافتی، واحد تحلیل این تحقیق می‌باشد و متناسب با متغیر اصلی تحقیق، مبنایی برای ورود به مدخل اصلی شده است. محاسبات توسط نرم‌افزار «اکسل»^۱ صورت گرفته و بررسی تک‌تک عناوین

^۱Excel

و محتوای موضوعات، اطلاعات مورد نیاز در خصوص هفت محور پیش گفته از حیث ماهیت داده‌ها، نحوه گردآوری، نحوه نمونه‌گیری از جامعه آماری، نوع نرم‌افزارهای کاربردی و تقسیم‌بندی موضوعی بر مبنای کدگذاری کلمات کلیدی و عناوین مقالات در قالب یک فهرست بررسی مورد واکاوی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. برای تعیین پایایی فهرست بررسی از روش پایایی مصحح استفاده شده است. در این باره، ۵۴ مدخل توسط دو نفر با فهرست بررسی مربوطه ارزیابی و نتایج با یکدیگر مقایسه گردیدند. استخراج موضوعات اصلی از درون تنوع و تکرار موضوعی موجود است که به سادگی امکان پذیر نیست، چراکه اصولاً برگرفتنی محتوای کلام از درون متون اصلی، به طوری که به اصل محتوا خدشه‌ای وارد نیاید، از اصول حتمی تحلیل محتوا است. حذف محتوای تکراری بی‌بازده و از سوی دیگر، جمع‌آوری محتوای دارای بازده خواست نگارندگان بوده است. با این وصف، از درون موضوعات پراستناد، با لحاظ نمودن ۴۳۵ عنوان استخراجی، نتایجی که در ادامه می‌آید، به دست آمد.

یافته‌های تحقیق

در این پژوهش، کلیه موضوعات ($n=261$)، مورد تحلیل محتوا قرار گرفته است. از ۳۰ گزینه استخراج شده از تمام متن‌ها، هفت موضوع به‌عنوان موضوع تخصصی اصلی شناسایی شد که ۲۶۱ موضوع اصلی و ۴۳۵ عنوان فرعی نیز در این میان شناخته شد. بررسی هفتگانه جداول مورد پژوهش، شاخص‌هایی شامل تعداد موضوعات مورد دغدغه، موضوعات امنیتی، محورهای عملیاتی، نحوه گردآوری داده‌ها، نحوه نمونه‌گیری از جامعه آماری و... بوده است.

در این جدول‌ها، ۸۳ شاخص به دست آمد که بر اساس بیانات مقام معظم رهبری، میتوان آن‌ها را در دو بخش مجزا تحلیل نمود. بخش اول، نتایج حاصل از به‌کارگیری علم و پژوهش در ساحفا است که در سه محور قابل توجه است:

۱. فراگیری دانش اطلاعاتی با افزایش عزت و قدرت، دشمن را از اقدام علیه امنیت ملی منصرف می‌نماید.
۲. افزایش دانش اطلاعاتی باعث افزایش قدرت اطلاعاتی شده و سرنخ‌ها با سهولت و قاطعیت انجام می‌شود.

۳. توسعه دانش اطلاعاتی باعث افزایش سرمایه، نفوذ و قدرت ساحفا خواهد شد.

بخش دوم از این جدول مربوط به توصیه‌های رهبری برای ترسیم نقشه راه برای سازمان‌ها و نیروی جوان جامعه است. در حوزه کاری ساحفا این موارد نیز در دو محور اصلی قرار می‌گیرند:

۱. کلیدواژه‌هایی است که به‌طور مستقیم به علم اشاره داشته و در تلاش برای فراگیری علوم با به‌کارگیری واژه‌هایی چون جهاد علمی، جهش علمی، رستخیز علمی، شتاب علمی و انقلاب علمی آمده است.
۲. محور دوم سرمایه‌گذاری، تلاش مداوم، مغرور نشدن، توجه مراکز آموزشی و درنهایت شکر الهی است که مکمل بند «یک» بوده و منجر به استحکام اندیشه اطلاعاتی در Sachfa خواهد شد.

۳	دنیای غرب به برکت دانش توانست ثروت، نفوذ و قدرت دوپست‌ساله فراهم کند	ثروت، نفوذ و قدرت	دانش اطلاعاتی بن‌مایه ثروت، نفوذ و قدرت اطلاعاتی
۴	مؤکدا به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم	جهش علمی	سرمایه‌گذاری Sachfa بر روی جهش دانش اطلاعاتی کارکنان
۵	اکنون نزدیک به دو دهه است که رستخیز علمی در کشور آغاز شده و...	رستخیز علمی	توجه به رستخیز علمی Sachfa هم‌زمان با رستخیز علمی کل کشور
۶	دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت... در برخی از رشته‌های حساس و نوپدید به رتبه‌های نخستین ارتقا یافت	سرمایه‌گذاری	سرمایه‌گذاری Sachfa بر روی دانش اطلاعاتی
۷	(دستاوردهای علمی) در حالی اتفاق افتاد که کشور دچار تحریم مالی و علمی بود	تلاش مداوم	تلاش برای کسب دانش اطلاعاتی و نهراسیدن از تحریم مالی و علمی
۸	باوجود شنا درجهت مخالف جریان دشمن‌ساز، به رکوردهای بزرگ دست یافته‌ایم که باید شب و روز خدا را (برای آن) سپاس گفت	شکر الهی	شکرگزاری خداوند به خاطر داشته‌ها و دستاوردها
۹	ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقیم	مغرور نشدن	غره نشدن Sachfa از دانش اطلاعاتی فعلی
۱۰	باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم	جهش علمی	کسب دانش اطلاعاتی، مبنای جهش علمی
۱۱	اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم، ولی این شتاب باید سال‌ها ادامه یابد تا آن عقب‌ماندگی جبران شود	شتاب علمی	غافلگیر نشدن Sachfa از کسب دانش اطلاعاتی و به-روز نمودن آن
۱۲	به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان در این باره (فراگیری علم)، تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام	مراکز آموزش	وظایف سنگین مراکز دانشگاهی و آموزشی Sachfa برای افزایش دانش اطلاعاتی کارکنان
۱۳	مطالبه من از شما جوانان آن است که این راه (فراگیری دانش) را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش بگیرید	جهاد علمی	فراگیری دانش اطلاعاتی در بین نیروی جوان Sachfa به‌منابه یک جهاد نهادینه
۱۴	سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این کشور شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است	انقلاب علمی	انقلاب علمی فعلی مرهون تلاش شهدای امنیتی - اطلاعاتی
۱۵	دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما بیمناک است، ناکام سازید	جهاد علمی	نهادینه شدن جهاد علمی در Sachfa

جدول شماره ۱: علم و پژوهش



شکل شماره ۱: قدرت اطلاعاتی

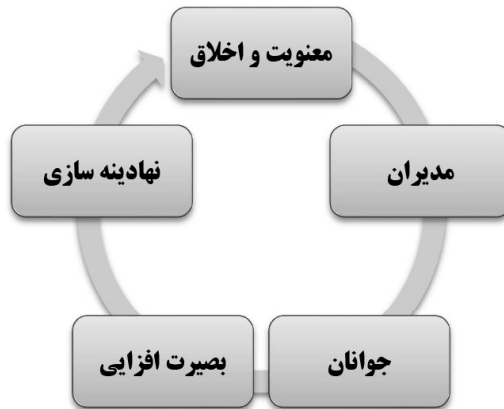
- هر دو بخش نیازمند راه‌حلی‌هایی است که ساحفا باید برای رسیدن به جایگاه مطلوب سازمانی خود در حوزه علم اطلاعاتی، روی آن سرمایه‌گذاری کند که با نگاه به موارد ذیل میتواند قدرت اطلاعاتی خود را تقویت کند:
۱. نهادهای‌سازی آموزش‌های اطلاعاتی جامع‌محور در مراکز آموزشی ساحفا با استفاده از تجربیات ساحفاها؛
 ۲. تبادل اطلاعات آموزشی استاد و دانشجو با هدف انتقال تجربیات و افزایش حس همکاری اطلاعاتی؛
 ۳. نهادهای‌سازی باور اطلاعاتی نسبت به اثرگذاری آموزش اطلاعاتی در توفیق اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی توسط مدیران؛
 ۴. همکاری آموزشی با دانشگاه‌های معتبر کشور با هدف بومی‌سازی آموزش‌های اطلاعاتی؛
 ۵. راه‌اندازی نهضت علم در مراکز آموزشی ساحفاها با تغییر و دگرگونی اساسی در سرفصل‌های آموزشی؛
 ۶. تقویت کادر هیئت علمی مراکز آموزشی از لحاظ کیفی (طی دوره‌های فرا دانشگاهی) و کمی (تعداد نفرات)؛
 ۷. بومی‌سازی آموزش اطلاعاتی با جهاد علمی، شتاب علمی، انقلاب علمی و رستاخیز علمی در مراکز آموزشی؛
 ۸. غره نشدن به دانش اطلاعاتی موجود و تلاش برای فتح قلّه افتخار با کسب علوم روز و فن‌آوری‌های نوین.

ردیف	متن	مقوله اصلی	مقوله فرعی
۱	معنویت؛ برجسته کردن اخلاص، ایمان، ایثار، توکل، ایمان در خود و جامعه است	معنویت	برخورداری از معنویت برجسته‌ترین شاخص نیروهای اطلاعاتی
۲	اخلاق؛ خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راست‌گویی، شجاعت، تواضع، اعتمادبه‌نفس و... است	اخلاق	داشتن اخلاق اطلاعاتی از مهم‌ترین خصایص عنصر اطلاعاتی
۳	معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و جامعه است	نهادهای‌سازی	توجه به معنویت و اخلاق برای توفیق در اقدامات اطلاعاتی
۴	شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می‌آورد	نهادهای‌سازی	توجه به معنویت و اخلاق باعث برکات در کار اطلاعاتی
۵	معنویت و اخلاق با دستور و فرمان به دست نمی‌آید و حکومت‌ها... باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند و زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند	نهادهای‌سازی	نهادهای‌سازی معنویت‌گرایی و اخلاق محوری در سطح سازمان
۶	حکومت‌ها با کانون‌های ضدمعنویت و ضداخلاق به شیوه‌های مغفولانه بسنجند	برخورد هوشمندانه	مصمم بودن ساحفا در برخورد با کانون ضدمعنوی و ضداخلاقی
۷	ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضدمعنویت و ضداخلاق نهاده است	شناسایی ابزار تهدید	توجه جدی به نقش رسانه در کار اطلاعاتی ساحفا
۸	تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم	مراقبت از جوانان	توجه به درون و بیرون سازمان و مقابله با آماج اصلی رسانه جوانان
۹	دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره (برخورد با ابزار رسانه) وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد	برخورد هوشمندانه	طراحی و اجرای هوشمندانه اطلاعاتی ساحفا برای مقابله با ابزار رسانه
۱۰	برنامه کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی (در حوزه معنویت و اخلاق) اجرا شود	تدوین برنامه	برنامهریزی ساحفا برای تحکیم مبانی معنوی و اخلاقی

جدول شماره ۲: معنویت اخلاق

بر اساس جدول شماره ۲، ۱۰ شاخص از اندیشهٔ مقام معظم رهبری به دست آمد. ایشان با توجه به اهمیت موضوع، به‌طور جداگانه، اما مرتبط باهم، دو واژهٔ معنویت و اخلاق را مورد تأکید قرار داده و با شمردن خصلت‌های هر کدام، در واقع با تمیز قائل شدن بین این دو، خواستار سرمایه‌گذاری روی این دو محور مهم در حوزهٔ فردی و سازمانی شده‌اند.

در اندیشهٔ رهبری، آماج اصلی کانون‌های ضداخلاقی و ضد معنوی، جوانان هستند که اندیشهٔ آنان از طریق قدرت رسانه‌ای غرب مورد حمله قرار گرفته است. ساحفا باید با توجه به این مهم، در مورد نیروی جوان اطلاعاتی سرمایه‌گذاری لازم را انجام داده و با توجیه آنان به ترفندهای ابزار رسانه‌ای غرب، ضریب هوشیاری اطلاعاتی آنان را ارتقا داده و برای رسیدن به این هدف، برنامه‌های مناسبی را با عنوان بصیرت‌افزایی کارکنان در دستور کار خود قرار دهد. در کنار این اقدام، بایستی مباحث برون‌سازمانی را در حوزهٔ مأموریت اطلاعاتی با مبادی ذیربط (با هدف ارتقای باور معنوی و اخلاقی آحاد جامعهٔ هدف) به کار برده و در زمینهٔ تقویت آن و شناسایی کانون تهدید، اقدامات اطلاعاتی هماهنگی را با ساحفاها انجام داده و با تبادل تجربیات چندجانبه، ضریب امنیتی کشور را در خصوص تهاجم احتمالی افزایش دهد. این موارد را می‌توان در قالب مدار معنویت و اخلاق به شکل ذیل مورد توجه قرار داد. مدیران به‌عنوان محور اصلی با الگوسازی از رفتار اخلاقی و معنوی خود با جذب نیروی جوان و افزایش بصیرت دینی و انقلابی در آنها می‌توانند عیار معنویت و اخلاق را در سازمان و اقدامات اطلاعاتی نهادینه کنند. با نهادینه‌سازی معنویت و اخلاق، سلامت امنیتی سازمان حفظ و تلاش‌ها برای سلامت امنیتی جامعه هدف نیز تسهیل خواهد شد.



ردیف	متن	مقوله اصلی	مقوله فرعی
۱	اقتصاد قوی، عامل مهم سلطه‌نپذیری و نفوذناپذیری و اقتصاد ضعیف نقطه ضعیف، زمینه‌ساز نفوذ، سلطه و دخالت دشمنان است	اقدام اطلاعاتی	ضعف اقتصادی، عامل اصلی جاسوسی صنعتی و جمع‌آوری اخبار و اطلاعات
۲	تقویت اقتصاد مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت و توزیع عدالت‌محور و مصرف اندازه‌و...می‌تواند بر جامعه تأثیر بگذارد	اقدام اطلاعاتی	نظرات اطلاعاتی در جامعه هدف، مترادف با افزایش اعتماد عمومی به سرویس اطلاعاتی
۳	چالش درونی در حوزه اقتصادی، عیوب ساختاری و ضعف مدیریتی است	برآورد اطلاعاتی	کمک به تصمیم‌سازان در برآورد اطلاعاتی از مجموعه اقتصادمحور، هوشیاری در انتصابات و اعلام صلاحیت‌ها
۴	راه‌حل (مشکلات اقتصادی) سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است	اتکا بر خودی	نهادینه‌سازی ساختا به اندیشه اتکا به خودی در مجموعه‌های اقتصادی جامعه هدف
۵	مجموعه جوان، دانا، مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی خواهد توانست به اقتصاد مقاومتی برسد	انتصاب نیروی جوان	تأکید بر به‌کارگیری نیروی جوان ساختا در انتصابات و تشویق مسئولان به این امر
۶	اینکه کسی گمان کند راه‌حل مشکلات اقتصادی زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه گرگ است، خطایی نابخشودنی است	اقدام اطلاعاتی	ممانعت ساختا در انتصاب افراد خودباخته به غرب و شرق
۷	منشأ این تحلیل سرایا غلط (زانو زدن در برابر دشمن)، کانون‌های فکر و توطئه خارجی است	اقدام اطلاعاتی	شناسایی ساختا از عواملان تفرقه و خودباختگی با کار اطلاعاتی



جدول شماره ۳: اقتصاد

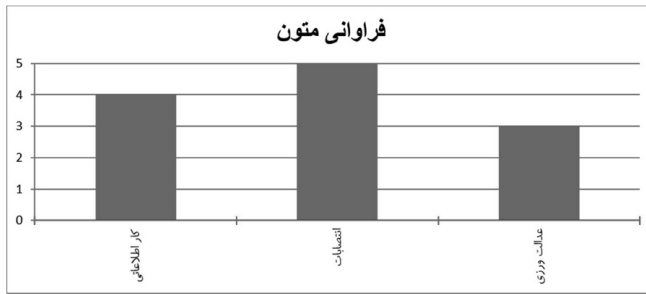
در حوزه اقتصادی، هفت محور به‌عنوان شاخص اقدام ساختا به دست آمد که از این تعداد، پنج محور همچنان بر حوزه اقدامات اطلاعاتی و دو محور مرتبط با اقدام اطلاعاتی شامل استفاده از نیروی جوان و اتکا بر خودی مشخص شد. در اقدامات اطلاعاتی، هدف اصلی؛ مقابله با اقدامات دشمن در حوزه جاسوسی صنعتی و کسب اخبار و اطلاعات مربوط به سازمان‌های اقتصادمحور از جمله جهاد خودکفایی و سازمان‌های دانش‌بنیان است. هدف سرویس حریف در این بخش، القای ضعف اقتصادی سازمان با هدف وابسته نمودن جامعه هدف از طریق رواج اندیشه ناتوانی مجموعه اقتصادی است. از جمله مهم‌ترین راهکارهای مقابله با این اقدام، شناسایی همراهان و همفکران این اندیشه در حوزه اقتصاد داخلی و جلوگیری از انتصابات غلط توسط ساختا در این حوزه است. برای تحکیم این اقدام، به‌کارگیری نیروهای جوان دارای ویژگی‌هایی که رهبری برای این افراد برشمردند از جمله دانا، مؤمن، پراگیزه، مسلط و دارای روحیه جهادی و انقلابی بودن، می‌تواند در برون‌رفت از شرایط تحمیل‌شده دشمن تأثیرگذار باشد و با تقویت روحیه و حس گلاویزی در جوانان که به‌دلیل برخوردار بودن از روحیه جوانی در سطح بالایی قرار دارد،

می‌توان خواسته‌ سرویس حریف در رسیدگی به اهداف شومشان را خنثی نمود.



شکل شماره ۳: سه رکن اقدام اطلاعاتی در حوزه اقتصادی

ردیف	متن	مقوله اصلی	مقوله فرعی
۱	فساد اقتصادی، اخلاقی و سیاسی... زلزله ویرانگر... است	کار اطلاعاتی	کار اطلاعاتی جدی ساختن برای مقابله با فساد
۲	(مقابله با فساد) ایجاب می‌کند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشند	کار اطلاعاتی	هوشیاری اطلاعاتی ساختن در شناسایی و مقابله با کانون فساد
۳	(وسوسه مال، مقام و ریاست) در ج.ا.ایران که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه زهد انقلابی و ساده‌زیستی می‌دادند، بعید نیست	انتصابات	داشتن نهایت دقت ساختن در انتصابات مدیران
۴	...فساد در میان کارگزاران ج.ا.ایران... حتی آنچه هست غیرقابل قبول است... طهارت اقتصادی شرط مشروعیت مقامات است	انتصابات	داشتن نهایت دقت ساختن در انتصابات مدیران
۵	همه باید از شیطان بر حذر باشند و از لقمه حرام بگریزند	انتصابات	ساختن نهایت دقت را در انتصابات مدیران داشته باشد
۶	دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت از تشکیل نطفه فساد جلوگیری و با رشد آن مبارزه کنند	کار اطلاعاتی	اقدام اطلاعاتی باید معطوف به کشف سرپنجه‌های فساد
۷	مقابله با فساد، نیازمند انسان‌هایی نایمان، جهادگر، منبع الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است	انتصابات	ساختن نهایت دقت را در انتصابات مدیران داشته باشد، سرمایه‌گذاری بر روی نیروهای جوان و پاک
۸	عدالت... در همه‌جا و همه‌وقت، ممکن و فریضه‌ای بر عهده همه، به‌ویژه حاکمان و قدرتمندان است	عدالت‌ورزی	سرلوحه قرار دادن، عدالت در انجام اقدامات اطلاعاتی
۹	(با اجرای عدالت) توطئه واژگونه نمایی و لاقفل سکوت و پنهان‌سازی که اکنون کار جدی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد	عدالت‌ورزی	سرلوحه قرار دادن عدالت در انجام اقدامات اطلاعاتی و خنثی‌سازی توطئه‌ها
۱۰	آنچه تاکنون شده (در حوزه عدالت) با آنچه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است	عدالت‌ورزی	رواج اندیشه عدالت محوری در مجموعه داخلی و اقدامات اطلاعاتی جدی‌تر در ساختن
۱۱	در ج.ا.ایران دل‌های مسئولین به‌طور دائم برای رفع محرومیت‌ها پتید و از شکاف‌های عمیق طبقاتی، به‌شدت بی‌بیمناک باشند	انتصابات	داشتن نهایت دقت ساختن در انتصابات مدیران
۱۲	تبعیض در توزیع منابع عمومی، میان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبکاران اقتصادی که به بی‌عدالتی می‌انجامد، ممنوع است.	کار اطلاعاتی	محور اقدامات اطلاعاتی، برخورد قاطع با مفسدان اقتصادی است



جدول شماره ۴: عدالت و مبارزه با فساد

در جدول، دوازده محور از فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی استخراج شد که از این بین، انتصابات در پنج شاخص، رعایت عدالت در چهار شاخص و عدالت‌ورزی در کار اطلاعاتی در سه شاخص به دست آمد. در بین این سه محور، واژه انتصابات بیش از دیگر موارد تحصیل شد که نشان‌دهنده دغدغه رهبری بر انجام پیشگیری است. در واقع، برای مقابله با فساد و اجرای عدالت قبل از کار اطلاعاتی که هزینه‌های مادی و معنوی فراوانی دارد، تأکید معظم‌له بر آن است که انتصابات شایسته مانع از رواج بی‌عدالتی و فساد در جامعه هدف خواهد شد. برای رسیدن به این هدف، یکی از مهم‌ترین اقدامات، دقت نظر ساحفا در انتصاب افراد اصلح و تأکید بر به‌کارگیری جوانان است.

موضوع دومی که در اولویت اندیشه مقام معظم رهبری به دست آمد، رعایت عدالت در مجموعه سازمان است. در نگاه رهبری، عدالت به معنای اعتدال است. ایشان می‌فرمایند: «اعتدال؛ یعنی در جای خود، بدون افراط و بدون تفریط؛ بدون چپ‌روی و بدون راست‌روی. این هم که می‌گویند عدل؛ یعنی قرار دادن هر چیزی در جای خود، به خاطر همین است؛ یعنی وقتی هر چیز در جای خود قرار گرفت، همان تعادلی که در نظام طبیعت بر مبنای عدل و حق آفریده شده، به وجود می‌آید. در رفتار، عدل لازم است. برای حکمران، عدل لازم است. در موضع‌گیری، عدل لازم است. در اظهار محبت و نفرت، عدل لازم است. قرآن فرموده است: ﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ ٓاَلَا تَعْدِلُوٓا۟﴾؛ دشمنی با کسی موجب نشود که شما درباره او از عدالت کناره بگیرید و عدالت را رعایت نکنید، ﴿اعْدِلُوٓا۟ هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰی﴾. بنابراین، عدل هم یکی از پایه‌های ایمان است. اگر عدل بود، ایمان می‌ماند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۳/۰۸/۲۰). انجام این امر مهم در مجموعه سازمان، در اولویت اول، بر عهده مدیران ساحفا است که در همه امور عدالت را سرلوحه قرار داده و به‌عنوان

الگو برای دیگران مطرح باشند. موضوع سوم، عدالت ورزی در کار اطلاعاتی است؛ به این معنا که ساحفا در برخورد با فساد به این نکته توجه داشته باشد که اقدام اطلاعاتی از وزن خود خارج نشود. اعتدال به معنای رعایت حدّ وسط است که باید در تمام مراحل اقدام اطلاعاتی رعایت شود تا این مهم به عنوان یک الگو در سازمان اطلاعاتی، به‌ویژه برای نیروهای جوان، در اجرای اقدامات اطلاعاتی نهادینه شود.



شکل شماره ۴: فرایند عدالت‌محوری در اقدامات اطلاعاتی

ردیف	متن	مقوله اصلی	مقوله فرعی
۱	استقلال و آزادی از جمله ارزش‌های اسلامی‌اند... و حکومت‌ها موظف به تأمین آن هستند	اقدام اطلاعاتی (اقدام ارزشی)	تضمین حفظ استقلال و آزادی ساحفا با انجام کار اطلاعاتی
۲	منزلت استقلال و آزادی را کسانی می‌دانند که برای آن جنگیده‌اند. ملت ایران با جهاد چهل‌ساله خود از جمله آنهاست	اقدام اطلاعاتی (نگرش جهادی)	انجام کار اطلاعاتی ساحفا به‌منابه جهاد
۳	استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد بلکه خون‌آورد صدها هزار انسان والا، شجاع و فداکار است	اقدام اطلاعاتی (استفاده از تجربه)	ارج نهادن به اقدامات و تلاش گذشتگان در زمینه استقلال و آزادی با انجام موفق کار اطلاعاتی
۴	ثمره شجره طیبه انقلاب را با توجیه ساده‌لوحانه نمی‌توان در خطر قرار داد، همه مخصوصاً دولت ج.ا.ایران موظف به حراست از آن با همه وجودند	اقدام اطلاعاتی (مشارکت اطلاعاتی)	تضمین حفظ استقلال و آزادی ساحفا با انجام کار اطلاعاتی
۵	استقلال نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد و همچنین آزادی نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود	اقدام اطلاعاتی (نهادینه‌سازی)	نهادینه شدن باور به دفاع از استقلال و آزادی و مفاهیم آن در ساحفا

جدول شماره ۵: استقلال و آزادی

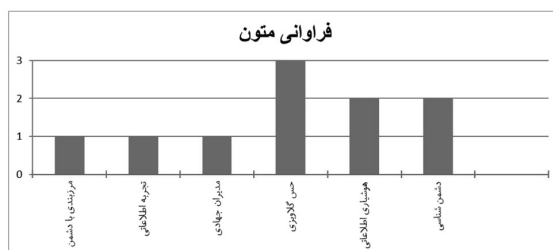
سرویس حریف به‌طور معمول اقدامات اطلاعاتی خود برای حمله به استقلال و آزادی کشور را با اجرای اقدامات اطلاعاتی در حوزه جمع‌آوری اخبار و اطلاعات، استخدام جاسوس، حمایت از گروه‌های معاند و موج‌سواری بر تحریکات داخلی و هدایت آن، در دستور کار قرار می‌دهد. دغدغه مقام معظم رهبری در بخش پنجم، معطوف به همین موضوع بوده و لازمه دفاع از این دو را به‌صورت عام، تلاش و همت

ملت و دولت برشمرده‌اند. وظیفهٔ ساحفا در مورد این دو اصل مهم، توجه به کار اطلاعاتی است که در جدول ذیل با برداشت از متن به دست آمده است. از نظر مقام معظم رهبری، کار اطلاعاتی در این بخش باید در چند محور مورد توجه قرار گیرد تا توان دفاع از استقلال و آزادی را داشته باشد. کار اطلاعاتی باید به‌عنوان ارزش تلقی شود؛ در سازمان نهادینه شود؛ از تجربهٔ دیگران برای انجام آن استفاده شود؛ نگرش جهادی داشته باشد و با مشارکت اطلاعاتی همراه باشد. اگر این موارد در انجام کار اطلاعاتی رعایت شود، توفیق ساحفا با کشف و شناسایی افراد و گروه‌های برهم‌زنندهٔ امنیت و افراد وابسته به سرویس‌های اطلاعاتی و مقابله با آنها، شناسایی کشورهای هدف و اقدام در حوزهٔ حریف، حاصل خواهد شد.



شکل شماره ۵: شاخصهای مؤثر در کار اطلاعاتی مطلوب در دفاع از استقلال و آزادی

ردیف	متن	مقوله اصلی	مقوله فرعی
۱	عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، هر سه شاخص-هایی از اصل عزت، حکمت و مصلحت نظام در روابط بین‌الملل هستند	مرزبندی با دشمن	مرزبندی ساحفا در اجرای اقدامات اطلاعاتی خود با دشمن
۲	(تحولات منطقه تحت تأثیر) حضور قدرتمندانهٔ سیاسی ج.ا.ایران در غرب آسیا و بازتاب آن در جهان سلطه است	تجربهٔ اطلاعاتی	مدنظر قرار دادن تجربیات اطلاعاتی ناشی از حضور قدرتمندانهٔ ج.ا.ایران در منطقه توسط ساحفا
۳	مظاهر عزت ج.ا.ایران جز با شجاعت، حکمت و مدیران جهادی به دست نمی‌آید	مدیران جهادی	انتصاب مدیران اطلاعاتی شجاع، باحکمت و جهادی در مناصب اطلاعاتی
۴	سردمداران نظام سلطه نگران‌اند	حس گلاویزی	نظام سلطه، تهدید ج.ا.ایران
۵	پیشنهادهای آنها (سردمداران نظام سلطه) عموماً شامل فریب، خدعه و دروغ است	هوشیاری اطلاعاتی	داشتن هوشیاری اطلاعاتی در همه حال در مقابل حریف
۶	امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایتکار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیرقابل اعتماد می‌داند	دشمن‌شناسی	نهادینه نمودن اصل توطئه علیه ایران توسط آمریکا و هم‌پیمانان آن
۷	دولت ج.ا.ایران باید مرزبندی خود را با آنها (نظام سلطه) با دقت حفظ کند... از ارزش‌های انقلابی و ملی یک گام عقب‌نشینی نکند	حس گلاویزی	تقویت حس گلاویزی ساحفا در کار اطلاعاتی با دشمن
۸	از تهدیدهای بوج آنان (نظام سلطه) نهراسد و در همه حال، عزت و کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد	حس گلاویزی	نهراسیدن ساحفا از تهدیدات نظام سلطه
۹	دولت ج.ا.ایران حکیمانه و مصلحت‌جویانه و از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند	هوشیاری اطلاعاتی	مدنظر قرار دادن هوشیاری اطلاعاتی و مصلحت حکومت اسلامی در کار اطلاعاتی
۱۰	در مورد آمریکا... مذاکره با آن جز زبان مادی و ممنوی، محصولی ندارد	دشمن‌شناسی	در رأس دانستن آمریکا به‌عنوان دشمن ج.ا.ایران و انجام اقدامات اطلاعاتی بر این مبنا



جدول شماره ۶: عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن

بی‌تردید آمریکا مهم‌ترین دشمن انقلاب اسلامی در طول چهل سال گذشته بوده و ردپای این کشور و تلاش‌های آن برای براندازی نظام ج.ا.ایران به‌طور تقریبی در تمام توطئه‌های ضدامنیتی علیه ایران دیده شده است. حمایت از اقدامات تروریستی گروه‌های ضد انقلاب، حمایت از رژیم بعث عراق در جریان جنگ تحمیلی، اجرای اقدامات جاسوسی، تغییر رویکرد از اقدام سخت به اقدام نرم در دهه دوم انقلاب، اجرای جنگ ترکیبی در دهه سوم انقلاب، تلاش برای تشویق نظام بین‌الملل برای اقدام نظامی علیه ایران در دهه چهارم انقلاب و درنهایت، تشدید تحریم‌های ضدبشری، تنها بخشی از این اقدامات برای مقابله با ایران بوده است (فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۳۲).

فرمایشات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم در مورد آمریکا با هدف دشمن‌شناسی و بصیرت‌افزایی انقلابی ملت ایران صورت گرفته و حاکی از دغدغه رهبری در مورد خباثت‌های این کشور جانی و تروریست علیه ملت و نظام ج.ا.ایران است که شایسته توجه سرویس اطلاعاتی خودی برای انجام اقدامات لازم اطلاعاتی و عملیاتی برای خنثی‌سازی توطئه آمریکا و همراهانش است. بررسی متن بیانیه و مرکز ثقل محوری که با عنوان عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن در بیانیه مورد توجه رهبری قرار گرفته، نشان‌دهنده دشمنی آمریکا به‌عنوان محور مخالفان انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی است. «نگاه خباثت‌آمیز آمریکایی‌ها بارها در اندیشه رهبران این کشور در مورد ایران مشاهده شده» (weinthal: 2015) که از همان ابتدا با سخنرانی جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده مبنی بر اینکه انقلاب اسلامی منافع آمریکا را در خاورمیانه با خطر مواجه ساخته است، شروع شد و بعد از او نیز، در دوران تمام روسای جمهور بعدی آمریکا به طرق مختلف همین موارد تکرار شد. ریگان با کمک به عراق در جنگ علیه ایران، بوش پدر با تخریب چهره ایران اسلامی، کلینتون با تشدید تحریم‌ها علیه ایران، بوش پسر با محور شرارت خواندن ایران،

اوباما با تهدید ایران به عملیات نظامی و ترامپ با تشکیل ائتلاف‌های ضدایرانی، تشدید تحریم‌ها و اختصاص ۳ میلیارد دلار برای کمک به مخالفان حکومت اسلامی ایران در سند امنیت ملی مصوب آمریکا در سال ۲۰۱۷، تنها بخشی از این اقدامات خصمانه علیه ایران بود که در برخی موارد با اظهارات تعدادی از سردمداران آمریکایی و صهیونیستی به اوج خود رسید (سایت موسسه مطالعات آمریکا، ۲۰۱۴).

با وجود اینکه محور ششم در مقام مقایسه با سایر موارد، توضیحات کمتری در بیانیه دارد، اما محتوای آن نشان از عمق حساسیت مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به اقدامات آمریکای جنایتکار است. به همین سبب، تمامی فرمایشات ایشان در این خصوص، در ۱۰ محور و در قالب جدول مشخص گردید. این شاخص‌ها شامل مدیریت جهادی، هوشیاری اطلاعاتی، دشمن‌شناسی، مرزبندی با دشمن، کسب تجربه از گذشته و برخورداری از حس گلاویزی در مقابله با تهدیدات آمریکا است و نشان می‌دهد که کار اطلاعاتی ساحفا در درجه اول باید معطوف به کشف و شناسایی اقدامات سرویس اطلاعاتی آمریکا و مقابله با آنها شود. از این رو، شناخت شیوه‌ها و شگردهای اطلاعاتی این سرویس و چگونگی اقدامات آن، برای بخش جمع‌آوری اطلاعات بسیار مهم بوده و شایسته است که بخش ضدجاسوسی، راهکارهای مقابله‌ای را با دقت و متناسب با شرایط حال، تنظیم و اجرا نماید. رسیدن به این هدف، نیازمند ترسیم نقشه راه و برآورد اطلاعاتی (با توجه به توضیحات ارائه شده درخصوص آن) از سرویس سازمان سیا است. متفکران اطلاعاتی بایستی در تهیه برآورد دقت داشته باشند که آنچه در مورد اقدام احتمالی این سرویس علیه نظام ج.ا.ایران انتظار می‌رود، با در نظر داشتن هر سه محور اشاره شده در برآورد اطلاعاتی و با تأکید بر محور سوم (نیت محوری و با در نظر داشتن توان خودی، توان دشمن و نیت حریف از اقدام احتمالی در حوزه جمع‌آوری اطلاعاتی)، به‌طور دقیق مشخص گردد و سپس اقدام لازم برای آن انجام شود. مهم‌ترین عامل تأثیرگذار برای مقابله جدی با ایالات متحده، باور به دشمنی‌های این رژیم فاسد علیه نظام ج.ا.ایران و برخورداری از حس گلاویزی با دشمن است. لازمه این کار نیز نهادینه شدن این باور و حس در ساحفا است. این اقدام که محور اصلی بصیرت انقلابی در مقابله با آمریکا محسوب می‌شود، مهم‌ترین نقش را در اجرای کار اطلاعاتی خوب و مؤثر در برابر رژیم فاسد ایالات متحده خواهد داشت که امید است مورد توجه مسئولان ساحفا قرار گیرد.



شکل شماره ۶: شاخص‌های مؤثر در عزت ملی

ردیف	متن	مقوله‌های اصلی	مقوله فرعی
۱	تلاش غرب برای ترویج سبک زندگی غربی در ایران. زبان‌های - جبران‌ناپذیر اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است	چنگ نرم	تغییر رویکرد غرب با ایران با تغییر رویکرد مقابله سخت به رویکرد مقابله نرم
		عملیات روانی	هدف قرار دادن همه حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی توسط سبک زندگی غربی
		چنگ ترکیبی	سبک زندگی غربی مایه از دست دادن همبستگی ملی و بروز بحران هویت
		تخریب باورها	استفاده از تمام ابزارها توسط دشمن برای ترویج سبک زندگی غربی (به‌خصوص تخریب محاسبات ملت ایران)
		ایجاد بحران هویت	تأثیرگذاری رواج سبک زندگی غربی بر اندیشه‌های دینی، ملی و انقلابی و تحمیل زبان‌های جبران‌ناپذیر به نظام ج.ا.ایران
۲	مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید من به شما جوان‌ها است	تخریب محاسبات	هدف قرار گرفتن آرمان‌های نظام اسلامی با استفاده از سبک زندگی غربی و تهدید امنیتی شدن آن
		بصیرت‌افزایی	شناسایی شیوه‌ها و شگردهای ترویج سبک غربی و مقابله اطلاعاتی با آن
		ارزش‌های انقلابی	توجیه نیروهای تحت اختیار ساختا در مورد تهدیدات ناشی از گرایش سبک غربی
		ارزش‌های ملی	همانگی ساختا برای استمرار کار اطلاعاتی برای مقابله با تهدیدات ناشی از سبک زندگی غربی
		همکاری اطلاعاتی	کار مشترک سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظت اطلاعاتی در مقابله با هجوم سبک زندگی غربی
		تقویت معنویت‌گرایی اخلاق محوری	تقویت باورهای ارزشی، دینی، انقلابی و ملی برای مقابله با سبک زندگی غربی
		آموزش نیروی جوان	آموزش جدی جوانان در مراکز آموزشی برای مقابله با سبک زندگی غربی
		همکاری نهادهای امنیتی	تلاش سرویس امنیتی خودی برای تهیه و تدوین سند راهبردی برای مقابله با سبک زندگی غربی
		ضرورت انجام اقدام جهادی	اقدام جهادی و کسب هوشیاری حداکثری در مقابله با سبک زندگی غربی
		تقویت باور دینی	تقویت اندیشه و باور دینی و ملی جوانان در بحث سبک زندگی غربی

جدول شماره ۷: سبک زندگی

به‌طور اساسی، سبک زندگی در هر جامعه‌ای متأثر از برداشت‌های دینی، فرهنگی و ملی آن کشور است. در واقع، فرهنگ‌سازی در جوامع از طریق توجه به این سه محور و با تلاش‌های حاکمیت انجام می‌شود. زمانی که این فرهنگ‌سازی در مسیر خود با چالش ناشی از سوء مدیریت دستگاه‌های اجرایی کشور مواجه شود، آسیب‌های فرهنگی‌ای در جامعه به وجود خواهد آمد که در درجهٔ نخست، قشر جوان هدف آن خواهد بود. تبعات حاصل از این تفکر به‌دلیل تأثیرگذاری بر روح و روان انسانی، علقه‌های مذهبی، دینی و ملی را تحت تأثیر قرار داده و سبب می‌شود تا فرد دیگر احساس داشتن هویت نکند. در این حالت، همبستگی ملی تضعیف و فرد خود را وابسته به یک «دیگر برتر» می‌داند. محصول نهایی این اقدام در صورت سرایت به سطح جامعه منجر به بروز بحران هویت خواهد شد، بحرانی که دیگر فرد خود را در آن وابسته به کشور خود نمی‌داند و حتی ممکن است از دین خود نیز عبور کند.

این حالت در دوران امروز؛ یعنی دوران گسترش فناوری و ارتباطات سریع ناشی از جهانی شدن و دهکده جهانی (لوهان، ۱۳۹۱: ۲۱)، آسیب‌های امنیتی فراوانی را به وجود آورده که در قالب هجمهٔ فرهنگی و تغییر هویت، منجر به تغییر ماهیت ملی و دینی بسیاری از کشورها شده است. به‌هرحال، مقابله با آن نیازمند طرحی نو و موردپسند قشر جوان با تأکید بر علقه‌های دینی، مذهبی و ملی است. ج.ا.ایران باید این مهم را از طریق فرهنگ سازی اجتماعی مورد توجه قرار دهد. در فرهنگ‌سازی اجتماعی، ارزش‌ها، باورها و اعتقادات مدنظر باید به‌گونه‌ای در جامعه هدف پیاده شود که مردم با استقبال از آن، خود مدافع دفاع از آن باشند. شرط انجام این کار نیز باورسازی در جامعهٔ هدف است. ساحتاً در مقابله با اقدامات حریف علیه امنیت ملی کشور که یکی از آنها رواج سبک زندگی غربی و رواج رویکردهای فرهنگ غربی با استفاده از قدرت رسانه‌ای غرب و در برخی موارد نیز اقدامات برخی از به‌اصطلاح روشنفکران علیه جامعهٔ هدف است، انجام اقدامات لازم را باید مدنظر قرار داده و در نگاه اول با تقویت مباحث ارزشی در درون سازمان، کارکنان خود را بیمه نماید و درنهایت با کار اطلاعاتی، عوامل جریان‌ساز سبک زندگی غربی را شناسایی و به کشف رابطهٔ پنهان آنان با سرویس غرب بپردازد. بر اساس شکل ذیل، ۳ شاخص به‌عنوان روش، ۷ شاخص تأثیرگذاری و ۱۶ شاخص نیز به‌عنوان راهکار ارائه شده که هر کدام از آنها نیازمند توجه جدی سازمان اطلاعاتی است.

روش ها

- جنگ نرم
- جنگ ترکیبی
- عملیات روانی

تأثیر گذاری

- تخریب باورها، تخریب ارزش ها، تخریب هویت،
- رواج بی اخلاقی، کاهش همبستگی
- زیان های مالی و معنوی

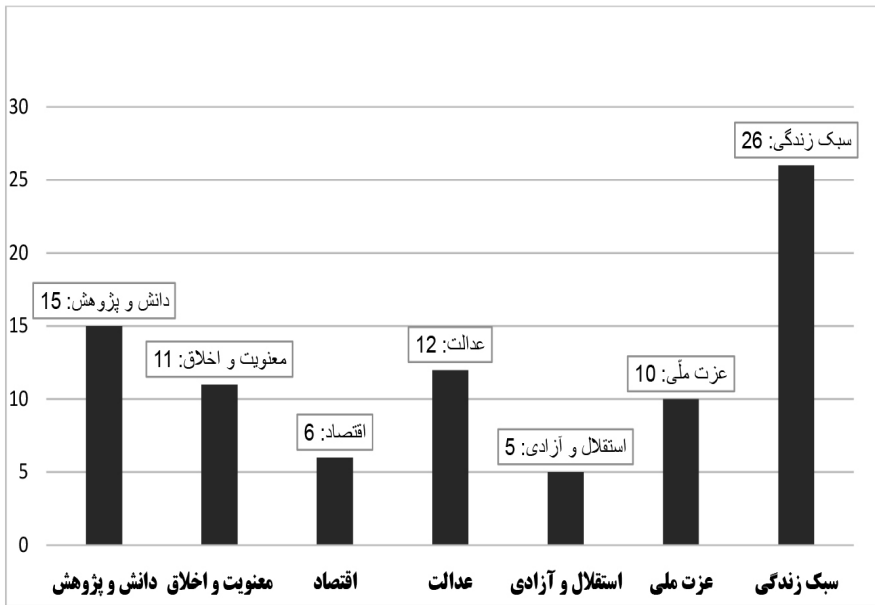
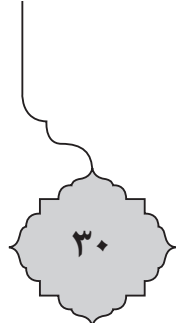
راهکار مقابله

- هوشیاری، همکاری، مشارکت، آموزش و کار اطلاعاتی
- دشمن شناسی، بصیرت افزایی، تاکید بر ارزشهای انقلابی، دینی، ملی و جوان گرایی
- معنویت گرایی، اخلاق محوری، برنامه ریزی، روحیه انقلابی، انگیزه و مدیریت جهادی

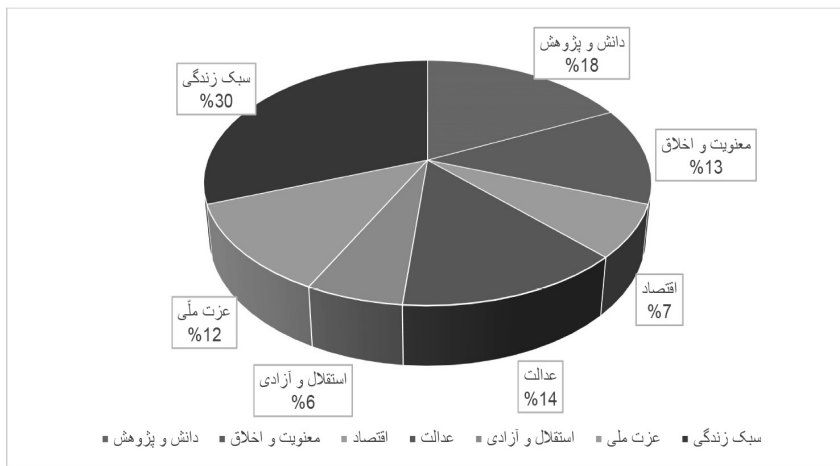
شکل شماره ۷: شاخص های به دست آمده از سبک زندگی غربی و راهکار مقابله با آن

مهم ترین راهکار برای مقابله با سبک زندگی غربی، تمرکز بر روی سرمایه اجتماعی است که این مهم باید در کنار کار اطلاعاتی به عنوان محور اقدامات ساحفا مدنظر قرار بگیرد. این اقدام به نوعی معماری قدرت اطلاعاتی در فضای عمومی است. این مفهوم برخلاف سرمایه مادی که مشتمل بر عناصر کمی است، ناظر بر ارزش کیفی کار است (گروتات، ۲۰۰۲: ۱). برخی ویژگی های اجتماعی نهادها و سازمان ها از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه های اجتماعی را سرمایه اجتماعی می دانند (Putnam, 2005: 67) و «برخی سرمایه اجتماعی را قدرت و توانایی مردم برای برقراری ارتباط با یکدیگر و شاکله ساختاری روابط میان فعالان اجتماعی تعریف می کنند» (Coleman, 1993: 92). «فوکویاما سرمایه اجتماعی را به عنوان مجموعه بعضی از هنجارها یا ارزشهای غیررسمی تعریف کرده و معتقد است هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می کنند، به طور اساسی باید شامل صفت های صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشند» (Fukuyama, 1999: 32). در نهایت، عده ای سرمایه اجتماعی را میزان همگونی توزیع سلامت در نواحی جغرافیایی یک منطقه و همچنین فرهنگ اعتمادسازی می دانند که در آن شبکه ها، ارتباطات وسیع و سازمان های داوطلبانه شکل می گیرد. (Kawachi and Kennedy, 1997: 103).

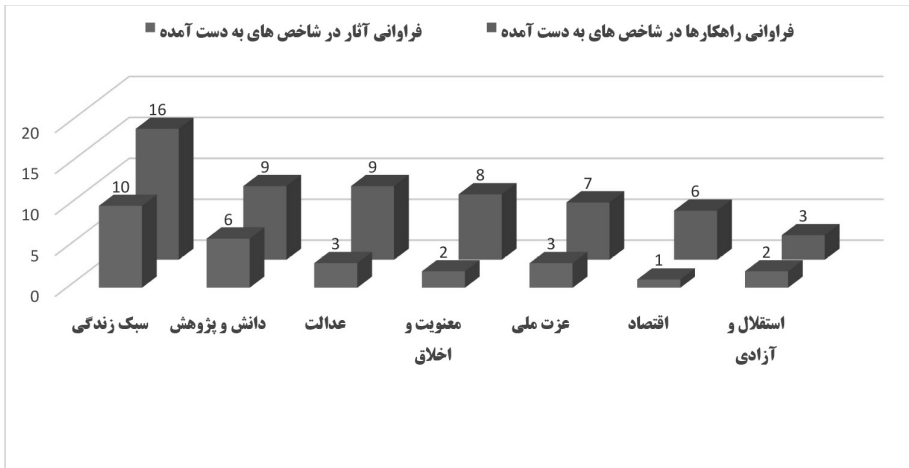
با این توصیف، ساحفا باید با همکاری نهادهای اطلاعاتی و امنیتی مسئول، اقدامات لازم را برای تقویت سرمایه اجتماعی که در نهایت به اعتماد عمومی و تقویت باور به مبانی و باورهای دینی، ارزشی و انقلابی منجر می شود، انجام دهد و الگوی مناسبی برای مقابله با سبک زندگی غربی ارائه دهد.



نمودار شماره ۱: نمودار میل‌های شاخص‌های به‌دست‌آمده به ترتیب متن بیانیه



نمودار شماره ۲: نمودار درصدی شاخص‌های تحصیل‌شده از متن بیانیه



نمودار شماره ۳: نمودار فراوانی راهکارها و آثار به دست آمده

نتیجه گیری

هدف از این مقاله، بررسی محورهای هفتگانه بیانیه گام دوم و انطباق آن با مأموریت ساحقا به منظور دستیابی به نظام مطلوب حفاظت اطلاعاتی بود. با وجود اینکه تعریف مشخص و واحدی در خصوص نظام مطلوب حفاظت اطلاعاتی وجود ندارد و هرگونه تعریفی از آن باید در حیطه نوع حاکمیت، اندیشه و ایدئولوژی حاکم بر کشور، شدت تهدید و آسیب و مواردی مانند آن سنجیده شود، نظام مطلوب حفاظت اطلاعاتی در نظام ج.ا.ایران، محصول کارکرد مجموعه حفاظت اطلاعات در کلیه سازمان‌های اطلاعاتی نظام ج.ا.ایران است که مأموریت حفاظت، حراست و دفاع از امنیت ملی کشور در سه حوزه دفاع از امنیت حاکمیت، امنیت سرزمینی و امنیت مردمی را بر عهده دارد.

بر این اساس، نظام مطلوب حفاظت اطلاعاتی، نظامی است که بر طبق مأموریت تعریف شده در قانون کشور و با استناد به اسناد بالادستی و با استفاده از ابزارهای اطلاعاتی توان حراست، حفاظت و دفاع از امنیت ملی کشور در سه حوزه سرزمینی، حاکمیتی و مردمی را با ارائه برآورد اطلاعاتی خوب، صحیح، شفاف، به موقع و مناسب در مورد خودی و حریف به تصمیم‌سازان داشته و نقش مهمی را در سیاست‌گذاری‌های کلان حوزه مأموریتی در بخش امنیت برای مسئولان ایفا می‌کند و نبود آن منجر به کاهش ضریب امنیت کشور در هر سه حوزه شده و راه را برای اقدام حریف باز می‌کند.

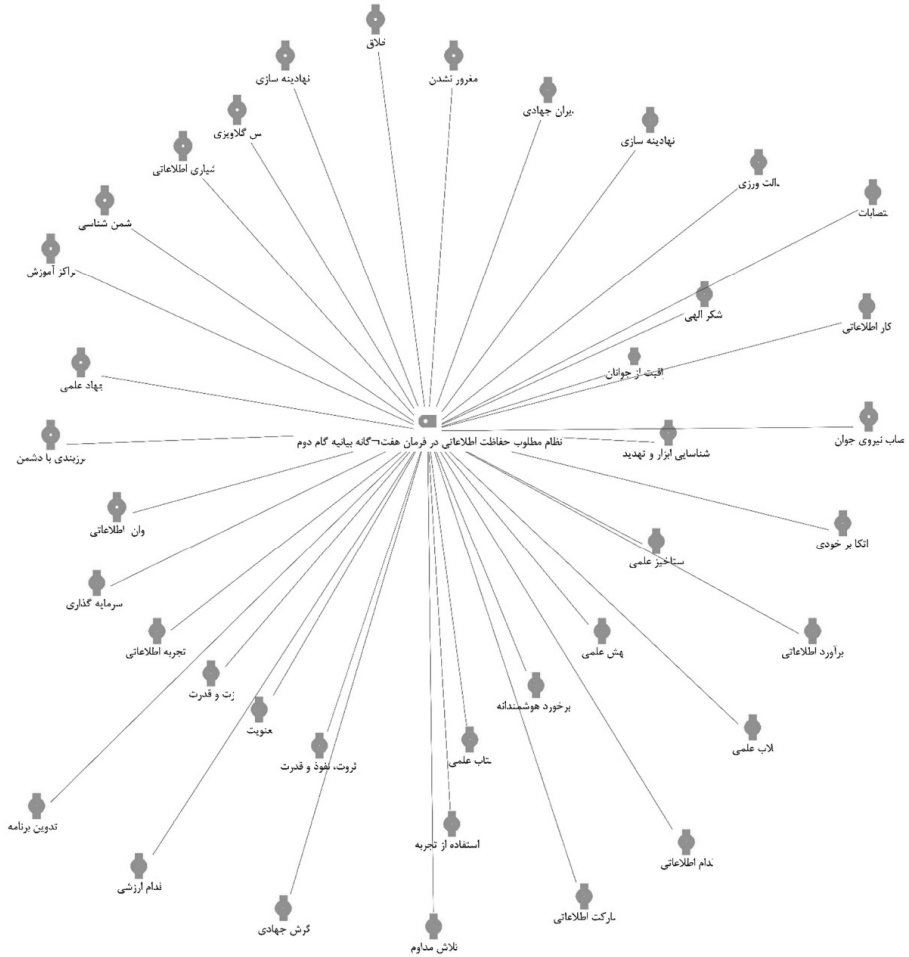
در این مقاله با بررسی هفت محور موردنظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۸۳ شاخص به دست آمد

که در نمودار فراوانی بالا ارائه شد. طبق این نمودار، بیشترین شاخص مربوط به سبک زندگی بود که با وجود محدود بودن متن، تمام کلمات آن مورد توجه قرار گرفت و در کنار آن سایر مواردی را که رهبری در بخش‌های اولیه بیانیه بر روی آن تأکید داشته و مرتبط با این بند محسوب می‌شد، مورد توجه قرار گرفت که محصول آن ۱۰ مورد مرتبط با روش و تأثیر سبک زندگی غربی و ۱۶ مورد مربوط به راهکار برخورد با آن بود که با نگاه اطلاعاتی مورد توجه قرار گرفت که در جدول به آن اشاره شد. این حجم از شاخص‌ها نشان‌دهنده نگاه خاص رهبری و دغدغه محوری ایشان بر روی سبک زندگی اسلامی و طرد زندگی غربی است که لازم است توسط ساحفا در دو حوزه درون‌سازمانی و برون‌سازمانی به‌طور جدی و با استفاده از ابزارهای اطلاعاتی انجام شود. دانش و پژوهش به‌عنوان دومین محور، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داد که این امر نیز نشان از دغدغه رهبری برای دانش و اقدامات پژوهشی و آموزشی و تأثیر آن در روند پیشرفت کشور دارد. از این جهت، این مهم نیز برای سازمان اطلاعاتی نقش مهمی داشته و با توجه به شاخص‌ها لازم است تا در حوزه آموزشی سرمایه‌گذاری خوبی انجام شود.

محورهای بعدی به ترتیب شامل عدالت با ۱۵ درصد، معنویت با ۱۴ درصد، عزت ملی با ۱۲ درصد، اقتصاد با ۷ درصد و استقلال و آزادی با ۶ درصد در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. درصدی که از این موارد به دست آمد، دلیل بر بی‌اهمیت بودن آنها نیست، این موارد نیز در حوزه کاری ساحفا باید با جدیت مورد توجه قرار بگیرد. به‌هرحال، در مورد معنویت و عدالت که مکمل یکدیگر هستند، اگر باهم دیده شوند به‌طور قطع رتبه اول را به خود اختصاص خواهند داد، اما از آنجایی که دغدغه اصلی رهبری در این بیانیه جوانان کشور بوده، موضوع سبک زندگی (که اساس آن بر محور معنویت و اخلاق می‌چرخد) و کسب دانش اطلاعاتی (که اساس آن بر فراگیری علوم اطلاعاتی می‌چرخد) برای نظام مطلوب حفاظت اطلاعاتی در اولویت قرار گرفته است.

نگاه به این دو محور و شاخص‌های آن نشان می‌دهد که این دو محور تا چه میزان می‌تواند در ساخت نظام مطلوب حفاظت اطلاعاتی مورد توجه باشد. نیروی جوان، باهمت، پراگندگی، دانا، مؤمن، فهیم، کاردان و دارای روحیه انقلابی، باور دینی و مدیریت جهادی از جمله مهم‌ترین شاخص‌هایی است که سبک زندگی جوان اطلاعاتی را تحت تأثیر قرار داده و عنصر اطلاعاتی در صورت داشتن این شاخص‌ها در کنار دانش اطلاعاتی که رتبه دوم را به خود اختصاص داده و شاخص‌هایی چون دانایی، عزت، نفوذ، قدرت و بصیرت را در درون خود دارد، بهترین مسیر برای تهیه برآورد اطلاعاتی مناسب از تمام موضوعات امنیتی، به‌ویژه اطلاعات مربوط به حریف و شرایط محیط امنیتی را برای

ارائه به تصمیم‌سازان جامعه هدف (کشور- سازمان) ارائه خواهد کرد. این امر مهم، متناسب با نیاز کشور و در راستای نظام مطلوب اطلاعات، در ساحفاه شکل، گرفته است. بدین ترتیب، نمای کلی،



شکل شماره ۸: شکل نشان دهنده شاخص‌های نظام مطلوب حفاظت اطلاعاتی در فرمان هفت‌گانه بیانیه گام دوم

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)، «کالبدشکافی تهدید»، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام).
۲. بی‌نام (۱۳۹۶)، «هدف‌شناسی رویکرد مذاکره آمریکا با ایران»، قابل دسترس در آدرس اینترنتی www.rasekhon.net.
۳. جمعی از صاحب‌نظران (۱۳۹۶)، «مفاهیم مرتبط با نفوذ در ج.ا.ایران»، قابل دسترس در آدرس اینترنتی www.kyhan.ir.news.
۴. دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۳)، «ایران و آمریکا»، تهران: قومس.
۵. رامین‌مهر، حمید؛ چارستاد، پروانه (۱۳۹۳)، «روش تحقیق کمی با کاربرد مدل‌سازی معادلات ساختاری (نرم‌افزار لیزرل)». چاپ دوم، تهران: انتشارات ترمه.
۶. ساوه‌درودی، مصطفی (۱۳۸۸)، «الگوهای عدالت‌طلبی در ایران معاصر»، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۷. ساوه‌درودی، مصطفی (۱۳۹۲)، «مدیریت بحران‌های امنیتی»، تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی.
۸. ساوه‌درودی، مصطفی (۱۳۹۴)، «جریان‌های فکری و سیاسی ایران معاصر»، تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی.
۹. سراج، رضا (۱۳۹۶)، «طرح آمریکا برای بازگشت به ایران»، قابل دسترس در آدرس اینترنتی www.rasekhon.net.
۱۰. صالحی، محمود؛ ترابی، کاظم (۱۳۹۷)، «اصلاح ساختار برآوردنویسی در جامعه اطلاعاتی»، تهران، جامعه اطلاعاتی، شماره ۳۲.
۱۱. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۴)، «نظریه‌های امنیت ملی»، تهران: ابرار معاصر.
۱۲. علیخانی، علی (۱۳۹۳)، «امنیت نرم در ج.ا.ایران»، تهران: دانشگاه امام باقر (علیه‌السلام).
۱۳. علیخانی، علی (۱۳۹۴)، «آرا و نظریه‌ها در اطلاعات»، تهران: دانشگاه امام باقر (علیه‌السلام).
۱۴. مجیدی، حسن (۱۳۹۶)، «دریچه‌های نفوذ آمریکا در ایران»، قابل دسترس در آدرس اینترنتی www.farse.iribenews.ir.
۱۵. مرادیان، محسن (۱۳۹۰)، «مبانی امنیت ملی»، تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی.

۱۶. میرمحمدی، مهدی (۱۳۹۲)، «اطلاعات به‌منابۀ علم»، تهران: دانشگاه امام باقر (علیه‌السلام).
۱۷. هابز، توماس (۱۳۸۱)، «لویاتان»، تهران: نی.

ب) منابع لاتین

1. Coleman, J. S. (1990). "*Social capital in the creation of human capital*", American Journal of Sociology, 94, S95.
2. Daives, Lamar (1997) "*Predictive Intelligence: Do We Really Need It?*" Military Intelligence Professional Bulletin April- June.
3. Davise, Philip (2004). "*MI6 and Machinery of Spying*", London: Frank Cass.
4. Fukuyama, Francis (1999). "*Social Capital and Civil society*", IMF conferences on second Generation.
5. Goldstone, jack, (2011). "*Understanding the Revolutions of 2011*", foreign Affairs.
6. Kawachi, I. Kenneedy, B.P, (1997). "*Health and social cohesion: why care about income inequality*", British Medical Journal 314, pp. 1037-1040.
7. Lowental, M. Mark (2006). "*Intelligence: From Secrets to Policy*", 2nd ed (Washitgton, DC): CQ Press.
8. Nye. Joseph (2004). "*Soft power Public Affairs*". Persian. usinfo. state.gor.
9. Putnam, Robert (2005). "*Social Capital: Measurement and Consequences*", Kennedy School of Government, Harward University.
10. Random. R.a (1993). "*Intelligence as a Science, Studies in Intelligence*", vol 2 no 2.

11. Ratcliffe, Jarry.H (2008). *"Intelligence-led Policing"* .UK. Willan Publishing.

12. Waltz, Edward (2003). *"Knowledge management in the Intelligence enterprise"*, London, Artech House.

13. Warner, Misheal (2002). *"Wanted: A Definition of Intelligence"*, Studies in Intelligence vol46, no3.

14. Weinthal, Benjamin(2015). *"Analysis Iran Nuclear agreement won't improve Human Rights"*, Foundation available in for: <http://www.defenddemocracy.org/media-hit/benjamin-weinthal-analysis-iran-nuclear-agreement>.

ج) تارنما

۱. سایت موسسه مطالعات آمریکا.

سیاست‌های ترامپ در قبال سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پس‌برجام؛ پیامدهای امنیتی قرار دادن نام سپاه در فهرست گروه‌های تروریستی

● یونس فروزان ●

دکتری علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی^(۱)

● عبدالرضا عالیشاهی ●

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی^(۲) (نویسنده مسئول)

● حسین مسعود نیا ●

دانشیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۰۹

چکیده

پس از پیروزی نتوکان‌ها (نومحافظه‌کاران) در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده در سال ۲۰۱۶، مسئله تجدیدنظر در برقراری رابطه با جمهوری اسلامی مدنظر آن کشور قرار گرفت. در واقع، ترامپ با این سیاست، تمامی روند مذاکرات هسته‌ای که منجر به قرارداد برجام گردیده بود را به صورت یک طرفه ملغی کرد و در ادامه با اتخاذ سیاستی که منجر به تشدید واگرایی و تقابل با جمهوری اسلامی ایران گردید، نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را نیز در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داد. در واقع، مسئله اصلی، اتهامات مکرر دونالد ترامپ علیه جمهوری اسلامی در حمایت از تروریسم است. از این رو، این مقاله تلاشی است برای ارائه پاسخی مستدل به این سؤال که «مهم‌ترین دلایلی که منجر به قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی بین‌المللی توسط آمریکا شد، چه بود و ادامه چنین سیاست‌هایی منطقه خاورمیانه را از لحاظ امنیتی به چه سمت‌وسویی سوق خواهد داد؟» فرضیه این پژوهش مبتنی بر این مسئله است که ایجاد گسست در جبهه مقاومت در منطقه، مهم‌ترین علت اتخاذ چنین سیاستی از سوی ترامپ بوده است. یافته‌های مقاله که با بهره‌گیری از نظریه رئالیسم تهاجمی جان مرشایمر و بهره‌گیری از روش تلفیقی جامعه‌شناسی تاریخی و آینده‌پژوهی به دست آمده است، تأیید می‌کند که احیای هژمونیسم ایالات متحده در قالب نفی تئوری اوپاما، عدم کاربست تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران در پس‌برجام، گسست هم‌گرایی در میان جبهه مقاومت شیعیان، تأمین امنیت رژیم اشغالگر قدس، قطع جریان اقتصادی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تشدید جنگ روانی و ایجاد التهاب بیشتر در منطقه غرب آسیا، شش هدف کلان این کشور در قبال قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی است.

کلید واژگان: تروریسم، جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران، نومحافظه‌کاران، هژمونیسم.

مقدمه

قطعاً، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مسائل در روابط ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران، تغییر پارادایمی رفتار آمریکا از گفتگو، مذاکره و مصالحه دوران باراک اوباما، رئیس‌جمهور دموکرات پیشین ایالات متحده به تحریم، تهدید، تخریب، تاخت‌وتاز و ترور در دوران ریاست جمهوری دونالد جی ترامپ بوده است. به عبارت دیگر، دونالد ترامپ را باید یکی از مهم‌ترین روسای جمهور ایالات متحده قلمداد نمود که سیاست‌های تهاجمی وی علیه جمهوری اسلامی ایران بیشترین تنش‌ها و چالش‌ها را میان دو کشور ایجاد نموده است.

اهمیت این مسئله زمانی ملموس‌تر می‌گردد که سیاست‌های پراگماتیسمی ترامپ منجر به ملغی نمودن برجام و خروج از آن، منع ورود ایرانیان به خاک ایالات متحده، تهییج رقبای سیاسی همچون عربستان سعودی و رژیم اشغالگر قدس علیه ایران، انتصاب سیاستمداران ضدایرانی در مناسب مهم آمریکا، اعمال شدیدترین تحریم‌های اقتصادی و تهدید مستقیم ایران به حمله نظامی گردید (عالیشاهی و فروزان، ۱۳۹۸: ۸۵). در تجزیه و تحلیل چرایی اتخاذ چنین سیاست‌های از سوی ترامپ می‌توان قرارداد برجام و بدبینی افراطی جمهوری خواهان را مورد بررسی قرار داد. به عبارت دیگر، بسیاری از سیاستمداران رادیکال ایالات متحده به‌ویژه ترامپ، برجام را به مثابه ابزاری برای توسعه روزافزون قدرت جمهوری اسلامی ایران می‌دانستند، در نتیجه با اعمال بیشترین تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، تروریست قلمداد کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تهدید به اعزام نیروهای نظامی به منطقه خلیج فارس، دامنه‌های وقوع جنگ نظامی را بیش‌ازپیش گسترش دادند (فرزین‌راد، فروزان و عالیشاهی، ۱۳۹۹: ۲۳۱).

نکته‌ای که تجزیه و تحلیل آن از ضرورت خاصی برخوردار می‌باشد، تبیین دلایل استراتژی «فشار حداکثری» ترامپ علیه ایران است. مسئله‌ای که یادآور اجرا نمودن مدل شوروی سازی برای جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از تجارب دولت ریگان علیه اتحاد شوروی است. در واقع می‌توان ادعا کرد که شاخه فکری پشتیبان این پروژه، بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها و برخی دیگر از اتاق‌های فکر دست‌راستی و محافظه‌کار ایالات متحده مانند بنیاد هریتیج^۱ و آمریکن اینترپرایز آهستند. شاخه اجرایی این پروژه نیز وزارت خارجه آمریکا و سازمان سیا با کنشگری پمپئو، وزیر امور خارجه آن، برابان

¹Heritage Institute

²American Enterprise

هوک، رئیس گروه اقدام ایران و همچنین، جان بولتون، معاون سابق شورای امنیت ملی دولت ترامپ است. مطابق این پروژه، براندازی «جمهوری اسلامی» یا تغییر رژیم سیاسی حاکم بر ایران کافی نیست و هدف اصلی، فروپاشی «جمهوری اسلامی ایران» است. به همین سبب است که سیاست فشارهای حداکثری ایالات متحده در قبال ایران از سوی ترامپ و دیگر نومحافظه‌کاران همچنان به شدت ادامه دارد (فروزان، عالیشاهی و رفیعی، ۱۳۹۸: ۶۶ - ۶۷).

اوج خصومت ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران، قرار دادن نام بخشی از نیروی نظامی رسمی این کشور؛ یعنی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی بین‌المللی بوده است. اهمیت این مسئله زمانی ملموس می‌گردد که ترامپ در اقدامی تروریستی به ترور سرلشگر قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه در عراق مبادرت نمود، اقدامی که چالش‌های امنیتی و نظامی میان دو کشور را به بیشترین میزان خود در حداقل سه دههٔ اخیر رسانده است، چراکه در تاریخ جمهوری اسلامی، هیچ‌گاه یک مقام بلندپایهٔ نظامی ایرانی در کشوری ثالث آن‌هم به دست نیروهای نظامی ایالات متحده و به دستور مستقیم رئیس‌جمهور آمریکا ترور و شهید نشده بود. این مسئله‌ای بود که بلافاصله با واکنش موشکی جمهوری اسلامی ایران پاسخ داده شد و طی آن پایگاه آمریکایی عین‌الاسد در عراق آماج حملات موشکی سپاه قرار گرفت. این موضوعی است که می‌تواند بازخوردهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی گسترده‌ای را به همراه داشته باشد. به همین سبب، مقالهٔ کنونی جستاری است در راستای تبیین این مسئله که «مهم‌ترین دلایلی که نومحافظه‌کاران ایالات متحده، نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست گروه‌های تروریستی بین‌المللی قرار داده‌اند، چه بوده است؟ و ادامهٔ چنین سیاستی، شرایط امنیتی و اقتصادی منطقه را به چه سمت و سویی سوق خواهد داد؟».

روش تحقیق

فرضیهٔ این مقاله بر اساس روش‌های تلفیقی جامعه‌شناسی تاریخی و آینده‌پژوهی مورد آزمون قرار گرفته و داده‌های پژوهش بر پایهٔ روش کتابخانه‌ای و اینترنتی گردآوری شده است.

۱. روش جامعه‌شناسی تاریخی: «در این خصوص باید گفت که اصولاً در روش جامعه‌شناسی تاریخی شناخت‌شناسی، ابزارها و بازخوردهای یک پدیده مورد بررسی واقع می‌گردند» (فروزان، عالیشاهی و محمددوست، ۱۳۹۶: ۷). به‌عنوان مثال، در راستای بررسی دلایل قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی بین‌المللی از سوی

ایالات متحده، با استفاده از این نوع روش تحقیق، رویکردها و ابزارهایی که منجر به اتخاذ چنین سیاستی گردید و همچنین در ادامه، بازخوردهای امنیتی و سیاسی چنین سیاستی مورد تبیین و بررسی علمی قرار می‌گیرند. از این‌رو، پژوهش حاضر برای پویا نمودن ذهن خوانندگان و آشنایی هرچه بیشتر و بهتر آنان با دلایل قرار گرفتن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سوی ترامپ و دیگر محافظه‌کاران در فهرست گروه‌های تروریستی، از این روش استفاده نموده است.

۲. روش آینده‌پژوهی: آینده‌پژوهی، دانش تحلیل، طراحی و برپایی هوشمندانه آینده است که به ما می‌آموزد در مواجهه با پدیده غیرمحسوسی به نام آینده چگونه برخورد کنیم. آینده‌پژوهی در حقیقت دانش و معرفت شکل بخشیدن به آینده به‌گونه‌ای آگاهانه، فعالانه، پیش‌دستانه و با مشخصه‌هایی همچون تمرکز بر روی موضوعات بلندمدت، متعهد به نتایج و نظام‌مند بودن است (قدیری، ۱۳۸۴).

«آینده‌پژوهان با بررسی و تحلیل‌های گوناگون، آینده را پیش‌بینی می‌کنند. این پیش‌بینی‌ها به‌صورت «سناریو» طرح می‌شود. سناریوپردازی را می‌توان از کاربردی‌ترین و پر استفاده‌ترین روش‌های آینده‌پژوهی دانست که کاربردهای زیادی در سیاست‌گذاری راهبردی و آینده‌نگاری‌های بلندمدت دارد» (ملکی‌فر، ۱۳۸۵: ۳۴). فرهنگ لغت، سناریو را طرح کلی وضعیت طبیعی و یا مورد انتظار حوادث می‌داند، اما اگر تخصصی‌تر بخواهیم آن را تعریف کنیم، می‌توان گفت که سناریو، داستانی توصیفی از بدیل‌های موجه است که به بخش خاصی از آینده توجه دارد. سناریو مجموعه امکاناتی است که به آینده مرتبط می‌شود. آینده نامعلوم است و سناریو، اندیشیدن در مورد نامعلومی را به ما می‌آموزد. سناریوها به ما می‌آموزند که درباره همین نامعلومی‌ها بیندیشیم و فرض‌های دست‌وپاگیر امروزی را از دست‌وپای ذهن باز کنیم و بتوانیم گسست‌هایی را که ممکن است جهان ما را دگرگون سازند، شناسایی کنیم. در آینده‌پژوهی می‌توان سه سناریوی «ممکن»، «محتمل» و «دلخواه» را ترسیم کرد (ویلرایت، ۱۳۹۴: ۵۱ - ۵۲). برخی از مهم‌ترین پیش‌فرض‌های آینده‌پژوهی عبارت‌اند از:

۱. آینده امکان‌پذیر: هر چیزی اعم از خوب یا بد، محتمل یا بعید که می‌تواند در آینده رخ دهد؛
۲. آینده‌های رخ‌دانی یا محتمل: آنچه به احتمال بسیار زیاد در آینده به وقوع خواهد پیوست؛
۳. آینده‌های دلخواه: آنچه بهینه‌ترین و دلخواه‌ترین رویداد آینده است (اسلاتر، ۱۳۹۰: ۴۸).

از این‌رو، این مقاله، پس از تبیین دلایل قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌عنوان یک نیروی نظامی رسمی در فهرست گروه‌های تروریستی بین‌المللی، در ادامه با بهره‌گیری از روش آینده‌پژوهی به ترسیم چند سناریو در خصوص مسائل امنیتی و اقتصادی منطقه مبادرت خواهد نمود.

نوآوری مقاله کنونی، تأکید بر چالش‌های فزاینده میان جمهوری اسلامی ایران و نومحافظه‌کاران ایالات متحده و تبیین مسئله قرار گرفتن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی و سناریوهای محتمل آن در منطقه خواهد بود. به عبارت دیگر، برخی از مهم‌ترین جنبه‌های نوآوری این مقاله را می‌توان به صورت‌های ذیل برشمرد:

۱. تبیین تهدیدات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌مثابه یک نهاد انقلابی و شیعی در برابر منافع ایالات متحده در منطقه خاورمیانه؛
۲. بازخورد قرار گرفتن نام سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی بر امنیت منطقه؛
۳. میزان تعامل و هم‌گرایی نیروهای مقاومت در منطقه علیه سیاست‌های ایالات متحده؛
۴. سناریوهای محتمل در قبال قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی بین‌المللی.

چارچوب نظری، رئالیسم تهاجمی جان مرشایمر

مهم‌ترین مبانی تئوری‌های رئالیستی روابط بین‌الملل به‌طور خلاصه عبارت‌اند از: دولت‌بازیرگر اصلی در نظام بین‌الملل (دولت‌گرایی) و هدف اصلی در سیاست بین‌الملل بقا^۱ است و از آنجایی که برخلاف ساختار داخلی، ساختار بین‌الملل آنارشیک است، لذا در این ساختار هرچو مرج‌آمیز، خودیاری الزاماً قاعده عمل است و اصولاً، برخلاف آرمان‌گرایی، انقلاب و تحول بارز و بنیادین در نظام و سیاست بین‌الملل بی‌معناست، زیرا به‌دلیل آنارشیک بودن ساختار نظام بین‌الملل، کشورهای انقلابی نیز همانند بازیگران عادی به جستجوی تأمین منافع، افزایش قدرت و تأمین امنیت برای خویش برخوانند آمد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۸: ۱۴۴). تئوری‌های رئالیستی روابط بین‌الملل در قرن بیستم سیر تکامل خود را ادامه دادند و از درون آنها نظریه‌های «رئالیسم ساختاری»^۲ «والتز»^۳ و «رئالیسم نئوکلاسیک»^۴ «گیدئون رز»^۵ متولد شدند که توانستند تحلیل متفاوت‌تری از تحولات و ابعاد نظام بین‌الملل را ارائه نمایند (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۷۹).

تحول دیگر در تئوری‌های واقع‌گرایانه، ظهور رئالیسم تهاجمی است که با کتاب «تراژدی

¹ Survive

² Structural Realism

³ Kenneth waltz

⁴ Neoclassical realism

⁵ Gideon Rose

سیاست‌های قدرت‌های بزرگ»^۱ نوشته «جان مرشایمر»^۲ به عرصهٔ تئوریک روابط بین‌الملل وارد شد که ثمرهٔ تحولات درونی نظریهٔ رئالیسم بود و برداشتی امنیتی و توسعه داده شده از نظریهٔ رئالیسم ساختاری والتز ارائه داد. این تئوری برخلاف رئالیسم کلاسیک، مهم‌ترین مسئله را برای دولت‌ها، امنیت‌سازی می‌داند و نگاه متفاوتی به علل و ریشه‌های پویش‌های رفتاری بازیگران در نظام آنارشیک بین‌الملل دارد. از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این نظریه می‌توان از جان میرشایمر، «رابرت جرویس»^۳، «جک اسنایدر»^۴، «فرید زکریا»^۵، «ویلیام وولفورت»^۶ و «توماس کریستیانسن»^۷ نام برد (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۳۲).

مبانی رئالیسم تهاجمی

۱. رئالیست‌های تهاجمی بر این باورند که به علت آنارشیک بودن ماهیت نظام بین‌الملل، مخاصمه در نظام بین‌الملل اجتناب‌ناپذیر است. به عبارت دیگر، در نگاه آنها «آنارشی»^۸ از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. این آنارشی عموماً وضعیتی هابزی است که در آن امنیت امری کمیاب است و دولت‌ها می‌کوشند تا با به حداکثر رساندن امتیازات نسبی خود، به آن نائل شوند (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۴۲۲ - ۴۲۳).

۲. رئالیست‌های تهاجمی بر این باورند که تهاجم امری ذاتی برای دولت‌ها بشمار می‌رود. تئورسین‌های رئالیسم تهاجمی معتقد به فشارهای سیستمی وارد بر دولت‌ها هستند که سبب همسانی رفتارهای دولت‌های دارای قدرت‌ها و موقعیت‌های متفاوت در محیط بین‌الملل می‌گردد؛ یعنی تفاوت داخلی کشورها بی‌اهمیت است و فشارهای ساختاری چنان قدرتمندند که آنها را وادار به اتخاذ جهت‌گیری مشابه می‌کند.

۳. «برای رئالیست‌های تهاجمی، «قدرت نسبی»^۹ برای دولت‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا آنارشی دولت‌ها را وادار می‌سازد تا قدرت یا نفوذ نسبی خود را به حداکثر برسانند» (سلیمی، ۱۳۸۴: ۲۴).

¹ The tragedy of great powers politics

² John Mearsheimer

³ Robert Jervis

⁴ Jack Snyder

⁵ Fareed Zakaria

⁶ William Wohlforth

⁷ Thomas Christensen

⁸ Anarchy

⁹ Relative Power

۴. از سوی دیگر، تأکید آنها بر تحلیل‌های تاریخی است. به‌عنوان مثال، فرید زکریا بر این باور است که تاریخ نشان می‌دهد که دولت‌ها در شرایطی که به شکلی فزاینده، ثروتمند می‌شوند، به ایجاد ارتش‌های بزرگ روی می‌آورند و خود را درگیر مسائل خارج از مرزهایشان می‌کنند و به دنبال افزایش نفوذ بین‌المللی خود می‌روند؛ یعنی هراندازه قدرت دولت و قدرت ملی افزایش پیدا کند، منجر به سیاست‌های خارجی توسعه‌طلبانه‌تری می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، توانمندی‌های نسبی تا حد زیادی به نیات دولت‌ها شکل می‌دهد و این مسئله را می‌توان بر اساس رفتار دولت در طول تاریخ اثبات نمود. بنابراین تهاجمی‌ها به قدرت و امنیت مطلق باوری ندارند بلکه ازدیاد دائمی قدرت برایشان از اولویت برخوردار است تا در پرتو آن به امنیت نسبی و حداکثری دست یابند (آدمی و دشتگرد، ۱۳۹۱: ۴).

۵. افزایش دائمی قدرت: مرشایم بر این باور است که رهبران کشورها باید آن دسته از سیاست‌های امنیتی را دنبال کنند که دشمنان بالقوه آنان را تضعیف می‌کند و قدرت آنها را نسبت به بقیه کشورها افزایش می‌دهد. در نگاه او اگر کشوری خواستار بقاست باید رئالیست تهاجمی خوبی باشد، زیرا از منظر رئالیست‌های تهاجمی، ماهیت رقابت‌آمیز روابط بین‌الملل، به‌طور دائم در حال تشدید شدن است و بنابراین لازم است که کشورها همواره در حال افزایش قدرت خود باشند تا به حدی از قدرت برسند که هیچ کشوری نتواند طمع حمله به آنها نماید. به همین دلیل، در نگاه آنان کاهش بودجه نظامی پس از جنگ سرد اشتباه بود، زیرا رهبران کشورها همواره باید منتظر حمله کشور توسعه‌طلبی باشند که نظم جهانی را به چالش می‌کشد (بصیری، ایزانلو و بانژاد، ۱۳۹۲: ۴۹).

۶. کسب بقا منوط به اتخاذ وضعیت تهاجمی است: رئالیست‌های تهاجمی بر این باورند که از آنجایی که مقاصد دولت‌ها مشخص نیست، در نتیجه خروج از وضعیت تهاجمی باعث به مخاطره افتادن بقای دولت می‌گردد. پیروان این مکتب بر این باورند که دولت‌ها در جهانی زندگی می‌کنند که سرشار از تهدیدات است و دولت‌ها واحدهایی هستند که تمایل دارند قدرت خود را به حداکثر برسانند تا بتوانند به بقای خود ادامه دهند. این افزایش قدرت نسبی به معنای کسب قدرت به زیان دیگران است. به‌عبارت‌دیگر، دولت‌ها در حالت نامنی دائمی به سر می‌برند و همواره در وضعیت عدم قطعیت و بی‌اعتمادی نسبت به تمامی کشورها و قدرت‌های دیگر قرار دارند، زیرا در هر موقعیتی ممکن است یکی از آنان به اقدامی علیه امنیت آنها دست بزند (Kirshner, 2010: 61).

۷. از سوی دیگر، رئالیست‌های تهاجمی به تنش‌زدایی^۱ نیز اعتقادی ندارند و از منظر آنان

^۱ Detent

تنش‌زدایی‌هایی که در تاریخ روابط بین‌الملل وجود دارد، صرفاً به‌منزلهٔ ایجاد فرصت و فضای تنفسی برای دولت‌ها بوده که به آنها اجازه می‌داد تا به موقعیت مطلوب و بهتری برسند. قدرت‌طلبی دولت‌ها، اصلی ثابت در روابط بین‌الملل است که می‌توان برای آن سه دلیل عمده ذکر کرد؛ یعنی ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، توانمندی‌های تهاجمی که همه دولت‌ها از آن برخوردارند و عدم‌اطمینان در مورد نیت و مقاصد دشمن. بنابراین، در نگاه رئالیست‌های تهاجمی، مهم‌ترین عوامل در تبیین و تحلیل روابط بین‌الملل، عوامل ساختاری مانند آنارشی و توزیع قدرت است (حاتم‌زاده و متی، ۱۳۹۶: ۸).

۸. رئالیست‌های تهاجمی، نهادهای بین‌المللی را مهم تلقی نمی‌کنند، زیرا آن نهادها را ابزار قدرت‌های بزرگ برای ساده‌سازی دستیابی به اهدافشان می‌دانند. به‌عبارت‌دیگر، قدرت‌های بزرگ به نهادها شکل می‌دهند تا بتوانند سهم خود از قدرت جهانی را حفظ کنند و یا حتی آن را افزایش دهند. بنابراین، آنچه برای رئالیست‌های تهاجمی از اهمیت برخوردار می‌باشد، توزیع قدرت میان کشورها است. در نگاه آنها، نهادها در تاریخ روابط بین‌الملل نقش چندانی نداشته‌اند و صرفاً جنبهٔ ابزارگونه‌ای را ایفا نموده‌اند.

۹. رئالیست‌های تهاجمی به‌طور کل با مسئلهٔ خلع سلاح ابرقدرت‌ها و قدرت‌های بزرگ که به نظام بین‌الملل نظم می‌بخشند، مخالف‌اند، زیرا این امر باعث کاهش قدرت آنها در مقایسه با قدرت‌های ضعیف‌تر می‌گردد و ممکن است سبب تشویق دولت‌های توسعه‌طلب برای برهم زدن نظم موجود محیط بین‌الملل گردد (صالحی و زارع، ۱۳۹۶: ۹۷ - ۹۸).

مبانی و مفاهیم نظری

۱. هژمونی

«واژهٔ هژمونی یا برتری‌جویی از «هژمون» یا «برتری» می‌آید» (یزدان‌فام، ۱۳۸۵: ۶۱۱). این واژه، کلمه‌ای یونانی و به‌معنای «ریاست» است و در حوزهٔ روابط بین‌الملل کاربرد وسیعی دارد و به‌منظور توصیف قوی‌ترین کشور در نظام بین‌الملل است؛ بدان معنا که این دولت به‌حدی قدرتمند شده که هیچ دولت دیگری توانایی مالی و نظامی را برای یک مبارزه جدی علیه او ندارد (زرزندی و فیضی، ۱۳۹۰: ۱۷۹ - ۱۸۰). «فرهنگ دانشگاهی «بوستر» آن را به‌عنوان نفوذ و اقتدار غالب، به‌ویژه یک کشور بر دیگری تعریف می‌کند و در اندیشه‌های «گرامشی»^۱ نیز به‌معنای سلطهٔ ایدئولوژیک تعریف می‌شود» (DuBois, 2005: 116).

^۱ Antonio Francesco Gramsci

«مرشایمر دولت هژمون را قدرتمندترین دولت در نظام بین‌الملل و هژمونی را به معنای سلطه بر کل جهان می‌داند که ممکن است به صورت جزئی‌تر برای یک منطقه خاص جغرافیایی نیز به کار رود و برای یک هژمون جهانی و منطقه‌ای تفاوت قائل می‌شود» (مرشایمر، ۱۳۹۳: ۴۶).

۲. رئالسیسم تهاجمی

یکی از کسانی که موازنه قدرت در تئوری او نقش کانونی بازی می‌کند، جان مرشایمر است که معتقد است برای فهم سیاست بین‌الملل باید از منطق موازنه قدرت استفاده کرد. مرشایمر تئوری خود را بر مبنای کشورهای تجدیدنظرطلب بنا می‌نهد و به همین دلیل آن را رئالسیسم تهاجمی می‌نامد (مرشایمر، ۱۳۹۱: ۶۲). در قالب این تئوری، مرشایمر معتقد است که قدرت‌های بزرگ در قالب موازنه قدرت باید دائماً بر تغییر توزیع نظامی و قدرت پنهان (ثروت و جمعیت) نظارت داشته باشند و هر کجا و هر زمان که توانستند، استراتژی‌هایی را دنبال کنند که موازنه قدرت را به نفع آنها تغییر دهد (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۳۰ - ۳۳۱). از دید جان مرشایمر، دولت‌ها در جهانی زندگی می‌کنند که سرشار از تهدیدات و واحدهایی است که تمایل دارند قدرت خود را به حداکثر برسانند تا بتوانند به بقای خود ادامه دهند: «هدف اصلی هر دولتی آن است که سهم خود را از قدرت جهانی به حداکثر برساند که این به معنای کسب قدرت به زیان دیگران است». از نظر مرشایمر، هر چند دولت‌ها سیاست تنش‌زدایی را نیز دنبال کرده‌اند، اما این تلاش‌ها برای ایجاد فرصت و استفاده از آن در موقعیتی بهتر بوده است (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۱۳۲ - ۱۳۱). «این نظریه معتقد است که از آنجا که امنیت و بقا هرگز در سیستم بین‌الملل تأمین نمی‌گردد، دولت‌ها خواهان دستیابی به حداکثر امنیت با افزایش قدرت نسبی خود می‌باشند، افزایشی که سود آن از هزینه‌اش بیشتر است» (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۰۶).

۳. بین‌الملل‌گرایی لیبرال

بین‌الملل‌گرایان موافق اولویت دادن به اهداف بین‌المللی به جای اهداف ملی، تمرکز بر سراسر جهان به جای کشورها و مناطق خاص جغرافیایی، چندجانبه‌گرایی به جای یک‌جانبه‌گرایی، ایفای نقش رهبری مشروع و مشارکتی به جای رهبری ضعیف و یک‌جانبه و از طرف دیگر، موافق درگیر شدن در امور بین‌الملل، مخالف نسبی نظامی‌گرایی و مداخله‌گرایی، طرفدار سرسخت جهانی شدن اقتصاد و پایبند به تعهدات اخلاقی هستند (سلیمان‌زاده، امیدی و براتی، ۱۳۹۷: ۲۷۳).

تجزیه و تحلیل دلایل قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی از سوی نو محافظه کاران ایالات متحده آمریکا

با ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید، سیاست‌های پراگماتیسمی ایالات متحده سه جریان کلان را در قبال خاورمیانه پیگیری نمود. جریان نخست، حضور حداقلی با محوریت کاهش هزینه‌های اقتصادی؛ جریان دوم، تحدید قدرت دشمنان با کاربست تهدید و تحریم و جریان سوم نیز معطوف به توسعه درآمدهای اقتصادی با رویکردهای نظامی‌گری و پیمان‌های اقتصادی با متحدان منطقه‌ای خود همچون عربستان سعودی است. در هر سه رویکرد، ترامپ، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به‌مثابه مانع مهمی برای تحقق اهداف خود (حداقل در جریان‌های اول و دوم) تلقی نمود. از این رو، سیاست‌های خود را به سمت وسوی ایران‌هراسی و تحقق هلال شیعی با محوریت سیاست‌های سپاه پاسداران سوق داد. در ذیل، برخی از مهم‌ترین رویکردهای ترامپ در خصوص قرار دادن نام سپاه در فهرست گروه‌های تروریستی را تبیین خواهیم نمود.

۱. نفی بسط مرجعیت نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه در دوران پساداعش
 پس از ظهور امواج جدیدی از اسلام رادیکال در قالب داعش و شیوع تروریسم در منطقه غرب آسیا و متعاقب آن تعمیق بحران در کشورهای عراق و سوریه که از متحدان استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه بشمار می‌روند، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با اعزام برخی از مشاوران ارشد نظامی خود، به سازمان‌دهی بخش مهمی از نیروهای نظامی (بحران‌زده) و حمایت‌های لجستیکی وسیع از کشورهای مذکور پرداخت. در این میان، شکل‌گیری شبه‌نظامیان حشدالشعبی در عراق را می‌توان یک دستاورد بسیار مهم برای شیعیان منطقه قلمداد نمود. شبه‌نظامیانی که ساختار سازمانی و نظامی آن تا حد زیادی به شبه‌نظامیان بسیج در جمهوری اسلامی ایران شباهت دارد (Alishahi, 2019: 4). البته نبایستی نقش مرجعیت عراق در شکل‌گیری این شبه‌نظامیان را نادیده گرفت. «در واقع، فرمان تاریخی آیت‌الله‌العظمی سید علی سیستانی، مرجعیت‌اعلی‌عراق در اعلام جهاد علیه داعش، در ادامه به شکل‌گیری حشدالشعبی کمک شایانی نمود» (عالیشاهی، فروزان و مسعودنیا، ۱۳۹۸: ۲۱۰).

از طرفی، ساختار ضدآمریکایی نظامیان حشدالشعبی، پس از رسمیت یافتن فعالیت‌های قانونی در مجلس عراق، بیش‌ازپیش شرایط را برای ائتلاف شیعیان منطقه فراهم نمود و این مسئله قابل‌پذیرشی برای ترامپ و متحدان راهبردی‌اش در منطقه نبود. گذشته از عراق و سوریه، قدرت

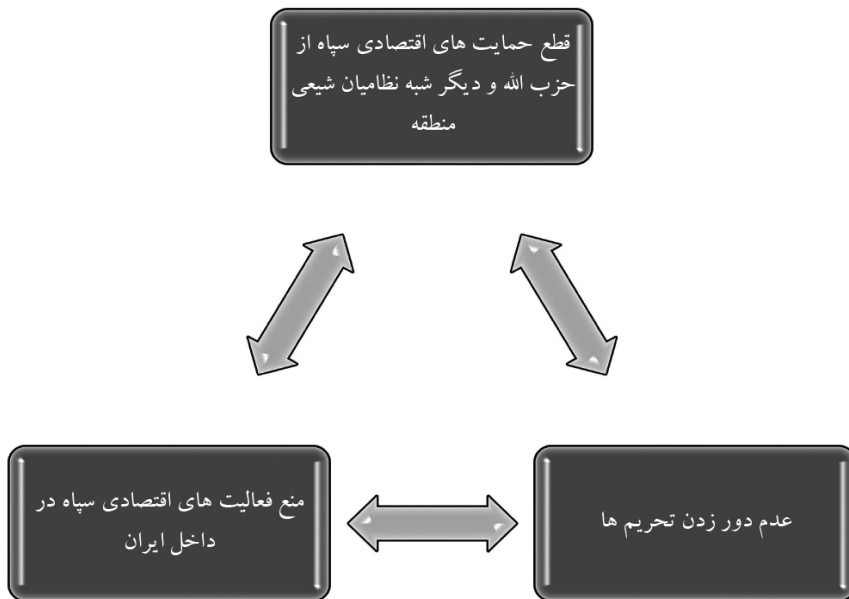
فزاینده شبه‌نظامیان شیعی «انصارالله یمن» نیز نگرانی‌های فزاینده‌ای را برای ترامپ و متحدان منطقه‌ای وی، همچون سعودی‌ها و اماراتی‌ها برانگیخته است. انصارالله یمن، در ائتلاف راهبردی و ایدئولوژیکی گسترده‌ای با جمهوری اسلامی ایران به سر می‌برد. مسئله مقاومت، ضدیت با یهود و دشمنی با ایالات متحده، سه بعد کلان و اساسی انصارالله در مبارزه با سعودی‌ها است. عمده نگرانی‌های ترامپ در خصوص قدرت موشکی، پهپادی، استراتژیکی و سازمانی انصارالله یمن پیرامون مسئله امنیت سعودی‌ها است. این مسئله‌ای است که صادرات نفت سعودی‌ها و توسعه شرکت نفت آرامکو را به شدت با تهدید مواجه کرده است. نگرانی دوم ترامپ، توسعه قدرت برد موشکی انصارالله یمن است، به نحوی که هم‌اکنون انصارالله توانایی هدف قرار دادن تل‌آویو را از صفا دارد (Alishahi, SoleimaniSouchelmaei & HosseinPour, 2020: 34).

ترامپ به خوبی با قدرت نظامی و استراتژیکی سپاه، به‌ویژه پس از اضمحلال داعش در منطقه، آگاه است. در واقع، ترامپ با اتهام‌زنی به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مدعی است که تجهیز شبه‌نظامیان شیعی در منطقه، ناامن کردن مرزهای جغرافیایی رژیم اشغالگر قدس، حمله موشکی به مواضع نفتی عربستان سعودی و حمله به بندرهای اماراتی، همگی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با تجهیزات پیشرفته نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صورت می‌گیرد (Abdolreza & SoleimaniSouchelmaei, 2020: 8).

۲. قطع جریان اقتصادی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

از دلایل مهم دیگری که ترامپ نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست گروه‌های تروریستی بین‌المللی قرار داد، قطع جریان مالی این نهاد بوده است. به عقیده ترامپ، سپاه مهم‌ترین عامل حمایت‌های اقتصادی از گروه‌های تروریستی و شبه‌نظامیان شیعی منطقه است. ترامپ با اتخاذ چنین راهبردی درصدد تحقق دو هدف کلان بوده است؛ نخست، برجسته کردن بیش‌ازپیش خطر سپاه در منطقه و ادامه روند انعقاد قراردادهای سنگین تسلیحاتی با متحدان منطقه‌ای خود همچون عربستان سعودی و همچنین تهییج افکار آنان. در این راستا، ترامپ که پیش‌تر سابقه انعقاد قرارداد سنگین ۵۰۰ میلیارد دلاری را با سعودی‌ها داشته است (مسعودنیا، فروزان و عالی‌شاهی، ۱۳۹۵: ۱۵۰)، این بار نیز به نظر، خواهان تحقق این مسئله است. هدف دوم ترامپ، قطع جریان اقتصادی سپاه در منطقه است. جریان اقتصادی سپاه به عقیده رهبران ایالات متحده می‌تواند چند ره‌آورد به همراه داشته باشد. ره‌آورد نخست، قطع حمایت‌های اقتصادی سپاه از «حزب‌الله لبنان» است. در این

راستا، دولت ترامپ برخی از سران حزب‌الله لبنان همچون «محمد بازی»، «ادهم تاجا» و «علی چرارا» را در فهرست سیاه تروریسم قرار داد و همچنین، جایزه ده میلیون دلاری را برای شناسایی آنان ارائه کرده است. در واقع، مقامات ارشد دولت آمریکا با این ادعا که حزب‌الله لبنان «گروه تروریستی» است و سپاه ایران آن را تجهیز می‌کند و آموزش می‌دهد و امکانات مالی در اختیار آن می‌گذارد، چنین سیاستی را اتخاذ نموده است (خبرگزاری تابناک، ۳ اردیبهشت ۱۳۹۸). ره‌آورد دوم، ناتوانی سپاه در انجام فعالیت‌هایی می‌باشد که به عقیده سران ایالات متحده، دور زدن تحریم‌ها است. رهبران ایالات متحده بارها برخی از فرماندهان ارشد سپاه ایران را به دور زدن تحریم‌های بین‌المللی متهم کرده‌اند و معتقدند که جمهوری اسلامی ایران به‌واسطه این افراد، به‌طور مستقیم یا با واسطه وارد مبادلات اقتصادی بین‌المللی می‌گردد که پیش‌تر از سوی ایالات متحده تحریم شده بودند. ره‌آورد سوم، منع فعالیت‌های اقتصادی سپاه در داخل کشور است. ترامپ و دیگر نومحافظه‌کاران ایالات متحده با این استدلال که امروز بسیاری از طرح‌های اقتصادی و زیربنایی ایران همچون ارتباطات، سدسازی، راه‌ترابری و حتی فروش نفت در اختیار سپاه قرار دارد، با قرار دادن نام این نهاد در فهرست گروه‌های تروریستی، درصدد حذف آن از کلیه امور اقتصادی می‌باشند (Wroughton & Hafezi, 2019: 3).



شکل شماره ۱: استراتژی‌های ترامپ برای قطع نمودن جریان اقتصادی سپاه

۳. تشدید جنگ روانی و ایجاد التهاب بیشتر در داخل کشور

یکی از استراتژی‌های مهم رهبران ایالات متحده در مقابله با نیروهای رقیب و دشمن، استفاده از حرب‌های روانی و تشدید تنش‌ها با توسل به راهکارهای مختلف است. واقعیت این است که دونالد ترامپ با تمسک به قدرت رسانه‌ای و فضای مجازی، بعضاً دستاوردهای مهمی را در این زمینه کسب نموده است. به‌عنوان مثال، پیش از خروج رسمی ایالات متحده از برجام و تنها با اعلام آن در فضای مجازی و توئیتر، قیمت ارز در بازارهای ایران با نوسانات وسیعی مواجه شد. از طرفی، اتخاذ چنین سیاست‌هایی در قبال برخی از رقبای اقتصادی ایالات متحده همچون جمهوری خلق چین و اتحادیه اروپا نیز صورت پذیرفت. ترامپ با اعلام قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی، به دنبال ایجاد تنش در فضای داخلی ایران بوده است. در واقع، معادلات سیاسی ترامپ در خصوص فضای سیاسی داخل ایران، به دنبال بررسی وضعیت اپوزیسیون سیاسی و دیگر جناح‌های فعال علیه سپاه بوده است. به عبارت دیگر، ترامپ درصدد بررسی دقیق این مسئله بوده است که آیا با اعلام قرار دادن نام سپاه در فهرست تروریست بین‌المللی، می‌تواند همچون زمان اعلام خروج از برجام به یک آشفتگی و هرج و مرج سیاسی در ایران دست یابد یا خیر؟^۱

۴. عدم کاربست تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران در دوران پسابرجام

«اوباما با اجرای رویکرد بین‌الملل‌گرایی لیبرال به دنبال تقویت جایگاه آمریکا در عرصه بین‌المللی و تبدیل آن به یک هژمون چندجانبه‌گرا در مقایسه با زمان حکومت جورج بوش بود که آمریکا در آن نقش امپراتورمآبانه‌ای را ایفا می‌کرد» (David & Grondin, 2016: 222). در این راستا، اوباما تنها یک سال پس از پیروزی در انتخابات، به دلیل تقویت دیپلماسی بین‌المللی و گسترش همکاری‌های جهانی موفق به دریافت جایزه صلح نوبل شد. یکی از مهم‌ترین رویکردهای ترامپ چه در هنگام مبارزات انتخاباتی با دموکرات‌ها و چه پس‌از آن، نقد و نفی سیاست‌های دموکرات‌ها، به‌ویژه باراک اوباما در خصوص مسئله مذاکرات با ایران بوده است (Thompson, 2018: 2). از طرفی، درحالی که

^۱ در این رابطه رجوع کنید به:

Trump designates Iran's Revolutionary Guards as foreign terrorist organization, The Guardian, 11 April 2019, Access in: <https://www.theguardian.com/world/2019/apr/08/>

سیاست تحریمی دولت اواما بیشتر مبتنی بر انگیزه متعهدسازی ایران به قواعد و هنجارهای بین‌المللی بوده است، انگیزه اصلی دولت ترامپ، پیشبرد حداکثری منافع ملی آمریکا فارغ از چارچوب‌ها و محدودیت‌های حقوقی بین‌الملل است. از این منظر، پذیرش برجام برای دولت اواما سیاستی کارآمد بود، چون سیاست هسته‌ای ایران را با هنجارهای بین‌المللی هماهنگ می‌کرد، اما برای دولت ترامپ با این استدلال که آن فاقد منفعت قابل توجه برای آمریکاست، ناکارآمد تلقی شد (قنبرلو، ۱۳۹۷: ۷۶ - ۷۷). «ترامپ بارها اعلام کرد که سیاست‌های باراک اواما نه تنها به اعمال محدودیت‌ها برای ایران منتهی نشد، بلکه بسترساز قدرت فزاینده سپاه پاسداران در مسائلی همچون تجهیزات موشکی، حمایت‌های نظامی از شبه‌نظامیان شیعی در منطقه و نفوذ وسیع ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی ایران گردیده است» (Alcaro, 2018: 14). از این رو، ترامپ با قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی، درصدد تحقق برخی از مهم‌ترین اهداف خود بوده است: ۱. نابودی میراث مبتنی بر سازش و مدارای اواما با جمهوری اسلامی ایران در راستای جلوگیری از نفوذ روزافزون سپاه در منطقه؛ ۲. تحریک متحدان منطقه‌ای خود، به‌ویژه بن‌سلمان و نتانیاهو علیه سپاه؛ ۳. جلوگیری از سرمایه‌گذاری در ایران و توسعه اقتصادی آن؛ ۴. دستیابی به دلارهای پادشاهان ثروتمند خلیج فارس؛ ۵. حذف یکی از مهم‌ترین نهادهای نظامی و حامی نظام ایران در راستای تغییر رژیم آن.



شکل شماره ۲: اهداف ترامپ در قبال قرار دادن نام سپاه در فهرست گروه‌های تروریستی

۵. گسست هم‌گرایی در میان جبهه مقاومت شیعیان

سومین علت قرار دادن نام سپاه در فهرست تروریستی از سوی ترامپ، ایجاد نوعی خدشه و واگرایی تدریجی در میان شیعیان و جبهه مقاومت در منطقه است. واقعیت این است که با ظهور گروهک تروریستی داعش و سقوط شهرهای مهمی از عراق و سوریه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی علاوه بر حمایت‌های لجستیکی از متحدان خود؛ یعنی دولت‌های اسد در سوریه و حیدرآبادی در عراق، نه تنها دستاوردهای این گروهک تروریستی را با مشکلات عدیده‌ای مواجه کرد، بلکه این مسئله زمینه‌های ائتلاف قدرتمندتر شیعیان در منطقه را نیز فراهم نمود (Al-Khoei, Geranmayeh & Toaldo, 2017: 6). شکل‌گیری شبه‌نظامیان حشدالشعبی در عراق، توسعه روزافزون قدرت موشکی و نظامی حزب‌الله لبنان، ساختار بندی نوین نظامیان شیعه در افغانستان و ائتلاف وسیع با انصارالله یمن، عملاً مواضع منطقه را به نفع سپاه پاسداران تغییر داد، حال آنکه ظهور و قوام داعش، اصولاً با هدف انحطاط دولت‌های شیعی منطقه همچون عراق و سوریه شکل گرفته بود (O'Driscoll & Van Zoonen, 2017: 24).

پس از اضمحلال نسبی تکفیریان داعش، ایالات متحده و دیگر متحدان منطقه‌ای آن، به خوبی دریافتند که ظهور داعش نتیجه‌ای معکوس داد؛ به این صورت که نه تنها اهداف مورد نظر آنان محقق نگردید، بلکه هم‌گرایی شیعیان منطقه نیز به بیشترین میزان خود در صدسال گذشته رسید. این مسئله را نیز نباید فراموش کرد که بسیاری از تئوریسین‌های نظامی عراق همچون «ابومهدی المهندس»، «شیخ اکرم الکعبی»، «فرمانده جنبش نجبای عراق»، «کتاب حزب‌الله عراق» و بسیاری دیگر از شبه‌نظامیان فعال در منطقه، همگی به نوعی در هم‌گرایی کامل با سیاست‌های نیروی قدس سپاه پاسداران قرار دارند. همچنین، میزان محبوبیت فرماندهان سپاه ایران همچون سردار سلیمانی در کشورهای منطقه، به‌ویژه عراق و سوریه به بیشترین میزان خود در حداقل چهار دهه اخیر رسیده است (Parello-Plesner, 2018: 16).

۶. تأمین امنیت رژیم اشغالگر قدس

چهارمین علت قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی را باید حمایت از امنیت و هویت یهودیان، به‌ویژه رژیم اشغالگر قدس دانست. مقاومت برخی از کشورهای منطقه در مقابل هژمونی آمریکا با محوریت و رهبری ایران، از جمله مهم‌ترین بحران‌های سیاسی خاورمیانه را تشکیل می‌دهد (Scazzieri, 2017: 6). در این راستا، اولین نکته، رژیم اشغالگر قدس است که به‌عنوان متحد استراتژیک آمریکا و حافظ منافع آن کشور در خاورمیانه، در

معرض تهدید جدی ناشی از مقاومت اسلامی، به‌ویژه از سوی انقلاب اسلامی ایران قرار دارد. طرح «خاورمیانه بزرگ»^۱ بوش در ابتدا با هدف تهدیدزدایی از رژیم اشغالگر قدس و تضمین امنیت آن ارائه شد. در مقابل، رژیم اشغالگر قدس نیز به‌عنوان اصلی‌ترین حامی سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا نقش ایفا می‌کند. در تحولات خاورمیانه، رژیم اشغالگر قدس گزینه‌ای مطمئن و مورد اعتماد نظام سرمایه‌داری برای حفظ نظم موجود است. در این راستا، اشغال نظامی عراق علاوه بر نابودی یکی از جدی‌ترین دشمنان رژیم اشغالگر قدس، حیطة امنیتی تل‌آویو را نیز تا بغداد توسعه می‌دهد و به‌طور هم‌زمان با تهدیدات ایران و حزب‌الله لبنان مقابله می‌کند (سیمبر، ۱۳۸۹: ۱۱۶ - ۱۱۷).

در عین حال، نباید فراموش کنیم که اسلام سیاسی با محوریت و مرکزیت انقلاب اسلامی ایران یکی از منابع مهم و الهام‌بخش برای مخالفت‌های آمریکا با ایران است. بحران یازدهم سپتامبر باعث شد تا آمریکا بتواند از طریق اشغال نظامی افغانستان و عراق دست به محاصره فیزیکی ایران بزند، اما همین اشغال یک جنبه متناقض‌نما دارد، چراکه هم‌زمان با اشغال عراق، زمینه راهبردی قدرت یافتن بیش از صد و چهل میلیون نفر از جمعیت شیعه منطقه با رهبری جمهوری اسلامی ایران را نیز فراهم آورد (سیمبر و قربانی‌نشین، ۱۳۸۷: ۱۹۸ - ۱۹۹). این در حالی است که باید در خاطر داشته باشیم که دیدگاه باز و عمیق اسلام شیعه با دیدگاه مبتنی بر تفسیر سلفی از اسلام و قرآن، سختی ندارد و ایرانیان شیعه و شیعیان عراق نیز خود اولین قربانی این افراطی‌گری اسلام سلفی هستند، اما دولت آمریکا اصرار دارد تا ایران را رهبر تروریسم در منطقه و در سطح نظام بین‌الملل معرفی کند و به این ترتیب آن را منزوی و محدود سازد. دولتمردان و سیاست‌گذاران آمریکا ریشه تروریسم در خاورمیانه را بنیادگرایی اسلامی ایرانی می‌دانند (Nasr, 2006: 30-31). از طرفی، حمایت از آرمان‌های فلسطین و آزادی قدس، یکی از مهم‌ترین دلایل عناد و خصومت جمهوری اسلامی ایران به‌صورت اعم و سپاه پاسداران به‌صورت اخص با رژیم اشغالگر قدس بوده است. در واقع، ریشه‌های این چالش، مبنایی ایدئولوژیک داشته و سپاه پاسداران نیز پیش‌تر چند تن از فرماندهان ارشد خود همچون «احمد متوسلیان» را بر اثر تحرکات رژیم اشغالگر قدس از دست داده است. همچنین، ترور برخی از دانشمندان هسته‌ای ایران، میزان این چالش را به بیشترین میزان خود رسانده است. اوج این مسئله، شهادت چند تن از پاسداران ایرانی در حملات صهیونیست‌ها به سوریه بوده است (Barnes-Dacey, Geranmayeh & Lovatt, 2017: 6).

رژیم اشغالگر قدس و متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن نیز به‌خوبی از این استراتژی‌ها آگاه

^۱ Greater Middle East

هستند، به‌نحوی که امروزه سران این رژیم در راستای مقابله به‌مثل با سیاست‌های سپاه پاسداران، به چند رویکرد کلی مبادرت نموده‌اند:

۱. ناامن کردن مرزهای جمهوری اسلامی ایران با توسل به ورود تروریست‌ها به داخل مرزهای ایران؛
۲. توسعه فعالیت‌های جاسوسی درخصوص سپاه، به‌ویژه درزمینه‌های موشکی و نظامی؛
۳. ترور دانشمندان و مهندسان نظامی سپاه همچون حسن تهرانی‌مقدم و...؛
۴. حمایت‌های لجستیکی و اقتصادی از گروهک‌های تروریستی در مناطق غربی و جنوب‌شرقی ایران؛
۵. تحریک متحدان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در محکومیت فعالیت‌های سپاه و فرماندهان آن؛
۶. حمله مستقیم به مواضع سپاه پاسداران در برخی از مناطق خاورمیانه همچون سوریه؛
۷. جنگ رسانه‌ای وسیع و تبلیغات گسترده علیه سپاه؛
۸. تهدید فرماندهان ارشد سپاه به جنگ مستقیم (Juneau, 2017: 67 - 69).

پیامدهای قرار دادن نام سپاه در فهرست تروریست بین‌المللی از سوی ترامپ

قسمت پایانی این پژوهش با بهره‌گیری از روش آینده‌پژوهی به تبیین و ترسیم پیامدهای قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی بین‌المللی می‌پردازد. به‌عبارت‌دیگر، این مقاله درصدد ترسیم چند سناریوی محتمل از آینده امنیتی، اقتصادی و سیاسی بر اساس این تصمیم ترامپ خواهد بود.

۱. هم‌گرایی فزاینده طیف‌های سیاسی در داخل

نخستین بازخورد قرار گرفتن نام سپاه در فهرست تروریست بین‌المللی، ایجاد ائتلاف قدرتمند جناح‌های سیاسی در داخل کشور بوده است، به‌نحوی که حتی جریان‌های اپوزیسیون داخلی نیز با اعلام هم‌گرایی با سپاه، به‌شدت با سیاست‌های ترامپ در این راستا مخالفت کردند. کمیسیون امنیت ملی جمهوری اسلامی نیز ضمن خطرناک برشمردن این اقدام ترامپ، در اقدامی متقابل، تمامی نیروهای نظامی آمریکایی در منطقه خاورمیانه و شرق آفریقا را به‌مثابه نیروهای تروریستی برشمرد و آنان را در ذیل گروه‌های داعش در منطقه قلمداد کرد و حق برخورد با آنان را برای جمهوری اسلامی ایران قائل شد. ازطرفی، مجلس ایران نیز با محکومیت این اقدام ترامپ، نه‌تنها به حمایت‌های همه‌جانبه از سپاه مبادرت نمود، بلکه بسیاری از نمایندگان مجلس ایران در اقدامی نمادین با بر تن داشتن لباس سبز سپاه وارد صحن مجلس شدند. ارتش جمهوری اسلامی ایران

و نیروی انتظامی هم به‌عنوان دیگر بازیگران عرصه نظامی ایران با محکومیت این اقدام ترامپ و اعلام همبستگی بیش‌ازپیش با سپاه، خود را آماده هرگونه مقابله با نیروهای آمریکایی در منطقه نمودند. از این‌رو، نخستین بازخورد اتخاذ چنین سیاستی از سوی ترامپ، ایجاد ائتلاف قدرتمند جریان‌های سیاسی و نظامی در داخل کشورمان بوده است. سناریوی محتمل این مسئله نیز آمادگی یکپارچه جامعه سیاسی و نظامی ایران در برخورد با ایالات‌متحده و اعلام آمادگی آنان برای یک جنگ محتمل است.

۲. ائتلاف قدرتمندتر جریان شیعی در منطقه

از سویی دیگر، در سطح منطقه نیز ائتلاف شیعیان پس از اعلام تروریستی قلمداد شدن سپاه، بازهم قوام بیشتری یافت. دولت‌های عراق، سوریه، حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن و حزب‌الله عراق با محکومیت این اقدام ترامپ، همبستگی و ائتلاف خود را با سپاه اعلام نمودند. سناریوی محتمل این جریان می‌تواند این مسئله باشد که هرگونه اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران در منطقه، پای شبه‌نظامیان شیعی لبنان، عراق، سوریه، یمن، افغانستان و پاکستان را نیز به صحنه مبارزه باز خواهد کرد. در این خصوص، انصارالله یمن با موشک‌باران مناطق نفت‌خیز سعودی که سابقه پیشین نیز داشته، هشدار جدی به ترامپ و متحدان وی داده است. شبه‌نظامیان عراق نیز هرگونه جنگ نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران را به‌مثابه تجاوز به کل نیروهای شیعه در منطقه قلمداد کردند و حزب‌الله لبنان هم با محکومیت این اقدام ترامپ، حضور در جبهه‌های مبارزه با سپاه علیه نیروهای آمریکایی - صهیونیستی را حتمی دانست.

۳. عقب‌نشینی ایالات‌متحده و مسکوت گذاردن این استراتژی

این سناریوی محتمل دیگری است که می‌تواند به ائتلاف بین‌المللی در قبال استراتژی ترامپ مرتبط گردد، به این صورت که هرگونه جنگ نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران، امنیت منطقه به‌ویژه امنیت عربستان سعودی و رژیم اشغالگر قدس را به‌شدت با چالش مواجه می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، سیاست‌های جنگ‌طلبانه در منطقه، قربانیان بی‌شماری خواهد داشت. این مسئله می‌تواند صادرات نفت جهان و قراردادهای اقتصادی آمریکا با سعودی‌ها را تحت تأثیر قرار دهد و موجب وحشت صهیونیست‌ها و سرایت بی‌ثباتی به تمام کشورهای منطقه شود. از این‌رو، به نظر می‌رسد سناریوی محتمل دیگر، عقب‌نشینی تدریجی ایالات‌متحده از این سیاست و مسکوت

گذارن آن در ادامه باشد. کما اینکه چند روز پس از قرار دادن نام سپاه در فهرست گروه‌های تروریستی، تنگه هرمز با التهاب نظامی شدیدی مواجه شد و ایالات متحده در اقدامی جالب توجه از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اجازه ورود و خروج نفت‌کش‌ها را بدون ایجاد چالش و جنجال خواستار شد. البته می‌توان سناریوی دیگری را نیز در نظر گرفت، به این صورت که متحدان ایالات متحده با پذیرش هزینه‌های جنگ، این کشور را تهییج به لشکرکشی در منطقه خاورمیانه نمایند، اما با توجه به سیاست‌های ترامپ که تا حد ممکن خواهان کاهش هزینه‌های ایالات متحده در سطح منطقه و جهان است، تحقق این سناریو بسیار بعید است. با این وجود، در حال حاضر و در راستای تشدید جنگ سرد میان دو کشور، اعزام برخی از ناوبرهای ایالات متحده از یک سو و حضور قدرتمند جمهوری اسلامی با جدیدترین تجهیزات نظامی از سوی دیگر در خلیج فارس صورت پذیرفته است.

۴. به خطر افتادن منافع اقتصادی ایالات متحده در خلیج فارس

با توجه به قدرت فزاینده نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران و استیلای این کشور بر تنگه استراتژیک هرمز، هرگونه تهدید یا تنش علیه ایران، یقیناً منافع نفتی آمریکا، به‌ویژه تردد نفت‌کش‌های شرکت آرامکو را در منطقه به خطر خواهد انداخت. این مسئله را بایستی به تهدیدات عملی شده انصارالله یمن افزود. به عبارت دیگر، ایالات متحده که سهمی معادل ۵۰ درصد از فروش این شرکت نفتی را به دست می‌آورد، پیش‌تر با اصابت چند موشک نیروهای انقلابی یمن به آن، با ضررهای هنگفتی مواجه شد. حال چنانچه استراتژی‌های ترامپ علیه جمهوری اسلامی ایران تشدید گردد، تردد هرگونه کشتی نفتی در خلیج فارس با دشواری‌های بسیاری مواجه خواهد شد. از این رو، تهدید منافع اقتصادی ایالات متحده در خلیج فارس را بایستی یکی دیگر از پیامدهای سیاست‌های تهاجمی ترامپ علیه جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفت.

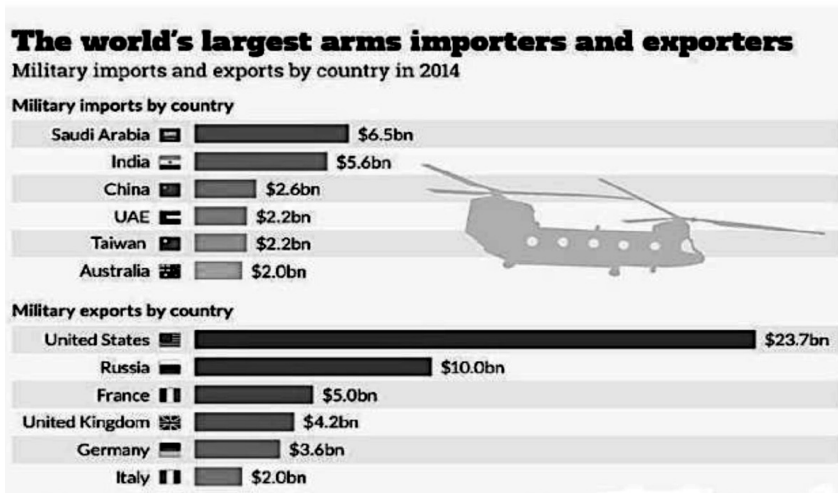
۵. تشدید نظامی‌گری در غرب آسیا

به نظر می‌رسد دونالد ترامپ برای تحقق سیاست‌های تهاجمی خود علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مبادرت به توسعه قراردادهای تسلیحاتی بزرگی با سعودی‌ها نماید. چنین سیاستی هم می‌تواند به تقویت نظامی متحدان منطقه‌ای ترامپ در غرب آسیا کمک نماید و هم می‌تواند سود کلان اقتصادی را نصیب ایالات متحده نماید. به همین سبب است که بن سلمان در ابتدای ولایت‌عهدی خود، قرارداد

تسلیحاتی ۵۰۰ میلیارد دلاری را با ترامپ امضا نمود (مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۵۰ - ۱۵۱). استفاده از چنین هزینه‌های سنگینی به عقیده بن سلمان شاید بتواند در ادامه بسترساز توسعه قدرت این کشور در منطقه در راستای سرکوبی جنبش‌های مقاومت همچون حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن و حشدالشعبی عراق شود و درنهایت بازدارنده مهم قدرت جمهوری اسلامی ایران گردد. این مسئله که پیش از بن سلمان نیز سعودی‌ها سابقه خرید تسلیحات از آمریکا داشته‌اند کاملاً صحیح است، اما هیچ‌گاه در تاریخ نظامی - سیاسی عربستان سعودی چنین حجمی از تسلیحات از سوی آمریکا به این کشور فروخته نشده بود (Holland, 2017: 2).

درواقع، ترامپ با اتخاذ چنین سیاستی، چند هدف عمده را دنبال می‌کند:

۱. توسعه روزافزون قدرت نظامی عربستان؛
۲. مقابله با جمهوری اسلامی ایران، حزب‌الله، انصارالله و...؛
۳. کسب ضمانت اقتصادی لازم از سوی ترامپ با توجه به شخصیت اقتصادی - تجاری وی در راستای تحقق سیاست‌های جمهوری خواهان؛
۴. تضمین ثبات و امنیت رژیم اشغالگر قدس به آمریکا در صورت وقوع جنگ و ارائه همکاری‌های لازم با این رژیم با توجه به نفوذ روزافزون جمهوری اسلامی ایران در منطقه؛
۵. تأسیس ناتوی عربی - غربی در راستای مقابله با ائتلاف ایران - روسیه (Alishahi, ۲۰۱۹: ۱۹).



شکل شماره ۳: بزرگ‌ترین صادرکنندگان و واردکنندگان تسلیحات جهان در سال ۲۰۱۴ (منبع: مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۵۱)

نتیجه گیری

پس از فروپاشی بلوک شرق و پایان جنگ سرد، ایالات متحده به تنها ابرقدرت نظام بین الملل تبدیل گردید. این مسئله در کنار توسعه بالای اقتصادی و نظامی، آمریکا را به قدرتی بسیار تعیین کننده در عرصه بین الملل مبدل نمود.

در این دوران، فناوری، توان نظامی و بودجه نظامی آمریکا آن چنان از دیگر کشورها جلو افتاد که این تصور وجود داشت که آمریکا با تبدیل شدن به تنها ابرقدرت جهانی به چنان جایگاه قدرتمندی دست یافته است که برخورد و یا حتی عدم تمکین هر کشوری با آن، در مدت کوتاهی به نابودی آن کشور منجر می شود. با وقوع انقلاب اسلامی، ایران که مدت ها استراتژیکی ترین متحد ایالات متحده بشمار می رفت، به یکی از بزرگ ترین دشمنان این کشور تبدیل شد، به نحوی که از همان ابتدای وقوع انقلاب، ایران به مثابه تهدیدی بالقوه برای منافع ایالات متحده قلمداد گردید. با گذشت بیش از چهار دهه از عمر پریکت انقلاب اسلامی ایران و به رغم شدیدترین تحریم های اقتصادی و نظامی اعمال شده از سوی آمریکا علیه آن، با دستیابی ایران به قدرت موشکی و توسعه فزاینده این کشور در زمینه های نظامی، لجستیکی و حتی ماهواره ای، تهدیدات ایران به ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای رقبای منطقه ای خود همچون عربستان سعودی و همچنین رژیم اشغالگر قدس و ایالات متحده، به صورت کاملاً محسوسی درک پذیر شده است. این مسئله به ویژه پس از جریانات منتج به بیداری اسلامی، رنگ و بوی واقع بینانه تری به خود گرفته است، چراکه متحدهای جمهوری اسلامی ایران همچون حزب الله لبنان، دولت علوی بشار اسد، شیعیان عراق، شبه نظامیان انصارالله یمن و شیعیان افغانستان بیش از هر برهه تاریخی دیگری در یک ائتلاف راهبردی و نظامی به سر می برند و دامنه تهدیدات شیعیان روز به روز تنگ تر می شود. به همین سبب، ترامپ در اقدامی جنجالی و از لحاظ حقوقی کاملاً نامشروع، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی نظامی رسمی و مشروع جمهوری اسلامی ایران را در فهرست گروه های تروریستی قرار داد. در نتیجه، پژوهش کنونی جستاری بود بر تجزیه و تحلیل مهم ترین دلایل قرار گرفتن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (به مثابه یک نیروی نظامی رسمی و قانونی جمهوری اسلامی) در فهرست گروه های تروریستی از سوی ترامپ و در ادامه، بازخوردها و پیامدهای امنیتی و سیاسی اتخاذ چنین سیاستی را در منطقه ارزیابی نمود؟

یافته های پژوهش تأکیدی است بر این مسئله که مسائلی همچون نفی گسترش مرجعیت

نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه در دوران پساداعش؛ قطع نمودن جریان اقتصادی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ تشدید جنگ روانی و ایجاد التهاب بیشتر در داخل کشور؛ عدم کاربست تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران در دوران پسابرجام؛ گسست هم‌گرایی در میان جبهه مقاومت شیعیان و تأمین امنیت رژیم اشغالگر قدس از مهم‌ترین مسائلی هستند که ترامپ با تأکید بر آنها، در اقدامی جنجالی و به شدت چالش‌برانگیز که به هیچ‌عنوان وجهت حقوقی و قانونی ندارد، تصمیم به قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی بین‌المللی گرفت.

برخی از پیامدهای قرار گرفتن نام سپاه در فهرست تروریستی از سوی ترامپ می‌تواند بسترساز وقوع موارد ذیل گردد که عبارت‌اند از:

۱. هم‌گرایی فزاینده طیف‌های سیاسی در داخل کشور؛
 ۲. قوی‌تر شدن ائتلاف جریان شیعی در منطقه؛
 ۳. عقب‌نشینی ایالات‌متحده و مسکوت گذاردن این سیاست؛
 ۴. به خطر افتادن منافع اقتصادی ایالات‌متحده در خلیج فارس؛
 ۵. تشدید نظامی‌گری در غرب آسیا.
- درنهایت، پیشنهادهایی در راستای تقابل هرچه بهتر با سیاست‌های خصومت‌آمیز ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ذیل ارائه می‌گردد:
۱. توسعه روابط سیاسی، امنیتی و اقتصادی با قدرت‌های بین‌المللی، به‌ویژه چین و روسیه در قالب تأسیس یک بلوک ضدآمریکایی قدرتمند در میان کشورهای شرق؛
 ۲. پیگیری قضایی تصمیم خصمانه ترامپ در دادگاه بین‌المللی لاهه و شکایت از این تصمیم غیرقانونی و غیرحقوقی؛
 ۳. توسعه هرچه بیشتر قدرت موشکی و پهپادی سپاه به‌مثابه یک عامل مهم بازدارنده منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای؛
 ۴. تشدید قدرت دریایی کشور و تأسیس پایگاه‌های نظامی در مناطق جنوبی کشور در راستای کنترل هرچه بهتر و بیشتر تنگه هرمز به‌مثابه شاه‌رگ اقتصادی و نفتی منطقه؛
 ۵. توسعه روزافزون فعالیت‌های نظارتی، رصد اطلاعات نظامی و بررسی دقیق امنیتی فعالیت‌ها و اطلاعات امنیتی و حفاظتی درخصوص تعداد نظامیان و میزان تجهیزات نظامی و لجستیکی ایالات‌متحده در منطقه؛

۶. تأکید بر افول هژمونیک ایالات متحده و تشکیل ائتلاف راهبردی با حضور کشورهای منطقه و بدون حضور آمریکا. هرچند چنین پیشنهادی در ابتدا دور از ذهن به نظر برسد، اما با توجه به افول هژمونی ایالات متحده و شکنندگی روابط این کشور با قدرت‌های دیگر همچون چین و روسیه، می‌توان در درازمدت به تأمین امنیت منطقه‌ای بدون حضور ایالات متحده و با همکاری کشورهای منطقه خلیج فارس امیدوار بود.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

۱. آدمی، علی؛ دشتگرد، مجید (۱۳۹۱)، «ایالات متحده و مهار متخاصمان در چارچوب احاطه مسئولیت»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۱، شماره ۳، صص ۱ - ۲۸.
۲. اسلاتر، ریچارد (۱۳۹۰)، «نواندیشی برای هزاره نوین: مفاهیم، روش‌ها و ایده‌های آینده‌پژوهی»، ترجمه عقیل ملکيفر، وحید و حیدمطلق و سید احمد ابراهیمی، تهران: انتشارات موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۳. بردبار، احمدرضا (۱۳۹۳)، «تأثیر انگلستان در ایجاد بحران‌های سیاسی ایران از آغاز سلطنت پهلوی تا سال ۱۳۹۰ (رساله دکتری)». دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
۴. بصیری، محمدعلی؛ ایزانلو، حمید؛ بانژاد، رضا (۱۳۹۲)، «سیاست منطقه‌ای ایالات متحده آمریکا در قبال حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۴۶ - ۶۵.
۵. بیلیس، جان؛ اسمیت، استیو (۱۳۸۳)، «جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین»، ترجمه ابوالقاسم ره-چمنی و دیگران، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
۶. حاتم‌زاده، عزیزالله؛ متی، ایوب (۱۳۹۶)، «رنالیسم انتقادی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۳۱، شماره ۴۰، صص ۵ - ۴۰.
۷. دوئرتی، جیمز؛ فالتزگراف، رابرت (۱۳۸۸)، «نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل»، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: نشر قومس.
۸. زروندی، محمد؛ فیضی، فاضل (۱۳۹۰)، «تجزیه و تحلیل سیاست خارجی آمریکا در عراق پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال ۴، شماره ۱۴، صص ۱۷۵ - ۲۱۳.
۹. سلیمانزاده، سعید؛ امیدی، علی؛ براتی، سحر (۱۳۹۷)، «راهبرد سیاست خارجی ترامپ: هیبرید نوانزوگرایی واقع‌گرایی»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۲۸۸، شماره ۲۸، صص ۲۶۹ - ۲۸۵.
۱۰. سلیمانزاده، سعید؛ امیدی، علی؛ یزدانی، عنایت‌الله (۱۳۹۷)، «تحلیل سازهانگارانته ایرانهراسی در سیاست خارجی آمریکا در دوران پس‌ابرجام»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۶، شماره ۴۲، صص ۹۶ - ۱۲۶.
۱۱. سلیمی، حسین (۱۳۸۴)، «دولت مجازی یا واقع‌گرایی تنهاجمی؛ بررسی مقایسه‌ای نظریه

- ریچارد روزکرنس و جان مرثاسایمر»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۷، شماره ۱۷، صص ۱۹-۴۳.
۱۲. سیمبر، رضا (۱۳۸۹)، «سیاست خارجی آمریکا و تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دانش سیاسی، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۰۷-۱۳۸.
۱۳. سیمبر، رضا؛ قربانی‌نشین، ارسلان (۱۳۸۷)، «روابط بین‌الملل و دیپلماسی صلح در نظام متحول جهانی»، تهران: انتشارات سمت.
۱۴. صالحی، مختار؛ زارع، رحمان (۱۳۹۶)، «خلأ قدرت و تأثیر آن بر امنیت منطقه خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۱۰، شماره ۴۰، صص ۹۳-۱۱۴.
۱۵. عالیشاهی، عبدالرضا؛ فروزان، یونس (۱۳۹۸)، «تبیین ماهیت استراتژی‌های تهاجمی ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران؛ ریشه‌ها و پیامدهای امنیتی و نظامی»، فصلنامه سیاست دفاعی، سال ۱۲، شماره ۴۸، صص ۸۵-۱۱۲.
۱۶. عالیشاهی، عبدالرضا؛ فروزان، یونس؛ مسعودنیا، حسین (۱۳۹۸): «ویژگی‌های پان‌شعبیسم جریان صدر در عراق پس‌ادعش»، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ۷، شماره ۲، صص ۱۹۳-۲۱۶.
۱۷. فرزینراد، رویا؛ فروزان، یونس؛ عالیشاهی، عبدالرضا (۱۳۹۹)، «کاربست پارادایم بازدارندگی منطقه‌ای در سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال تهدیدات نظامی ایالات متحده در سه سطح»، فصلنامه امنیت ملی، سال ۱۰، شماره ۳۵، صص ۲۳۱-۲۶۴.
۱۸. فروزان، یونس؛ عالیشاهی، عبدالرضا؛ رفیعی، مجید (۱۳۹۸)، «کشنگری تدافعی جمهوری اسلامی ایران در قبال هژمون‌نیم نوحافظه‌کاران ایالات متحده: از پس‌برجام تا سال ۲۰۱۹ میلادی»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال ۱۲، شماره ۴۸، صص ۶۵-۹۱.
۱۹. فروزان، یونس؛ عالیشاهی، عبدالرضا؛ محمد دوست، علی (۱۳۹۶)، «تبیین دلایل واگرایی در روابط سیاسی عربستان سعودی و قطر»، فصلنامه امنیت پژوهی، سال ۱۶، شماره ۵۹، صص ۱-۲۸.
۲۰. قاسمی، فرهاد (۱۳۸۷)، «اصول روابط بین‌الملل»، تهران: نشر میزان.
۲۱. قدیری، روح‌الله (۱۳۸۴)، «شناسایی و دسته‌بندی متغیرهای مرتبط با آینده‌نگاری علم و تکنولوژی»، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۲۲. قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۷)، «مبنای نظری تحریم‌های مربوط به برنامه هسته‌ای ایران: مقایسه دیپلماسی دولت‌های ترامپ و اوباما»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۲۱، شماره ۲، صص ۷۵-۱۰۰.

۲۳. لیتل، ریچارد (۱۳۸۹)، «*تحول در نظریه‌های موازنه قوا*»، ترجمه غلامعلی چگنیزاده، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
۲۴. مرشایمر، جان (۱۳۹۳)، «*تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ*»، ترجمه آرش فرزاد و محمد حیدری، تهران: انتشارات فرزاد روز.
۲۵. مرشایمر، جان (۱۳۹۱)، «*چرا سیاستمداران دروغ می‌گویند؟*»، ترجمه یاسر خورشیدوند، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
۲۶. مسعودنیا، حسین؛ فروزان، یونس؛ عالیشاهی، عبدالرضا (۱۳۹۵)، «*جابجایی قدرت در عربستان سعودی: تأثیرات تغییر ولایتعهدی بر ساختار سیاست خارجی عربستان سعودی*»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ۸، شماره ۱، صص ۱۳۷ - ۱۷۲.
۲۷. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، «*تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*»، تهران: انتشارات سمت.
۲۸. ملکی فر، عقیل (۱۳۸۵)، «*الفبای آینده‌پژوهی*»، تهران: انتشارات آینده‌پژوه.
۲۹. ویلرایت، ورن (۱۳۹۴)، «*آینده‌پژوهی فردی*»، ترجمه سعید رضایی و فاطمه عیوضی، تهران: انتشارات شکیب.
۳۰. یزدانفام، محمود (۱۳۸۵)، «*دیدگاه‌های متعارض در مورد نقش آمریکا در جهان*»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم (۳)، صص ۶۰۷ - ۶۳۷.

ب) منابع لاتین

1. Alcaro, Riccardo. (2018). *"Trump's Iran Policy and Europe's Choice on the Nuclear Deal"*, Istituto Affari Internazionali (IAI).
2. Alishahi, Abdolreza; Soleimani Souchelmaei, Hamid and HosseinPour, Zahra. (2020). *"Trump and Middle East puzzle; Democracy based on war, terror and insecurity"*, Latvia: Scholar Press.
3. Alishahi, Abdolreza and Soleimani Souchelmaei, Hamid. (2020). *"The Challenge of Ansarullah's Increasing Power, and*

Donald Trump's Policies against Yemen", Journal of Economics, Politics and Regional Development, Vol1, No1, PP 1-16.

4. Alishahi, Abdolreza. (2019). **"The Defensive Paradigm of the Popular Mobilization Forces in Iraq and the Degeneration of Divergent Politics"**, Journal of Advertising and Public Relations, Vol 2, Issue 2, PP 1-8.

5. Alishahi, Abdolreza. (2019). **"The Persian Gulf Geopolitics and the Convergence of the United States and the Gulf Council Based on the Approach of Aggressive Realism"**, Journal of International Politics Vol1, No. 2, PP 15- 27.

6. Al-Khoei, Hayder; Geranmayeh, Ellie & Toaldo, Mattia. (2017). **"After ISIS: How to win the Peace in Iraq and Libya, European Council on Foreignrelations"**, Vol. 3, No.6, pp 1-18.

7. Barnes-Dacey, Julien; Geranmayeh, Ellie and Lovatt, Hugh. (2017). **"The Middle East's New Battle Lines"**, London: The European council on Foreign Relations.

8. David, C. and Grondin, D. (2016). **"Hegemony or Empire? The Redefinition of US Power under George W. Bush"**, New York: Routledge.

9. DuBois, T. (2005). **"Hegemony, Imperialism and the Construction of Religion in East and Southeast Asia"**, Journal of History & Theory, Vol. 44, No. 4, pp 113–31.

10. Juneau, Thomas. (2017). **"Iranian Foreign Policy since 2001: Alone in the World"**, New York: Garland Science.

11. Kirshner, Jonathan. (2010). **"The tragedy of offensive realism: classical realism and the rise of china"**, European jour-

nal of international relations, Vol. 18, No. 1, pp 53-75.

12. Nasr, Vali. (2006). *"When the Shiites Rise"*, Foreign Affairs, Vol.85, No.4, pp 24- 39.

13. O'Driscoll, Dylan and Van Zoonen, Dave. (2017). *"The Hashd al-Shaabi and Iraq Subnationalism and the State"*, New York: Middle East Research Institute.

14. Parello-Plesner, Jonas. (2018). *"Post-ISIS Challenges for Stabilization: Iraq, Syria and the U.S. Approach"*, Washington: Hudson Institute Publications.

15. Scazzieri, Luigi. (2017). *"Trump, Europe and the Middle East peace process: A path out of the quicksand"*, London: Center for European Reform Publications.

16. Thompson, Jack. (2018). *"Trump's Middle East Policy"*, Zurich: CSS Analyses in Security Policy.

17. Wroughton, Lesley and Hafezi, Parisa. (2019). *"In unprecedented move, U.S. names Iran's Revolutionary Guards a terrorist group"*, The Reuters, 8 April 2019.

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی
دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)

سال نهم، شماره ۳۳ (بهار ۱۳۹۹) صص ۸۸-۶۵

مدل معماری امنیت پایه برای صحنه نبرد مبتنی بر فناوری اینترنت اشیا

● منصور فرزین فرد

دانشجوی دکتری امنیت سایبری دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول)، m.farzinfard@sndu.ac.ir

● محمدرضا موحدی صفت

استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی، movahedi@sndu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۸

چکیده

اینترنت اشیا به عنوان یک فناوری نوظهور می‌تواند قابلیت شناسایی و انتقال داده‌ها را برای همه اشیاء فراهم نماید. کنترل بر عملکرد تجهیزات، شناسایی کاربران و کنترل اطلاعات از مزیت‌های اصلی این فناوری است. ویژگی‌های خاص صحنه نبرد و تعدد و تنوع تجهیزات به کار رفته در این محیط باعث شده تا سازمان‌های دفاعی در دنیا برای کنترل صحنه نبرد از این فناوری استفاده نمایند. از الزامات به کارگیری فناوری اینترنت اشیا در صحنه نبرد، توجه به مقوله امنیت و ایجاد یک معماری امنیت پایه است که بر اساس آن همه اجزاء و روابط بین اجزاء در قالب مؤلفه‌های امنیت تعریف گردد. تحقیق حاضر از نوع کاربردی بوده و روش آن توصیفی - تحلیلی با رویکرد اکتشافی است و داده‌های کیفی این تحقیق از مطالعه منابع و پژوهش‌های علمی و با استفاده از روش پژوهش کیفی فراترکیب جمع‌آوری گردیده است و جهت اعتبارسنجی معماری پیشنهادی از نظرات جامعه نمونه که کارشناسان حوزه دفاعی هستند و با فناوری اینترنت اشیا آشنایی کامل دارند و همچنین متخصصان حوزه اینترنت اشیا بر اساس مصاحبه استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فناوری اینترنت اشیا در محیط رایانش ابری و مبتنی بر کلان داده‌ها بهترین عملکرد در صحنه نبرد را خواهد داشت. همچنین، مشخص گردید که با توجه به ویژگی‌های صحنه نبرد، لایه امنیت باید تمامی لایه‌های معماری را پوشش دهد.

کلید واژگان: امنیت، اینترنت اشیا، حسگرها، صحنه نبرد.

«رشد بسیار سریع دستگاه‌های با قابلیت اتصال به اینترنت، از حسگرهای ساده تا سرورهای ابری پیچیده منجر به شکل‌گیری اینترنت اشیاء^۱ شده است» (Ammar, Russello & Crispoa, 2018: 9). این فناوری نوظهور و برهم‌زن^۲ شبکه‌ای از اجزاء فیزیکی (از قبیل ابزارهای پوشیدنی، لوازم برقی خانگی، سامانه‌های امنیتی، نانوتکنولوژی، ابزارهای ساخت و تولید و...) است که به اجزاء هوشمندی (از قبیل ریزپردازنده‌ها، حافظه‌های ذخیره‌سازی، حسگرها و...) مجهز شده‌اند و در بستر اینترنت با سایر ابزارها ارتباط برقرار می‌کنند (Gupta & Quamara, 2018: 38).

این فناوری باعث تغییر در روندهای توسعه در سازمان‌های دفاعی دنیا شده و این سازمان‌ها استفاده حداکثری از این فناوری را در رأس برنامه‌های خود قرار داده‌اند. این فناوری مزیت‌های فراوانی را برای این سازمان‌ها به همراه آورده است که مهم‌ترین آنها کنترل کامل تجهیزات، بهبود عملکردهای سازمانی، افزایش احساس امنیت، ایجاد جریان عظیم اطلاعات درون‌سازمانی، تسهیل ارتباطات و بهبود سامانه‌های مدیریتی است (DoD^۳, 2017).

فناوری اینترنت اشیاء همانند تمام فناوری‌های دیگر دارای چالش‌هایی در حوزه کاربرد و استفاده، به‌ویژه در سازمان‌های نظامی است که تولید حجم عظیمی از اطلاعات (کلان داده)^۴، چالش‌های حوزه ارتباطات بی‌سیم، پیچیدگی در معماری، گستردگی مقیاس عملکرد، نیاز به پهنای باند بالا، امنیت و حریم خصوصی از مهم‌ترین این چالش‌ها است. البته مزیت‌های حاصل از این فناوری که به چابک‌سازی^۵ سازمانی خواهد انجامید، باعث شده تا سازمان‌های دفاعی نظیر وزارت دفاع آمریکا، اسناد راهبردی برای توسعه این فناوری را تهیه و نسبت به به‌روزرسانی سالیانه آن اقدام نمایند (همان).

از قابلیت‌های اصلی فناوری اینترنت اشیاء می‌توان به هدایت و مدیریت تجهیزات، تدارکات و فعالیت‌های نظامی در میدان‌های جنگ، مأموریت‌ها، آموزش‌ها و همچنین اطلاع فرماندهان از وضعیت سلامت جسمانی نیروها در هر زمان و تسهیل در تصمیم‌گیری در لحظات دشوار اشاره نمود.

^۱Internet of things

^۲Disruptive

^۳U.S. Department of Defense

^۴Big Data

^۵Agility

استفاده حداکثری از قابلیت‌های فناوری اینترنت اشیا در سازمان‌های دفاعی نیازمند یک معماری است تا بر اساس آن بتوان ضمن تعیین جایگاه اجزاء و مؤلفه‌ها، ارتباطات آنها را با یکدیگر مشخص نمود. محققان در این مقاله ضمن بررسی کارهای علمی انجام‌شده در سطح ملی و بین‌المللی، یک مدل معماری امن مبتنی بر اینترنت اشیا را بر اساس مدل‌ها و معماری‌های مرجع در دنیا و همچنین نظرات خبرگان و مدیران سازمان‌های دفاعی کشور ارائه کرده‌اند.

بیان مسئله

امروزه در روابط بین‌الملل ماهیت جنگ‌ها تغییر کرده است، ناهمگونی، کوتاه بودن زمان درگیری، وسعت منطقه نبرد، سرعت در چرخش اطلاعات، دقت و هوشمندی تسلیحات، داده‌ها و ارتباطات هوشمند، ائتلافی بودن و غیرخطی بودن از ویژگی‌های نبردهای آینده است. بهره‌گیری از سرمایه‌های دانشی و تحولات فناوریانه در بستر فناوری اطلاعات و استفاده از فناوری‌های برهم‌زن همچون اینترنت اشیا در صحنه‌های نبرد، امری ضروری است. از طرف دیگر، ویژگی‌های فضای سایبر و اینترنت اشیا موجب شده است تا تمام قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی سرمایه‌گذاری‌های فراوانی را در حوزه‌های تحقیقاتی و عملیاتی انجام دهند. در صحنه نبرد، اینترنت اشیا کاربرد جدی دارد. معماری‌های متفاوتی از کاربرد اینترنت اشیا در صحنه نبرد وجود دارد، اما یا از لحاظ امنیتی ضعیف هستند و یا امنیت در آنها به‌طور کامل نادیده گرفته شده است.

این مقاله از آن جهت اهمیت دارد که می‌تواند زمینه‌ساز توجه بیشتر سازمان‌های نظامی به استفاده از اینترنت اشیا در صحنه نبرد، افزایش بهره‌وری و اثربخشی و ایجاد یک نگاه جدید کلنگرانه برای فرماندهی صحنه‌های نبرد شود. از سوی دیگر، پرداختن به حوزه معماری امنیت پایه می‌تواند بستر امن لازم برای فرماندهی و مدیریت صحنه نبرد با در نظر گرفتن مخاطرات و چالش‌های ناشی از به‌کارگیری اینترنت اشیا را مهیا نماید. عدم پژوهش در این عرصه می‌تواند باعث افزایش شکاف فناوریانه، غافلگیری راهبردی، بروز بحران در جنگ احتمالی آینده و عدم استفاده سازمان‌های نظامی از قابلیت‌ها و فرصت‌های فراوان پیش رو گردد. همچنین، بی‌توجهی به مقوله امنیت در سامانه‌های نظامی مبتنی بر اینترنت اشیا می‌تواند به افزایش مخاطرات تهدیدکننده بازیگران صحنه نبرد بیانجامد. بنابراین، هدف از این تحقیق ارائه یک معماری امنیت‌پایه برای صحنه نبرد

مبتنی بر فناوری اینترنت اشیا است. نیروهای مسلح با بهره‌گیری از این معماری می‌توانند اقدامات موردنیاز برای حضور مؤثر در صحنه نبرد و حفاظت از زیرساخت‌ها را اولویت‌بندی و طرح‌ریزی نمایند. درواقع، این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال است که «معماری امنیت‌پایه برای صحنه نبرد مبتنی بر فناوری اینترنت اشیا چگونه است؟ این معماری از چه اجزاء و مؤلفه‌هایی تشکیل شده و نقش امنیت در هر یک از اجزای آن چگونه می‌باشد؟»

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی بوده و روش آن توصیفی - تحلیلی با رویکرد اکتشافی است و در زمره تحقیقات کیفی دسته‌بندی می‌گردد. داده‌های کیفی این تحقیق از مطالعه منابع و پژوهش‌های علمی و با استفاده از روش پژوهشی کیفی فراترکیب^۱ جمع‌آوری گردید. رویکرد فرا ترکیب نوعی مطالعه کیفی است که اطلاعات و یافته‌های استخراج‌شده از مطالعات کیفی دیگر با موضوع مشابه و مرتبط را بررسی می‌کند. در نتیجه، نمونه موردنظر برای فراترکیب از مطالعات کیفی منتخب و بر اساس ارتباط آنها با سؤال پژوهش ساخته می‌شود. فراترکیب با فراهم کردن نگرشی سامانمند برای محققان، از طریق ترکیب مطالعات کیفی گوناگون، به کشف موضوعات و استعاره‌های جدید و اساسی می‌پردازد و با این روش، دانش جاری را ارتقا می‌دهد و دید جامع و گسترده‌ای نسبت به مسائل ایجاد می‌کند (کشتکار، ۱۳۹۵: ۱۶۵). «سه فاز اصلی برای فراترکیب، انتخاب مطالعات بر اساس جستجوی سیستماتیک و گزینش نهایی، ترکیب یافته‌ها بر اساس شباهتها و اختلافات و ارائه تلفیقی یافته‌ها در دسته‌بندی گروهی است» (Sandelowski & Barros: 2007).

در این پژوهش محققان با مطالعه و واکاوی بیش از ۶۰ مقاله علمی و اسناد رسمی و گزارش‌های تحقیقاتی قابل‌دسترس در زمینه‌های معماری امنیت‌پایه، معماری اینترنت اشیا، امنیت و کاربردهای اینترنت اشیا در صحنه نبرد، اطلاعات اصلی موردنیاز را از بین ۲۵ مقاله علمی - پژوهشی یا سند معتبر مرتبط با حوزه موضوع، استخراج نمودند. در ادامه با روش‌های خبرگی و منطقی به تحلیل و تلفیق یافته‌های حاصل از مطالعات کیفی پرداخته و یافته‌های جدید را ارائه نمودند. نتایج به‌دست‌آمده به تعدادی از خبرگان این حوزه که عمدتاً از محققان، کارشناسان و مدیران حوزه دفاعی بوده و با فناوری اینترنت اشیا آشنایی کامل داشته‌اند، ارائه گردید و سپس نظرات تکمیلی اصلاحی و یا انتقادی آنها دریافت و در ارزیابی نتایج اعمال گردید.

¹Meta-Synthesis

پیشینه تحقیق

برخی از تحقیقات و معماری‌های ارائه‌شده مرتبط با معماری اینترنت اشیا و مناسب با موضوع و اهداف این تحقیق مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. خانم ترکمن و همکارش در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مدل‌های معماری مرجع اینترنت اشیا»^۱ پس از بررسی معماری مرجع اینترنت اشیا ارائه‌شده توسط اتحادیه ارتباطات بین‌المللی^۱، چهار پروژه مرجع در حوزه معماری اینترنت اشیا توسط کشورهای چین و کره جنوبی را بررسی کرده و آنها را از لحاظ مدیریت، قابلیت اطمینان، امنیت و نیازمندی‌های کارکردی با یکدیگر مقایسه نموده‌اند (Torkaman & Seyyedi, 2016).

۲. «بازنگری در اینترنت اشیا برای دفاع و ایمنی عمومی» عنوان مقاله‌ای است که پائولا فراگا^۲ و همکاران در آن به موضوعات اصلی مربوط به کاربرد مفاهیم اینترنت اشیا در ارتش و حوزه امنیت عمومی پرداخته‌اند. آنها نقاط ضعف اصلی و چالش‌های فنی اینترنت اشیا را تشریح و یک مدل معماری را ارائه نموده‌اند. در این معماری لایه حس و دریافت، دسترسی، شبکه، خدمات، برنامه‌های کاربردی و کسب‌وکار لحاظ شده و پروتکل‌های مربوطه توضیح داده شده است (Paula, et.al., 2016).

۳. یک مدل سه‌لایه‌ای برای اینترنت اشیا توسط آشیش مهتا^۳ و همکاران در مقاله‌ای به نام «نقشه معماری بیمارستان هوشمند مبتنی بر اینترنت اشیا» پیشنهاد شده است. این معماری که در یکی از بیمارستان‌های دانشگاهی چین پیاده‌سازی شده، به علت ترکیب با چارچوب‌ها و برنامه‌های موجود بیمارستان، به‌خصوص سامانه اطلاعاتی بیمارستانی^۴، نتایج رضایت‌بخشی را به همراه داشته است. لایه‌های اصلی و زیرلایه‌های این معماری شامل لایه ادراک (لایه گردآوری داده و لایه دسترسی)، لایه شبکه (سکوی ارسال شبکه‌ای و سکوی برنامه‌های کاربردی) و لایه برنامه‌های کاربردی (برنامه‌های مفید بیمارستانی و برنامه‌های کاربردی و مدیریت تصمیم‌گیری) است (Mehta & Dhariwal, 2017).

۴. در پژوهشی که توسط لی و همکاران تحت عنوان «بررسی و تحقیق بر روی اینترنت اشیا» صورت گرفت، مدل معماری خدمت‌گرا در چهار لایه با اجزاء ارتباطات و لایه‌های معماری شامل لایه

¹ International Telecommunication Union (ITU)

² Paula Fraga

³ Ashish Mehta

⁴ Hospital Information System (HIS)

حسگر، شبکه، خدمت و برنامه‌های کاربردی به‌طور کامل تشریح شده و سپس به فناوری‌های وابسته و استانداردهای مربوطه اشاره شده است. این تحقیق به چالش‌ها و مشکلات این حوزه مانند امنیت و حفظ حریم خصوصی نیز می‌پردازد (Li, et.al., 2015).

۵. دکتر شهریار محمدی و همکاران در مقاله‌ای تحت عنوان «معماری پیشنهادی مبتنی بر اینترنت اشیاء و سیستم‌های توصیه‌گر برای هوشمندسازی شهر تهران»، ضمن بررسی ۲۰ شهر هوشمند مطرح در سطح جهان و مشخص کردن کاربردهای اینترنت اشیاء در آنها یک مدل معماری را پیشنهاد داده‌اند. در این معماری، پنج لایه زیرساخت، جمع‌آوری داده‌ها، مدیریت و پردازش داده‌ها، خدمات و برنامه‌های کاربردی لحاظ شده و اجزاء هر لایه به‌طور مشروح توضیح داده شده است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۵).

۶. تحلیل تهدیدات و مخاطرات موجود در حوزه امنیت و حریم خصوصی اینترنت اشیاء توسط اراکیان، پورخلیلی و خوش‌اخلاق در مقاله‌ای با عنوان «امنیت و حریم خصوصی در اینترنت اشیاء» با رویکردی نظام‌مند و مبتنی بر یک روش استاندارد صورت گرفته و راه‌حل‌ها و پیشنهادهای مختلفی مبتنی بر بخش‌های مختلف امنیت اینترنت اشیاء در آن ارائه شده است (ارکیان، پورخلیلی و خوش‌اخلاق، ۱۳۹۴).

مبانی و مفاهیم نظری

معماری امنیت پایه

«در معماری امنیت پایه، ارتباط همه لایه‌ها و اجزایی که در لایه‌ها وجود دارد، به‌صورت امن تعریف می‌شود و مؤلفه‌های محرمانگی، دسترس‌پذیری و یکپارچگی به‌طور کامل در ارتباط بین اجزا و لایه‌ها رعایت می‌شود» (Truyen & frank, 2018: 1). یک معماری امنیتی دارای ساختاری از مؤلفه‌های سازمانی، مفهومی، منطقی و فیزیکی است که به روشی منسجم به‌منظور دستیابی و حفظ وضعیت ریسک، تعامل دارند. درواقع، معماری امنیتی محرک و فراهم‌کننده رفتار امن، ایمن و قابل‌اعتماد است و به تمامی ریسک‌های سازمان رسیدگی می‌نماید. هدف معماری امنیتی فراسازمانی، ارائه یک رویکرد جامع برای امنیت در سطح فراسازمانی و ارائه راهنمایی‌های مؤثر و کارآمد برای تمامی اهداف امنیتی در داخل سازمان است (شورای اجرایی (عالی) فناوری اطلاعات کشور، ۱۳۹۶).

مفهوم اینترنت اشیاء

اصطلاح اینترنت اشیاء، نخستین بار در سال ۱۹۹۹ میلادی توسط کوین اشتون مورد استفاده قرار

گرفت. اتحادیه ارتباطات بین‌المللی، این فناوری را این‌گونه تعریف می‌کند: «ارتباط هر چیز، در هر مکان و در هر زمان، مفهومی به نام اینترنت اشیاء را پدید می‌آورد» (ITU, 2005). مؤسسه مکنزی در تحقیقی بیان می‌دارد: «اقتصاد جهانی فناوری اینترنت اشیاء در سال ۲۰۲۵ بین ۳,۹ تا ۱۱,۱ تریلیون دلار در هر سال خواهد بود» (مکنزی، ۲۰۱۶).

فناوری اینترنت اشیاء در صحنه نبرد کاربرد مؤثری دارد و به‌گونه‌ای منسجم و یکپارچه به جمع‌آوری داده‌های محیطی دفاعی و رزمی در زمان و مکان مناسب پرداخته و پس از پردازش داده‌ها (شامل دسته‌بندی، ادغام و تجزیه و تحلیل) و تولید و انتقال اطلاعات به فرماندهان و تصمیم‌گیرندگان در درک مؤثر صحنه نبرد کمک شایانی می‌نماید، به‌گونه‌ای که اطلاعات «هرزمان، هر جا و برای هر فرد» در دسترس خواهد بود (NATO, 2017).

معماری‌های اینترنت اشیاء

توسعه اینترنت اشیاء مبتنی بر توسعه زیرساخت، ارتباطات، واسطه‌ها، پروتکل‌ها و استانداردهایی است که همگی از موضوعات تحقیقاتی جدید و به‌روز محسوب می‌شوند. توسعه‌پذیری^۱، مقیاس‌پذیری^۲، قابلیت همکاری^۳ میان دستگاه‌های ناهمگن^۴ و مدل‌های کسب و کار (با توجه به ماهیت متحرک بودن اشیاء و غیرمتمرکز بودن فرایندها)، از جمله مؤلفه‌های مهمی هستند که در طراحی معماری اینترنت اشیاء باید در نظر گرفت (Li, et.al., 2013: 2235). اینترنت اشیاء باید قادر به اتصال میلیاردها اشیاء ناهمگن از طریق اینترنت باشد، از آنجایی که اینترنت اشیاء در زمینه‌های مختلف کاربردی نظیر مراقبت‌های بهداشتی، سیستم‌های حمل و نقل هوشمند، مدیریت صنعتی و دیگر موارد، کاربرد دارد، تحقق مسائل امنیتی به‌منظور ایجاد سیستم‌های قابل اعتماد و برنامه‌های کاربردی، مورد نیاز است. وجود یک معماری لایه‌ای انعطاف‌پذیر، ضروری است (Gupta & Quamara, 2018: 305). «معماری اینترنت اشیاء باید به‌اندازه کافی انعطاف‌پذیر باشد تا بتواند، پاسخگوی عوامل مختلفی از قبیل کیفیت سرویس، مدولار بودن^۵، قابلیت اطمینان، مدیریت حریم خصوصی، تعامل معنایی^۶

¹ Extensibility

² Scalability

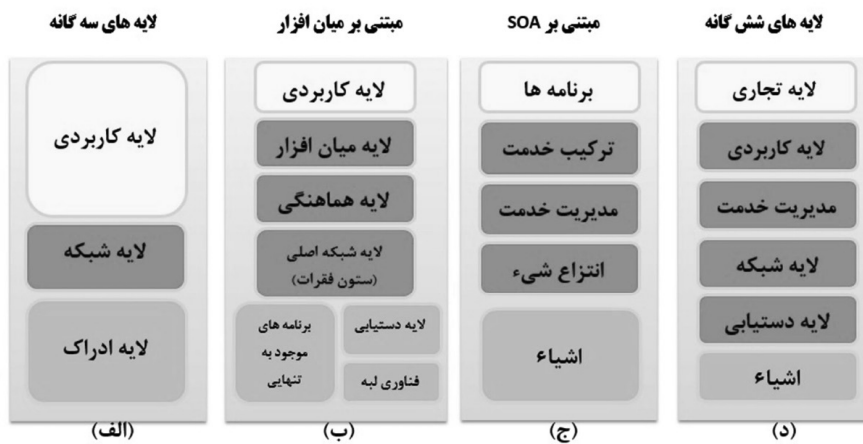
³ Interoperability

⁴ Heterogeneous

⁵ Modularity

⁶ Semantic Interoperability

، پشتیبانی دستگاه‌های مختلف و دیگر موارد باشد» (Ray, 2018: 14). بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی شناخته‌شده و گروه‌های کاری از قبیل اتحادیه بین‌المللی مخابرات، انجمن مهندسان برق و الکترونیک^۱، سازمان سیسکو، موسسه استانداردسازی ارتباطات اروپا و اتحادیه اروپا بر اساس نیازمندی‌های برنامه، توپولوژی شبکه، پروتکل‌ها، مدل‌های کسب‌وکار، خدمات و دیگر موارد، چارچوب‌هایی را ارائه کرده‌اند. با این حال، هیچ‌یک از آنها تا به این تاریخ استاندارد نشده است (Gupta & Quamara, 2018: 307; Ray, 2018: 18). در شکل شماره ۱، متداول‌ترین معماری‌های اینترنت اشیا نشان داده شده است.



شکل شماره ۱: معماری اینترنت اشیا؛ (الف) معماری سه لایه‌ای، (ب) معماری مبتنی بر میان افزار، (ج) معماری مبتنی بر خدمت (SOA)، (د) معماری شش لایه‌های

«معماری سه لایه‌ای، معماری اصلی و پایه اینترنت اشیا است که از لایه‌های ادراک، شبکه و کاربرد تشکیل شده است» (Sarkar, et al., 2014: 510)، اما سایر مدل‌ها از سطح انتزاع بیشتری برخوردار هستند. با این حال، «معماری پنج لایه برای برنامه‌های کاربردی مبتنی بر اینترنت اشیا کارآمدی بیشتری دارد» (Al-Fuqaha, et al., 2015: 2349).

در معماری اینترنت اشیا اتحادیه ارتباطات بین‌المللی چهار لایه اصلی، دو لایه پشتیبان و همچنین هفت صنعت هوشمند مورد توجه قرار گرفته است. لایه‌های دستگاه‌ها، گذرگاه‌ها و وسایل، لایه شبکه، لایه پشتیبانی کاربرد و خدمات و لایه برنامه‌های کاربردی به عنوان

¹ Institute of Electrical and Electronics Engineers (IEEE)

² European Telecommunications Standards Institute (ETSI)

لایه‌های اصلی و دو لایه مدیریت و امنیت به‌عنوان لایه‌های فرعی در نظر گرفته شده‌اند. در این معماری از زندگی هوشمند، سلامت هوشمند، انرژی هوشمند، خانه‌های هوشمند، حمل‌ونقل هوشمند و شهر هوشمند به‌عنوان صنعت‌های هوشمند نام برده شده است. از نقاط قوت این معماری در نظر گرفتن صنایع هوشمند استفاده‌کننده از اینترنت اشیاء و در نظر گرفتن دو مقوله امنیت و مدیریت در مدل ارائه شده است (Vermesan & fries, 2014: 14).

«در جدول شماره ۱)، مقایسه‌ای بر روی چهار معماری اصلی در حوزه اینترنت اشیاء، قابل مشاهده است» (پاکروان و عسکریان‌ایبانه، ۱۳۹۷: ۴).

SOA	IOT-A	CISCO	ITU	
۴ لایه افقی ۱ لایه عمودی	۷ لایه افقی ۲ لایه عمودی	۳ لایه افقی	۴ لایه افقی ۲ لایه عمودی	مدل لایه‌بندی
توزیع شده	لایه عمودی مدیریت	توزیع شده	لایه عمودی مدیریت	کنترل‌پذیری
لایه عمودی امنیت	لایه عمودی امنیت	توزیع شده	لایه عمودی امنیت	امنیت و محرمانگی
دارد	دارد	دارد	دارد	تحرک‌پذیری
دارد	دارد	دارد	دارد	مدیریت انرژی
دارد	دارد	دارد	دارد	سرویس‌دهی

جدول شماره ۱: مقایسه‌ای بر روی چهار معماری اصلی در حوزه اینترنت

از مقایسه این معماری‌ها می‌توان تشابه‌ها و تفاوت‌های ذیل را مشاهده نمود: تمامی معماری‌های ارائه‌شده دارای ساختار لایه‌بندی بوده و در دو لایه دستگاه و شبکه از لحاظ کارکردی مشترک هستند. لایه امنیت در سه مدل ارائه‌شده، غیر از مدل سیسکو به‌صورت عمودی دیده شده است تا بتوان سیاست‌های امنیتی را به تمام لایه‌های افقی اعمال نمود. در دو مدل «ITU» و «IOT-A» لایه مدیریت نیز به‌صورت عمودی دیده شده است. می‌توان گفت با توجه به اهداف «IOT-A»، مدل مرجع «ITU» را به یک مدل عملیاتی تبدیل نموده است. البته در هر دو مدل «SOA» و سیسکو نیز سرویس‌گرایی بیشتری وجود دارد و با توجه به ماهیت این مدل‌ها، بعد مدیریت یکپارچه آن، کم‌رنگ‌تر است.

اینترنت اشیاء در صحنه نبرد

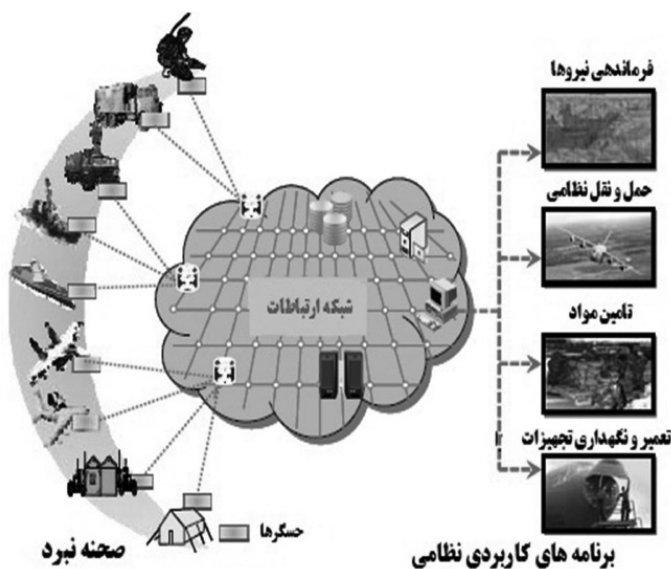
گسترش و توسعه کاربردهای اینترنت اشیاء در حوزه‌های دفاع و امنیت کشورها، به‌ویژه در زیرساخت‌های عمومی، خدمات اضطراری و ردیابی تجهیزات باعث شده تا سازمان‌های دفاعی و نظامی درصدد استفاده از فناوری اینترنت اشیاء برای هدایت و مدیریت تجهیزات جنگی، تدارکات، رصد فعالیت‌های نظامی سربازان در میدان‌های جنگ، آموزش و همکاری نیروها، فرماندهی و کنترل^۱، نظارت و مدیریت سامانه‌های کنترل آتش و دیگر موارد، بوده تا از مزایای آن در کاهش هزینه‌ها، افزایش اشرافیت اطلاعاتی و حتی از اثرات مثبت حاکمیتی اینترنت اشیاء و محیط ابری استفاده نمایند.

استفاده روزافزون از فناوری‌هایی همچون شبکه‌های بی‌سیم و دستگاه‌های هوشمند که مجهز به حسگرهای مختلف، برچسب‌های ردفاشگر^۲ و ارتباطات میدان نزدیک می‌باشند، منجر به توسعه به‌کارگیری فناوری نوین اینترنت اشیاء در پوشیدنی‌های هوشمند و تجهیزات مختلف دفاعی، نظارتی، امنیتی و خدمات اضطراری شده است. امروزه مأموریت‌های نظامی مستلزم تعاملات مداوم و بدون وقفه بین نیروهای زمینی، دریایی، هوایی، مراکز فرماندهی و تجهیزات نظامی است. یکپارچگی سنسورها، همکاری داده‌ها و محاسبات امن، گام بعدی در راستای تحقق قابلیت‌های میدان جنگ‌های آینده است. در این دهه، اینترنت اشیاء نظامی با مزایا و ویژگی‌های خاص خود برای کاربران، روند جدیدی در فناوری ایجاد کرده است. این پتانسیل با ترکیب فناوری‌های مبتنی بر اینترنت اشیاء، تجزیه و تحلیل کلان داده‌ها، امنیت در چند لایه مستقل^۳، شبکه‌های تعریف‌شده نرم‌افزاری، زیرساخت شبکه‌های هوشمند و مجازی‌سازی، امکان دستیابی به یک صحنه نبرد را فراهم می‌نماید. در شکل شماره ۲، این مفهوم نشان داده شده است (Yushi, et.al., 2011: 632).

¹ Command, Control, Communications, Computers, Intelligence, Surveillance, and Reconnaissance (C4ISR)

² RFID

³ Multiple Independent Levels of Security (MILS)



شکل شماره ۲: مفهوم اینترنت اشیا در صحنه نبرد

یکی از برنامه‌های کاربردی مورد استفاده در صحنه نبرد، سامانه‌های کنترل آتش پیشرفته خودکار بوده که با بهره‌گیری از اینترنت اشیا می‌توان شناسایی و ردیابی یک بار مهمات هدایت‌شده به ۱۰۰ هدف مستقل را در یک زمان کاملاً کنترل نمود. مهمات می‌تواند به شبکه متصل شده و به سلاح‌های هوشمند اجازه داده شود تا اهداف را دنبال کنند. همچنین از طریق کنترل ماهواره‌ای می‌توان موشک شلیک‌شده را به سمت یک هدف جدید هدایت نمود (Jacobson, 2015: 5).

سربازان در میدان نبرد از طریق گوشی‌های هوشمند امن به این شبکه متصل می‌شوند و طیف وسیعی از برنامه‌های کاربردی، نقشه‌های سه‌بعدی، ردیابی نیروی آبی، ترجمه زبان و پروفایل‌های بالارزش برای آنها فراهم می‌گردد.

اجزاء و زیرساخت‌های فناوری اینترنت اشیا در سازمان‌های دفاعی

اطلاعات صحنه نبرد از طریق میلیون‌ها حسگر تعبیه‌شده در تجهیزات و وسایلی مانند رادارها، سونار، دوربین‌های تصویری، حسگرهای مادون قرمز، فرکانس رادیویی، حسگرهای سامانه‌های هواپرد، ماهواره‌های نظارتی، وسایل نقلیه بدون سرنشین^۱، کشتی و ناوهای جنگی، ایستگاه‌های زمینی، سربازان و دیگر موارد، در فضا، دریا و زمین جمع‌آوری و از طریق زیرساخت‌های تعبیه‌شده به سرورهای مربوطه

^۱ Unmanned Aerial Vehicles (UAVs)

ارسال و برای تجزیه و تحلیل به مرکز اصلی سامانه فرماندهی و کنترل؛ یعنی سامانه زمین مشترک توزیع شده^۱ فرستاده می‌شود. در شکل شماره ۳، اجزا و زیرساخت‌های فناوری اینترنت اشیاء نظامی آمریکا نمایش داده شده است (Zheng & Carter, 2015: 14).



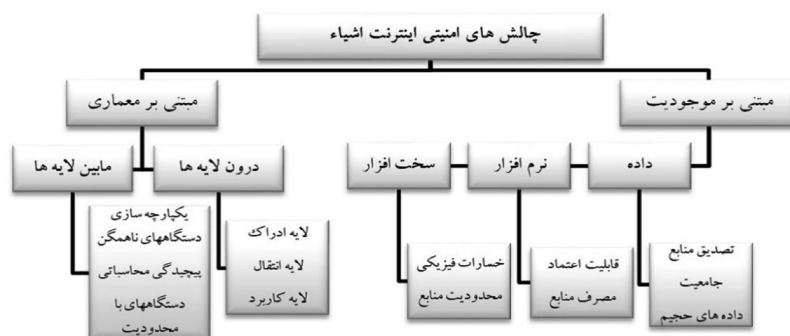
شکل شماره ۳: اجزا و زیرساخت‌های فناوری اینترنت اشیاء نظامی آمریکا

چالش‌ها و الزامات امنیتی اینترنت اشیاء در صحنه نبرد

اینترنت اشیاء در حال تبدیل شدن به یک عنصر کلیدی از اینترنت آینده و یک زیرساخت حیاتی ملی و بین‌المللی است. با این شرایط، تأمین امنیت کافی برای زیرساخت‌های اینترنت اشیاء در صحنه‌های نبرد، اهمیت روزافزونی پیدا می‌کند. در صحنه نبرد، برنامه‌های کنترل و فرماندهی و خدمات عملیاتی مبتنی بر اینترنت اشیاء به‌طور فزاینده‌ای در برابر هرگونه اختلال، حملات و با سرقت اطلاعات، آسیب‌پذیر هستند. شناخت این چالش‌ها، تهدیدات و ریسک‌های امنیتی در طراحی معماری امن بسیار ضروری است. از منظرهای گوناگونی مانند اجزا و لایه‌های معماری، امنیت و حریم خصوصی، زیرساخت، پروتکل‌های مربوطه

^۱ Distributed Common Ground System (DCGS)

و آسیب‌پذیری تجهیزات اینترنت اشیاء می‌توان این چالش‌ها را بررسی، دسته‌بندی و ارزیابی نمود. مهم‌ترین چالش‌های توسعه اینترنت اشیاء و به‌کارگیری آن در صحنه نبرد عبارت‌اند از دسترس‌پذیری^۱، قابلیت اطمینان^۲، متحرک بودن^۳، عملکرد^۴، مدیریت^۵، مقیاس‌پذیری، قابلیت همکاری، امنیت و حریم خصوصی^۶، محدودیت و مصرف منابع. این چالش‌ها عمدتاً از حوزه‌های ادبیات و مصاحبه‌ها به دست آمده است.



شکل شماره ۴: چالش‌های مهم امنیتی در اینترنت اشیاء در صحنه نبرد

شکل شماره ۴، چالش‌های امنیتی اینترنت اشیاء را از منظر معماری و موجودیت نشان می‌دهد. چالش‌های مبتنی بر معماری، مسائل خاص مربوط به هر لایه و نیز مسائل مربوط به یکپارچه‌سازی لایه‌ها در یک چارچوب واحد را پوشش می‌دهند. چالش‌های امنیتی مبتنی بر موجودیت بر مسائل مرتبط با امنیت اجزای سه نهاد اساسی هر سامانه محاسباتی؛ یعنی سخت‌افزار، نرم‌افزار و داده‌ها تمرکز دارد (Gupta & Quamara, 2019: 38).

مؤلفه‌ها و سیاست‌های امنیتی در اینترنت اشیاء در صحنه نبرد

مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیتی در اینترنت اشیاء در صحنه نبرد که عمدتاً از حوزه‌های ادبیات به دست آمده، در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

¹ Availability

² Reliability

³ Mobility

⁴ Performance

⁵ Management

⁶ Security and Privacy

مؤلفه‌ها	شرح مؤلفه
احراز هویت	روشی برای شناسایی کاربران مجاز برای ورود به سامانه‌ها است. در محیط‌های رزومی از روش‌های احراز هویت چندمرحله‌ای مانند کلمه و رمز عبور، بیومتریک، موبایل و... استفاده می‌شود.
کنترل دسترسی	باید مشخص شود که هر کاربر یا دستگاه به کدام بخش از سرویس‌های اینترنت اشیاء و یا داده‌ها حق دسترسی و استفاده دارد. در محیط‌های نظامی باید مکانیسم خاصی برای دسترسی به خدمات برای کاربران تعریف شود.
محرمانگی	اطلاعات و سرویس‌های موجود در صحنه نبرد باید فقط در اختیار افراد مجاز قرار بگیرد. این محرمانگی باید بر اساس اطلاعات (سری، خیلی محرمانه، محرمانه و عادی) صورت گیرد.
یکپارچگی	باید خدمات و داده‌های موجود در محیط نظامی به‌صورت یکپارچه و در کل صحنه نبرد اعم از زمینی، دریایی و هوایی با یکدیگر در تعامل باشند تا از وجود داده‌های تکراری و یا فقدان داده جلوگیری شود.
دسترس‌پذیری	خدمات موجود در صحنه نبرد باید دارای این قابلیت باشد که در هر شرایط بحرانی و عملیاتی به دست بهره‌برداران مجاز برسد.
حریم خصوصی	اطلاعات هر کاربر فقط در اختیار وی باشد و دیگران حق دسترسی به این اطلاعات را نداشته باشند.
اعتماد	شامل اعتماد کاربران به فراهم‌کنندگان خدمات اینترنت اشیاء و اعتماد فراهم‌کنندگان خدمات به کاربران و بهره‌برداران خود است.
عدم انکار	بهره‌برداران از خدمات اینترنت اشیاء نباید بتوانند استفاده از خدمات را منکر شوند.
ارتباطات امن	یکی از الزامات مهم امنیتی، وجود زیرساخت ارتباطی امن بین بخش‌های مختلف موجود در صحنه نبرد و همچنین ارتباطات بین لایه‌های معماری اینترنت اشیاء است.

جدول شماره ۲: مؤلفه‌های مهم امنیتی در اینترنت اشیاء در صحنه نبرد

برای ایجاد یک معماری امنیت‌پایه لازم است که اینترنت اشیاء گره‌های فیزیکی امنیتی، اکتساب اطلاعاتی امن، انتقال اطلاعاتی امن و پردازش اطلاعاتی امن داشته باشد تا به صحت، محرمانه بودن و انسجام اطلاعاتی برسد. به همین منظور، نیازمند داشتن سیاست‌های امنیتی در حوزه‌های سخت‌افزار فیزیکی، شبکه حسگر، پایانه‌های حسگر، کسب اطلاعات، پردازش اطلاعات، انتقال اطلاعات و امنیت اطلاعات برنامه‌های کاربردی است.

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

از آنجاکه امنیت و حریم خصوصی، مهم‌ترین و شاخص‌ترین مؤلفه اینترنت اشیاء در حوزه نظامی است، بایستی خدمت امنیت بر روی همه اجزا و مؤلفه‌های آن تأثیرگذار باشد. به عبارتی دیگر، باید یک معماری امنیت‌پایه مدنظر قرار بگیرد. تأمین یکپارچگی، محرمانگی و دسترس‌پذیری به خدمات، به‌ویژه در شرایط بحرانی و میدان نبرد بسیار ضروری است. همچنین، در نظر گرفتن شاخص‌های امنیتی نظیر احراز هویت، دسترس‌پذیری، سطوح دسترسی به خدمات، محرمانگی، حریم خصوصی و رمزنگاری در همه سطوح انتقال داده الزامی است.

بر اساس مدل‌های معماری بررسی شده در پژوهش، مدل معماری ارائه شده توسط اتحادیه ارتباطات بین‌المللی که با مدل شش لایه فضای سایبری کشور ارائه شده توسط شورای عالی فضای مجازی، نزدیکی بیشتری داشت، مدنظر قرار گرفت. در ادامه با توجه به نیازمندی‌های صحنه نبرد و امنیت پایه بودن آن و همچنین مؤلفه‌ها و سیاست‌های امنیتی احصاء شده، معماری تدوین گردید.

به‌منظور به‌کارگیری مفید و مؤثر اینترنت اشیا در نیروهای مسلح و به‌ویژه در صحنه نبرد، باید از یک معماری چندلایه‌ای خدمت‌گرا و چارچوب مبتنی بر رایانش ابری استفاده کرد تا علاوه بر کاهش هزینه‌ها، قابلیت مقیاس‌پذیری نیز مهیا شود. این چارچوب امکان انجام محاسبات، تجزیه و تحلیل و ذخیره‌سازی را به‌صورت جداگانه برای بهره‌برداران فراهم می‌کند. بنابراین، امکان توسعه و گسترش هر بخش به‌صورت جداگانه و در نهایت تکامل یکدیگر از طریق خدمات موجود در یک محیط اشتراکی فراهم می‌گردد. با توجه به اینکه این معماری برای میدان نبرد طراحی می‌گردد، از این رو، مؤلفه‌های تحرک‌پذیری تجهیزات و سیار بودن ارتباطات، انتقال داده‌های فراوان به‌صورت بلادرنگ، تحویل مطمئن اطلاعات و عدم وابستگی به تجهیزات خاص در لایه‌های معماری مورد توجه قرار گرفته است. با به‌کارگیری رایانش مه^۱ برای پردازش داده‌ها بین ابر و دستگاه‌های اینترنت اشیا در این معماری، ضمن استفاده از مزایای آن مانند افزایش امنیت، کاهش پهنای باند و کاهش تأخیر در شبکه، می‌تواند تا حدودی این نواقص را پوشش دهد.

معماری پیشنهادی دارای چهار لایه افقی اشیا، زیرساخت و شبکه، خدمات و برنامه‌های کاربردی و دو لایه عمودی مدیریت و مقررات (حکمرانی) و امنیت بوده که در شکل شماره ۵، قابل مشاهده است. این معماری پیشنهادی برای ارزیابی و اعتباربخشی به رؤیت‌خبران این تحقیق که عموماً از مدیران، فرماندهان حوزه‌های دفاعی آشنا با فناوری اینترنت اشیا، دانشجویان دکتری مدیریت راهبردی فضای سایبر و متخصصان این فناوری هستند، رسیده است. در ادامه، نظرات تکمیلی اصلاحی و یا انتقادی آنها از طریق مصاحبه دریافت و در ارزیابی نتایج اعمال گردید. در نهایت مدل پیشنهادی به‌طور مجدد به رؤیت و تأیید جامعه مذکور رسیده است.

معماری امنیت پایه پیشنهادی اینترنت اشیا برای صحنه نبرد

معماری پیشنهادی (معماری امنیت پایه برای صحنه نبرد مبتنی بر فناوری اینترنت اشیا) در شش لایه تعبیه شده است که در شکل شماره ۶، قابل مشاهده است. اکنون به تشریح اجزاء، لایه‌ها، ارتباطات مؤلفه‌ها و سیاست‌های امنیتی معماری پیشنهادی می‌پردازیم.

^۱ Fog Computing

۱. امنیت در لایه اشیاء^۱

این لایه، پایین‌ترین لایه معماری بوده و از شبکه حسگرهای بی‌سیم، دوربین‌ها، فعال‌کننده‌ها، سیستم‌های توکار و دستگاه‌های مختلف تشکیل شده است که با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و برای شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات صحنه نبرد استفاده می‌شوند. در این لایه انواع حسگرهای موردنیاز صحنه نبرد مانند حسگرهای رادار، سونار، شیمیایی، زیستی، حرارتی، مادون‌قرمز، رادیویی، تشخیصی، لیزری، صوتی و دیگر موارد، دیده شده است. ارتباطات فرد با فرد، فرد با ماشین و ماشین با ماشین و از طریق فناوری‌هایی مانند «Wi-Fi»، «4G»، «5G»، «6LoWPLAN»، «Zigbee»، «WSN»، «GSM»، «UMTS» و «بلوتوث» و دیگر موارد، میسر است. با توجه به اینکه در این لایه با دستگاه‌هایی با منابع محدود، توان محاسباتی پایین و مستعد آسیب و حملات سروکار داریم، رویکرد رمزنگاری سبک‌وزن در هر دو بخش رمزهای قالبی و رمزهای جریان‌ی بیشتر مورد توجه است. سیاست‌های امنیتی این لایه عبارت‌اند از ایمنی کسب داده‌ها و امنیت سخت‌افزارها مثل حسگرها و گره‌های برجسب‌های ردفاشگر^۲ و پیکربندی امن تجهیزات، داده، حسگرهای محافظت‌شده و وضع قوانین امنیتی، می‌توانند مفید باشند. مؤلفه‌های امنیتی یکپارچگی، صحت داده و حریم خصوصی حائز اهمیت می‌باشند.

۲. امنیت در لایه زیرساخت و شبکه

لایه شبکه و زیرساخت، امکانات شبکه‌ای موردنیاز را فراهم می‌کند و فناوری‌ها و پروتکل‌های متعددی را به خدمت می‌گیرد و قابلیت شبکه‌سازی و انتقال اطلاعات را دارد. در این لایه با توجه به ماهیت صحنه نبرد می‌بایست از شبکه‌ها و ارتباطات مختلفی نظیر شبکه ارتباطی موبایل^۳، شبکه حسگر بی‌سیم^۴، شبکه سیاره^۵، ارتباطات ماهواره‌ای^۶ و سایر شبکه‌ها استفاده نمود. این شبکه‌ها می‌توانند به صورت خصوصی، عمومی و یا ترکیبی باشند که برای پشتیبانی از ارتباطات موردنیاز در صحنه نبرد با امنیت لازم ساخته شده‌اند. در این لایه، برای داشتن چارچوبی ایمن برای شبکه‌ها باید از ادغام سیاست‌های مختلف امنیتی مانند الگوریتم‌های رمزنگاری متقارن، سیاست‌های توزیع کلید، مکانیسم‌های تشخیص نفوذ، سیاست‌های احراز هویت، کنترل جریان داده،

¹ Objects

² RFID

³ LET

⁴ Wireless Sensor Networks (WSN)

⁵ VAnet

⁶ Satellite

سیاست‌های مسیریابی امن و دیگر موارد، استفاده گردد. حفظ صحت، محرمانگی، یکپارچگی و در دسترس بودن داده‌ها در حین انتقال در شبکه، ضروری است.

۳. امنیت در لایه مدیریت خدمات‌دهی

لایه سوم معماری پیشنهادی، مدیریت خدمات‌دهی است که در این لایه، امکانات متعددی به‌منظور مدیریت، رصد و پایش، هماهنگی خدمات، خدمات امنیتی و پردازش اطلاعات، ارائه شده است. توجه به امکانات این لایه، به‌ویژه از منظر معماری خدمات‌محور، بسیار حائز اهمیت است، چراکه بسیاری از برنامه‌های کاربردی مورد استفاده در لایه بعدی، به‌طور مستقیم تحت تأثیر معماری این لایه قرار خواهند گرفت. درحقیقت، از این لایه می‌توان در این معماری به‌عنوان لایه مدیریت فرماندهی و کنترل نام برد. ابر دفاعی، پایگاه‌های داده دفاعی، تحلیل داده‌های صحنه نبرد و دیگر موارد، همه در این لایه پیش‌بینی شده است. مدیریت خدمات امکان پردازش اطلاعات را از طریق تجزیه و تحلیل اطلاعات، کنترل امنیت، مدل‌های فرایندی و ابزارهای مدیریتی فراهم می‌کند. محاسبات چندبخشی امن، محاسبات ابری امن، امنیت ماشین‌های مجازی و ارتباطات، دسترس‌پذیری، کنترل دسترسی و تضمین امنیت و محرمانگی (حریم خصوصی) داده‌ها بین خدمات، توسط خدمات امنیتی در نظر گرفته شده در این معماری انجام می‌پذیرد.

۴. امنیت در لایه برنامه‌های کاربردی

در بالاترین لایه معماری، لایه برنامه‌های کاربردی قرار دارد که وظیفه محاسبات و پردازش داده‌هایی که توسط لایه ادراک و اشیاء جمع‌آوری شده را بر عهده دارد. مسئولیت این لایه، ساختن یک مدل گرافیکی مبتنی بر داده‌ها است که از لایه خدمات دریافت می‌کند. این لایه ارتباط مستقیمی با مرکز فرماندهی و کنترل صحنه نبرد دارد و فرماندهان با استفاده از سامانه‌هایی نظیر امداد و نجات، نظارت و شناسایی، کنترل تسلیحات، پشتیبانی نظامی، تحرکات نیروها، وضعیت سلامت نیروها، فرماندهی و کنترل و دیگر موارد، به هدایت و فرماندهی صحنه نبرد می‌پردازند. اطلاعات این سامانه می‌تواند به‌طور هم‌زمان در اختیار نیروهای زمینی، دریایی و هوایی نیز قرار بگیرد.

برنامه‌های کاربردی با مسائل امنیتی مختلفی در حوزه نرم‌افزار و داده روبه‌رو هستند. حفاظت از داده‌ها، پشتیبان‌گیری از داده‌ها و مکانیسم‌های بازیابی اطلاعات برای رسیدن به امنیت استفاده می‌شود. برای اطمینان از امنیت داده‌ها در برنامه‌های کاربردی، باید مدیریت امنیتی و الگوریتم‌های رمزگذاری و رمزگشایی بر پایگاه داده اعمال گردد. مؤلفه‌های مدیریت دسترسی، برای جلوگیری از دسترسی غیرمجاز به پایگاه داده‌ای و همچنین

مدیریت پایگاه داده‌ای، اعمال گردد. احراز هویت به صورت چندعامله، مجازشناسی و حسابرسی^۱ محافظت از حریم خصوصی، تعیین سطوح دسترسی، ضدهرزنامه، آنتی‌ویروس و دیگر موارد، ضروری است.

۵. لایه مدیریت و مقررات

در کنار تمام این لایه‌هایی که توضیح داده شد، لایه مدیریت و مقررات (حکمرانی)، نقش یکپارچه‌کننده شبکه اصلی، تدوین استانداردهای ملی و بین‌المللی، تدوین سیاست‌های دفاعی امنیتی و رصد و پایش را در تمام این معماری ایفا می‌کند. همان‌طور که در شکل شماره (۵) می‌بینیم، این لایه، همه لایه‌های معماری؛ یعنی لایه اول تا چهارم را پوشش می‌دهد. در یک صحنه نبرد، چون اجزاء به صورت توزیع شده هستند، نیاز به سطح مدیریتی داریم که فعالیت این اجزاء را در کل شبکه‌ای که منطقه عملیاتی را فرا گرفته، از حسگرها تا محیط‌های ابری، محیط‌های زیرساخت و خدمات‌دهی را مدیریت کند و هماهنگی بین اهداف هر یک از اجزاء برای رسیدن به یکپارچگی کلی را فراهم نماید. بنابراین، مدیریت به‌عنوان جزء جدایی‌ناپذیر در معماری صحنه نبرد مبتنی بر اینترنت اشیاء به حساب می‌آید.

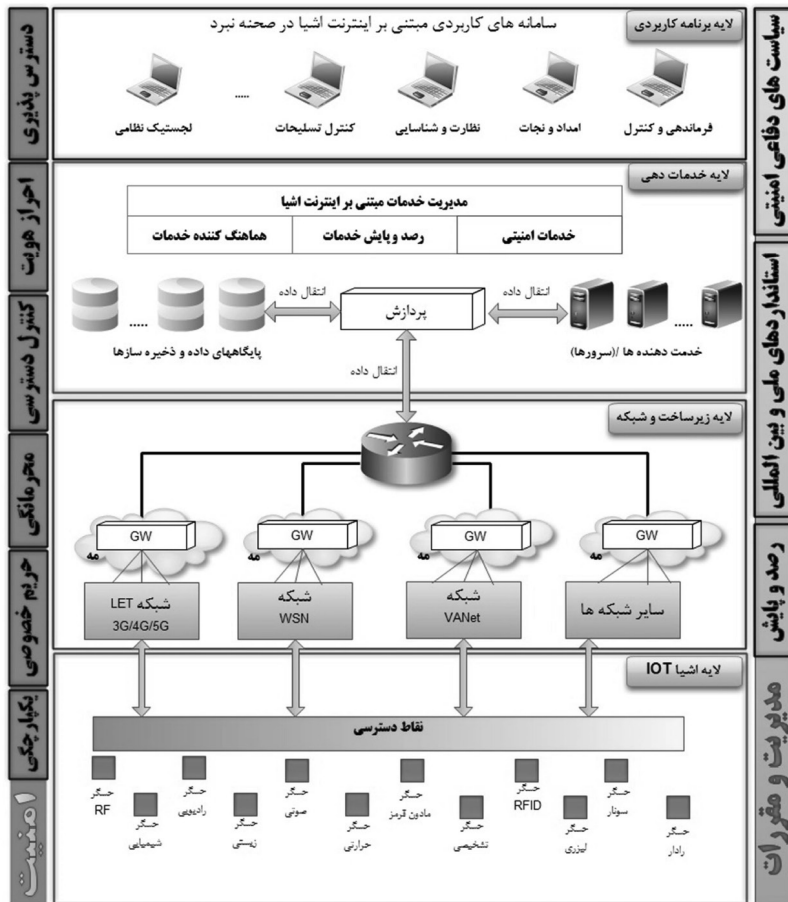
۶. لایه امنیت

اولین و مهم‌ترین لایه این معماری، لایه امنیت است که با در نظر گرفتن امنیت پایه بودن معماری پیشنهادی و حساسیت صحنه نبرد، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. این لایه همچون لایه مدیریت، از لایه پایینی اشیاء هوشمند تا لایه بالایی برنامه‌های کاربردی باید به اجرا درآید و کلیه ارتباطات و اجزاء را دربرگیرد، چراکه مقوله امنیت یک فرایند است، فرایندی که می‌بایست در تک‌تک لایه‌ها، اجزاء معماری و ارتباطات آنها پیش‌بینی گردد.

کلیه سیاست‌های امنیتی و کنترل‌های دفاعی باید در این لایه پیش‌بینی، تعریف، اجرا، رصد و پایش گردد. مؤلفه‌های امنیتی همچون یکپارچگی، محرمانگی، دسترس‌پذیری، کنترل دسترسی، شناسایی و احراز هویت، اعتماد و حریم خصوصی باید در همه اجزای معماری شامل کاربران، حسگرها، نرم‌افزارها، سخت‌افزارها، شبکه‌ها، پروتکل‌ها، سامانه‌ها و دیگر موارد، لحاظ گردد. مدیریت و به‌کارگیری سیاست‌های رمزنگاری داده‌ها، زیرساخت کلید عمومی^۲، سازوکارهای اعتباردهی و اعتبارسنجی خدمت‌دهنده‌ها و خدمت‌گیرندگان از دیگر وظایف این لایه است.

¹ Authentication, Authorization, Accounting (AAA)

² Public Key Infrastructure (PKI)



شکل شماره ۵: معماری امنیت پایه پیشنهادی برای صحنه نبرد مبتنی بر فناوری اینترنت اشیاء

مزیت‌های اصلی معماری پیشنهادی در مقایسه با سایر معماری‌ها عبارت‌اند از:

۱. قرار دادن لایه امنیت در معماری و تأثیر آن در همه لایه‌های دیگر به منظور افزایش ضریب امنیت در همه بخش‌های معماری.
۲. قرار دادن لایه مقررات و قوانین به صورت عرضی در کنار همه لایه‌های موجود در معماری.
۳. با توجه به ممزوج شدن فناوری اینترنت اشیاء با فناوری رایانش ابری، در این معماری، خدمات اینترنت اشیاء در صحنه نبرد مبتنی بر محیط‌های ابری (ابر دفاعی) در نظر گرفته شده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

اینترنت اشیاء به وسیله قابلیت‌های خود توانسته است تا در بسیاری از حوزه‌ها نظیر حمل‌ونقل، انرژی و صنعت وارد شده و به افزایش دقت و کارایی سازمان‌های مرتبط بیانجامد. حوزه دفاعی نیز بی‌تأثیر از این فناوری نمانده و امروزه سازمان‌های نظامی، اسناد راهبردی خود در حوزه به کارگیری این فناوری نوظهور را تدوین کرده و مورد استفاده قرار می‌دهند.

ویژگی‌های خاص سازمان‌های دفاعی و نحوه عملکرد آنها در صحنه نبرد باعث شده تا کارشناسان حوزه فناوری بر استفاده از اینترنت اشیاء در این محیط تأکید نمایند و همه تجهیزات، کاربران، سامانه‌ها و دیگر موارد را در محیط صحنه نبرد بر اساس ویژگی‌های خاص اینترنت اشیاء به کار ببرند.

با این فناوری، مزیت‌های زیادی در این حوزه برای سازمان‌های دفاعی به وجود می‌آید که مهم‌ترین آنها شناسایی اجزای محیط عملیاتی، انجام پردازش‌های مرتبط در حداقل زمان و بالا بردن کارایی تجهیزات است. ایجاد قابلیت مانیتورینگ صحنه نبرد از دیگر ویژگی‌های خاص استفاده از این فناوری نوظهور است.

در این تحقیق، معماری امنیت پایه مرتبط با اینترنت اشیاء بر اساس مدل‌های موجود در سازمان‌های دفاعی و مؤسسات استاندارد دفاعی و همچنین نظرات خبرگان طراحی شده است.

با توجه به اینکه امنیت به‌عنوان مهم‌ترین چالش به کارگیری فناوری اینترنت اشیاء در صحنه نبرد است، در معماری ارائه‌شده در این تحقیق به مؤلفه‌های امنیتی در همه لایه‌ها توجه شده است. پس از آنکه اجزاء و ارتباطات بین اجزای معماری بر اساس یافته‌های پژوهش در حوزه‌های دفاعی کسب شد، در نهایت مدل ارائه‌شده نیز به تأیید این گروه خبرگان رسیده است. نظر به اینکه فناوری اینترنت اشیاء با سایر فناوری‌های نوظهور مانند رایانش ابری و کلان داده‌ها در ارتباط تنگاتنگ است، پیشنهاد می‌شود تا در کارهای آینده به طراحی صحنه نبرد مبتنی بر ترکیب این فناوری‌های نوین پرداخته شود.

منابع و مآخذ الف) کتب فارسی

۱. ارکیان، علیرضا؛ پورخلیلی، عاطفه؛ خوش اخلاق، حمیدرضا؛ (۱۳۹۴)، «امنیت و حریم خصوصی در اینترنت اشیاء»، دوفصلنامه علمی - ترویجی منادی امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات (افتا)، دوره ۸، شماره ۲.
۲. پاکروان، پدرام؛ عسکریان ایبانه، حسین (۱۳۹۷)، «نظارت، کنترل و مانیتورینگ سیستم‌های قدرت مبتنی بر اینترنت اشیاء و عملیاتی نمودن آن در شبکه وای فای»، سیزدهمین کنفرانس ملی کیفیت و بهره‌وری؛ دو بال توسعه پایدار.
۳. شورای اجرایی (عالی) فناوری اطلاعات کشور (۱۳۹۶)، «چارچوب معماری سازمانی ایران و مدل مرجع امنیت»، کمیسیون توسعه دولت الکترونیک.
۴. کشتکارهرانکی، مهران (۱۳۹۵)، «طراحی الگوی راهبردی نوآوری اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران»، رساله دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی.
۵. محمدی، شهریار (۱۳۹۵)، «معماری پیشنهادی مبتنی بر اینترنت اشیاء و سیستم‌های توصیه‌گر برای هوشمندسازی شهر تهران»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، دوره ۳۲، شماره ۱.
۶. مکنزی (۱۳۹۵)، «اینترنت اشیاء و چگونگی ارزش آفرینی آن»، تهران: دبیرخانه برنامه ملی آینده‌نگاری علم و فناوری در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات.

ب) کتب لاتین

1. Al-Fuqaha, A., Guizani, M., Mohammadi, M., Aledhari, M, & Ayyash, M.,(2015), "*Internet of Things: A Survey on Enabling Technologies, Protocols and Applications*", IEEE Communications Surveys & Tutorials, vol. 17. pp. 2347 - 2376. Cisco's white paper.
2. Ammar, Mahmoud, Russello, Giovanni & Crispo, Bruno, ,(2018). "*Internet of Things: A survey on the security of IoT frameworks*".

Journal of Information Security and Applications, vol. 38, pp. 8 – 27.

3. DoD CIO., (2017). **"Policy Recommendations for the Internet of Things"**. Chief Information Officer U.S. Department of Defense, white paper.

4. Gubbi, Jayavardhana, Buyya, Rajkumar, Marusic, Slaven & Palaniswami, Marimuthu (2013). **"Internet of Things (IoT): A vision, architectural elements, and future directions"**, Elsevier. Future Generation Computer Systems, volume 29, number 7. P 1645 - 1660.

5. Gupta, B., & Quamara, M., (2018) **"An overview of Internet of Things (IoT): Architectural aspects, challenges, and protocols"**, Concurrency and Computation: Practice and Experience, pp. 291 – 319.

6. ITU (2005), **"ITU Internet Reports 2005: The Internet of Things. Executive Summary"**, International Telecommunication Union (ITU), Geneva, available online at <http://www.itu.int/osg/spu/publications/internetofthings/>, last retrieved April 18, 2012.

7. Jacobson, Michael, (2015). **"The Internet of Things"**, the Department of Defense and the Dangers of Networked Warfare. COMP-116: Computer Systems Security December 15, 2015 M.

8. Li, Shancang, Li, Da Xu & Shanshan, Zhao (2015). **"The internet of things: a survey"**, Information Systems Frontiers. Springer Science + Business Media: 243 - 259.

9. Li, X., R.X., Lu, X.H., Liang & X.M. Shen. (2011). **"Smart community: an internet of things application"**, IEEE Commun Mag 68 - 75.

10. Mehta, Ashish & Dhariwal, Kunal, (2017). **"Architecture and**

Plan of Smart hospital based on Internet of Things (IOT)", International Research Journal of Engineering and Technology (IRJET). Volume: 04 Issue: 04.

11. NATO Parliamentary Assembly, Science and Technology Committee, (2017). *"The Internet of Things: Promises and Perils of a Disruptive Technology"*, www.nato-pa.int.

12. Paul, A., and Jeyaraj, R., (2019) *"Internet of Things: A primer"* Human Behaviour and Emerging Technology, vol. 1, no. 1, pp. 37- 47.

13. Paula, F-L., Tiago, M., Manuel, F-C., Luis, S-A., & Miguel, G.L., (2016). *"A Review on Internet of Things for Defense and Public Safety"*, Sensors. 16. 1644; doi: 10.3390/s16101644, www.mdpi.com/journal/sensors.

14. Ray, P.P., (2018) *"A survey on Internet of Things architectures"* Journal of King Saud University - Computer and Information Sciences, vol. 30, no. 3, pp. 291 – 319.

15. Sandelowski, M., Barros, J., (2007). *"Handbook for synthesizing qualitative research"*, Springer publishing company Inc. Available at: <https://epdf.tips/handbook-for-synthesizing-qualitative-research.html>.

16. Sarkar, C., Nambi, S.N.A.U., Prasad, R.V., Rahim, A., (2014). *"A scalable distributed architecture towards unifying IoT applications"*. In Proceedings of the IEEE World Forum on Internet of Things (WF-IoT), Seoul, Korea, 6 – 8 March 2014; pp. 508 – 513.

17. Torkaman, A., Seyyedi, M.A., (2016). *"Analyzing IoT Reference Architecture Models"*. International Journal of Computer Science and Software Engineering (IJCSSE), Volume 5, Issue 8, August 2016.

18. Truyen, frank, (2018). *"Modeling a SABSAR® Based Enterprise Security Architecture using Enterprise Architect"*, Cephas Consulting Corp. All rights reserved.

19. Vermesan, O., & fries, P., (2014) *"Internet of Things - from Research and Innovation to Market Deployment"*, River Publishers.

20. Yushi, L., Fei, J., Hui, Y., (2012). *"Study on application modes of military Internet of Things (MIOT)"*. In Proceedings of the IEEE International Conference on Computer Science and Automation Engineering (CSAE), hangjiajie China; Voloum 3, pp. 630 – 634.

21. Zheng, Denise, & Carter, William, (2015). *"Leveraging the Internet of Things for a More Efficient and Effective Military"*, S.I. Rowman & Littlefield, Center for Strategic and International Studies.

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی
دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)

سال نهم، شماره ۳۳ (بهار ۱۳۹۹) صص ۱۰۸-۸۹

محیط‌شناسی نقش مشارکت مردمی در امنیت عمومی کشور

● بهرام بیات ●

استاد گروه امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول)

● فردین پیری ●

دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۰

چکیده

هدف اصلی این مقاله، بررسی مشارکت مردمی در امنیت عمومی کشور است. این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ روش از نوع آمیخته (کیفی - کمی) است. جامعه آماری تحقیق را ۹۷ نفر از اساتید دانشگاه‌ها، مدیران دستگاه‌های امنیتی و سیاسی و فرماندهان نظامی و انتظامی تشکیل می‌دهند. گذشته از مطالعات پایه و مرور تحقیقات پیشین، اطلاعات اساسی تحقیق از طریق انجام مصاحبه و پرسشنامه جمع‌آوری شده و در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که جامعه ایران، به‌ویژه نهادها و دستگاه‌های امنیتی و سیاسی لازم است تا در راستای ارتقای مشارکت مردمی در امنیت عمومی به تلاش افزون‌تر خود جهت «فراهم کردن بسترهای قانونی تعامل و ارتباط با مردم»، «تاکید بر فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی (مردم و سازمان‌های متولی امنیت)»، «تمرکز بر تغییر ساختارها و تمرکززدایی از قدرت و مسئولیت در نهادهای متولی امنیت»، «توجه به عنصر سرمایه اجتماعی و مهم‌ترین عنصر سازنده آن؛ یعنی «اعتماد عمومی» و «افزایش احساس مسئولیت اجتماعی» ادامه دهند.

کلید واژگان: امنیت عمومی، تهدید، طرح راهبردی، فرصت، مشارکت مردمی، نقاط ضعف، نقاط قوت.

مقدمه

انسان‌ها همیشه به آرامش و سلامت روان نیاز دارند، زیرا در سایه آرامش می‌توانند به رشد و کمال، اهداف عالی و سجایای اخلاقی برسند. از سوی دیگر، سلامت روانی در تک‌تک افراد، در گرو برخورداری از جامعه سالم و «امنیت عمومی» است، زیرا تمام فعالیت‌های فردی و اجتماعی و پیشرفت در تمام عرصه‌های زندگی نظیر صنعت، اقتصاد، هنر، سیاست، فرهنگ و... همه و همه در سایه داشتن «امنیت عمومی» میسر است (طبیعی، ۱۳۷۹: ۱۳). از طرفی، رویارویی با تهدیدها و مسائل و مشکلاتی که جوامع امروز با آن درگیر هستند، به دلیل حوزه‌های جدیدی که در بحث امنیت پدید آمده و در سال‌های گذشته وجود نداشته‌اند، تنها با بهره‌گیری درست و بهینه از توان و استعدادها موجود و ظرفیت‌های مردمی قابل‌دستیابی است. با این توصیف باید گفت که تأمین امنیت در اجتماعات انسانی برآیند تعامل و مشارکت همگانی کنشگران اجتماعی است که با میزان احساس مسئولیت و مشارکت اجتماعی رابطه بسیار نزدیکی دارد. با این توصیف، امنیت مقوله‌ای است که از طریق مردم برای مردم ایجاد می‌شود و مشارکت مردمی در امنیت در زمره مشارکت در توسعه ملی است. امنیت عمومی سبب بهبود فضای کسب‌وکار و رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری در کشور گردیده و همه زیرساخت‌های کشور را مستحکم می‌سازد و جمهوری اسلامی ایران برای حفظ و بقای داخلی خود در برابر هجمه وسیع و سنگین نظام استکبار جهانی و هم‌زمان به منظور تحقق اهداف و آرمان‌های خود باید به‌طور پیوسته و پرشتاب بر توانمندی‌ها و قابلیت‌های خود بیفزاید (معصوم‌بیگی، ۱۳۹۵: ۶). بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام، امنیت در زمره اساسی‌ترین نیازهای بشر به شمار می‌رود؛ قرآن کریم آن را از اهداف استقرار حاکمیت الهی و تبدیل «خوف و وحشت» به «ایمنی» می‌داند (سوره مبارکه نور، آیه شریفه ۵۵)، یکی از مؤلفه‌های جامعه پیشرفته و متعالی را امنیت برمی‌شمارد (سوره مبارکه نحل، آیه شریفه ۱۱۲) و اولین درخواست پیامبرش؛ یعنی ابراهیم (علیه‌السلام) را امنیت ذکر می‌کند (سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۱۲۶).

بیان مسئله

در ایران از لحاظ تاریخی تا قبل از انقلاب اسلامی همواره رویکرد اقتدارگرا از سوی حاکمیت و نهادهای انتظامی در برقراری نظم و امنیت به‌عنوان استراتژی مسلط به کار گرفته شده است، لذا مشارکت مردم به‌ویژه در امور انتظامی در سطوح پایینی بوده، افزون بر آن، نوعی روحیه پلیس‌ستیزی منبث از روحیه قانون‌گریزی وجود داشته است، چراکه مردم به قوانین به‌عنوان مقرراتی برای حفظ منافع حاکمیت

می‌نگریسته‌اند (وروایی، ۱۳۸۴: ۴۴). در نتیجه، دوری از نهادهای امنیتی چه در نزد افراد قانون‌گرا و چه در نظر افراد قانون‌گریز به‌عنوان سمبل مبارزه با حکومت تلقی می‌شده و با حمایت اجتماعی و حتی پاداش همراه بوده است. بر این اساس، طی سالیان سال شکاف میان دولت‌ها و ملت به یک باور فرهنگی برای بی‌اعتمادی به مسئولان و مجریان قانون مبدل شده است.

مطالعه و بررسی بخش قابل‌توجهی از پرونده‌های موردنظر از رواج گسترده رفتارها و کنش‌های ناپه‌نجا و غیرقانونی خبر می‌دهد که لازم است به‌دقت در حوزه‌های اجتماعی مورد توجه و رسیدگی قرار بگیرند؛ به‌عنوان مثال، وقتی مسیر ورود بسیاری از پرونده‌ها را به مراجع انتظامی مورد بررسی قرار می‌دهیم و انبوه مراجعه‌کنندگان به هیئت‌های حل اختلاف و دادگاه‌ها را رصد می‌کنیم، درمی‌یابیم که بسیاری از این پرونده‌ها مربوط به اموری نظیر نزاع‌های خیابانی، دعاوی حقوقی، دعاوی میان مالک و مستأجر، دعاوی خانوادگی، اختلافات همسایگی و بسیاری از مشکلات اجتماعی روزمره است، ضمن اینکه بخش عمده‌ای از پرونده‌ها نیز به جرمی نظیر سرقت، قاچاق مواد مخدر، جعل و کلاهبرداری و نظایر آن اختصاص دارد که می‌توان یکی از زمینه‌های بروز آن را در مشکلات اجتماعی ناشی از بی‌تفاوتی مردم برای حضور مؤثر در فضاهای مشارکتی امنیت‌ساز جست‌وجو کرد. تاکنون مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به‌کرات نسبت به مسئله امنیت و مشارکت مردمی در آن، حساسیت خاص نشان داده‌اند؛ به‌طوری‌که ایشان بارها موضوع امنیت را موضوع بسیار مهم و در درجه اول اولویت ذکر فرموده و از زوایای مختلف بر موضوع «مشارکت» تأکید نموده و آن را با عناصر مهم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پیوند زده‌اند. ایشان در یکی از موارد، «همبستگی» و «مشارکت مردم» را به‌عنوان مهم‌ترین عامل در برای حل مشکلات کشور می‌دانند:

«همه ملت ایران، به‌خصوص نخبگان، جوانان، دانشجویان و کسانی که حوزه تأثیری فراتر از حول‌وحوش خودشان دارند، بدانند امروز علاج همه مشکلات این کشور، همبستگی و مشارکت عمومی است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۴/۰۱/۰۱).

ایشان به‌طور قطع بیش از هر کس دیگری بر این موضوع اصرار دارند که مشارکت ضامن بقای هر حکومت مبتنی بر رأی و نظر مردم است، زیرا هنگامی که مردم در امر حکومت و سایر امور جامعه سهیم باشند، به‌طور قطع، حکومت را بیگانه از خود تصور نمی‌کنند و وظایف شهروندی خود را بهتر انجام می‌دهند که این رمز ماندگاری یک نظام سیاسی خواهد بود.

در ادبیات جدید توسعه نیز بحث مشارکت جایگاه مهمی یافته است. یکی از رویکردهای جدید به

توسعه که با پذیرش عمومی مواجه شده، رویکردی است که بحث مشارکت در توسعه را مطرح می‌سازد و با نام «توسعه مشارکتی» شناخته می‌شود. بر اساس این رویکرد باید برنامه‌ریزی‌ها از پایین به بالا باشد و عموم مردم باید در فرایند طرح‌های توسعه‌ای از مرحله برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری تا آخرین مرحله؛ یعنی ارزیابی و بهره‌مندی از طرح‌ها و برنامه‌ها مشارکت داشته باشند. بنابراین، مسئله اصلی مقاله عبارت است از نقش مشارکت مردمی در امنیت عمومی کشور، مسئله امنیت به حدی مهم و جدی می‌باشد که نیازمند مشارکت عموم مردم در آن است.

مبانی و مفاهیم نظری

«عمدتاً صاحب‌نظران در تعریف مشارکت از مفاهیمی چون هم‌جهتی و هدفمندی، آگاهی نسبت به هدف یا اهداف گروه و اراده و خواست در مشارکت بهره می‌گیرند» (Cole & White, 1993: 24). «حال^۱ معتقد است که تعارض بین نظریات پراگماتیسمی (عمل‌گرایانه) و نظریات عمدتاً فلسفی از مشارکت، سبب شده است تا مشارکت به مفهومی چندوجهی بدل شود و طی زمان به معنای متفاوتی مبدل شود» (Hall, 1988: 93) «گای^۲ مشارکت را فرایندی غیرمتمرکز می‌داند که امکان توزیع منابع، فرصت‌ها، آموزش و قدرت تصمیم‌گیری در سطوح بزرگ و پایین را میسر می‌سازد تا مردم بتوانند نقش بسیار مؤثری در توسعه ایفا کنند» (Wang, 2006). «آلموند»^۳ و «پاول»^۴، فعالیت‌های مشارکت‌جویانه را از آن دسته از فعالیت‌هایی می‌دانند که شهروند معمولی می‌کوشد تا از راه آنها بر سیاست‌گذاری‌های شهری اعمال نفوذ کند. بیشتر اندیشمندان، تأثیرگذاری شهروندان در تصمیم‌های شهری را با هدف توانمندسازی آنان در اداره امور محلی و تحویل خدمات بهینه شهری یادآور شده، نقش مشارکت را در توسعه پایدار شهری، تحقق دموکراسی، جامعه مدنی و سایر موارد مرتبط، بسیار حیاتی خوانده‌اند (Rayan, 1999: 33). با توجه به اهمیت مشارکت اجتماعی به‌عنوان موضوع اصلی، می‌توان گفت که مشارکت اجتماعی، مشارکت افراد در گروه‌هایی خارج از خانواده و عرصه سیاسی و محیط کار (احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها و گروه‌های فشار) است. پس انواع مشارکت‌های داوطلبانه و عضویت فعال در گروه‌هایی خارج از خانواده و سازمان‌های سیاسی و گروه‌های فشار، جزء مشارکت اجتماعی محسوب می‌شود (Helly, 2001: 2).

^۱Hall

^۲Ghai

^۳Almond

^۴Paul

از نظر «محبوبی‌منش»، امنیت عمومی بخشی از امنیت داخلی است که در ارتباط با سازمان رسمی قدرت است که بر سه رکن ارتباطی «دولت، فرد و جامعه» استوار است و منافع فرد و منافع جامعه را دربرمی‌گیرد. امنیت عمومی به دنبال حراست از زندگی شهروندان در برابر آسیب‌های اجتماعی و گزندهای ناشی از کژکارکردهای نهادهای نظام سیاسی است و مدیریت آسیب‌ها در شبکه روابط اجتماعی به نفع بزه‌دیدگان و منافع عمومی جامعه با نهادهای رسمی نظام سیاسی است که پلیس و دستگاه قضایی در آن محور عملیاتی و مستقیم می‌باشند. امنیت عمومی را وضعیتی می‌داند که در آن، ضمن حفظ و حراست از ارزش‌های اساسی و هنجارهای جامعه، عموم مردم از هرگونه تعرض و تهدید نسبت به جان، مال و ناموس خود در امان بوده و درخصوص رعایت و حمایت از حقوق مشروع خود از طرف سایر بازیگران (افراد، گروه‌ها، نهادها و دولت) اطمینان خاطر داشته و احساس آرامش کنند (مؤمنی، ۱۳۸۹: ۱۱۳). در زمینه سنخ‌شناسی مشارکت، بر اساس معیارها و ضوابط مختلف، تقسیم‌بندی‌های مختلفی از مشارکت صورت گرفته است. به‌طور مثال، بر اساس نحوه شکل‌گیری یا منشأ مشارکت به مشارکت انفعالی، خودانگیخته و ترغیب‌شده تقسیم می‌شود. بر اساس حوزه‌ای که مشارکت در آن صورت می‌گیرد، می‌توان از مشارکت سیاسی، مشارکت اجتماعی، مشارکت اقتصادی و مشارکت فرهنگی نام برد. بر اساس سطوح، به مشارکت محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تقسیم می‌شود. اینکه در کدام بخش از فرایند کلی قرار می‌گیرند، به مشارکت در تصمیم‌گیری، مشارکت در اجرا، مشارکت در تأمین منابع و مشارکت در نظارت، تقسیم‌بندی می‌شود و اینکه بر اساس درجه سستی بودن، به مشارکت سنتی، مشارکت مدرن و پست‌مدرن تقسیم می‌شود (انصاری، ۱۳۸۳). اداره ستون مختلف حکومت صرفاً در صورت حضور و مشارکت مردم امکان‌پذیر است و مردم تنها چرخ محرک حکومت اسلامی محسوب نمی‌شوند، بلکه بقا و دوام حکومت مبتنی بر حضور فعال آنان است (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸: ۱۱۷). از این رو می‌توان گفت که از باب وجوب مقدمه واجب، «مشارکت فعال» در عرصه اداره حکومت اسلامی به‌عنوان مقدمه تحقق واجب (اجرای احکام اسلامی) وظیفه امت اسلامی است و آنان باید ضمن کسب آمادگی‌های لازم در این مسیر گام بردارند. این امر به‌مثابه مبنایی دینی ریشه در دستورها و امر خداوند متعال دارد (اصلانی و فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۳).

روش تحقیق

این مقاله به شیوه آمیخته (کمی-کیفی) صورت گرفته و اما ابتدای تحقیق بر بخش کیفی است و بخش کمی در خدمت بخش کیفی قرار می‌گیرد. جامعه آماری این پژوهش شامل صاحب‌نظران و آگاهان

مسائل امنیتی و اجتماعی شامل فرماندهان انتظامی استان‌ها، معاونان معاونت اجتماعی ستاد ناجا، معاونان اجتماعی استان‌ها، اساتید حوزه علوم اجتماعی در دانشگاه علوم انتظامی ناجا، اساتید و نخبگان دانشگاه و حوزه علمیه و نهادهای مرتبط با امنیت عمومی است که به تعداد ۹۷ نفر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. علاوه بر این، در این مقاله با بهره‌گیری از نرم‌افزار «SPSS» و با استفاده از تکنیک‌های پارامتریک و ناپارامتریک متناسب با ماهیت داده‌ها به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. بنابراین، اطلاعات جمع‌آوری شده در دو بخش کمی و کیفی تجزیه و تحلیل شدند. تجزیه و تحلیل مضامین و داده‌های کیفی و تجزیه و تحلیل داده‌ها و متغیرهای کمی با استفاده از آمار توصیفی و «آمار استنباطی»^۱ انجام شد. بعد از انجام مطالعات نظری و بررسی دیدگاه‌ها و نظریه‌های قابل اتکاد در حوزه مشارکت و امنیت عمومی و جمع‌بندی دیدگاه‌ها، جدول مربوط به مهم‌ترین نظریه‌ها و دیدگاه‌ها تنظیم شده و ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به هر کدام از آنها استخراج شدند، سپس گویه‌ها احصاء و طی فرایند طوفان مغزی سؤالات مورد نظر محقق طراحی و جهت تأیید به خبرگان ارائه گردید و پس از آن برای جامعه نمونه ارسال شد.

تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق

آمار توصیفی

پیش از ورود به بخش جداول اصلی آمار توصیفی، ابتدا مروری به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد نمونه آماری خواهیم داشت.

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

درصد تجمعی معتبر	درصد معتبر	درصد	فراوانی	رده سنی
۱۱,۳	۱۱,۳	۱۱,۳	۱۱	۳۰ تا ۳۵ سال
۳۴,۰	۲۲,۷	۲۲,۷	۲۲	۳۶ تا ۴۰ سال
۳۵,۶	۱۹,۶	۱۹,۶	۱۹	۴۱ تا ۴۵ سال
۸۹,۷	۳۶,۱	۳۶,۱	۳۵	۴۶ تا ۵۰ سال
۱۰۰,۰	۱۰,۳	۱۰,۳	۱۰	۵۱ سال و بالاتر
	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۹۷	جمع

جدول شماره ۱: سن

با توجه به جدول شماره ۱، افراد جامعه نمونه در طیف‌های سنی مختلف قرار داشته‌اند و در این میان، افراد مربوط به طیف سنی ۴۶ تا ۵۰ سال، با حدود ۳۶ درصد، بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند.

^۱Statistical evidence

مقطع	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی معتبر
کارشناسی	۵	۵,۲	۵,۲	۵,۲
کارشناسی ارشد	۲۵	۲۵,۸	۲۵,۸	۳۱
دکتری	۶۴	۶۵,۹	۶۵,۹	۹۶,۹
حوزوی	۳	۳,۱	۳,۱	۱۰۰,۰
جمع	۹۷	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

جدول شماره ۲: تحصیلات

با توجه به جدول شماره ۲، بیشترین تعداد جامعه آماری از لحاظ مدرک تحصیلی دکتری با فراوانی ۶۴ و ۶۵ درصد بیشترین نسبت را به خود اختصاص داده‌اند.

آمار استنباطی

آزمون متغیرهای نقاط قوت و ضعف در محیط داخلی

تعداد پرسشنامه مورد آزمون	۹۷
مجذور کای	۳۲,۱۸۲
درجه آزادی	۱۴
سطح معناداری	۰,۰۰۴

جدول شماره ۳: آزمون فریدمن

گویه‌ها	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین میانگین	بالاترین میانگین
نهادینه شدن نسبی رویکرد جامعه‌محوری در نهادهای امنیت عمومی	۹۷	۸,۵۲۵۸	۱۶,۳۰۶۳۷	-۳۰,۰۰۰	۵۶,۰۰۰
تجارب موفق بهره‌گیری از ظرفیت مردم در نهادهای امنیت عمومی	۹۷	۱۰,۶۳۹۲	۱۷,۵۴۴۱۰	-۵۰,۰۰۰	۶۳,۰۰۰
وجود ساختارهای مشارکتی در نهادهای امنیت عمومی به‌ویژه پلیس (معاونت اجتماعی، پلیس اقتضاری و...)	۹۷	۸,۵۲۵۸	۱۶,۳۰۶۳۷	-۳۰,۰۰۰	۵۶,۰۰۰

گویه‌ها	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین میانگین	بالاترین میانگین
اعتقاد به نقش مشارکت مردم در امنیت در نهادهای امنیت عمومی	۹۷	۱۷,۵۵۶۷	۵۹,۸۹۵۷۴	-۲۴,۰۰	۵۷۶,۰۰
آمایش سزیمینی نهادهای امنیت عمومی	۹۷	۱۱,۲۲۶۸	۱۵,۵۵۵۳۵	-۲۰,۰۰	۷۰,۰۰
توانمندی نسبی در کسب رضایت مطلوب مردم	۹۷	۱۲,۴۳۳۰	۱۵,۵۴۴۹۰	-۲۱,۰۰	۸۰,۰۰
توانایی نسبی لازم در پاسخگویی به انتظارات مردم	۹۷	۱۱,۴۹۴۸	۱۵,۶۱۶۵۸	-۴۰,۰۰	۶۰,۰۰
قابلیت رفع نگرانی مردم نسبت به هرگونه تعرض احتمالی نسبت به جان، مال، ناموس و آبرو	۹۷	۹,۹۱۷۵	۱۴,۶۴۹۸۵	-۲۱,۰۰	۷۰,۰۰
برخورداری کافی از نیروهای متخصص و آموزش‌دیده	۹۷	۱۲,۷۴۲۳	۱۷,۹۷۰۶۲	-۵۰,۰۰	۷۰,۰۰
توانمند در تربیت نیروهای دلسوز و کارآمد	۹۷	۱۰,۴۱۲۴	۱۶,۱۵۶۶۲	-۵۰,۰۰	۶۰,۰۰
برخوردار از سازمان و ساختار مناسب با شرایط جامعه	۹۷	۱۰,۳۴۰۲	۱۴,۵۲۵۰۴	-۵۰,۰۰	۵۴,۰۰
ایجاد اطمینان در مردم به‌عنوان نیروی حامی در مواقع موردنیاز	۹۷	۹,۹۰۷۲	۱۵,۴۰۹۰۶	-۲۰,۰۰	۸۰,۰۰
توانمند در پاسخگویی به نیازهای مردم	۹۷	۱۰,۱۴۴۳	۱۶,۸۲۸۱۷	-۵۰,۰۰	۷۰,۰۰
ایجاد اطمینان در جامعه درخصوص برخورد به‌موقع با مجرمان	۹۷	۱۲,۰۵۱۵	۱۵,۳۶۱۱۹	-۵۰,۰۰	۵۰,۰۰
قابلیت به مشارکت گرفتن مردم در مأموریت‌ها	۹۷	۹,۸۲۴۷	۱۷,۶۹۰۶۳	-۵۰,۰۰	۶۰,۰۰

جدول شماره ۴: توصیف آماری متغیرهای نقاط قوت محیط داخلی

جدول شماره ۳، مهم‌ترین جدول آزمون فریدمن است که قبل از تفسیر جداول دیگر نخست باید نتایج این جدول را ارزیابی کرد و در صورت معنادار بودن آزمون فریدمن، به تفسیر نتایج جداول توصیفی و میانگین رتبه پردازیم. از آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی مهم‌ترین شکاف‌های مربوط به نقاط قوت محیط داخلی استفاده شد. آزمون نشان می‌دهد که اهمیت و رتبه شکاف‌های نقاط قوت محیط داخلی با یکدیگر متفاوت است ($p > 0.05$, $df = 14$, $32,182 = \text{مجذور کای}$).

جدول شماره ۳، معناداری آماری را نشان می‌دهد. مقدار مجذور کای به‌دست‌آمده که در سطح خطای کمتر از ۰,۰۵ قرار دارد ($p > 0.05$)، بدین معناست که رتبه‌بندی شکاف گویه‌ها از نظر پاسخگویان بامعناست و پاسخگویان رتبه‌بندی متفاوتی از گویه‌ها دارند.

تعداد پرسشنامه مورد آزمون	۹۷
مجذور کای	۲۵,۰۸۷
درجه آزادی	۱۴
سطح معناداری	۰,۰۳۴

جدول شماره ۵: آزمون فریدمن

میانگین رتبه‌ها (شکاف حال و آینده)	گویه‌ها
۸,۹۶	نامتناسب بودن سازمان و ساختار با توجه به شرایط جامعه
۸,۸۹	فقدان قابلیت لازم در رفع نگرانی مردم نسبت به هرگونه تعرض و خطر احتمالی به جان، مال، ناموس و آبرو
۸,۵۱	ناتوان در کسب رضایت مطلوب مردم
۸,۲۶	فقدان توانایی لازم در پاسخگویی به انتظارات مردم
۸,۲۶	مقاومت بخشی از سطوح ناچا در برابر رویکرد جامعه‌محوری
۸,۱۳	ناتوانی در ایجاد اطمینان در مردم به عنوان نیروی حامی در مواقع موردنیاز
۸,۰۴	ناتوانی در ایجاد اطمینان در مردم در خصوص برخورد به هنگام با مجرمین
۷,۹۵	فقدان برخورداری از نیروهای کافی متخصص و آموزش‌دیده
۷,۹۰	ضعف در تربیت نیروهای متخصص، متعهد و کارآمد، به‌ویژه در حوزه مشارکت عمومی
۷,۹۰	وجود جو بی‌اعتمادی متقابل بین نهادهای امنیت عمومی و مردم
۷,۷۸	توان ناکافی در پاسخگویی به نیازهای مردم
۷,۶۷	نامتناسب بودن ساختار سازمانی با الزامات مشارکت مردمی
۷,۶۰	ضعف در سازوکارهای انگیزشی مشارکت مردم در نهادهای امنیت عمومی
۷,۵۵	فقدان قابلیت لازم برای مشارکت گرفتن مردم در نهادهای امنیت عمومی
۶,۶۱	ضعف در مدیریت افکار عمومی و کار با رسانه‌ها

جدول شماره ۶: رتبه‌بندی گویه‌های نقاط ضعف محیط داخلی

نتایج جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که اهمیت و رتبه شکاف‌های نقاط ضعف محیط داخلی با یکدیگر متفاوت است ($p > 0,05$ ، $df = 14$ ، $25,087 = \text{مجذور کای}$). این جدول معناداری آماری را نشان می‌دهد. مقدار مجذور کای به‌دست‌آمده که در سطح خطای کمتر از ۰,۰۵ قرار دارد ($p > 0,05$)، بدین معناست که رتبه‌بندی شکاف گویه‌ها از نظر پاسخگویان بامعناست و پاسخگویان رتبه‌بندی متفاوتی از گویه‌ها دارند.

آزمون متغیرهای فرصت و تهدید در محیط خارجی (بیرونی)

آزمون متغیرهای فرصت

در جداول این بخش، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مربوط به فرصت‌ها در محیط خارجی ارائه شده است. برای بررسی معنادار بودن تفاوت بین گویه‌ها و رتبه‌بندی متغیرها از نظر پاسخگویان، باید نتایج جدول آزمون آماری را بررسی کنیم.

گویه‌ها	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین میانگین	بالاترین میانگین
قدرت ظرفیت‌های دینی و تشکل‌های سنتی در جذب مشارکت سیاسی	۹۷	۶,۱۳۴۰	۱۳,۸۸۸۴۲	-۳۰,۰۰	۵۰,۰۰
انسجام سیاسی و اجتماعی قابل قبول در جامعه	۹۷	۹,۱۴۴۳	۱۷,۲۰۲۳۳	-۵۰,۰۰	۷۰,۰۰
ظرفیت شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد برای توسعه سیاسی و امنیتی	۹۷	۱۳,۲۸۸۷	۱۷,۹۸۸۴۲	-۲۰,۰۰	۷۲,۰۰
وفاق و همدلی میان قوا درخصوص حفظ امنیت ملی	۹۷	۱۷,۶۲۸۹	۸۱,۲۳۹۵۳	-۴۵,۰۰	۷۹۰,۰۰
انسجام قومی و مذهبی به‌عنوان پشتوانه مردمی دفاع از استقلال و حاکمیت سیاسی کشور	۹۷	۹,۵۵۶۷	۱۷,۰۰۱۸۲	-۲۰,۰۰	۷۰,۰۰
گویه‌ها	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین میانگین	بالاترین میانگین
نقش بسیج مردمی در بازتولید امنیت اجتماعی و سیاسی	۹۷	۸,۰۰۰۰	۱۱,۹۴۸۷۰	-۱۰,۰۰	۵۰,۰۰
وجود امنیت پایدار در اقصی نقاط کشور	۹۷	۶,۷۰۱۰	۱۲,۶۶۴۰۶	-۳۶,۰۰	۳۰,۰۰
همکاری و انسجام در میان دستگاه‌ها و سازمان‌های متولی نظم و امنیت	۹۷	۹,۱۵۴۶	۱۵,۰۷۹۸۸	-۲۴,۰۰	۷۰,۰۰
کارآمدی نیروهای مسلح در ایجاد فضای امن و توأم با آرامش	۹۷	۷,۷۳۲۰	۱۱,۵۴۲۹۶	-۳۲,۰۰	۴۰,۰۰
اعتماد و رضایتمندی مردم از دستگاه‌های دولتی	۹۷	۱۳,۵۹۷۹	۱۹,۳۹۱۰۷	-۲۷,۰۰	۹۰,۰۰
اعتماد عامه مردم به دستگاه قضایی	۹۷	۱۱,۳۴۰۲	۲۰,۹۷۳۱۴	-۳۰,۰۰	۹۰,۰۰
رعایت اصل بی‌طرفی در رسیدگی به دعاوی و شکایات	۹۷	۱۲,۲۳۷۱	۲۰,۱۷۶۷۱	-۳۶,۰۰	۸۰,۰۰
ایجاد ساختار و توسعه تشکیلات قضایی متناسب با نیازهای جامعه	۹۷	۱۲,۲۵۷۷	۱۸,۵۸۰۴۴	-۲۴,۰۰	۹۰,۰۰
ظرفیت بسیج در حوزه فعالیت‌های امنیتی، انتظامی و اجتماعی - فرهنگی	۹۷	۸,۲۱۶۵	۱۲,۱۴۸۵۸	-۳۰,۰۰	۴۰,۰۰
نظم و انضباط اجتماعی قابل قبول در کشور	۹۷	۱۰,۲۷۸۴	۱۶,۶۶۲۵۵	-۴۰,۰۰	۸۰,۰۰
وجود ساختار منسجم تصمیم‌گیری‌های امنیتی در کشور	۹۷	۸,۱۰۳۱	۱۳,۲۲۴۵۹	-۳۰,۰۰	۶۰,۰۰
وجود بستر ظرفیت فراسازمانی برای فعالیت‌های اجتماعی فرهنگی (شوراهای فرادستی و...)	۹۷	۹,۰۶۱۹	۱۵,۵۱۹۳۵	-۳۰,۰۰	۶۰,۰۰
پشتوانه مردمی نظام به‌عنوان سرمایه اجتماعی	۹۷	۷,۸۹۶۹	۱۱,۸۹۵۸۰	-۳۰,۰۰	۴۰,۰۰

جدول شماره ۷: توصیف آماری متغیرهای فرصت از حیث دستگاه‌های دولتی، سیستم قضایی و... در محیط خارجی

جدول شماره ۷ وضعیت رتبه‌بندی متغیرها (گویه‌ها) را نشان می‌دهد. میانگین رتبه هر کدام از گویه‌ها در این جدول گزارش شده است. مقایسه میانگین رتبه‌ها نشان می‌دهد که بالاترین میانگین رتبه ۱۱,۱۸ به گویه «اعتماد و رضایتمندی مردم از دستگاه‌های دولتی» اختصاص دارد. گویه بعدی با اندکی اختلاف و با میانگین رتبه ۱۰,۷۵ به گویه «نظم و انضباط قابل قبول در کشور» اختصاص دارد و بدین معناست که مهم‌ترین شکاف در گویه‌ها از نظر پاسخگویان، به موارد اشاره شده اختصاص دارد. به عبارتی، پاسخگویان معتقدند برای رسیدن به وضعیت مطلوب در آینده باید بیشترین تلاش به این سمت معطوف گردد.

میانگین رتبه‌ها (شکاف حال و آینده)	گویه‌ها
۱۱,۱۸	اعتماد و رضایتمندی مردم از دستگاه‌های دولتی
۱۰,۷۵	نظم و انضباط اجتماعی قابل قبول در کشور
۱۰,۶۹	رعایت اصل بی طرفی در رسیدگی به دعاوی و شکایات
۱۰,۵۸	ظرفیت شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد برای توسعه سیاسی و امنیتی
۱۰,۳۲	ایجاد ساختار و توسعه تشکیلات قضایی متناسب با نیازهای جامعه
۹,۹۰	اعتماد عامه مردم به دستگاه قضایی
۹,۵۷	وفاق و همدلی میان قوا در خصوص حفظ امنیت ملی
۹,۴۷	کارآمدی نیروهای مسلح در ایجاد فضای امن و توأم با آرامش
۹,۳۷	پشتوانه مردمی نظام به عنوان سرمایه اجتماعی
۹,۲۶	انسجام قومی و مذهبی به عنوان پشتوانه مردمی دفاع از استقلال و حاکمیت سیاسی کشور
۹,۱۶	ظرفیت بسیج در حوزه فعالیت‌های امنیتی، انتظامی و اجتماعی - فرهنگی
۹,۰۵	همکاری و انسجام در میان دستگاه‌ها و سازمان‌های متولی نظم و امنیت
۸,۹۲	وجود ساختار منسجم تصمیم‌گیری‌های امنیتی در کشور
۸,۷۹	انسجام سیاسی و اجتماعی قابل قبول در جامعه
۸,۶۹	وجود امنیت پایدار در اقصی نقاط کشور
۸,۶۵	نقش بسیج مردمی در بازتولید امنیت اجتماعی و سیاسی
۸,۶۳	وجود بستر ظرفیت فراسازمانی برای فعالیت‌های اجتماعی فرهنگی (شوراهای فرادستی و...)
۸,۰۳	قدرت ظرفیت‌های دینی و تشکل‌های سنتی در جذب مشارکت سیاسی

جدول شماره ۸: رتبه‌بندی گویه‌های فرصت از حیث دستگاه‌های دولتی، سیستم قضایی و... در محیط خارجی

آزمون فریدمن در جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که اهمیت و رتبه شکاف‌های فرصت‌ها در محیط خارجی با یکدیگر متفاوت است ($p > 0,000, df = 17, 54,803 =$ مجذور کای).

این جدول معناداری آماری را نشان می‌دهد. مقدار مجذور کای به دست آمده که در سطح خطای کمتر از $0,01$ قرار دارد ($p > 0,01$)، بدین معناست که رتبه‌بندی شکاف گویه‌ها از نظر پاسخگویان بامعناست و پاسخگویان رتبه‌بندی متفاوتی از گویه‌ها دارند.

تعداد پرسشنامه مورد آزمون	۹۷
مجذور کای	۵۴,۸۰۳
درجه آزادی	۱۷
سطح معناداری	۰,۰۰۰

جدول شماره ۹: آزمون فریدمن مردم

جدول این قسمت میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مربوط به فرصت‌ها در محیط خارجی را از حیث مردم نشان می‌دهد. جهت بررسی معنادار بودن تفاوت بین گویه‌ها و رتبه‌بندی متغیرها از نظر

پاسخگویان، باید نتایج جدول آزمون آماری را بررسی کنیم.

گویه‌ها	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین میانگین	بالاترین میانگین
نظریه ارتش ۲۰ میلیونی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)	۹۵	۶,۱۵۷۹	۱۳,۱۶۱۲۹	-۳۰,۰۰۰	۵۰,۰۰۰
تدابیر و فرامین مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مبتنی بر مشارکت مردمی در حوزه امنیت	۹۵	۶,۱۴۷۴	۱۲,۴۴۱۳۲	-۳۰,۰۰۰	۶۰,۰۰۰
مردم‌پایه بودن نظام جمهوری اسلامی ایران	۹۵	۵۷۸۹	۱۳,۴۸۵۶۷	-۳۰,۰۰۰	۵۰,۰۰۰
اعتماد نسبی عمومی به ساختارهای امنیتی و انتظام‌بخش در جامعه	۹۵	۷,۱۷۸۹	۱۴,۰۴۷۰۲	-۴۰,۰۰۰	۵۰,۰۰۰
اطمینان نسبی مردم به پلیس به‌عنوان نیروی حامی در مواقع موردنیاز	۹۵	۱۷,۲۰۰۰	۸۲,۴۴۱۴۲	-۲۰,۰۰۰	۸۰۱,۰۰۰
اطمینان مردم از برخورد به هنگام پلیس با مجرمان	۹۵	۱۶,۷۴۷۴	۶۵,۵۸۸۷۶	-۲۰,۰۰۰	۶۳۰,۰۰۰
ظرفیت مشارکتی قابل‌قبول در جامعه	۹۵	۸,۱۳۶۸	۱۵,۷۶۵۳۱	-۴۰,۰۰۰	۷۰,۰۰۰
تجربه موفق مشارکت امنیتی مردم در دفاع مقدس	۹۵	۵,۸۵۲۶	۱۴,۳۶۴۵۳	-۵۰,۰۰۰	۸۰,۰۰۰
اعتقاد و باور عمیق مردم به بسج و کارآمدی آن	۹۵	۶,۴۱۰۵	۱۶,۵۶۱۶۲	-۸۰,۰۰۰	۵۰,۰۰۰
گویه‌ها	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین میانگین	بالاترین میانگین
وجود ظرفیت بالقوه مشارکت‌پذیری در نهادهای تأمین‌کننده امنیت عمومی	۹۵	۶,۳۲۶۳	۱۲,۵۷۲۴۱	-۵۰,۰۰۰	۵۰,۰۰۰
فرهنگ ایثار، تلاش، جهاد و شهادت	۹۵	۶,۹۶۸۴	۱۴,۹۲۳۵۳	-۳۰,۰۰۰	۷۰,۰۰۰
انسجام اجتماعی قابل‌قبول در کشور	۹۵	۹,۹۵۷۹	۱۳,۹۸۲۴۵	-۲۰,۰۰۰	۷۰,۰۰۰
ظرفیت تشکل‌ها و هیئت‌های مذهبی همسو با نظام	۹۵	۵,۷۱۵۸	۱۰,۹۷۵۴۷	-۴۰,۰۰۰	۴۰,۰۰۰
جمعیت جوان، بانگیزه و پرشور در کشور	۹۵	۸,۲۲۱۱	۱۶,۹۴۶۸۴	-۳۰,۰۰۰	۷۰,۰۰۰
احساس امنیت قابل‌قبول در جامعه	۹۵	۸,۱۵۷۹	۱۳,۲۰۵۶۷	-۱۰,۰۰۰	۷۰,۰۰۰
احساس مسئولیت و تعهدات اجتماعی در سطح قابل‌قبول در جامعه	۹۵	۱۲,۱۸۹۵	۱۶,۷۸۲۲۷	-۱۶,۰۰۰	۸۰,۰۰۰
روحیه بالا و نشاط اجتماعی مردم	۹۵	۱۲,۴۶۳۲	۲۰,۰۳۹۷۵	-۲۰,۰۰۰	۹۰,۰۰۰
روحیه و آمادگی مردم برای اقدامات جمعی و بازدارنده در مقابل هجمه دشمنان	۹۵	۹,۴۱۰۵	۱۴,۳۷۰۱۰	-۲۰,۰۰۰	۸۰,۰۰۰

جدول شماره ۱۰: توصیف آماری متغیرهای فرصت در محیط خارجی از حیث مردم

جدول شماره ۱۰ وضعیت رتبه‌بندی متغیرها (گویه‌ها) را نشان می‌دهد. مقایسه میانگین رتبه‌ها نشان می‌دهد که بالاترین میانگین رتبه (۱۱,۰۵)، به گویه «روحیه بالا و نشاط اجتماعی مردم» و سپس گویه «احساس مسئولیت و تعهدات اجتماعی در سطح قابل‌قبول در جامعه» با اندکی



اختلاف و با میانگین رتبه ۱۰,۸۰ اختصاص دارد و بدین معناست که مهم‌ترین شکاف در گویه‌ها از نظر پاسخگویان، موارد اشاره شده هستند. به عبارتی، پاسخگویان معتقدند برای رسیدن به وضعیت مطلوب در آینده باید بیشترین تلاش به این سمت معطوف گردد.

میانگین رتبه‌ها (شکاف حال و آینده)	گویه‌ها
۱۱,۰۵	روحیه بالا و نشاط اجتماعی مردم
۱۰,۸۰	احساس مسئولیت و تعهدات اجتماعی در سطح قابل قبول در جامعه
۱۰,۲۷	اطمینان مردم از برخورد به هنگام پلیس با مجرمان
۱۰,۲۶	انسجام اجتماعی قابل قبول در کشور
۱۰,۰۲	روحیه و آمادگی مردم برای اقدامات جمعی و بازدارنده در مقابل حمله دشمنان
۹,۹۷	اطمینان نسبی مردم به پلیس به عنوان نیروی حامی در مواقع مورد نیاز
۹,۴۶	ظرفیت مشارکتی قابل قبول در جامعه
۹,۳۴	تدابیر و فرآیند مقام معظم رهبری (مدظله العالی) مبنی بر مشارکت مردمی در حوزه امنیت
۹,۳۳	نظریه ارتش ۲۰ میلیونی امام خمینی (رحمت الله علیه)
۹,۳۰	جمعیت جوان، بانگیزه و پرشور در کشور
۹,۲۹	اعتقاد و باور عمیق مردم به سیج و کارآمدی آن
۹,۲۸	احساس امنیت قابل قبول در جامعه
۹,۱۷	فرهنگ ایثار، تلاش، جهاد و شهادت
۹,۱۱	اعتماد نسبی عمومی به ساختارهای امنیتی و انتظام بخش در جامعه
۹,۸۵	تجربه موفق مشارکت امنیتی مردم در دفاع مقدس
۸,۶۱	وجود ظرفیت بالقوه مشارکت پذیری در نهادهای تأمین کننده امنیت عمومی
۸,۴۸	مردم پایه بودن نظام جمهوری اسلامی ایران
۸,۴۱	ظرفیت تشکلهای و هیئت‌های مذهبی همسو با نظام

جدول شماره ۱۱: رتبه‌بندی گویه‌های فرصت از حیث مردم در محیط خارجی

آزمون فریدمن در جدول شماره ۱۲ نشان می‌دهد که اهمیت و رتبه شکاف‌های فرصت‌ها در محیط خارجی از حیث مردم با یکدیگر متفاوت است ($p > 0,001$, $df = 17$, $54,803 =$ مجذور کای). این جدول معناداری آماری را نشان می‌دهد. مقدار مجذور کای به دست آمده که در سطح خطای کمتر از $0,001$ قرار دارد ($p > 0,001$)، بدین معناست که رتبه‌بندی شکاف گویه‌ها از نظر پاسخگویان با معناست و پاسخگویان رتبه‌بندی متفاوتی از گویه‌ها دارند.

تعداد پرسشنامه مورد آزمون	۹۷
مجذور کای	۵۴,۸۰۳
درجه آزادی	۱۷
سطح معناداری	۰,۰۰۰

جدول شماره ۱۲: آزمون فریدمن

آزمون متغیرهای تهدید

جدول این بخش میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مربوط به تهدیدات در محیط خارجی را از حیث دستگاه‌های دولتی، سیستم قضایی و... نشان می‌دهد. جهت بررسی معنادار بودن تفاوت بین گویه‌ها و رتبه‌بندی متغیرها از نظر پاسخگویان، باید نتایج جدول آزمون آماری را بررسی کنیم.

۱۰۲

گویه‌ها	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین میانگین	بالاترین میانگین
فقدان یکپارچگی و ناکارآمدی و ناهمراستایی بخش‌های مختلف سیاسی و اداری	۹۷	۵,۳۱۹۶	۲۲,۱۰۴۱۸	-۳۶,۰۰	۸۰,۰۰
ضعف سیستم تأمین اجتماعی همه‌جانبه و کارآمد در کشور	۹۷	۴,۴۸۴۵	۲۲,۹۹۱۴۴	-۸۰,۰۰	۸۰,۰۰
ناتوانی در پاسخگویی به مطالبات به‌حق مردم	۹۷	۳,۸۰۴۱	۲۰,۷۳۳۷۵	-۵۰,۰۰	۸۰,۰۰
تمرکزگرایی شدید و بی‌میلی ساختار سیاسی برای مشارکت دادن مردم در امور	۹۷	۶,۶۲۸۶	۱۹,۷۹۱۷۹	-۳۰,۰۰	۸۰,۰۰
استبدادزدگی جامعه و عدم میل به همکاری و مشارکت با ساختار حاکمیت	۹۷	۵,۴۹۴۸	۲۲,۶۷۵۷۶	-۵۶,۰۰	۸۰,۰۰
شکل نگرش جامعه مدنی و اختلال در فرایند و کارکرد نهادهای سیاسی و اجتماعی	۹۷	۶,۵۰۵۲	۱۸,۵۷۰۸۸	-۳۲,۰۰	۷۰,۰۰
بی‌اعتمادی گسترده و کاهش مشروعیت ساختار سیاسی	۹۷	۶,۷۹۳۸	۲۴,۲۹۹۷۵	-۵۰,۰۰	۸۰,۰۰
ناتوانی نظام در فراهم کردن بستر فعالیت و استفاده از سازمان‌های مردم‌نهاد در جامعه	۹۷	۵,۴۵۲۶	۲۲,۷۹۷۵۸	-۴۰,۰۰	۸۰,۰۰
فقدان وفای کامل بین نخبگان و مسئولان درخصوص الگوهای امنیتی	۹۷	۲,۳۶۰۸	۲۱,۴۰	-۵۰,۰۰	۶۳,۰۰
گویه‌ها	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین میانگین	بالاترین میانگین
کژکارکردی دستگاه‌های تولیدکننده امنیت اجتماعی	۹۷	۶,۴۷۴۲	۲۱,۳۵۰۷۹	-۵۰,۰۰	۷۲,۰۰
توسعه شکاف طبقاتی روزافزون در جامعه	۹۷	۸۳۵۱۰	۲۵,۷۳۳۱۶	-۸۰,۰۰	۸۰,۰۰
اعتقاد عامه مردم به وجود فساد در دستگاه قضایی و پایمال شدن حقوق آنها	۹۷	۲,۸۰۴۱	۲۴,۵۱۶۸۵	-۸۰,۰۰	۷۲,۰۰
ناکارآمدی قوانین و ساختارهای موجود برای مشارکت مردم در امور	۹۷	۲,۴۶۳۹	۲۰,۵۵۷۳۷	-۵۴,۰۰	۶۳,۰۰
رشد و توسعه روزافزون جرائم و آسیب‌های اجتماعی	۹۷	۱,۳۱۹۶	۲۲,۵۸۲۲۸	-۵۶,۰۰	۷۰,۰۰
بی‌نظمی و نابسامانی‌های انجام‌گسیخته در کشور	۹۷	۴,۰۱۰۳	۲۲,۹۸۱۶۵	-۴۵,۰۰	۸۰,۰۰
فقدان فهم و باور مشترک نسبت به نقش مشارکت در امنیت عمومی	۹۷	۳,۹۵۸۸	۲۳,۵۵۸۸۴	-۶۰,۰۰	۷۲,۰۰
تعدد تشکل‌های غیردولتی و حمایت دشمنان از آنها	۹۷	۲,۰۵۱۵	۲۱,۰۸۸۲۹	-۷۰,۰۰	۸۰,۰۰
موازی کاری و ناهمراستایی در مدیریت کشور	۹۷	-۱,۷۳۲۰	۲۳,۰۴۰۵۱	-۸۰,۰۰	۷۰,۰۰

جدول شماره ۱۳: توصیف آماری متغیرهای تهدید از حیث دستگاه‌های دولتی، سیستم قضایی و... در محیط خارجی

مردم

جدول این بخش، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مربوط به تهدیدات در محیط خارجی را از حیث مردم نشان می‌دهد. جهت بررسی معنادار بودن تفاوت بین گویه‌ها و رتبه‌بندی متغیرها از نظر پاسخگویان، باید نتایج جدول آزمون آماری را بررسی کنیم.

گویه‌ها	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین میانگین	بالاترین میانگین
القای نارضایتی مردم از نهادهای امنیت عمومی	۹۷	۲,۳۸۱۴	۱۷,۹۹۱۰۰	-۴۰,۰۰۰	۷۰,۰۰۰
هجمه روانی در فضای مجازی برای افزایش بی‌اعتمادی مردم	۹۷	-۱۰,۱۱۳۴	۹۴,۹۶۱۰۵	-۹۱۰,۰۰۰	۶۰,۰۰۰
نگرانی مستمر مردم نسبت به هرگونه تعرض و خطر احتمالی به اموال، جان، ناموس و آبرویشان	۹۷	۲,۰۳۰۹	۱۹,۴۲۰۸۴	-۴۰,۰۰۰	۶۳,۰۰۰
موانع قانونی برای مشارکت مردم در امنیت عمومی	۹۷	۴,۱۹۵۹	۱۹,۵۱۳۱۶	-۳۶,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰
اطمینان ناکافی مردم به نهادهای امنیت عمومی به‌عنوان نیروی حامی در مواقع موردنیاز	۹۷	۳,۶۹۰۷	۱۹,۷۸۹۱۸	-۳۰,۰۰۰	۹۰,۰۰۰
اعتقاد به ناکارآمدی نهادهای امنیت عمومی در پاسخگویی به نیازهای مردم	۹۷	۰,۷۵۲۶	۱۹,۹۳۴۲۸	-۴۵,۰۰۰	۹۰,۰۰۰
اطمینان ناکافی مردم از برخورد به هنگام با مجرمان	۹۷	-۰,۱۰۳۱	۲۱,۳۳۴۴۱	-۷۰,۰۰۰	۸۰,۰۰۰
اعتقاد به اینکه نهادهای امنیت عمومی قابلیت به مشارکت گرفتن مردم در مأموریت‌ها را ندارند	۹۷	۳,۲۱۶۵	۱۸,۹۸۴۷۷	-۳۰,۰۰۰	۸۰,۰۰۰
عملیات روانی و هجمه علیه نظام به‌ویژه در حوزه امنیت عمومی (طرح ارتقای امنیت اجتماعی)	۹۷	۰,۱۶۴۹	۲۰,۱۵۸۵۸	-۹۰,۰۰۰	۸۰,۰۰۰
وجود موانع ذهنی مشارکت با نهادهای امنیت عمومی در افکار عمومی	۹۷	۰,۰۴۱۲	۱۹,۵۵۰۶۴	-۴۰,۰۰۰	۸۰,۰۰۰
گویه‌ها	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین میانگین	بالاترین میانگین
احساس وجود واگرایی بین مردم و حاکمیت	۹۷	۴,۸۱۴۴	۲۰,۶۸۴۳۰	-۳۰,۰۰۰	۸۰,۰۰۰
احساس ناامنی در جامعه به‌رغم وجود نسبی امنیت	۹۷	۳,۲۲۶۸	۱۸,۹۷۷۲۴	-۴۰,۰۰۰	۸۰,۰۰۰
ترویج الگوهای ارزشی و رفتاری منافی با ارزش‌های ایرانی - اسلامی	۹۷	۱,۷۹۳۸	۱۸,۱۹۷۳۸	-۴۰,۰۰۰	۸۰,۰۰۰
تعدد، تکرار، پیچیدگی و سازمان‌یافتگی جرائم	۹۷	۲,۹۲۷۸	۱۸,۶۶۳۲۷	-۴۰,۰۰۰	۸۰,۰۰۰
نگرش شعاری به امر مشارکت مردمی در امنیت عمومی	۹۷	۵,۰۲۰۶	۲۱,۲۰۳۸۶	-۴۰,۰۰۰	۸۰,۰۰۰
افزایش نابسامانی‌های اجتماعی در کشور به‌ویژه کلان‌شهرها	۹۷	۳,۹۵۸۸	۲۱,۳۳۳۱۹	-۴۰,۰۰۰	۸۰,۰۰۰
مشکلات جوانان شامل ازدواج، بیکاری، تحصیلات و... به‌عنوان مانع مشارکت	۹۷	-۰,۵۹۷۹	۲۳,۲۷۰۴۵	-۸۰,۰۰۰	۹۰,۰۰۰
تبدیل شدن نیازها به مطالبات و احساس محرومیت نسبی در جامعه	۹۷	-۰,۴۰۲۱	۲۱,۷۹۷۲۰	-۸۰,۰۰۰	۸۰,۰۰۰

جدول شماره ۱۴: توصیف آماری متغیرهای تهدید از حیث مردم

جدول شماره ۱۴ وضعیت رتبه‌بندی متغیرها (گویه‌ها) را نشان می‌دهد. مقایسه میانگین رتبه‌ها نشان می‌دهد که بالاترین میانگین رتبه (۱۰,۴۶)، به گویه «نگرش شعاری به امر مشارکت مردمی در امنیت عمومی» اختصاص دارد. گویه بعدی با اندکی اختلاف و با میانگین رتبه ۱۰,۴۲ به گویه «موانع قانونی برای مشارکت مردم در امنیت عمومی» اختصاص دارد و بدین معناست که مهم‌ترین شکاف در گویه‌ها از نظر پاسخگویان، به موارد اشاره‌شده اختصاص دارد. به‌عبارتی، پاسخگویان معتقدند برای رسیدن به وضعیت مطلوب در آینده باید بیشترین تلاش به این سمت معطوف گردد.

میانگین رتبه‌ها (شکاف حال و آینده)	گویه‌ها
۱۰,۴۶	نگرش شعاری به امر مشارکت مردمی در امنیت عمومی
۱۰,۴۲	موانع قانونی برای مشارکت مردم در امنیت عمومی
۱۰,۴۱	احساس وجود واگرایی بین مردم و حاکمیت
۱۰,۲۵	اطمینان ناکافی مردم به نهادهای امنیت عمومی به‌عنوان نیروی حامی در مواقع موردنیاز
۱۰,۰۶	اعتقاد به اینکه نهادهای امنیت عمومی قابلیت به مشارکت گرفتن مردم در مأموریت‌ها را ندارند
۹,۹۵	احساس ناامنی در جامعه به‌رغم وجود نسبی امنیت
۹,۸۱	افزایش نابسامانی‌های اجتماعی در کشور به‌ویژه کلان‌شهرها
۹,۶۵	ترویج الگوهای ارزشی و رفتاری معایر با ارزش‌های ایرانی - اسلامی
۹,۵۴	تعدد، تکرار، پیچیدگی و سازمان‌یافتگی جرائم
۹,۴۸	القای نارضایتی مردم از نهادهای امنیت عمومی
۹,۳۲	نگرانی مستمر مردم نسبت به هرگونه تعرض و خطر احتمالی به اموال، جان، ناموس و آبرویشان
۸,۹۷	مشکلات جوانان شامل ازدواج، بیکاری، تحصیلات و... به‌عنوان مانع مشارکت
۸,۹۰	اطمینان ناکافی مردم از برخورد بهنگام با مجرمان
۸,۸۶	اعتقاد به ناکارآمدی نهادهای امنیت عمومی در پاسخگویی به نیازهای مردم
۸,۸۴	هجوم روانی در فضای مجازی برای افزایش بی‌اعتمادی مردم
۸,۷۶	تبدیل شدن نیازها به مطالبات و احساس محرومیت نسبی در جامعه
۸,۶۸	وجود موانع ذهنی مشارکت با نهادهای امنیت عمومی در افکار عمومی
۸,۶۳	عملیات روانی و هجوم علیه نظام، به‌ویژه در حوزه امنیت عمومی (طرح ارتقای امنیت اجتماعی)

جدول شماره ۱۵: رتبه‌بندی گویه‌های تهدید از حیث مردم در محیط خارجی

آزمون فریدمن در جدول شماره ۱۶ نشان می‌دهد که اهمیت و رتبه شکاف‌های فرصت‌ها در محیط خارجی از حیث دستگاه‌های دولتی، سیستم قضایی و... با یکدیگر متفاوت است ($p > 0,05$, $df = 17$) ، $30,022 = \text{مجذور کای}$). این جدول معناداری آماری را نشان می‌دهد. مقدار مجذور کای به دست آمده که در سطح خطای کمتر از $0,05$ قرار دارد ($S > 0,05$)، بدین معناست که رتبه‌بندی شکاف گویه‌ها از نظر پاسخگویان بامعناست و پاسخگویان رتبه‌بندی متفاوتی از گویه‌ها دارند.

تعداد پرسشنامه مورد آزمون	۹۷
مجذور کای	۳۰,۰۲۲
درجه آزادی	۱۷
سطح معناداری	۰,۰۲۶

جدول شماره ۱۶: آزمون فریدمن

نتیجه‌گیری

مشارکت بر فرایندهای غیرمتمرکز و ایجاد فرصت‌های برابر، به‌ویژه برای شهروندان عادی جامعه تأکید دارد تا امکان توزیع منابع، آموزش و قدرت سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در سطوح بزرگ و پایین برای همگان فراهم آید.

مشارکت مردمی بر پایه این اصل قرار دارد که مردم به دنبال اهدافی هستند که خود آن را تعریف کرده‌اند. براین اساس، مشارکت مردمی، دخالت مردم در ایجاد و مدیریت محیط‌های طبیعی و مصنوعی خودشان است که محیط امنیتی نیز بخشی از این محیط خواهد بود.

مشارکت مردمی بر پایه اصول ذیل قرار دارد:

۱. جهت‌گیری اخلاقی (عمل مشارکتی در جوهره خود با نیکی و خیر همراه است)؛
۲. آگاهانه، خودانگیختگی، ارادی و داوطلبانه بودن در مقابل هرگونه اجبار و تحمیل؛
۳. قدرت بخشی و توانمندسازی آحاد جامعه (به‌واسطه حق دخالت در امور، از مرحله تصمیم‌گیری تا نظارت و اجرا)؛

۴. انتفاع و سودمندی حاصل از عمل (چه برای خود یا برای دیگر اعضای جامعه)؛

۵. پایداری و مداومت در برابر اقدامات مقطعی و ناپیوسته؛

۶. پابندی و دل‌بستگی به ارزش‌های مورد وفاق جامعه که عامل انگیزشی محسوب می‌گردد؛

۷. احساس مسئولیت و تعهد اجتماعی.

از منظر دین، استقرار و بقای یک نظام سیاسی مستلزم حضور و مشارکت مردم است و وقتی بحث حکومت دینی مطرح است این حضور جنبه وجوب و اجرای دستور الهی پیدا می‌کند. نکته مهم در بررسی مفهوم مشارکت از دیدگاه اسلام، «جهت‌گیری اخلاقی» آن است؛ به عبارت دیگر، جوهره «خیر و نیکی» اولین و مبنایی‌ترین صفت ممیزه هر اقدام مشارکتی، از اقدام غیر مشارکتی خواهد بود. از نظر امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) همه باید کوشش کنند که رضایت مردم را جلب کنند لذا «رضایتمندی مردم»، از نظر امام یک اصل و متغیری تأثیرگذار در امر مشارکت محسوب می‌گردد و همه دولتمردان وظیفه دارند تا در جهت نیل به آن تلاش کنند. از دیدگاه رهبری، موضوع «توانمندی» و «آگاهی» مردم به‌عنوان یک اصل مهم، عامل و زمینه‌ساز مشارکت، اهمیت بسیار دارد. بر اساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله، «مردم‌سالاری دینی» یا همان مشارکت مردمی و «امنیت اجتماعی» دو روی یک سکه تلقی می‌شوند که لازم و ملزوم یکدیگرند و هر یک به‌عنوان مقدمه توسعه‌یافتگی تلقی می‌شوند و در کنار عواملی نظیر: «عدالت اجتماعی» و «آزادی‌های

مشروع» آمده‌اند. به عبارت دیگر برای آنکه مشارکت مردمی افزایش یابد تا جامعه امنیت عمومی به معنای واقعی را تجربه نماید، لازم است به عواملی نظیر عدالت اجتماعی و آزادی‌های مشروع نیز توجه شود. در سند سیاست‌های کلی نظام بر «کاهش تصدی‌گری دولت» و «تمرکززدایی» تصریح شده است. بنابراین نمی‌توان مشارکت مردمی را بدون کاهش میزان مداخلات دولت در عرصه‌های قابل‌واگذاری در نظر گرفت و هرچه مردم در بخش‌های مختلف نقش و حضور بارزتری داشته باشند مشارکت مردمی به مفهوم واقعی خود نزدیک‌تر خواهد شد. در بند چهل و ششم سند مذکور تحت عنوان: «آمایش سرزمین، امور زیست‌محیطی و توسعه پایدار»، بر مشارکت فعال مناطق مختلف کشور اشاره رفته که تأکیدی بر استفاده از ظرفیت همه اقوام و مناطق مختلف کشور است. بدیهی است در این میان تفاوتی در انواع آداب‌ورسوم و ارزش‌های خاص قومیتی نیست و آنچه موجب انسجام و تقویت مشارکت و در نتیجه دستیابی به امنیت همه‌جانبه می‌شود استفاده از ظرفیت‌های قومی و بومی است. به عبارتی برای تنظیم‌کنندگان سند، تفاوت در برخی ارزش‌های بومی و سنت‌های محلی و قومی امری روشن و بدیهی است و با علم به همین تفاوت‌ها، دو عامل «دین» و «ملیت» به عنوان فصل الخطاب همه مردم ایران اسلامی فارغ از نوع بینش و نگرش بومی آنان، به عنوان عامل هم‌افزایی و انسجام ملی و تقویت مشارکت‌جویی محسوب می‌گردند.

یافته‌های تحقیق حاضر نیز در موارد بسیار با مبانی و اصول مورد اشاره همخوانی نشان داد. از جمله اینکه مطالعه و بررسی محیط داخلی گویای این حقیقت است که نیروهای تأمین‌کننده امنیت می‌باید از توانایی کافی برای جلب رضایت مردم و پاسخگویی به انتظارات آنان برخوردار باشند تا این امر مقدمه‌ای برای تضمین مشارکت واقعی مردم و تمایل آنان برای همسویی با سیاست‌ها و برنامه‌های امنیت‌ساز باشد. از نظر پاسخگویان، این امر مستلزم برخورداری کافی از نیروهای متخصص و آموزش‌دیده است تا قابلیت به مشارکت گرفتن مردم را داشته باشند.

منابع و مأخذ

الف) کتب فارسی

۱. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سید علی، «مجموعه بیانات مقام معظم رهبری در سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۶، ۱۳۹۰، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶».
۲. امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، «صحیفه نور»، ج ۴، ۵، ۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰، تهران: دفتر حفظ و نشر آثار امام (رحمت‌الله‌علیه).
۳. اصلانی، فیروز؛ فتاحی زفزندی، علی (۱۳۹۳)، «مشارکت عمومی در اداره حکومت اسلامی حق یا تکلیف؟»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، شماره ۸.
۴. انصاری، حمید (۱۳۸۳)، «عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در امور مربوط به ناجا در شهرستان تهران»، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، «نسبت دین و دنیا»، قم: اسراء.
۶. طبعی، منصور (۱۳۷۹)، «سیمای امنیت در نهج‌البلاغه»، تهران: انتشارات عقیدتی سیاسی ناجا.
۷. معصومه بیگی، مهدی و همکاران (۱۳۹۵)، «راهبردهای ناجا در ارتقای امنیت عمومی با تأکید بر ظرفیت‌های مردمی»، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۸. مؤمنی، اسکندر؛ جعفری، ذوالفقاری و تشکری، (۱۳۸۹)، «راهبردهای ارتقای امنیت عمومی»، تهران، دانشگاه دفاع ملی.
۹. وروایی، اکبر (۱۳۸۴)، «پلیس جامعه‌محور»، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.

ب) کتب لاتین

1. Cole, R. E., Bachayan, P. & White, B. J. (1993). *"Quality, Participation and Competitiveness"*, California Management Review, vol. 35, No. 3. Spring 1993.
2. Hall, Antony (1988). *"Community Perspective. In Development Policies Sociological Perspective"*, Ed by Antony, Hall and James. Midyely. Manchester University Press.

3. Helly, Denise (2001). *"Voluntary and Social Participation by People of Immigrant Origin: Overview of Canadian Research"*, Second National Metropolis Conference, Montreal, November 1997.

4. Mc.Sweeney, Bill & Iden, ty (1999). Security Interests, Cambridge: C.U.P.

5. Rayan, Margaret (1999). *"Participation & Empowerment: An International Journal"*, Vol. 7 No. 2, 1999, pp: 33-42, © MCB University Press.

6. Wang, Y. (2006). *"Rural Community Participation in Tourism Development: Cases from Hainan Province"*, China. Unpublished Ph.D. Dissertation, Waterloo (Ontario): University of Waterloo.

بررسی تأثیر اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه) بر احساس امنیت شهروندان تهرانی

● پروین سوادیان ●

استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، سمنان، ایران

● مصطفی هاشمی نسب ●

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۰۷

چکیده

مقاله حاضر به بررسی تأثیر اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا (عراق، سوریه) بر احساس امنیت شهروندان تهرانی پرداخته است. سؤال اصلی پژوهش این است که «اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا و به‌طور مشخص، در کشورهای عراق و سوریه چه تأثیری بر احساس امنیت شهروندان تهرانی داشته است؟». پس از مرور نظریه‌های مختلف در زمینه امنیت اجتماعی و احساس امنیت، در چارچوب نظری از نظریه‌های مولار، ویور، بوزان، میتار، دورکیم و هابرماس استفاده شد. روش مورد استفاده در این تحقیق، پیمایشی بود. جامعه آماری افراد بالای ۱۸ سال شهر تهران بودند که با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۴۳۰ نفر تعیین شد و با روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای از پنج منطقه در شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب تهران پرسشنامه محقق ساخته در میان پاسخگویان توزیع گردید. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که بین اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی ایران و احساس امنیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و فردی رابطه وجود دارد. همچنین بین بازتاب خبری اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی و احساس امنیت اجتماعی شهروندان تهرانی نیز رابطه وجود دارد.

کلید واژگان: احساس امنیت، اقدامات ضد تروریستی، امنیت اجتماعی، غرب آسیا.

مقدمه

بی‌تردید امنیت و احساس امنیت از نیازهای فطری آدمی است که با سرشت و ذات او عجین شده است و از دیرباز مورد توجه متفکران و دانشمندان مکاتب فکری و رشته‌های علمی مختلف قرار گرفته و هر یک از منظر خاص خود به این مقوله پرداخته‌اند. قدمت پرداختن به این موضوع نیز به‌نحوی است که می‌توان گفت قدمت شناخت آن به اندازه قدمت علم بشر بوده و هر اجتماعی از انسان‌ها به تناسب اقتضائات، نیازها و شرایط عصر خود از آن بهره می‌برده است.

هر اجتماعی که در دوره‌های تاریخی زندگی می‌کرده است، به‌ویژه دولتمردان آن اجتماع برای حفظ و بقای خود به ایجاد امنیت و احساس امنیت در بین شهروندان می‌پرداخته‌اند. شواهد تاریخی نیز حاکی از آن است که هر موقع در جامعه‌ای آرامش و امنیت حکم‌فرما بوده است، آن جامعه رو به پیشرفت گذاشته و در سایه این آرامش بسیاری از دستاوردهای علمی بشر رشد و ترقی یافته است، اما بالعکس وقتی آرامش یک اجتماع دستخوش تغییر و تحول یا حتی جنگ می‌شود، احساس امنیت به شدت افول کرده و شهروندان از بیم جان، حتی نمی‌توانسته‌اند به کوچک‌ترین امورات زندگی خود سامان دهند. بر این اساس، می‌توان اظهار کرد که امنیت پیش‌زمینه یک اجتماع و احساس امنیت، بستر ساز توسعه جوامع انسانی است و سعادت یک اجتماع در گرو حفظ و بقای امنیت و احساس ناشی از آن است (هاشمیان‌فر و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶).

بی‌شک آنگاه که جامعه‌ای تحت تأثیر عوامل گوناگون و پدیده‌های مختلف دچار تنش و تغییراتی می‌شود، احساس امنیت آحاد مختلف آن جامعه نیز متأثر از همین تغییرات و تنش‌ها، دستخوش تغییر خواهد شد. یکی از مواردی که جوامع را به شدت تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، مقوله «جنگ» است. جنگ چه آنگاه که کشوری را به‌طور مستقیم درگیر می‌کند و چه آنگاه که به‌صورت غیرمستقیم در اطراف یک کشور ایجاد می‌شود، تبعات بسیاری را متوجه فضای اجتماعی کشورها می‌کند. کشورهایی که در مناطق بحران‌زده قرار دارند، حتی اگر خود دچار بحران نباشند، به‌دلیل نگرانی از سرایت ناامنی و بی‌ثباتی به داخل خاک خود، ناچار به پرداخت هزینه‌هایی برای حفظ آمادگی نظامی خود می‌شوند و این رخدادهای بر احساس امنیت مردم در ابعاد مختلف تأثیر می‌گذارد.

در منطقه غرب آسیا یا به‌اصطلاح دیگر خاورمیانه، از اواخر سال ۱۳۸۹ هجری شمسی و با آغاز ناآرامی‌هایی در کشور سوریه، گروه‌هایی تروریستی (داعش) به‌وجود آمدند که با پشتیبانی برخی ابرقدرت‌های جهانی و همچنین حمایت‌های مالی بعضی از کشورهای این منطقه، روزه‌روز بر تعداد و توان نظامی آنها

افزوده شد تا جایی که پس از گذشت چند سال، آتش جنگ، جنایت و ویرانی تعداد دیگری از کشورهای منطقه مانند عراق، یمن، لبنان، مصر، لیبی، ترکیه و افغانستان را نیز دربر گرفت و حتی دامنه اقدامات تروریستی آنان گریبان گیر کشورهایی در قلب اروپا نیز شد. بروز و گسترش این ناامنی‌ها به اندازه‌ای بوده که بنا بر اعلام نشریه فارین پالیسی، پنج کشور منطقه خاورمیانه شامل سوریه، عراق، ترکیه، یمن و افغانستان در صدر فهرست ده منطقه خطرناک جهان قرار گرفتند (خبرگزاری ایلنا، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹).

این جنگ‌ها و درگیری‌ها که در برهه‌ای تا نزدیکی مرزهای غربی کشور (۵۰ کیلومتری) ما نیز رسیده بود، منجر به ورود جمهوری اسلامی ایران به عرصه مبارزه با تروریسم شد. با توجه به دلایل و مستندات ذکر شده، جمهوری اسلامی ایران بنا بر وظایف خود و با اهدافی از جمله تأمین امنیت کشور و شهروندان خود در ابعاد مختلف، تأمین منافع ملی، دور نگه داشتن گروه‌های تروریستی از مرزهای خود و دفاع از مرزهای اعتقادی، وارد عرصه مبارزه با تروریسم شده و با اقدامات مختلف خود به یاری کشورهای مورد تهاجم گروه‌های تروریستی شتافت. ورود جمهوری اسلامی ایران به عرصه مبارزه با تروریسم، اعلام رسمی آن و همچنین تبعات بعدی ناشی از آن (انعکاس اخبار رویدادها و اتفاقات جنگ در سطح جامعه، تلفات و هزینه‌های جانی و مالی و...) بی‌تردید تأثیراتی را بر عرصه اجتماعی کشور و به‌ویژه بر «احساس امنیت شهروندان» کشورمان داشته که بررسی این تأثیرات به‌منظور آگاهی از تغییرات آن و برنامه‌ریزی برای کاهش آسیب‌ها در این حوزه لازم و ضروری است. همچنین، بررسی ابعاد مختلف این موضوع که «احساس امنیت شهروندان تهرانی تحت تأثیر اتفاقات و اقدامات مذکور از چه وضعیتی برخوردار است؟»، می‌تواند دستگاه‌های ذی‌ربط را برای برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری‌های راهبردی و اتخاذ راهکارهای علمی در این خصوص یاری نماید. از این‌رو، پرسش اصلی مقاله حاضر این است که «اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا و به‌طور مشخص، در کشورهای عراق و سوریه چه تأثیری بر احساس امنیت شهروندان تهرانی داشته است؟».

برای پاسخ به سؤالات تحقیق، فرضیه‌های ذیل آزموده شده است:

فرضیه اصلی: بین اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه) و احساس امنیت شهروندان تهرانی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

۱. بین اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه) و احساس

امنیت اجتماعی شهروندان تهرانی رابطه معناداری وجود دارد.

۲. بین اقدامات ضدتروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه) و احساس امنیت فردی شهروندان تهرانی رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین اقدامات ضدتروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه) و احساس امنیت سیاسی شهروندان تهرانی رابطه معناداری وجود دارد.
۴. بین اقدامات ضدتروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه) و احساس امنیت اقتصادی در شهروندان تهرانی رابطه معناداری وجود دارد.
۵. بین اقدامات ضدتروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه) و احساس امنیت نظامی شهروندان تهرانی رابطه معناداری وجود دارد.
۶. بین بازتاب خبری اقدامات ضدتروریستی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه) در رسانه‌ها با احساس امنیت شهروندان تهرانی رابطه معناداری وجود دارد.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

پیشینه تحقیق

بهرام بیات در رساله دکتری خود با عنوان «عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت در شهر تهران در سال ۱۳۸۷» از متغیرهایی مانند عوامل فردی و خانوادگی، میزان بروز جرائم، انتظار از پلیس، در معرض جرم واقع شدن، تأمین و رفاه اجتماعی، پرداخت رسانه‌ای، سرمایه اجتماعی و فضای شهری در رابطه با احساس ناامنی استفاده نموده است. در این بررسی عمده‌ترین یافته‌ها به این شرح است: میزان احساس ناامنی از حیث جنسیت، منطقه محل سکونت، تأهل و سن پاسخگویان متفاوت بوده و بین میزان احساس ناامنی و متغیرهای میزان بروز جرائم، انتظار از پلیس، پرداخت رسانه‌ای، هویت، اعتماد، تعلق محله‌ای و کالبد شهری رابطه معناداری وجود دارد.

امیر کافی در مطالعه‌ای که در شهر تهران به انجام رسانده، به «بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن» پرداخته است. در این تحقیق که به روش تحلیل ثانویه انجام شده است تأثیر متغیرهایی مانند درک از بروز جرائم، بزهکاری، بی‌نظمی اجتماعی، حمایت اجتماعی و ریسک و مخاطره بر احساس امنیت، مورد سنجش قرار گرفته است. احساس امنیت به‌عنوان متغیر وابسته در دو سطح منطقه مسکونی و شهر تهران

بررسی شده است و نتایج بیانگر آن است که احساس امنیت در منطقه مسکونی بیش از حد متوسط و در شهر تهران کمتر از حد متوسط است. نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد متغیرهای حمایت اجتماعی، ریسک و مخاطره، بی‌نظمی اجتماعی و درک از بروز جرائم و بزهکاری به ترتیب به‌عنوان تعیین‌کننده‌ترین عوامل تأثیرگذار بر احساس امنیت محسوب می‌شوند.

کرامتی تحقیقی با عنوان «بررسی میزان احساس امنیت در بین حاشیه‌نشینان شهرستان‌های استان تهران» در سال ۱۳۸۴ انجام داد که نتایج حاصل از آن پژوهش، بیانگر آن است که سطح سواد و تحصیلات در میزان ناامنی نقش بسزایی دارد؛ به‌طوری‌که بیشترین میزان احساس ناامنی مربوط به افراد تحصیل کرده‌ی فوق لیسانس و بالاتر بوده و کمترین میزان احساس ناامنی مربوط به افراد کمتر از دیپلم است. در گروه‌های سنی نیز احساس امنیت متفاوت بوده است. بیشترین میزان احساس ناامنی مربوط به گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال است و کمترین میزان احساس ناامنی مربوط به گروه سنی ۶۰ سال به بالا است.

یاری (۱۳۹۱) پایان‌نامه خود را با هدف بررسی رابطه احساس امنیت در چهار بعد (احساس امنیت اقتصادی، سیاسی، قضایی و عمومی) و اعتماد اجتماعی در سه بعد (اعتماد بنیادین، بین‌فردی و تعمیم‌یافته) در میان ساکنان شهر کرمانشاه به انجام رسانده است. جامعه آماری شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرمانشاه بوده که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۳۹۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش پیمایشی و پرسشنامه‌های استاندارد و محقق ساخته استفاده شده است. نتایج به‌دست‌آمده گویای آن است که بین ابعاد مختلف احساس امنیت و ابعاد اعتماد اجتماعی، همبستگی مستقیم وجود دارد که در این میان احساس امنیت اقتصادی با میزان $0/542$ بیشترین همبستگی را با اعتماد بین‌فردی نشان داد. دیگرام تحلیل مسیر نیز تأثیر مستقیم همه متغیرهای واردشده را بر اعتماد اجتماعی نشان داد که در این میان احساس امنیت اقتصادی با میزان $0/211$ بیشترین تأثیر مستقیم را بر اعتماد اجتماعی داشت.

«بررسی میزان احساس امنیت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین شهروندان ۱۵ تا ۴۴ ساله شهرکرد»، عنوان پژوهش قاسمی و محمدی (۱۳۹۲) است. در این پژوهش، برای سنجش عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت شاخص‌های سن، جنس، منشأ اجتماعی، رضایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، ویژگی‌های شخصیتی و آگاهی اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است. نمونه انتخابی در این پژوهش ۴۳۰ نفر است که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای همراه با تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. نتایج یافته‌ها حاکی از آن است که موارد سن، جنس، رضایت اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی از عوامل مؤثر بر امنیت شهروندان است و متغیرهای منشأ اجتماعی، اعتماد اجتماعی و آگاهی اجتماعی

هیچ گونه رابطه معناداری با میانگین احساس امنیت نشان نداده است.

خواجه‌نوری و کاوه (۱۳۹۱)، پژوهشی را با عنوان «رابطه بین مصرف رسانه‌ای و احساس امنیت اجتماعی» انجام داده‌اند. روش تحقیق در این پژوهش، پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه بوده است. جامعه آماری آن شامل کلیه زنان ۱۵ - ۳۵ سال شهر سنندج و تعداد نمونه، ۳۸۲ نفر تعیین شده است. شیوه نمونه‌گیری نیز نمونه‌گیری چندمرحله‌ای است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بین جنسیت، وضعیت تأهل، نوع مسکن و وضعیت سکونت با احساس امنیت اجتماعی رابطه معنادار برقرار است. برای آزمون تأثیر رسانه‌ها بر احساس امنیت، از روش تحلیل واریانس دوطرفه استفاده شد. یافته‌ها حاکی از آن است که تأثیر تعاملی استفاده از رسانه و رادیوی داخلی، بیشترین تأثیر را بر احساس امنیت داشته است و در مراتب بعدی تأثیر تعاملی، استفاده از اینترنت و بلوتوث، رسانه خارجی و بلوتوث، رسانه خارجی و موبایل، اینترنت و موبایل و رسانه خارجی و اینترنت قرار دارد.

«جرم و خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر»، عنوان مقاله‌ای است که مدیری (۱۳۸۵) بر مبنای نظریات جکوبز و زوکین تنظیم کرده است. به این معنا که جرم و خشونت در کاهش احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر مؤثرند و نقش خشونت قوی‌تر از جرم است. یافته‌های این پژوهش که از ۱۵ فضای شهری مناطق ۱۱ و ۱۲ شهرداری شهر تهران به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای انجام شده است، حاکی از آن است که به‌طور کلی ۱۵/۷ درصد مردم در پاسخ به احتمال مواجهه با جرم یا خشونت و ۱۹/۶ درصد نیز به خشونت خیابانی اشاره کرده‌اند.

پژوهشی با عنوان «رابطه احساس امنیت اجتماعی و نگرش مذهبی» که توسط ربانی و قاسمی (۱۳۸۶) با استفاده از داده‌های یک تحقیق توصیفی و پیمایشی صورت گرفته است، درصدد پاسخ دادن به این سؤال است که «نگرش مذهبی افراد تا چه اندازه می‌تواند بر احساس امنیت اجتماعی به‌نحو کلی و در ابعاد چهارگانه روانی، اقتصادی، سیاسی و قضایی اثر داشته باشد؟». جامعه آماری مورد مطالعه نیز شهروندان ۱۵ ساله و بالاتر مقیم شهر اصفهان در سال ۱۳۸۱ بوده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که احساس امنیت به ترتیب در ابعاد روانی، اقتصادی، سیاسی و قضایی کمتر است و در بین ابعاد دوگانه نگرش مذهبی، شامل «نگرش به روحانیت» و «نگرش به دین‌داری»، بُعد نخست از توان تبیین بیشتری برخوردار است؛ یعنی افرادی که به‌نحو قابل توجهی نسبت به روحانیت نگرش مثبت‌تری داشته‌اند از احساس امنیت بالاتری نیز برخوردار بوده‌اند و بالعکس.

مروری بر تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که احساس امنیت بیشتر در رابطه با مفاهیم دیگری مانند اعتماد،

نگرش مذهبی، جرم، خشونت و... بررسی شده است و این مفهوم تاکنون در رابطه با جنگ، ضد تروریسم، روابط بین‌المللی و به‌ویژه اقدامات برون‌مرزی کشور، مورد مطالعه قرار نگرفته است.

مفاهیم تحقیق

امنیت

امنیت در معنای لغوی، «ایمن شدن، در امان بودن و آرامش خاطر داشتن» را می‌رساند (معین، ۱۳۷۵: ۳۵۴). به عقیده چلبی: «امنیت از عوامل مهم نظم‌بخشی در جامعه است و ناامنی، حالات یا موقعیت‌هایی هستند که نظم، انسجام و آرامش جامعه را برهم می‌زنند» (چلبی، ۱۳۷۵: ۸۳). در تعریفی دیگر، «امنیت حالت فراغت نسبی از تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله» ذکر شده که از ضروری‌ترین نیازهای یک جامعه است (آشوری، ۱۳۸۷: ۳۸).

در یک تقسیم‌بندی کلی، امنیت جوامع بشری به هفت دسته تقسیم می‌شود:

۱. امنیت فردی؛ «حالتی است که در آن فرد فارغ از ترس آسیب رسیدن به جان، مال یا آبروی خود و یا از دست دادن آنها زندگی کند» (آشوری، ۱۳۸۷: ۳۸).

۲. امنیت اجتماعی؛ پس از اینکه امنیت فردی مورد شناسایی قرار گرفت، افراد برای تحقق و تحکیم امنیت و جایگاه خود ناگزیر از عضویت در اجتماعات یا گروه‌های مختلف اجتماعی هستند. این سطح از امنیت تحت عنوان امنیت اجتماعی مورد توجه و بحث قرار می‌گیرد. امنیت اجتماعی، نوع و سطحی از احساس اطمینان خاطر است که جامعه و گروه در آن نقش اساسی دارد (شایان‌مهر، ۱۳۷۷: ۸۳).

۳. امنیت فرهنگی؛ ارتباط امنیت با فرهنگ به ظرفیت یک جامعه برای حفاظت از ویژگی‌های خاص خود در مقابل تغییر شرایط و تهدیدات مادی و معنوی مربوط است و شامل بقای الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، پیوستگی، هویت و آداب‌ورسوم دینی یا ملی با اجازه دادن به تغییرات قابل قبول است (محرمی، ۱۳۹۷: ۷۱).

۴. امنیت نظامی؛ این نوع از امنیت به اثرات متقابل توانایی‌های تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت‌ها و نیز برداشت آنها از مقاصد یکدیگر مربوط است. در واقع، عنصر نظامی‌گری معیاری می‌شود که به‌وسیله آن میزان کلی پتانسیل اقتدار و توان امنیت ملی سنجیده شده و مورد قضاوت قرار می‌گیرد. منابع و محدودیت‌های انسانی و فناوری به امنیت نظامی گره خورده و میزان اهمیت آن با نوع و تحولات تهدیدها ارتباط مستقیمی دارند (ربیعی، ۱۳۸۳: ۱۴۰).

۵. امنیت سیاسی؛ این نوع از امنیت، ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آنها مشروعیت می‌بخشد. دولت اصولاً موجودیتی سیاسی است و تهدید سیاسی امکان دارد به اندازه تهدید نظامی هراس‌انگیز باشد. این امر به‌خصوص در مواردی که دولت ضعیف است بیشتر صدق می‌کند، اما حتی در مواردی هم که دولت قوی و قدرتمند است، تهدیدات سیاسی می‌تواند منبع نگرانی باشد (همان، ۱۳۷).

۶. امنیت اقتصادی یا امنیت مالی؛ در این نوع امنیت، دسترسی به منابع مالی و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل‌قبولی از رفاه و قدرت در نظر است. ماندل امنیت اقتصادی را عبارت از میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم از حضور در بازارهای بین‌المللی می‌داند (ماندل، ۱۳۷۹: ۹۶).

۷. امنیت انسانی؛ مفهوم امنیت انسانی اساساً متفاوت از مفهوم امنیت فردی است، همچنین امنیت انسانی بسیار متفاوت از مفهوم لیبرال فردگرایی است و وضعیتی را توصیف می‌کند که در آن نیازهای مادی اولیه انسان تأمین شده و شخصیت هویت انسانی تحقق یافته باشد. امنیت انسانی بدین معنا، قابل تقسیم و اختصاص‌یافتنی نیست؛ این‌گونه نیست که تأمین آن برای یک دسته از افراد هزینه‌هایی را برای افراد دیگری به دنبال داشته باشد (توماس، ۱۳۸۲: ۲۶).

در ترسیم مدل نظری و تدوین فرضیه‌های تحقیق از همین دسته‌بندی برای انواع احساس امنیت استفاده شد.

احساس امنیت

مفهوم امنیت دارای دو بُعد عینی و ذهنی است. امنیت، بُعد عینی مسئله و احساس امنیت به‌عنوان بُعد ذهنی آن تلقی می‌شود. امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب‌شده را مشخص می‌کند و در معنای ذهنی، فقدان ترس و وحشت از جمله علیه ارزش‌ها را معین می‌کند (خوش‌فر، ۱۳۷۹: ۲۷۱).

احساس امنیت به احساس رهایی انسان از اضطراب، بیم و خطر اطلاق می‌شود. در واقع، زمانی که فرد احساس کند در جامعه و تعاملات اجتماعی خطری جان، مال یا سلامتی وی را مورد تهدید و تعرض قرار نمی‌دهد، می‌توان گفت فرد دارای احساس امنیت است. این احساس امنیت از طریق اعتماد به ارگان‌های تأمین‌کننده امنیت، دولت، مدرسه، نظام اقتصادی، خانواده، شبکه دوستان و... تأمین می‌شود (میری‌آشتیانی، ۱۳۸۳). احساس امنیت به‌عنوان زمینه و بستر قضاوت شهروندان از

زوایای مختلف، قابل بررسی است. در سطح کلان، ساختار کلی جامعه و ایمن بودن آن از جنگ، قحطی، خشکسالی، زلزله، سیل و سقوط ساختار سیاسی حکومت از عمده منابعی است که ساختار کلان احساس امنیت در افراد را شکل می دهد (بیات، ۱۳۸۸: ۱۴).

تروریسم و ضد تروریسم

«ریشه لغوی تروریسم به زبان یونانی به کلمه "tras" به معنی ترس و لرز و ترساندن برمی گردد. ترور و تروریسم روشی است که هم حکومت‌ها و هم گروه‌های سیاسی مخالف حکومت برای هراس افکنی و ترساندن طرف مقابل، از طریق دست زدن به اعمال خشونت آمیز به کار می گیرند» (ناجی‌راد، ۱۳۸۷: ۳۲). ترور در فرهنگ سیاسی به «احساس ترس» معنی شده است. واژه تروریسم، عقیده داشتن بر لزوم آدم کشی، تهدید و ایجاد خوف و وحشت در میان مردم برای نیل به هدف‌های سیاسی یا برانداختن حکومت و در دست گرفتن زمام امور دولت و یا تفویض آن به گروه دیگری معنا شده است (علی‌زاده، ۱۳۷۷: ۲۷). گراهام ایوانز و جفری نونام در فرهنگ روابط بین الملل «تروریسم» را این گونه تعریف نموده‌اند: «استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت، به صورتی نظام مند برای نیل به اهداف سیاسی» (ایوانز و نونام، ۱۳۸۱: ۸۰۴ - ۸۰۵).

«تروریسم بین المللی به اعمال تروریستی که به منظور تأمین مقاصد سیاسی در سطح بین المللی انجام می شود اطلاق می گردد» (آشوری، ۱۳۸۹). به عبارتی دیگر، تروریسم بین المللی عبارت است از اعمال ترور و خشونت فردی یا جمعی که یک عنصر بین المللی (قربانی و مرتکب، شهروندان دولت‌های مختلف باشند یا این گونه رفتارها در بیش از یک کشور رخ دهد) یا یک هدف مورد حمایت بین المللی مانند غیرنظامیان خارجی هواپیماهای غیرنظامی و کارکنان سازمان‌های بین المللی را دربرگیرد و مقصود از آن نیل به نتیجه‌ای قدرت طلبانه؛ یعنی نتیجه‌ای که هدف آن تغییر یا حفظ ساختارها یا سیاست‌های فعال سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک دولت یا سرزمین مشخص است، باشد. پس در تروریسم بین المللی، محدوده عمل تروریستی گسترش می یابد و از سطح یک دولت - ملی فراتر می رود و وارد عرصه بین المللی می شود. ممکن است اقدامات تروریستی، در بیش از یک کشور رخ دهد و یا اینکه تروریستی با تابعیت خاص، عنصری با تابعیت دیگری را مورد هدف قرار دهد (طلوعی، ۱۳۷۷: ۳۵۶). با توجه به این تعاریف، داعش در رده یک گروه تروریستی بین المللی قرار می گیرد که جمهوری اسلامی به دعوت دولت‌های قانونی سوریه و عراق درصدد کمک به این کشورها برای دفع حملات این گروه تروریستی برآمد و نیروهای نظامی و مستشاری به آنها اعزام نمود.

ضدتروریسم به مجموعه اقدامات، تاکتیک‌ها، تکنیک‌ها و راهبردهایی گفته می‌شود که حکومت‌ها، نیروهای نظامی و انتظامی و نهادهای امنیتی در برابر تهدیدات تروریستی و به‌منظور پیشگیری یا واکنش به آنها انجام می‌دهند. در تعریف ارتش آمریکا که از سوی ناتو و بسیاری از دیگر ارتش‌های کشورها نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد، ضدتروریسم عبارت است از عملیاتی که شامل اقدامات هجومی علیه تهدیدات تروریستی و تروریست‌ها شود و هدف از آن، پیش‌گیری، بازدارندگی، پیش‌دستی و پاسخ‌دهی یا واکنش به تروریسم است (پورسعید، ۱۳۹۶: ۱۵۸).

با توجه به تعاریف فوق، اقدامات جمهوری اسلامی ایران در جهت دفع تروریسم داعش از منطقه؛ یعنی ارسال کمک‌های مستشاری، نیروی نظامی و سلاح و مهمات و همچنین درگیری و روبرویی نظامی با نیروهای داعش با درخواست کشورهای درگیر؛ یعنی سوریه و عراق، جزء اقدامات ضدتروریستی محسوب می‌گردد.

چارچوب نظری

دورکیم: از نظر دورکیم، «آنومی» یا آشفتگی اجتماعی می‌تواند نظم و امنیت جامعه را برهم زده و احساس ناامنی و ناامیدی بر افراد تحمیل نمایند، به نظر وی در شرایط اجتماعی مستحکم و پایدار، آرزوهای انسان‌ها از طریق هنجارها تنظیم و محدود شده است. با ازهم‌پاشیدگی هنجارها، آنومی با یک وضعیت بی‌حدوحصر به وجود می‌آید. از آنجا که این آرزوهای بی‌حدوحصر نمی‌توانند ارضا شوند، در نتیجه یک وضعیت نارضایتی اجتماعی پیش می‌آید (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۳۵). جنگ و حتی سایه جنگ می‌تواند از عوامل مهم بی‌هنجاری و متعاقباً عدم احساس امنیت و نارضایتی اجتماعی در جامعه باشد، به‌ویژه اگر پای دشمنی وحشی مانند داعش در میان باشد.

مولار: مولار بحث خود در باب امنیت اجتماعی را با شرح اشکال متفاوت امنیت آغاز می‌کند. او معتقد است که امنیت در سه شکل ملی، اجتماعی و انسانی وجود دارد که پاسخ به سؤال اساسی امنیت برای چه کسی؟ یا به‌بیان دیگر، هدف مرجع امنیت در هر یک از این اشکال متفاوت است و به تناسب تفاوت در مرجع امنیت، تهدیدات نیز متفاوت خواهند بود. مقام مرجع در امنیت ملی، دولت، در امنیت اجتماعی گروه‌های اجتماعی و در امنیت انسانی تک‌تک افراد هستند (نوبدینیا، ۱۳۸۲: ۶۰).

ویور: «ویور امنیت اجتماعی را توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی‌اش تحت شرایط تغییر و تهدیدات واقعی و محتمل تعریف می‌کند. ویور بر ارتباط نزدیک میان هویت، جامعه و امنیت تأکید دارد و خاطر نشان می‌کند که جامعه امنیت هویتش را جستجو می‌کند» (نوبدینیا، ۱۳۸۲: ۶۲). از نگاه ویور، در حالی که

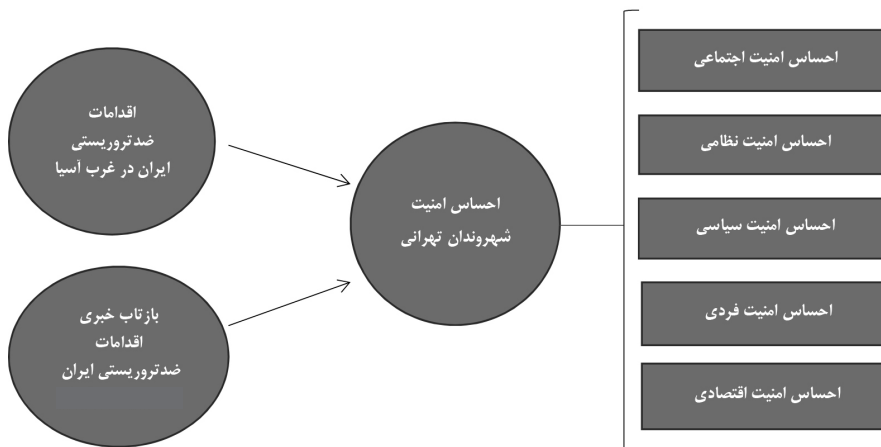
امنیت ملی به تهدیدات علیه حاکمیت می‌پردازد، امنیت اجتماعی معطوف به هویت است که فی‌نفسه مقوله‌ای است بسیار مهم، چون هویت اجتماعی به‌هر حال وجود دارد، چه دولت باشد و چه نباشد. نکته دیگر اینکه امنیت هویت با امنیت اجتماعی، معنای سیاسی یافته است و عکس‌العمل یک اقلیت در دفاع از هویت خود، فی‌نفسه عملی سیاسی است. از این رو، امنیت اجتماعی به‌اندازه امنیت ملی واجد اعتبار است (نصری، ۱۳۷۸: ۱۳۶). با توجه به اینکه داعش خطری بالقوه و بسیار نزدیک برای جامعه ما بشمار می‌رفت، به نظر می‌رسد که حفظ امنیت کشور در خارج از مرزهای جمهوری اسلامی، می‌توانست گامی مهم برای افزایش احساس امنیت اجتماعی مردم بشمار رود.

بوزان: بوزان امنیت اجتماعی را به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع می‌دهد که بر مبنای آن افراد خود را عضو یک گروه خاص اجتماعی تلقی نموده‌اند. به عبارت دیگر، امنیت اجتماعی معطوف به جنبه‌هایی از زندگی شخص است که هویت او را تضمین می‌کند. از دیدگاه بوزان امنیت اجتماعی عبارت است از توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، محلی، جنسی و... در حفظ هستی و هویت خود (بنی‌فاطمه و سلیمی، ۱۳۹۰: ۶۲).

میتار: میران میتار، متغیری را وارد معادله امنیت اجتماعی می‌کند که از آن به‌عنوان متغیر «انحراف» نام می‌برد. متغیر انحراف شامل همه پدیده‌های اجتماعی و فردی ناخواسته و مضر است (مانند اشکال متنوع جرم، آسیب‌های اجتماعی، جنگ‌های داخلی و بین‌المللی و حوادث طبیعی و فنی متنوع (Mitar, 1996: 7)).

گیدنز: گیدنز بحث امنیت وجودی را پیش می‌کشد و آن را چنین تعریف می‌کند: امنیت وجودی به وضعیت ذهنی راحت و مناسبی اشاره دارد که در آن فرد به فعالیت‌های بدیهی در محیطی آشنا و به همراه دیگر افرادی که تهدیدی برای او به وجود نمی‌آورند، مشغول است. به‌طور خلاصه، زمانی که فرد می‌داند چگونه به کار خود ادامه دهد بدون آنکه وقفه و مزاحمتی برای او به وجود آید، حالتی ذهنی و روانی در وی بروز می‌کند که این حالت همان امنیت وجودی (احساس امنیت) است. چنانچه این فرد، بازیگر و عامل، به‌طور کلی توانایی ادامه فعالیت را از دست بدهد؛ وضعیتی که ممکن است پیامد زلزله‌ای باشد که به لحاظ اجتماعی همه را فلج کرده یا ناشی از جراحی باشد که فرد را به لحاظ روحی فلج کرده است، در چنین حالتی فرد احساس درماندگی، نگرانی و بی‌ثباتی کامل (احساس ناامنی) می‌کند (کوهن به نقل از استونز، ۱۳۷۹: ۴۳۱ - ۴۳۲). گیدنز به مخاطراتی اشاره می‌کند که امنیت جهان را تهدید می‌کند: «جنگ هسته‌ای، دگرگونی در تقسیم کار جهانی، مخاطره از محیط ساخته‌شده یا طبیعت اجتماعی شده، توسعه محیط‌های مخاطره‌نهاد مانند بازارهای سرمایه‌گذاری و...» (گیدنز، ۱۳۷۸). هابرماس: مفهومی از هابرماس که می‌تواند بستر تبیین احساس امنیت قرار گیرد، نظریه حوزه عمومی وی است. هابرماس حوزه عمومی را در حکم یک شبکه می‌نگرد که در آن جریان ارتباطات تصفیه و

ترکیب شده و پس از تلخیص به حسب موضوع، گروه‌بندی شده و به صورت افکار عمومی درمی‌آید. هابرماس با تأکید بر نقش ویژه «ژورنالیسم» در اثرگذاری بر مخاطبان، به‌ویژه بر مخاطبان اثرپذیر منفعل که وی از آنها تحت عنوان «توده صرفاً پذیرا» یاد می‌کند، توضیح می‌دهد که در دنیای مدرن چگونه اخبار مربوط به موضوعات مختلف در فرایند فعالیت‌های ژورنالیستی بزرگنمایی و دست‌کاری می‌شوند. این فعالیت ژورنالیستی توده و افکار عمومی را تحت تأثیر قرار داده، ساختار واقعیت ذهنی آنها را شکل می‌دهد و بعضاً موجب احساس امنیت و یا احساس ناامنی در میان آنها می‌گردد (بیات، ۱۳۸۸: ۸۰). در اوایل کمک‌های نظامی ایران در دفع داعش، اخبار این موضوع در رسانه‌های داخلی بازتاب داده نمی‌شد (شاید با فرض پیشگیری از احساس ناامنی در مردم)، اما پس از مدتی خبرهای آن در رسانه‌ها منعکس شد. با توجه به این نظریه بر آن شدیم که بازتاب خبری اقدامات ضدتروریستی ایران را بر احساس امنیت شهروندان تهرانی بسنجیم.



شکل شماره ۱: مدل نظری تحقیق

تعریف عملیاتی مفاهیم

اقدامات ضدتروریستی ایران: شاخص‌هایی نظیر اعزام نیروهای نظامی به عراق و سوریه، مقابله نظامی ایران با داعش، ایثار و از خودگذشتگی مدافعان حرم، هدف قرار دادن موشکی مواضع داعش از داخل کشور و ارسال سلاح و کمک‌های مالی برای مقابله با داعش

احساس امنیت اجتماعی: احساس امنیت در اماکن عمومی، احساس ترس و وحشت در تعاملات اجتماعی

پس از حمله داعش به مجلس، شرکت کمتر در قرارهای دوستانه و اماکن عمومی پس از حمله داعش، احساس امنیت به خاطر وجود مدافعان حرم، احساس ناامنی در فضاهای شلوغ و پرفت و آمد (ورزشگاه، پارک، سینما، مترو و...) از ترس عملیات تروریستی داعش، عدم اعتماد به دیگران از زمان ظهور داعش و احساس نگرانی از کشتار و ویرانی‌هایی مثل عراق و سوریه در ایران.

احساس امنیت فردی: احساس امنیت جانی، نگرانی از دست دادن اموال به خاطر ترور و بمب‌گذاری تلافی‌جویانه تروریست‌ها، نگرانی بابت از دست دادن اعضای خانواده در بمب‌گذاری یا عملیات تروریستی داعش و نگرانی از دنبال کردن آزادانه فعالیت‌ها (تفریح، تحصیل، سفر و...) پس از حمله تلافی‌جویانه داعش به مجلس.

امنیت نظامی: احساس غرور و افتخار از هدف قرار دادن موشکی مواضع داعش، احساس اعتماد به توان دفاعی سلاح‌های ایران، احساس توانایی و کارآمدی نیروهای مسلح ایران در دفاع از مرزها و تأمین امنیت کشور، تحکیم قدرت و اقتدار جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا پس از مقابله با تروریست‌ها و رفع سایه جنگ از سر کشور به خاطر ایثار مدافعان حرم.

امنیت سیاسی: احساس تهدید داعش برای نظام سیاسی کشور، اختلال در عملکرد برخی دستگاه‌های دولتی و عمومی (بیمارستان‌ها، بانک‌ها، شهرداری‌ها و...) از ترس حملات تلافی‌جویانه داعش، کاهش اختلافات قومی و مذهبی داخل کشور در اثر پشتیبانی ایران از مردم منطقه فارغ از نژاد و مذهبشان و افزایش قدرت دولت به خاطر اقدامات نظامی علیه داعش.

امنیت اقتصادی یا امنیت مالی: احساس ترس و نگرانی از بروز قحطی در کشور، احساس پایین بودن امنیت سرمایه‌گذاری در کشور، ترس از دست دادن بخشی از سرمایه یا امکانات در اثر عملیات تروریستی، انتقال سرمایه به جایی امن از ترس گروه‌های تروریستی و کاهش ثبات و آرامش لازم برای هدف‌گذاری و اقدام مطلوب اقتصادی در کشور.

روش‌شناسی تحقیق

برای انجام این پژوهش از روش کمی پیمایشی استفاده شده است. «از تحقیق پیمایشی عمدتاً در مطالعاتی استفاده می‌شود که در آنها فرد، واحد تحلیل می‌باشد» (بی، ۱۳۸۶: ۵۳۰). برای گردآوری اطلاعات موردنظر از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد. در پرسشنامه، ابتدا سوالات بسته طراحی شد و سپس گویه‌های طیف لیکرت با مقیاس پنج‌بخشی طراحی و قرار داده شد. برای بررسی

همسازی درونی گویه‌ها، آلفای کرونباخ گرفته شد و گویه‌هایی که در پیش‌آزمون نمره‌ای پایین کسب کردند، حذف شدند. بعد از این مرحله، تعدادی از سؤال‌ها حذف شده و تعدادی دیگر به پرسشنامه اضافه شدند. همچنین، یکی از اصلی‌ترین دلایل اهمیت انجام پیش‌آزمون، بررسی پایایی گویه‌های طیف لیکرت است. بدین منظور، آلفای کرونباخ برای گویه‌های هر شاخصی، به‌طور جداگانه محاسبه می‌شود. این عدد نشان‌دهنده این است که گویه‌ها تا چه حد با یکدیگر همبستگی دارند و چنانچه این پرسشنامه در شرایط دیگری هم تکمیل شود تا چه حد می‌توان به پایایی نتایج آن اطمینان داشت. همچنین از اعتبار صوری جهت سنجش اعتبار پرسشنامه استفاده شد و سؤالات پرسشنامه توسط تعدادی از اساتید بررسی شده و اشکالات آن رفع شد. جامعه آماری در این تحقیق شهروندان بالای ۱۸ سال تهرانی هستند که بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، تعدادشان ۶۶۶۶۸۰۱ نفر است (سایت مرکز آمار ایران). حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران عدد ۳۸۴ به دست آمد که به ۴۲۰ نفر افزایش داده شد. از آنجاکه فهرست از قبل ثبت‌شده‌ای از اطلاعات اعضای جامعه آماری در دست نبود، روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای به‌عنوان مناسب‌ترین روش نمونه‌گیری انتخاب شده است. در تحقیق حاضر، ابتدا شهر تهران به پنج محدوده شمالی، جنوبی، شرقی، غربی و مرکزی تقسیم شد و سهمیه‌ای مساوی برای هر منطقه در نظر گرفته شد و سپس پرسشنامه‌ها به‌صورت مساوی در مناطق مربوط به هر محدوده (۲۱ گانه) توزیع، تکمیل و جمع‌آوری شد.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

مشخصات پاسخگویان

از ۴۲۰ نفر جمعیت نمونه تحقیق، بیشترین فراوانی با ۱۱۹ نفر (۲۸,۳ درصد) در رده سنی «۲۶ - ۳۴» سال قرار دارند و کمترین فراوانی هم با ۴۰ نفر «۹,۵ درصد» در رده سنی «۴۴ - ۵۲ سال» قرار دارند. همچنین ۴۶,۲ درصد پاسخگویان زن و ۵۲,۹ درصد مرد هستند. ۴۵,۵ درصد با تحصیلات لیسانس بیشترین فراوانی و ۲۵,۹ درصد با دیپلم و فوق‌دیپلم پس از آن قرار دارد. کارشناسی‌ارشد، زیردیپلم و دکتری به ترتیب پس از این دو دسته قرار دارند. همچنین وقتی از گرایش سیاسی پاسخگویان سؤال شد، ۳۴,۸ درصد خود را اصلاح‌طلب، ۲۴,۵ درصد مستقل و ۱۶,۹ درصد اصولگرا معرفی کردند و ۲۳,۸ درصد هم گزینه هیچ‌کدام را انتخاب نمودند.

یافته‌های توصیفی

طبق یافته‌های کمی، حدود ۵۲٫۹ درصد پاسخگویان اظهار داشتند که «به خاطر وجود مدافعان حرم، در اماکن عمومی احساس امنیت می‌کنم»، ۱۴٫۳ درصد مخالف و ۸٫۳ درصد کاملاً مخالف با این پرسش بوده‌اند. ناگفته نماند که ۲۴٫۵ درصد نیز در این مورد نظری نداده‌اند.

همچنین در پاسخ به گویۀ «وقتی سپاه از داخل کشور با موشک‌های دوربرد مواضع داعش در سوریه را بمباران کرده احساس غرور و افتخار کردم» ۶۹٫۵ درصد موافق و ۱۱٫۴ درصد مخالف با این گویه بوده‌اند و ۱۹٫۰ درصد نیز نظری نداده‌اند.

حدود ۷۰٫۷ درصد از پاسخگویان، با این گویه که «مقابله ایران با تروریست‌ها باعث تحکیم قدرت و اقتدار جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه شده است»، موافق و حدود ۱۲٫۱ درصد مخالف بوده‌اند. ۹٫۳ درصد از پاسخگویان موافق این گویه هستند که «مدافعان حرم بیشتر به خاطر انگیزه‌های شخصی، مالی و... جان خود را به خطر می‌اندازند» و ۷۰٫۷ درصد انگیزۀ مدافعان حرم را مالی و شخصی نمی‌دانند. ۲۰ درصد نیز در این خصوص نظری نداشته‌اند.

جمع کل	اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه)			احساس امنیت شهروندان تهرانی
	پایین	متوسط	بالا	
۲۶.۶٪	۳۹.۲٪	۱۰.۳٪	۷.۲٪	پایین
۶۱.۷٪	۵۲.۷٪	۶۴.۲٪	۷۹.۷٪	متوسط
۱۵.۷٪	۸.۱٪	۲۵.۵٪	۱۳.۰٪	بالا
۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	جمع کل

جدول شماره ۱: جدول دوبعدی رابطه بین اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه) و احساس امنیت شهروندان تهرانی (محقق یافته)

با توجه به یافته‌های جدول ۱ و مقدار کای اسکوئر، سطح معناداری «sig» برابر ۰٫۰۰۰ است و درجه آزادی آن ۴ و ارزش آن برابر با ۶۵٫۵۵ است. پس می‌توان گفت بین اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه) و احساس امنیت شهروندان تهرانی رابطه وجود دارد. به عبارتی، هرگاه اقدامات ضد تروریستی ایران افزایش یافته است، احساس امنیت شهروندان تهرانی نیز افزایش یافته است.

جمع کل	اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه)			احساس امنیت اجتماعی شهروندان تهرانی
	زیاد	متوسط	کم	
54.3%	31.9%	46.1%	69.9%	پایین
38.1%	63.8%	39.4%	27.4%	متوسط
7.6%	4.3%	14.5%	2.7%	بالا
100%	100%	100%	100%	جمع کل

جدول شماره ۲: جدول دویعدی رابطه بین اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه) و احساس امنیت اجتماعی شهروندان تهرانی (محقق یافته)

با توجه به یافته‌های جدول شماره ۲ و مقدار کای اسکوتر، سطح معناداری «Sig» برابر ۰,۰۰۰ است و درجه آزادی آن ۴ و ارزش آن برابر با ۵۰,۷۱ است. پس می‌توان گفت که بین «اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه) و احساس امنیت اجتماعی شهروندان تهرانی»، رابطه وجود دارد.

جمع کل	اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه)			احساس امنیت اقتصادی شهروندان تهرانی
	بالا	متوسط	پایین	
49.0%	27.5%	32.7%	71.5%	پایین
43.6%	68.1%	57.0%	22.6%	متوسط
7.4%	4.3%	10.3%	5.9%	بالا
100%	100%	100%	100%	جمع کل

جدول شماره ۳: جدول دویعدی رابطه بین اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه) و احساس امنیت اقتصادی شهروندان تهرانی (محقق یافته)

با توجه به یافته‌های جدول شماره ۳ و مقدار کای اسکوتر، سطح معناداری «Sig» برابر ۰,۰۰۰ است و درجه آزادی آن ۴ و ارزش آن برابر با ۷۵,۱۲ است. پس می‌توان گفت بین اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه) و احساس امنیت اقتصادی شهروندان تهرانی رابطه وجود دارد. به عبارتی، اقدامات ضد تروریستی ایران در غرب آسیا منجر به افزایش احساس امنیت اقتصادی نزد شهروندان تهرانی شده است.

جمع کل	اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه)			احساس امنیت سیاسی شهروندان تهرانی
	زیاد	متوسط	کم	
%۲۴,۳	%۱۴,۵	%۲۰,۰	%۳۱,۷	پایین
%۶۳,۸	%۶۰,۹	%۶۷,۹	%۶۱,۳	متوسط
%۱۱,۹	%۲۴,۶	%۱۲,۱	%۷,۰	بالا
%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	جمع کل

جدول شماره ۴: جدول دویعدی رابطه بین اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه) و احساس امنیت سیاسی شهروندان تهرانی (محقق یافته)

با توجه به یافته‌های جدول ۴ و مقدار کای اسکوتر، سطح معناداری «sig» برابر ۰,۰۰ است و درجه آزادی آن ۴ و ارزش آن برابر با ۲۰/۶۸ است. پس می‌توان گفت بین «اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه) و احساس امنیت سیاسی شهروندان تهرانی»، رابطه وجود دارد.

جمع کل	اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه)			احساس امنیت سیاسی شهروندان تهرانی
	زیاد	متوسط	کم	
%۲۴,۳	%۱۴,۵	%۲۰,۰	%۳۱,۷	پایین
%۶۳,۸	%۶۰,۹	%۶۷,۹	%۶۱,۳	متوسط
%۱۱,۹	%۲۴,۶	%۱۲,۱	%۷,۰	بالا
%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	جمع کل

جدول شماره ۵: جدول دویعدی رابطه بین اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه) و احساس امنیت فردی شهروندان تهرانی (محقق یافته)

با توجه به یافته‌های جدول ۵ و مقدار کای اسکوتر، سطح معناداری «sig» برابر ۰,۰۰۰ است و درجه آزادی آن ۴ و ارزش آن برابر با ۶۰,۳۵ است. پس می‌توان گفت بین اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه) و احساس امنیت فردی شهروندان تهرانی رابطه وجود دارد؛ یعنی هرچه اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا افزایش یابد، احساس امنیت فردی شهروندان تهرانی افزایش می‌یابد. به این معنا که فرد فارغ از ترس آسیب رسیدن به جان، مال یا آبروی خود و یا از دست دادن آنها زندگی کند.

کل	اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه)			احساس امنیت نظامی شهروندان تهرانی
	زیاد	متوسط	کم	
%60.2	%13.0	%47.3	%89.2	کم
%31.2	%52.2	%45.5	%10.8	متوسط
%8.6	%34.8	%7.3	0	زیاد
%100	%100	%100	%100	کل

جدول شماره ۶: جدول دویعدی رابطه بین اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و

سوریه) و احساس امنیت نظامی شهروندان تهرانی (محقق یافته)

با توجه به یافته‌های جدول ۶ و مقدار کای اسکوتر، سطح معناداری «sig» برابر ۰,۰۰۰ و درجه آزادی آن ۴ و ارزش آن برابر با ۱۷۹,۳۸ است. پس می‌توان گفت بین اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه) و احساس امنیت نظامی شهروندان تهرانی، رابطه وجود دارد. به این معنا که هرچه اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا افزایش یابد احساس امنیت نظامی در بین شهروندان تهرانی افزایش می‌یابد.

کل	بازتاب خبری اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه)			احساس امنیت شهروندان تهرانی
	زیاد	متوسط	کم	
%54.3	%20.0	%46.7	%71.4	کم
%38.1	%80.0	%41.9	%24.8	متوسط
%7.6	0	%11.4	%3.7	زیاد
%100	%100	%100	%100	کل

جدول شماره ۷: جدول دویعدی رابطه بین بازتاب خبری اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی ایران در منطقه

غرب آسیا (عراق و سوریه) در رسانه‌ها و احساس امنیت شهروندان تهرانی (محقق یافته)

با توجه به یافته‌های جدول شماره ۷ و مقدار کای اسکوتر، سطح معناداری «sig» برابر ۰,۰۰۰ است و درجه آزادی آن ۴ و ارزش آن برابر با ۱۶۴,۱۷۳ است. پس بین بازتاب خبری اقدامات ضد تروریستی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا (عراق و سوریه) در رسانه‌ها و احساس امنیت شهروندان تهرانی، رابطه وجود دارد.

نتیجه گیری

از مجموع یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر، این‌گونه برمی‌آید که به‌طور کلی و باوجود تلاش گسترده کشورهای بیگانه برای القای این نکته که اقدامات ضدتروریستی جمهوری اسلامی در منطقه غرب آسیا (کشورهای سوریه و عراق) بر جامعه ایرانی اثرات سوئی داشته است، این اقدامات درخصوص جامعه نمونه (شهروندان تهرانی بالای هجده سال) و در رابطه با احساس امنیت آنان در عرصه‌های مختلف (اجتماعی، فردی، سیاسی، اقتصادی و نظامی)، نه‌تنها اثرات سوئی نداشته بلکه موجب تقویت احساس امنیت آنان نیز شده است. به‌عبارتی، آگاهی شهروندان از این نکته که فرزندان این آب‌و‌خاک و نیروهای نظامی کشور در خارج از مرزها با تحمل دوری از وطن و خانواده در سخت‌ترین شرایط با وحشی‌ترین دشمن در حال نبرد هستند، موجب ایجاد و تقویت احساس امنیت در آنان در تمامی ابعاد شده است. باوجود آنکه در جمعیت نمونه از تمامی تفکرات و جناح‌های سیاسی حضور داشتند، این یافته بسیار معنادار است و نشان از اهمیت و عظمت کار مردان و مدافعان بزرگ حریم و حرم دارد. همچنین، بازتاب خبری اقدامات ضدتروریستی ایران در منطقه غرب آسیا با افزایش احساس امنیت در جامعه مورد مطالعه، رابطه معناداری نشان داد. علی‌رغم آنکه اوایل مداخله ایران در دفع داعش، اخبار این موضوع انعکاس داده نمی‌شد، اما بعدها پوشش خبری لازم به این موضوع اختصاص داده شد و در این تحقیق مشخص شد که پوشش خبری این رویدادها نه‌تنها احساس امنیت شهروندان تهرانی را کاهش نداده بلکه موجب افزایش آن نیز شده است. پیشنهاد می‌شود که این‌گونه اقدامات و مداخلات نظامی ایران در کشورهای نظیر عراق و سوریه و... تا جایی که به امنیت کشور در سطح بین‌المللی لطمه‌ای وارد نکند، در رسانه‌ها بازتاب داده شود و برنامه‌های مختلفی به این موضوع اختصاص یابد. دستگاه‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی عریض و طویل در دنیا که مخالف مواضع جمهوری اسلامی هستند، در هر صورت به سیاه‌نمایی اقدامات برون‌مرزی ایران می‌پردازند، پس چه‌بهر که رسانه‌های کشور تلاش نمایند به بهترین وجهی انواع برنامه‌های خبری، حماسی، سیاسی و اجتماعی را در راستای این اقدامات ضدتروریستی ایران، تهیه و تولید کنند و ابعاد مختلف این موضوع را به‌خوبی معرفی نمایند. این امر نه‌تنها موجب کاهش احساس امنیت نمی‌شود، بلکه سبب افزایش احساس امنیت و پیدایش نوعی حس غرور و افتخار، اقتدار ملی و قدرشناسی در شهروندان خواهد شد، چنان‌که اوج این قدرشناسی در مراسم بی‌نظیر تشییع پیکر سردار حاج قاسم سلیمانی، اسطوره اقتدار ملی مشاهده شد.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

۱. آشوری، داریوش (۱۳۸۹)، «*دانشنامه سیاسی*»، تهران: مروارید.
۲. استونز، راب (۱۳۷۹)، «*متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*»، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
۳. امیرکافی، مهدی (۱۳۸۷)، «*بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن*»، فصلنامه جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، زمستان، شماره ۱، صص ۱ - ۲۶.
۴. ایوانز، گراهام؛ نونام، جفری (۱۳۸۱)، «*فرهنگ روابط بین‌الملل*»، ترجمه حمیرا مشیرزاده، حسین شریفی و طراز کوهی، تهران: میزان.
۵. بی، اریل (۱۳۸۶)، «*روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*»، ترجمه رضا فاضل، تهران: سمت.
۶. بنی‌فاطمه، حسین؛ سلیمی، آمینه (۱۳۹۰)، «*احساس امنیت اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن*»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی، سال سوم، شماره دوازدهم، پاییز، صص ۵۹ - ۷۷.
۷. بیات، بهرام (۱۳۸۷)، «*تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی*»، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۸. بیات، بهرام (۱۳۸۸)، «*جامعه‌شناسی احساس امنیت*»، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
۹. پورسعید، فرزاد (۱۳۹۶)، «*صدمت‌رورسوم نوین*»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیستم، شماره سوم، شماره مسلسل ۷۷.
۱۰. توماس، کارولین (۱۳۸۲)، «*حکومت جهانی، توسعه و امنیت انسانی*»، ترجمه مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، «*جامعه‌شناسی نظم*»، تهران: نشر نی.
۱۲. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۷)، «*مقدمه‌ای بر روش تحقیق علوم انسانی*»، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
۱۳. خواجه‌نوری، بیژن؛ کاوه، مهدی (۱۳۹۲)، «*مطالعه رابطه بین مصرف رسانه‌ای و احساس امنیت اجتماعی*»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال دوم، پاییز و زمستان، شماره ۶.
۱۴. خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۷۹)، «*امنیت و جامعه مدنی*»، نشریه امنیت، سال چهارم، شماره سیزده و چهارده، مرداد و شهریور ۱۳۷۹، تهران.

۱۵. ربانی خوراسگانی، علی؛ قاسمی، وحید (۱۳۸۶)، «*رابطه احساس امنیت اجتماعی و نگرش مذهبی*»، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، شماره ۲.
۱۶. ربیعی، علی (۱۳۸۳)، «*مطالعات امنیت ملی*»، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۷. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸)، «*آنومی یا آشفتنگی اجتماعی*»، تهران: انتشارات سروش.
۱۸. شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۷)، «*دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*»، تهران: سازمان انتشارات کیهان.
۱۹. طلوعی، محمود (۱۳۷۷)، «*فرهنگ جامع سیاسی*»، تهران: انتشارات علم.
۲۰. علی زاده، حسین (۱۳۷۷)، «*فرهنگ خاص علوم سیاسی*»، تهران: انتشارات روزنه.
۲۱. قاسمی، راضیه؛ محمدی، اصغر (۱۳۹۲)، «*بررسی میزان احساس امنیت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در بین شهروندان ۱۵ تا ۴۴ ساله شهرکرد*»، فصلنامه دانش انتظامی چهارمحال و بختیاری، شماره ۲، تابستان، صص ۲۱ - ۳۷.
۲۲. کرامتی، مهدی (۱۳۸۴)، «*بررسی میزان احساس امنیت در بین حاشیه نشینان شهرستان های استان تهران*»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.
۲۳. کرایب، یان (۱۳۸۰)، «*نظریه اجتماعی مدرن: از یارسونز تا هابرماس*»، ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات آگه.
۲۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، «*پیامدهای مدرنیته*»، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر نی.
۲۵. ماندل، رابرت (۱۳۷۹)، «*چهره متغیر امنیت ملی*»، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۶. محرمی، توحید (۱۳۹۷)، «*آینده امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی و تحقق تمدن نوین ایرانی اسلامی*»، دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۶۵ - ۸۹.
۲۷. مدیری، آنوسا (۱۳۸۵)، «*جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر*»، فصلنامه رفاه اجتماعی، پاییز، دوره ۶ شماره ۲۲، صص ۱۱ - ۲۸.
۲۸. معین، محمد (۱۳۷۵)، «*فرهنگ فارسی*»، جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۹. میری آشتیانی، الهام (۱۳۸۳)، «*بحران امنیت اجتماعی در ایران*»، نشریه برداشت اول، سال سوم، شماره ۲۲.
۳۰. ناجی راد، محمدعلی (۱۳۸۵)، «*جهانی شدن تروریسم*»، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

۳۱. نصری، ق (۱۳۷۸)، «معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت»، موسسه مطالعات راهبردی.
۳۲. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲)، «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۱۹.
۳۳. هاشمیان فر، سید علی و دیگران (۱۳۹۵)، «جامعه‌شناسی امنیت و احساس امنیت»، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۳۴. یاری، حامد؛ هزارجریبی، جعفر (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در میان شهروندان (مطالعه موردی ساکنان شهر کرمانشاه)»، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۱، شماره ۴، صص ۳۹ - ۵۸.

ب) منابع لاتین

1. Mitar, Miran (1996). *"Assesment of societal security in recent past and today"*, Collage of police and security studies, Slovenia. PP: 51 – 63.

ج) تارنما

1. www.entekhab.ir.
2. www.amar.org.ir.
3. www.ilna.ir

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی
دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)

سال نهم، شماره ۳۳ (بهار ۱۳۹۹) صص ۱۵۸-۱۳۱

واکوی تهدیدهای ناشی از اقدامات وهابیت و جریان‌های سلفی تکفیری (مورد مطالعه: استان کرمانشاه)

● محسن حسین آبادی ●

دانشجوی دکتری مطالعات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول)، m.farzinfard@sndu.ac.ir

● سید محمود رضا شمس دولت آبادی ●

استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی

● محسن مرادیان ●

استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۵

چکیده

یکی از مؤلفه‌های تهدیدهای امنیت ملی در مناطق مرزی، به‌ویژه استان کرمانشاه، خطرات ناشی از نفوذ اندیشه وهابیت و جریان‌های سلفی تکفیری و اقدامات آنها است. اندیشه تکفیر، ریشه در تفکرات ابن تیمیة (قرن ۸ ق) دارد که بر اساس برداشت انحرافی که از اسلام داشته، عده‌ای از مسلمانان را خارج از دایرة اسلام دانسته و آنها را کافر خوانده است. در ادامه، محمد ابن عبدالوهاب (قرن ۱۲ ق) این اندیشه را عملیاتی کرد و بر اساس آن، اقدام به قتل و کشتار مسلمانان نمود. این اندیشه هم‌اکنون نیز توسط وهابیان، داعش و سایر جریان‌های تکفیری علیه مسلمانان در حال اجراست. هدف این پژوهش، شناسایی تهدیدها و آسیب‌های ناشی از فعالیت این جریان‌ها در ابعاد مختلف و ارائه راهکارهای مواجهه با آنها از طریق رویکرد کیفی نظریه داده‌بنیاد است. سؤال اصلی پژوهش این است که «اقدامات جریان‌های سلفی تکفیری چه تهدیداتی را در ابعاد مختلف علیه امنیت این منطقه و امنیت ملی ج.ا.ایران ایجاد خواهد کرد؟». در این پژوهش، از روش‌های نمونه‌گیری نظری و تکنیک گلوله‌برفی برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است و اشباع نظری داده‌ها با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختارمند با ۳۸ نفر از خبرگان حوزه‌های سیاسی - امنیتی به دست آمده است. همچنین، رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها به کار گرفته شد. به‌اختصار، تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که پدیده ظهور و توسعه جریان‌های سلفی تکفیری در جغرافیای مناطق مرزی و حاشیه‌ای غرب کشور از جمله استان کرمانشاه، تحت تأثیر شرایط علی مختلفی قرار دارد. این پدیده به همراه شرایط ملاخه‌گر (حمایت مالی، لجستیک، آموزشی و رسانه‌ای) و شرایط زمینه‌ای (جریان‌های ایدئولوژیک، عوامل اقتصادی، فرهنگی - فکری، سیاسی - بین‌المللی و اجتماعی)، کنش‌هایی را شامل اقدامات ایدئولوژیک - فرهنگی؛ سیاسی - امنیتی و اقتصادی به وجود می‌آورد. در نهایت، پیامدهای این پدیده عبارت‌اند از تهدیدهای امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و اعتقادی. در انتها نیز پیشنهادهایی برای مقابله با این تهدیدها ارائه گردید.

کلید واژگان: استان کرمانشاه، تهدید، جریان‌های سلفی تکفیری، وهابیت.

مقدمه

«امنیت ملی که توانایی هر کشور برای حفاظت از ارزش‌های داخلی در مقابل تهدیدهای خارجی تعریف می‌شود، بستر هر گونه پیشرفت علمی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر شمرده شده است و در نتیجه، اهمیت آن بر کسی پوشیده نیست» (رحیمی، راد، عالم‌تبریز و مؤتمنی، ۱۳۹۷: ۱۹). شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، انسانی، فرهنگی و سیاسی در هر جامعه‌ای با تغییرات دائمی همراه می‌شود که این امر شکل تهدیدها را با دگرگونی و تغییر همراه می‌کند. به همین دلیل است که شناخت تهدیدهای داخلی باید به گونه‌ای مرحله‌ای انجام پذیرد. شناسایی تهدیدهای داخلی جدید را باید انعکاس فرایندهای عمومی دانست که در جامعه ظهور می‌یابد و فضای عمومی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چنین رویکردی بیانگر این است که «معمای امنیتی»^۱ در حوزه امنیت اجتماعی و درون ساختاری وجود دارد. غفلت از مخاطرات امنیتی، شکل ناشناخته‌ای از تهدیدها را به وجود می‌آورد و این امر، بحران اجتماعی را گسترش داده و از سوی دیگر، زمینه‌های لازم آسیب‌پذیری امنیتی را در حوزه داخلی فراهم می‌سازد (زررندی و یاری، ۱۳۹۷: ۱۱۷).

بیان مسئله و اهمیت تحقیق

محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران سرشار از تهدیدها و فرصت‌هایی است که منافع و امنیت ملی آن را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. انقلاب اسلامی ایران که تأثیرهای شگرفی را در رویکردهای ملی و جهانی و ساختار نظام بین‌الملل بر جای گذاشت، متناسب با رخدادهای ویژه و عظیمی که با آن روبرو بوده است، حوزه تعاملی وسیعی را با علوم دفاعی و راهبردی به وجود آورد که شناخت و سنجش تهدیدهای نوین و فرصت‌های جدید از یک سو و پیدایش زاویه‌های متفاوت آن از سوی دیگر، نیازمند تدوین راهبردهای مفید و مؤثری است، به گونه‌ای که رهبر معظم انقلاب اسلامی به کرات به آن اشاره نموده‌اند (رستمی و اسماعیلی، ۱۳۹۵). ایشان در این خصوص فرموده‌اند: «استکبار می‌داند که دل‌های مردم در بسیاری از کشورهای اسلامی از شمال آفریقا تا شرق آسیا، با جمهوری اسلامی ایران است و این کشورها، عمق سیاسی و استراتژیک ایران اسلامی محسوب می‌شوند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با شرکت‌کنندگان در کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ۱۳۹۳/۰۹/۰۴). فرقه‌سازی در جهان اسلام از نقشه‌های قطعی استعمارگران بوده و هست. روشن است که استعمارگران غربی با توجه به تعالیم اسلام که هرگونه سلطه‌پذیری

^۱ Security Puzzle

مسلمانان در برابر بیگانگان را نفی می‌کند و همچنین به دلیل اینکه آنان از راه‌های دیگر هم سودی نبرده‌اند، تصمیم به ایجاد اختلاف و دودستگی بر پایهٔ مذهب، مسائل دینی و فرقه‌سازی گرفتند تا به این وسیله بتوانند به اهداف خود دست یابند. در همین راستا، جریان‌های سلفی تکفیری، توان تهدیدآفرینی علیه جمهوری اسلامی ایران را دارند. تمایل برخی از دولت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای و سرویس‌های اطلاعاتی آنان به حمایت از جریان‌ها و گروه‌های ضدشیعی، فضای مطلوبی را جهت ایجاد و تعمیق اختلافات گستردهٔ مذهبی در میان مسلمانان جهان و گستراندن منازعات شیعه و سنی در کل جهان اسلام فراهم می‌نماید که عدم توجه به‌موقع و دقیق به این موضوع می‌تواند تهدیدهای امنیتی جبران‌ناپذیری را برای کشور به دنبال داشته باشد (رستمی و اسماعیلی، ۱۳۹۵). بنابراین، شناخت جریان‌های سلفی تکفیری و گروه‌های منتسب به این جریان‌ها و سنجش نسبت آنها با منافع و ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران، در اولویت قرار دارد.

این در حالی است که استان کرمانشاه به‌عنوان یکی از مناطق مرزی برخوردار از جغرافیای سیاسی و راهبردی در همسایگی با کشور عراق و همچنین به‌دلیل وجود شکاف‌های قومی و مذهبی در آن، بستر مناسبی برای حضور و برنامه‌ریزی این جریان‌های تفرقه‌افکن همراه با فعالیت سرویس‌های جاسوسی حامیان آنان است. بافت مذهبی استان، وجود جمعیت قابل توجه اهل سنت در جدار مرز طولانی با کشور عراق و وجود اهل سنت برگشتی از اردوگاه «رمادیه» عراق با جمعیت بالغ بر ۳۰ هزار نفر در جدار مرز، رفتار سلیقه‌ای دولت‌ها به‌جای اتخاذ سیاست واحد در برخورد با اهل سنت، فعالیت جریان‌های معارض کُردی، پشتیبانی‌های مادی و معنوی بیگانگان و شفاف نبودن سیاست‌های مذهبی دستگاه‌های ذی‌ربط در منطقه، فضای گسترش بیش‌ازپیش آنان را در استان پدید آورده است؛ به‌طوری‌که این جریان‌ها با استفاده از ابزارهای نفوذ و توسعهٔ حضور خود، اعم از انجام اقدامات تروریستی، تزریق بودجه، توسعه نفوذ در میان نسل جوان از طریق انتشار کتب، ماهواره و فضای مجازی به دنبال جایی و نفوذ در قلمروی مذهبی و تعمیم آن به زمینه‌های سیاسی، امنیتی و اجتماعی هستند و تلاش می‌نمایند تا اقدامات دولت شیعی را در سطح کلان علیه قومیت کرد و سنی مذهبیان وانمود کنند.

حضور، توسعه و گسترش اندیشه و جریان گرایش به سلفی‌گری تکفیری در استان کرمانشاه، از لحاظ ماهیت کارکردی و توسعه اجتماعی، فکری و فرهنگی آن پیامدهایی برای مسائل امنیت ملی، انسجام و وحدت ملی و هم‌گرایی و هویت جمعی کشور در بر داشته است. اهتمام آنان برای ترویج

اندیشه و ایدئولوژی تکفیری، به‌ویژه در نسل جوان همراه با تشدید اختلافات مذهبی، برنامه‌ریزی برای ایجاد تغییر در ترکیب جمعیتی، سوءاستفاده از بستر اعتقادی و اجتماعی ساکنان منطقه برای پیشبرد اهداف خود، از جمله فعالیت‌های آنان است. اطلاعات موجود که مبتنی بر گزارش‌های منابع اطلاعاتی امنیتی است، بیانگر توسعه این اندیشه در سطح منطقه است، به‌طوری که عده‌ای از جوانان منطقه جذب جریان‌های سلفی تکفیری از جمله داعش گردیده‌اند و ضمن انجام اقدامات تروریستی در داخل کشور، نسبت به اعزام نیروهای انتحاری به کشورهای مختلف از جمله عراق، سوریه و افغانستان اقدام می‌نمایند که تهدیدهای ناشی از این فعالیت‌ها به یک مسئله بالقوه امنیتی تبدیل شده است که پیامدهای منفی امنیتی را به دنبال دارد. ترور «ماموستا شیخ‌الاسلام» در کردستان توسط «گروه توحید و جهاد» با شعار «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ» (مرزبان‌نامه، ۱۳۹۳: ۱۰۸) و حمله کور و انتحاری به مجلس شورای اسلامی و مرقد حضرت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) نمونه‌ای از گسترش این اندیشه است.

بنابراین، استان کرمانشاه با جمعیت قابل توجه ساکن در شهرستان‌های مرزی خود، به‌ویژه اورامانات و برخورداری از موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی به سبب هم‌مرزی با کشور عراق و مجاورت با حکومت فدرالی کردستان عراق (حکومت اقلیم) و دارا بودن تنوع در اقوام و مذاهب، بستر مناسبی برای وقوع چالش‌های متعدد است. فعالیت گسترده وهابیت افراطی و جریان‌های تکفیری که به دنبال تئوریزه کردن تفکر تکفیر در این مناطق می‌باشند، در کنار حضور و حمایت همه‌جانبه کشورهای معاند منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای از این جریان‌ها، بیانگر اجرای راهبرد هدفمند آنان برای ایجاد مشکلاتی در ابعاد مختلف برای نظام اسلامی است که این مسئله لزوم تلاش برای دستیابی به راهبردهای مناسب و هدفمند برای مقابله با این تهدیدها را ضروری می‌سازد. بدین منظور، در پژوهش حاضر به مطالعه و واکاوی تهدیدهای ناشی از اقدامات وهابیت و جریان‌های سلفی تکفیری در استان کرمانشاه به‌منظور ارائه راهکارهای عملیاتی پرداخته شده است. نتایج حاصل از آن جهت ارزشمند است که از دید افرادی که تخصص و تجربه‌های غنی از این جریان‌سازی‌ها و آسیب‌های ناشی از آن را دارند، بررسی شده است.

هدف تحقیق: هدف، بررسی تهدیدات ناشی از نفوذ وهابیت و جریان‌های سلفی تکفیری

علیه امنیت استان کرمانشاه و ارائه راهکارهایی برای مواجه هدفمند با این تهدیدات است.

سؤال اصلی: افزایش نفوذ وهابیت و جریان‌های سلفی تکفیری متأثر از چه عواملی است و چه تهدیداتی را متوجه امنیت استان کرمانشاه می‌کند؟ و چگونه می‌توان با آن مواجهه نظام‌مندی داشت؟

پیشینه تحقیق

قبری و بیات (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «محیط‌شناسی تهدیدهای تروریستی در سطح جمهوری اسلامی ایران» نشان دادند که محیط‌شناسی تهدیدهای تروریستی در دو بخش تهدیدهای تروریستی جریان‌های افراطی و هم‌مرزی با کشورهای همسایه صورت می‌گیرد، زیرا ایران به علت ویژگی‌های جغرافیایی خود در مناطق مرزی و حاشیه‌ای، تأثیر زیادی بر فعالیت گروهک‌های تروریستی دارد.

رحیمی، راد، عالم‌تبریز و مؤتمنی (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «به‌کارگیری رویکردهای مدیریتی ناب، چابک و تاب‌آور در زنجیره تأمین صنایع دفاعی، راهبردی جدید و مؤثر در ارتقای بازدارندگی دفاعی و امنیت ملی» به این نتیجه دست یافتند که به‌کارگیری رویکردهای نوین سه‌گانه زنجیره تأمین در صنایع دفاعی، به‌عنوان یک راهبرد جدید به ارتقای توان بازدارندگی و امنیت ملی منجر خواهد شد.

محمدی‌الموتی، وثوقی و امام‌جمعه‌زاده (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان «تجزیه و تحلیل واگرایی اعتقادی و اندیشه‌ای در جهان اسلام در پرتو نقش‌آفرینی جریان تکفیری» نشان دادند که در سطح باورها و افکار، مؤلفه‌های جریان تکفیری نظیر اجتهاد بی‌ضابطه، دوری از اندیشه‌ورزی نوآورانه و پویا، تکفیر مذاهب و دگراندیشان مذهبی، سطحی‌اندیشی و اصالت‌ظواهر، تعصبات کور و دگماتیسم، پیروی محض از گذشتگان و برداشت و تلقی افتراق‌انگیز از مفاهیم و اعتقادات دینی در تعارض با مؤلفه‌های فکری و اعتقادی هم‌گرایی در جهان اسلام نظیر اجتهاد ضابطه‌مند، خردگرایی، باور به تقریب مذاهب و تشکیل امت اسلامی، عمیق‌اندیشی و نگاه جامع به دین، انعطاف‌پذیری و مدارا، آینده‌نگری و تأکید بر اشتراکات اعتقادی و مذهبی قرار گرفته و منجر به ایجاد واگرایی می‌شود.

زروندی و یاری (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «کالبدشکافی تهدیدات با تأکید بر مفهوم امنیت ملی» به این نتیجه دست یافتند که عوامل مؤثر در جدی بودن تهدید عبارت‌اند از مشخص بودن هویت آن؛ قریب‌الوقوع بودن آن یا نزدیکی از نظر فاصله؛ شدت احتمال وقوع آن؛ میزان پیامد احتمالی آن و تأثیر اوضاع و شرایط تاریخی بر تقویت آن.

نتایج پژوهش شاهقلیان قهفرخی و رستمی (۱۳۹۶) با عنوان «تبیین زیرساخت‌های ایدئولوژیک و ساختاری گروه تکفیری - تروریستی داعش» نشان داد که اطلاق اندیشه سیاسی بر مجموعه

اعتقادی و ایدئولوژی داعش، بازتولید افکار و اندیشه‌ی وهابیت، القاعده و گروه‌های افراطی است، زیرا مبانی نظری و فکری داعش را نمی‌توان از افکار سلفیان متأخر و وهابیت جدا انگاشت و همچنین در بحث ساختار و تشکیلات داعش می‌توان گفت که ساختار این گروه، هرمی و نیز دوجبه‌ی، مرکب از ساختار سلسله‌مراتبی و شبکه‌ای است و در بررسی عملکرد داعش که از اهداف آن نیز جدا نیست، می‌توان به بازیچه بودن و دنبال‌کننده منافع غرب بودن آن اشاره کرد.

رستمی و اسماعیلی (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با جریان‌های تکفیری» نشان دادند که وضعیت جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با جریان‌های تکفیری در حالت تهاجمی قرار دارد و باید راهبردهای مناسبی در جهت تقویت نقاط قوت برای استفاده حداکثری از فرصت‌ها تدوین و اجرا گردد.

طاهری و احمدوند (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «وهابیت و استمرار حکومت آل سعود» نشان دادند که طی سه قرن گذشته، به‌خصوص هشت دهه‌ی اخیر، آل سعود با کمک وهابیت به تدریج بر تمام سرزمین عربستان مسلط شده و با توجه به منافع مشترک و اتحاد طرفین، وهابیت وسیله‌ای برای آل سعود به‌منظور تداوم قدرتشان محسوب می‌شود.

با واکاوی و تحلیل در پیشینه می‌توان گفت، هیچ‌یک از پژوهش‌های داخلی به تبیین و واکاوی تهدیدهای ناشی از اقدامات وهابیت و جریان‌های سلفی تکفیری در استان کرمانشاه نپرداخته‌اند که با توجه به موقعیت استراتژیک مرزی این استان، انجام آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. پژوهش‌های پیشین عمدتاً رویکرد کتابخانه‌ای را دنبال کرده‌اند و نتوانسته‌اند ارتباط مناسبی بین مسئله پژوهش و واقعیات موجود برقرار سازند، بسیاری از عوامل را به‌طور کامل شناسایی و بررسی نکرده‌اند و یا فاقد نمونه کافی برای تعمیم و تحلیل نتایج هستند. در این مسئله، پژوهش‌های خارجی نیز جانب‌داری نسبت به کشور ایران دارند، لذا بررسی نتایج آنها سوگیری دارد. از این‌رو، انجام پژوهش حاضر در راستای پر کردن شکاف موجود در مبانی نظری و پیشینه پژوهش و ارتقای سطح امنیت مرزها، از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

شکل‌گیری و رشد جریان‌های سلفی تکفیری و وهابیان ناشی از اختلافاتی است که پس از رحلت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در جامعه مسلمانان ایجاد گردیده و تاکنون ادامه دارد و جهان

اسلام ضربات جبران‌ناپذیری را از ناحیه این گروه‌های افراطی متحمل شده است. در ایران و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت این جریان‌ها با حمایت معاندان نظام اسلامی تشدید و تقویت شده است. استان کرمانشاه با توجه به موقعیت راهبردی خود در جوار مرز با کشور عراق و حکومت اقلیم کردستان و برخورداری از تنوعات مذهبی بستر مناسبی برای فعالیت این جریان‌ها است و اقدامات و عملکرد این جریان‌ها، اهمیت این منطقه را از منظر وهابیت و جریان‌های افراطی و تکفیری روشن می‌سازد. این مسئله‌ای است که موضوع اصلی این پژوهش بوده و در مبحث قلمروی مکانی پژوهش که در ادامه خواهد آمد به آن پرداخته شده است.

مفهوم‌شناسی تحقیق

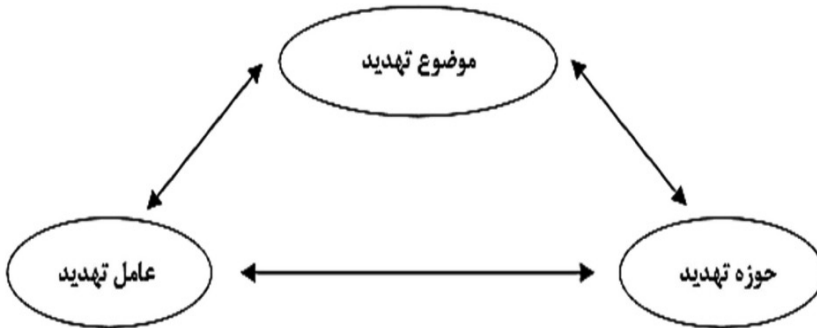
الف) تهدید

«تهدید در لغت به معنای بیم کردن، ترسانیدن و تخویف است» (فرهنگ معین، ۱۳۶۴). آن‌چنان‌که از این تعریف استنباط می‌شود، مفهوم ترس در تهدید نهفته است که می‌توان آن را به عدم احساس امنیت در انسان‌ها تعمیم داد. تهدید به معنای توانایی‌ها، نیات و اقدامات دشمنان بالفعل و بالقوه برای ممانعت از دستیابی موفقیت‌آمیز به علائق و مقاصد امنیت ملی تعریف شده است. همچنین، گاهی تهدید به مثابه شکل بالفعل آسیب‌پذیری تعریف می‌شود؛ آسیب‌پذیری در این تعریف به معنای میزان حساسیت یک ملت و یا یک نیروی نظامی است، به طوری که بتوان با به‌کارگیری توان و ابزار نظامی از توان و کارایی آن ملت یا نیروی نظامی کاست (تاجیک، ۱۳۸۴: ۹۳). در تعریفی دیگر، «تهدید به آن دسته از خطرات بالفعل و بالقوه‌ای اطلاق می‌گردد که ارزش‌های حیاتی یک کشور از جمله تمامیت ارضی، استقلال، حاکمیت ملی، نظام حاکم، نهادهای سیاسی - اجتماعی و اقتصادی، ایدئولوژی، فرهنگ و افتخارات ملی را به خطر می‌اندازد» (چگینی، ۱۳۹۸: ۱۴).

تهدید نسبت به امنیت ملی عبارت است از یک سلسله حوادث که طی زمانی کم‌وبیش کوتاه، کیفیت زندگی ساکنان یک کشور را شدیداً به خطر می‌اندازد یا اینکه دامنه اختیار یک حکومت یا یک کشور یا واحدهای خصوصی را در انتخاب سیاست‌های مقتضی به شدت محدود می‌کند (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۶۹). در مطالعات مربوط به امنیت، تهدید اغلب مفهومی سیاسی است که این اصطلاح در بسیاری از واژه‌نامه‌های علوم اجتماعی به‌عنوان مفهومی علمی به‌خوبی تعریف نشده است. برخی تحلیلگران در بررسی‌ها و مطالعات خود از مفهوم ارزیابی تهدید به‌عنوان یکی از دلایل

برنامه‌ریزی‌های رزمی در طول جنگ سرد استفاده می‌کنند. در این زمان، مفهوم تهدید در چارچوب امنیت ملی و در اشاره به تهدید دوگانه ناشی از قدرت‌های دولتی و همچنین افکار آنها در قالب ایدئولوژی مطرح شده بود. علاوه بر این، در بررسی‌های امنیت ملی بین تهدیدهای سه‌گانه جدایی قائل می‌شوند. این تهدیدها شامل تهدیدهای نظامی (تهاجم، اشغال، تغییر دولت، دست‌کاری سیاسی)؛ تهدیدهای اقتصادی (شیوه صادرات، محدودیت‌های واردات، دست‌کاری قیمت‌ها و ارز، به هم زدن وضعیت ثبات داخلی) و تهدیدهای زیست‌محیطی (آسیب رساندن به پایه فیزیکی دولت) است (Brauch, 2011).

به‌طور کلی، هدف هر نوع تهدیدی، تأثیرگذاری بر اندیشه، عواطف، اراده و حتی به تسلیم کشاندن حریف است که هدف اصلی آن، تحمیل اراده به نیروی مقابل است. تفاوت تهدیدها در به‌کارگیری روش‌ها و ابزارهاست. تهدید می‌تواند با تأکید بر توان فیزیکی یا روش‌های سیاسی، روانی و شیوه‌های خشونت‌آمیز و با به‌کارگیری قدرت نرم، برای تأثیرگذاری بر اراده حریف و نیروی مقابل انجام شود (هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۵). تهدید از سه بخش اساسی «کارگزار یا عامل تهدید»، «حوزه تهدید» و «موضوع تهدید» تشکیل شده است. عامل تهدید، در واقع، هویت یا چیزی است که به‌طور بالقوه یا بالفعل، توانایی ایجاد، انتقال یا پشتیبانی از تهدید را دارد، در حالی که حوزه تهدید، هویت یا چیزی است که موجودیت و یا دارایی‌های حیاتی آن در معرض خطر قرار گرفته و در نهایت، موضوع تهدید، رخدادی است که به نظر می‌رسد توان درونی و بیرونی انتقال، پشتیبانی یا ایجاد خطر در موجودیت یا دارایی‌های حیاتی بازیگر مورد آماج را در خود دارد (Premaratne, 2016) (شکل شماره ۱).



شکل شماره ۱: اجزای تهدید (منبع: زروندی و یاری، ۱۳۹۷)

ب) جریان و جریان‌شناسی

تعاریف متعددی درباره مفهوم جریان و جریان‌شناسی ارائه شده است. در یک تعریف گفته می‌شود که جریان عبارت است از تشکل، جمعیت و گروه اجتماعی معینی که علاوه بر مبانی فکری، از نوعی رفتار ویژه اجتماعی برخوردار است. بنابراین، اندیشه نظام‌مند یک شخصیت علمی که به صورت تشکل اجتماعی ظاهر نشده، جریان نامیده نمی‌شود. همچنین در تعریف دیگر آمده که جریان عبارت است از روند شکل‌گیری یک ایده و سیر تطور تاریخی آن، با در نظر گرفتن فرازوفرودها و آثار آن در عرصه اجتماعی. بنابراین، دارا بودن صبغه اجتماعی و اندیشه مشخص، رفتار معین و مرتبط با آن اندیشه و داشتن تعدادی پیرو، از ویژگی‌های جریان‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی است (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۱۰-۹). اگر بخواهیم تعریف دقیق‌تری از جریان ارائه شود، باید گفت: «جریان تشکلی نظام‌مند از مجموعه افراد و گروه‌های اجتماعی است که در یک سیر و تطور تاریخی روشن، از مبانی و زیرساخت‌های نظری منسجم و مشترکی برخوردار گشته که توسط رهبران و بنیان‌گذارانی شناخته‌شده، تئوریزه و رهبری می‌شود و توانسته جمعیت قابل‌توجهی از پیروان و هواداران را بر مدار خود جمع کرده و دارای اثرگذاری اجتماعی باشد» (مهدی‌پور، ۱۳۹۳: ۷). «مهم‌ترین ویژگی‌های جریان عبارت‌اند از: وجود جمعیت قابل‌قبول و مدیریت‌شده که بر جامعه تأثیر بگذارد» (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۱۰-۹).

جریان‌شناسی به فرایند شناخت مؤلفه‌های اصلی هر جریان یا جریان‌های مورد نظر بازمی‌گردد. این فرایند شامل بررسی شکل‌گیری یک اندیشه و تفکر، بررسی مبانی فکری اعتقادی و دیدگاه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، دسته‌ای از احزاب و گروه‌ها و تبیین همسویی در مواضع، رویکردها و گفتمان‌ها اشاره دارد (مهدی‌پور، ۱۳۹۳: ۷).

ج) جریان تکفیری و وهابیت

معنای سلف و سلفی: سلف در لغت به معنای بستگان انسانی است که دار فانی را وداع کرده و در گذشته‌اند (سبحانی، ۱۳۹۳: ۹).

تکفیر و تکفیرگرایی

در مفهوم‌شناسی تکفیر، ریشه‌ای‌ترین و اصلی‌ترین عبارت، واژه کفر است. کفر در لغت به معنای ستر و پوشاندن است و در اصطلاح به معنای «ایمان نیاوردن به چیزی است که از شأنش ایمان آوردن

به آن است»، مثل عدم ایمان به خدا و توحید و نبوت پیامبر خدا و روز قیامت (سبحانی، ۱۳۸۵: ۴۹). «تکفیر‌گرایی» را می‌توان نامی عام و جامع برای وهابیت و برداشت و قرائتی نارس و انحرافی از اسلام توصیف کرد. تفسیری که بر اساس آن، هر کسی که باورهای یکسان با تکفیر‌گرایان ندارد، باید حذف فیزیکی شود. بنابراین، می‌توان تکفیر‌گرایی را چنین تعریف کرد: «تکفیر‌گرایی عنوانی است متصف به سلوک رفتاری افراد یا گروه‌های فرقه‌گرا که برخلاف معیارهای شرعی شناخته‌شده، سایرین را به دلیل مخالفت با ایدئولوژی خودشان، با استفاده از روش‌های خشن و تهاجمی نفی و طرد می‌کنند» (مزینانی و خسروپناه، ۱۳۹۴: ۴).

سلفی تکفیری

سلفی تکفیری به گرایش گروهی از سلفیان گفته می‌شود که مخالفان خود را کافر می‌شمارند. بر اساس مبانی فکری آنان، میان ایمان و عمل تلازم وجود دارد، به این معنی که اگر کسی ایمان به خدا داشته باشد و مرتکب کبائر شود، از دین خارج شده و کافر شمرده می‌شود. در جهان اسلام تنها گروهی که چنین عقیده‌ای داشتند، خوارج بودند. خوارج ایمان را بسته به علم می‌دانستند و فرد مرتکب کبیره را از دین خارج و واجب‌القتل می‌شمردند، به همین علت در برابر مسلمانان قد برافراشتند و آنان را به بهانه‌های واهی کشتند. سلفیان تکفیری نیز مسلمانان را به علت انجام امور مذهبی خود، در ردیف مشرکان قرار می‌دهند و در نتیجه آنان را (مهدورالدم) می‌شمارند. مهم‌ترین نوع سلفی‌گری تکفیری، وهابیت است (علیزاده‌موسوی، ۱۳۹۲: ۸۰).

«سلفی‌های تکفیری هرکس که تفکر تکفیری ندارد (سنی، شیعه، سایر فرق و مذاهب و...) را کافر و خون و مال مخالفان خود را مباح می‌دانند» (فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۱). از نظر سلفی‌های تکفیری، هر کس به اسلام روی نیاورده و آن را در عقیده و سلوک رفتاری، پیاده نکند، با او فقط باید جهاد کرد و در این باره هر مسلمانی شخصاً از طرف خدا مأمور است که چنین افرادی را بکشد. این دسته از سلفی‌ها، آمادگی و انجام جهاد را برای مسلمانان، واجب عینی شمرده و تأخیر در آن را جایز نمی‌دانند.

این تیمیه معتقد است «سلف» کسانی هستند که در سه قرن اول اسلام زندگی می‌کردند و تمام فضایل را داشتند؛ این افراد شامل صحابه، تابعان و تابعان تابعان می‌شوند. مهم‌ترین ویژگی این مکتب، نفی مذاهب اسلامی و دعوت مسلمانان به پیروی محض و بدون اندیشه از تفکرات گذشتگان است.

در معنای دوم که کاربرد آن به دوران بیداری مسلمانان برمی‌گردد، سلفیه بر کسان‌ی اطلاق شده است که برای بیداری مسلمانان و رهایی آنان از تقلید فکری غرب و اتکا به فرهنگ و تمدن دیرینه خویش و رجوع به قرآن و سنت با نگاهی تازه و اندیشه‌ای نو برای حل معضلات و مسائل فکری جدید، تلاش کرده و حرکت اصلاح دینی را شکل داده‌اند (محمدی‌الموتی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۵).

از سوی دیگر، وهابیت فرقه‌ای است با رهبری «محمد بن عبدالوهاب» که پس از اتحاد با «محمد بن سعود» در سال ۱۷۴۴ میلادی، توانستند با کمک یکدیگر اولین دولت سعودی را در منطقه «درعیه» تشکیل دهند. پس از این توافق، وهابیت در طول سه قرن گذشته همواره به‌عنوان ستون اصلی مشروعیت آل سعود طی سه دولت این خاندان مطرح بوده است و آل سعود نیز به‌منظور بهره‌برداری از نفوذ و تأیید علمای وهابی، با گره زدن توسعه‌طلبی سیاسی - ارضی خود به اجرای فتوای ابن عبدالوهاب، سایر نقاط کشور (عربستان) را تسخیر کرد (طاهری و احمدوند، ۱۳۹۴: ۸۷).

امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در این باره می‌فرماید: «مگر مسلمانان نمی‌بینند که امروز وهابیت در جهان به کانون‌های فتنه جاسوسی مبدل شده‌اند که از یک‌طرف اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان، اسلام آمریکایی و... را ترویج می‌کنند و از طرف دیگر سر بر آستان سرور خویش آمریکای جهان خوار می‌گذارند» (امام خمینی، ج ۲۱: ۸۰).

دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز درباره وهابیت چنین است:

از اول وهابیت را برای ضربه زدن به وحدت اسلام و ایجاد پایگاهی مثل اسرائیل در بین جامعه مسلمان‌ها به وجود آوردند. همچنان که اسرائیل را برای اینکه پایگاهی علیه اسلام درست کنند وجود آوردند؛ که به خودشان وابسته باشد و می‌بینید هم که وابسته‌اند. الآن این سلاطینی که در بقعه اسلام وهابی هستند، از اینکه به وابستگی و رفاقت و طرفداری خودشان از سیاست‌های دشمنان اسلام - یعنی آمریکا - تصریح کنند، ابایی ندارند و آن را پوشیده نمی‌دارند (بیانات مقام معظم رهبری در جمع روحانیون حوزه‌های علمیه اهل سنت، ۱۳۶۸/۱۰/۰۵).

«وهابیان مدعی هستند که در اعمال و افعال خود از سلف صالح پیروی می‌کنند؛ لذا خود را سلفیه نیز می‌خوانند» (طاهری و احمدوند، ۱۳۹۴: ۸۸) و نسبت وهابیت را به خودشان نمی‌پذیرند و آن را ساخته و پرداخته مخالفان و دشمنانشان می‌دانند.

دیدگاه و اندیشه افراطی وهابیت و جریان‌های تکفیری تاکنون برای جهان اسلام تهدیدزا و امنیت‌زدا بوده است. این جریان‌ها با دارا بودن خشونت فوق‌العاده، تحمیل عقیده، تعصب شدید و افراطی و عدم

آشنایی با ارزش‌های فرهنگی، جمود و مخالفت با هر پدیده نوینی و ضعف منطقی و برداشت غلط از آیات قرآن امنیت جهان اسلام را با تهدید جدی مواجه نموده‌اند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۵).

وحدت‌شکنی یکی از مهم‌ترین ضربات این جریانات بر پیکره اسلام است که برخلاف کلام صریح الهی در قرآن است که می‌فرماید: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آیه شریفه ۱۰۳، سوره مبارکه آل عمران)؛ به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید. وحدتی که از آن درجه از اهمیت قرار دارد که حضرت علی (علیه‌السلام) در خطبه ۱۲۷ نهج‌البلاغه دست خدا را با جماعت دانسته و می‌فرماید: «ألا و من ادعی الی هذ الشعار فاقتلوه و لو کان تحت عمامتی هذا؛ یعنی آگاه باشید هر کس که مردم را به این شعار «تفرقه و جدایی» دعوت کند او را بکشید، هرچند که زیر عمامه من باشد (دشتی، ۱۳۸۴).

وحدت کلمه‌ای که رسول گرامی اسلام در مقابل کفر جهانی ایجاد نمود، به‌وسیله پایه‌گذار مکتب وهابیت درهم شکست و در زیر آسمان، افتخار مدال اسلام، تنها نصیب گروهی می‌شود که مکتب وهابیت را درست بپذیرند، در غیر این صورت از حضیره اسلام بیرون می‌روند (سبحانی، ۱۳۸۸: ۸).

«بنابراین تکفیرگرایی را می‌توان نامی عام برای وهابیت و برداشتی انحرافی از اسلام توصیف کرد. مسیری که بر اساس آن هر کسی که باورهای یکسان با جریان تکفیری ندارد، باید حذف فیزیکی شود» (مزینانی و خسروپناه، ۱۳۹۴: ۳)، اما باید دقت کرد، میان عقاید سلفی‌گری و اهل سنت اختلافات اساسی وجود دارد؛ برخی دایره سلفی‌گری را چنان گسترده تصور می‌کنند که همه اهل سنت را دربرمی‌گیرد و سابقه آن را به صدر اسلام بازمی‌گردانند، اما واقعیت این است که بین سلفی‌گری و اهل سنت اختلافات اساسی وجود دارد و سلفی به کسی اطلاق می‌شود که در حوزه‌های روش‌شناسی نقل‌گرا، معرفت‌شناسی حدیث‌گرا، هستی‌شناسی حس‌گرا و معناگرایی ظاهرگرا باشد. به عبارت دیگر، اندیشه سلفی عقل‌ستیز و کاملاً ارتجاعی است و در شمول مذاهب چهارگانه اهل سنت نمی‌گنجد (نصیری‌دامغانی، ۱۳۹۳: ۱۲۷).

د) سلفی‌گری و جریان‌های تکفیری در قلمروی مکانی پژوهش

استان کرمانشاه به‌عنوان یکی از استان‌های استراتژیک مرزی و با جمعیت بالغ بر دو میلیون نفر، از نظر ترکیب مذاهب، بسیار متنوع است؛ به‌نحوی که حدود (۶۸ درصد) شیعه، (۲۱ درصد) اهل سنت، (۱۰ درصد) اهل حق و دودهم درصد سایر مذاهب در استان سکونت دارند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) و علت انتخاب استان

کرمانشاه به‌عنوان قلمروی مکانی پژوهش، وجود جریان‌های سلفی در سطح این استان بوده است. بنابراین، سلفی‌گری تکفیری در سال‌های اخیر از نظر توسعه کمی و کیفی در غرب کشور از جمله استان کرمانشاه روند رو به رشدی داشته است، به طوری که این جریان‌ها با اقدامات تبلیغاتی و روانی گسترده و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه موجود در این منطقه، نظیر جریان‌های مذهبی افراطی با حضور و فعالیت گسترده در مساجد و مراکز دینی و فرهنگی منطقه و تبلیغ چهره به چهره افکار و عقاید سلفی تکفیری و همچنین انجام عملیات روانی از طریق استفاده از سایت‌ها و سایر ابزارها و شیوه‌های پیچیده ارتباطی و تبلیغی توانسته‌اند تعداد زیادی از عناصر مستعد ساکن در استان کرمانشاه را جذب و پس از آموزش و سازمان‌دهی، آنان را در راستای اهداف تشکیلاتی، به‌ویژه نظامی به کارگیری نمایند. این افراد ضمن انجام عملیات تروریستی در داخل کشور، با هماهنگی و حمایت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و هدایت سرویس‌های جاسوسی آنان در نقاط بحرانی خارج از کشور عملیات تروریستی و انتحاری متعددی در کشورهای سوریه، عراق، لبنان، افغانستان، پاکستان و سایر نقاط جهان انجام داده‌اند و در حال حاضر تعداد زیادی از عناصر افراطی موجود با گذراندن آموزش‌های متعدد به‌عنوان سربازان آماده به دستور جریان‌ات تکفیری در سطح منطقه حضور داشته و تهدیدی جدی برای امنیت منطقه و کشور محسوب می‌شوند. برای ورود به فعالیت جریان‌های سلفی تکفیری در استان کرمانشاه، به دو اقدام صورت گرفته که بیانگر نفوذ اندیشه تکفیری در آنان است، اشاره می‌شود؛ فرد تروریست سلفی تکفیری هنگام ترور شهید ماموستا شیخ‌الاسلام در سنج این شعار را سر داد: «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ» (مرزبان‌نامه، ۱۳۹۳: ۱۰۸). این موضوع به معنای این است که ماموستای اهل سنت همسوی با نظام را کافر دانسته‌اند. همچنین در حمله انتحاری سال ۱۳۹۶ به مجلس شورای اسلامی، عناصر وابسته به داعش هنگام به شهادت رساندن افراد بی‌گناه این شعار را که منسوب به «ابومحمدالعذنانی» سخنگوی سابق داعش است، بیان می‌کردند: «أَتُنظَنُّ أَنَا سِرْحَلٌ؟ كَلَّا، إِنَّا بَاقُونَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»، به این معنا که «آیا فکر می‌کنید ما رفتنی هستیم؟ هرگز چنین نیست، همانا ما باقی خواهیم ماند با اذن خداوند عزوجل» (خبرگزاری تابناک، ۱۳۹۶/۰۳/۰۷).

«به‌اختصار، جریان‌های تکفیری فعال در استان کرمانشاه عبارت‌اند از جریان احفاد صلاح‌الدین با دیدگاه القاعده؛ گروه تکفیری کتائب کردستان (القاعده کردی)؛ جریان انصار السنه وابسته به تشکیلات جهادی القاعده و جریان عناصر خودسر تکفیری که در شهرستان‌های مختلف استان کرمانشاه فعالیت دارند» (معاونت پژوهش و تولید علم دانشگاه اطلاعات، ۱۳۹۴).

روش‌شناسی تحقیق

از آنجاکه هدف این پژوهش، توسعه علم و کمک به سیاست‌گذاران برای آگاهی از تهدیدهای ناشی از اقدامات وهابیت و جریان‌های سلفی تکفیری در استان کرمانشاه است، توسعه‌ای - کاربردی بوده که با رویکرد کیفی انجام شده است. روش پژوهش، کیفی از نوع نظریه داده‌بنیاد است. خرد مایه به کارگیری این راهبرد، به کاربری آن بازمی‌گردد، زیرا از یکسو، در زمینه اقدامات وهابیت و جریان‌های سلفی تکفیری، مدل جامعی که تهدیدهای استان کرمانشاه را در نظر گرفته باشد، وجود ندارد و از سوی دیگر، روش نظریه داده‌بنیاد جهت مدل‌سازی و نظریه‌پردازی در حوزه مفاهیم و پدیده‌های نوظهور کارا است. بنابراین، روشمندی نظریه داده‌بنیاد بر پایه نظر مشارکت‌کنندگان و اهتمام به مجموعه‌ای از قضایا و مدل‌های آزمون‌پذیر، منجر به انتخاب این راهبرد شده است. از آنجاکه این نظریه در داده‌ها بنیان دارد، نسبت به نظریه‌ای که از نظریه‌های موجود اقتباس و یا با آن تطبیق داده می‌شود، تبیین بهتری ارائه می‌دهد (دانایی‌فرد، الوانی و آذر، ۱۳۹۱: ۳۵). قلمرو زمانی انجام پژوهش از خردادماه ۱۳۹۷ الی مهرماه ۱۳۹۸ بود.

جامعه مورد مطالعه خبرگان و صاحب‌نظران در حوزه مسائل سیاسی و امنیتی بودند. برای انتخاب نمونه، از روش‌های نمونه‌گیری قضوتی و گلوله‌برفی استفاده شد؛ بدین منظور ابتدا با ۳ نفر از خبرگان مصاحبه گردید، سپس در نمونه‌گیری گلوله‌برفی، پس از هر مصاحبه، از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد تا افراد صاحب‌نظر را معرفی نمایند. کفایت نمونه‌گیری توسط اشباع نظری داده‌ها محقق شد، لذا نمونه‌گیری تا مصاحبه سی و هشتم که به اشباع رسید، ادامه پیدا کرد. داده‌ها از طریق انجام مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختارمند و بررسی اسناد بالادستی، یادداشت‌ها، اظهارات مسئولان، خبرگان و فعالان حوزه جمع‌آوری شدند.

«اعتبار مصاحبه‌ها از روش مثلث‌سازی؛ مطرح کردن سؤالات به چند روش و استفاده از چند مصاحبه‌کننده تأیید شد. برای آگاهی از میزان پایایی از روش «کدگذاری مجدد» و «درصد توافق درون موضوعی» بهره‌گیری شد» (بیابانگرد، ۱۳۸۲). بر این اساس، روش محاسبه پایایی بین کدگذاری‌های انجام‌گرفته بر اساس فرمول ذیل بود:

$$2 * \left(\frac{M}{N1 + N2} \right)$$

در این فرمول، «M» تعداد موارد کدگذاری شده توسط دو کدگذار است که بین آنها توافق وجود داشته باشد، «N1» تعداد کلی موارد کدگذاری شده توسط کدگذار اول و «N2» تعداد کلی موارد کدگذاری شده توسط کدگذار دوم است. در صورتی که میزان این شاخص از ۶۰ درصد بیشتر شود،

قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است و می‌توان ادعا کرد که میزان پایایی تحلیل مصاحبه‌ها مناسب است (بیابانگرد، ۱۳۸۲). بدین منظور برای محاسبه، از یک پژوهشگر مسلط دیگر، درخواست شد تا ۳ مصاحبه را کدگذاری نماید. درصد توافق درون موضوعی که به‌عنوان شاخص پایایی تحلیل به‌کار می‌رود، با استفاده از فرمول مذکور ۷۲ درصد شد. با توجه به اینکه این میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد است، قابلیت اعتماد کدگذاریها مورد تأیید است و میتوان ادعا کرد که پایایی تحلیل مصاحبه‌های کنونی مناسب است (جدول شماره ۱).

پایایی بازآزمون	تعداد موارد مشترک	تعداد کدهای مستخرج			شماره مصاحبه
		مجموع	همکار	پژوهشگر	
70	46	131	61	70	شماره 4
65	53	162	82	80	شماره 9
81	59	144	71	73	شماره 15
72	158	437	214	223	مجموع

جدول شماره ۱: آزمون تأیید پایایی به روش بازآزمون

برای تجزیه و تحلیل اینگونه پژوهش‌ها سه طرح وجود دارد: رهیافت ظهوری گلاسر^۱ (۱۹۹۲)؛ رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین^۲ (۱۹۹۸) و رهیافت ساختی چارمز^۳ (۲۰۰۰) که در این پژوهش از رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این بخش به تجزیه و تحلیل یافته‌ها در قالب سه مرحله کدگذاری باز، انتخابی و محوری رهیافت استراوس و کوربین پرداخته شده است.

الف) کدگذاری باز

در این پژوهش، با توجه به طرح نظام‌مند، با تحلیل محتوای متون، از کدگذاری استفاده شد و فهرستی از کدها استخراج شدند و با پیوند دادن کدها به یکدیگر، مفاهیم اولیه شکل گرفت. در این

¹Glaser

²Strauss & Corbin

³Charmaz

مرحله، ۲۳۷ کد از ۳۸ مصاحبه و بررسی یادداشتها و اسناد، استخراج شد. با مقایسه و طبقه‌بندی کدهای مشابه، ۹۴ مفهوم استخراج شدند و درنهایت با طبقه‌بندی مفاهیم مشابه، ۲۲ زیرمقوله (با احتساب مقوله محوری) به دست آمده است (جدول شماره ۲).

مقوله	تعداد زیرمقوله‌ها	تعداد مفاهیم	تعداد کدهای باز
شرایط علی	5	36	70
پدیده محوری	1	1	38
شرایط زمینه‌ای	5	20	41
شرایط مداخله‌گر	4	9	23
راهبردها/ کنش‌ها	3	17	37
پیامدها	4	11	28
مجموع	22	94	237

جدول شماره ۲: تعداد کدهای باز، مفاهیم و زیرمقوله‌های دسته‌بندی‌شده در پژوهش

قضیه ۱ (شرایط علی): «این مقوله‌ها که حاصل شرایط علی هستند، رویدادهایی را دربرمی‌گیرند که به وقوع یا گسترش پدیده محوری می‌انجامد» (Strauss & Corbin, 2014). مهم‌ترین شرایط علی مستخرج از مصاحبه‌ها عبارت‌اند از: اقدامات رسانه‌ای معاندین؛ شامل مفاهیم انتشار محصولات فرهنگی هدفمند وارداتی از ارتجاع عربی معاند؛ ایجاد هدفمند جذابیت‌های کاذب در جریانات سلفی تکفیری؛ تبدیل شدن کشته‌شدگان به سمبل‌های جهاد و شهادت؛ ایجاد جریان مسموم در فضای مجازی؛ تقویت ارتباطات با جریان‌های فرااستانی؛ ترسیم فضای انباشت مطالبات محیطی؛ ترسیم چهره وارونه از حاکمیت در محیط؛ عملیات روانی شبکه‌های معاند و ضدانقلاب در بستر محیط و بزرگ‌نمایی کاستی‌ها و تبدیل آن به تنفر و تبعیض مذهبی.

اقدامات اجتماعی؛ شامل مفاهیم مهاجرت هدفمند با تأکید بر قوم‌مداری؛ سوءاستفاده از آرزوها و خلأهای جوانان استان؛ حمایت از خانواده‌های کم‌بضاعت جامعه و فعالیت‌های زیرپوستی عناصر بازگشتی از اردوگاه الرمادیه عراق.

جذب نخبگان جامعه هدف؛ شامل مفاهیم: کادربابی و کادرسازی نخبگان؛ تقویت جریان‌ها و لیدرهای غیرهمسوی بومی در جامعه اهل سنت و نفوذ مویرگی در ادارات و مراکز اقتصادی و خدماتی.

توسعه فعالیت‌های عملیاتی؛ شامل مفاهیم برگزاری جلسات محفلی غیرهمسو؛ بهره‌گیری از جریانات وحدت‌ستیز شیعی؛ ترویج مبانی پان‌کردیسم و مذهبی و تأسیس مراکز قرآنی و محافل غیرهمسو. ایجاد جذابیت مالی؛ شامل مفاهیم حمایت مادی و معنوی از نخبگان مذهبی بومی و حمایت مادی و معنوی خانواده‌های ضعیف.

تعدادی از روایات گفتاری مرتبط با مفاهیم شرایط علی در ادامه ارائه شده است: در این خصوص مصاحبه‌شونده شماره M23 بیان کرد: «... با توجه به شرایط دشواری که برای اشتغال جوانان وجود دارد، زمینه برای ناامیدی آنها فراهم شده است. بنابراین، معاندان و جریان‌های تکفیری از این خلأ و شکاف میان جوانان و مسئولان استفاده کرده و با حمایت مالی که از کشورهای خارجی می‌گیرند، آنها را به سمت خود ترغیب می‌کنند».

همچنین مصاحبه‌شونده شماره M34 بیان کرد: «فقر دانش و اطلاعات و کم‌سوادی آفت بزرگی است که سبب شده برخی از مردم استان به‌خوبی تفاوت میان سره و ناسره را نتوانند تشخیص دهند».

قضیه ۲ (پدیده محوری): «پدیده‌ای محوری است که همواره در داده‌ها ظاهر می‌شود و تمامی مقوله‌های اصلی دیگر با آن مرتبط هستند» (Strauss & Corbin, 2014). در این پژوهش، «ظهور و توسعه جریان‌های سلفی تکفیری فعال در غرب کشور» به‌عنوان پدیده محوری برگزیده شد. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که با توجه به شرایط علی ذکرشده در قضیه ۱، امکان ظهور و توسعه جریان‌های سلفی تکفیری و وهابیت افراطی در غرب کشور و به‌ویژه استان کرمانشاه روند رو به افزایشی دارد.

در این رابطه، مصاحبه‌شونده شماره M5 بیان کرد: «زمانی که از ظرفیت و پتانسیل متخصصان و نخبگانی که با نظام جمهوری اسلامی ایران موافق هستند، به‌خوبی بهره‌برداری نشود، زمینه برای گرایش به سمت جریان‌های وهابیت افزایش پیدا می‌کند، زیرا جریان‌های تکفیری خیلی خوب می‌توانند از یک شکاف کوچک، بحران بیافرینند».

قضیه ۳ (شرایط زمینه‌ای): «این شرایط نشانگر زنجیره‌ای از شرایط محیطی است که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند» (Strauss & Corbin, 2014). مهم‌ترین شرایط زمینه‌ای مستخرج از مصاحبه‌ها عبارت‌اند از:

۱. جریان‌های ایدئولوژیک؛ شامل مفاهیم وجود تعصبات کورکورانه و واگرای مذهبی؛ جمع‌گرایی

منفی منطقه‌ای؛ جریان تغییر و توسعه در بافت جمعیتی؛ حس تبعیض و دوگانگی مذهبی و ضعف اندیشه‌ای در نظام مدارس علوم دینی همسو.

۲. عوامل اقتصادی؛ شامل مفاهیم وضعیت اشتغال؛ فقر اقتصادی ملموس و عدم توسعه‌یافتگی.

۳. عوامل فرهنگی - فکری؛ شامل مفاهیم فقر اندیشه‌ای - عقیدتی حاکم بر محیط؛ فقر فرهنگی - اجتماعی حاکم بر محیط و وجود خلأهای متنوع در فقه امام شافعی.

۴. عوامل سیاسی - بین‌المللی؛ شامل مفاهیم فعالیت‌های هدفمند جبهه مقاومت در عرصه منطقه؛ عدم وجود حساسیت‌های لازم در مسئولان؛ بی‌توجهی به مطالبات انباشته شده جامعه هدف؛ فعالیت‌های موازی گروه مخالف ضدانقلاب؛ احساس عدم توازن در توزیع عادلانه اعتبارات و امکانات و عدم وحدت رویه در مواجهه هدفمند با مطالبات جامعه اهل سنت استان.

۵. عوامل اجتماعی؛ شامل مفاهیم کاهش سرمایه اجتماعی؛ وجود نگاه سطحی و سلیقه‌محور و احساس شهروند درجه دو بودن.

یکی از روایات گفتاری مرتبط با مفاهیم شرایط زمینه‌ای در ادامه ارائه شده است: همچنین مصاحبه‌شونده شماره M30 بیان کرد: «وضعیت اقتصادی به شدت بر تصمیم‌گیری‌های افراد اثر می‌گذارد که جامعه اهل تسنن نیز از این قاعده مستثنا نیستند، لذا با ادراک شکاف طبقاتی و بی‌عدالتی اقتصادی، تمایل به حرکت در خلاف جهت جامعه در آنها ایجاد می‌گردد».

قضیه ۴ (شرایط مداخله‌گر): «این مقوله‌ها نشانگر زنجیره‌ای از روابط خاص هستند که بر راهبردها اثر می‌گذارند» (Strauss & Corbin, 2014). مهم‌ترین شرایط مداخله‌گر مستخرج از مصاحبه‌ها عبارت‌اند از:

۱. حمایت مالی؛ شامل مفاهیم تزریق منابع مالی مستقیم توسط کشورهای حامی جریان‌های تکفیری و انجام حمایت‌های مالی غیرمستقیم.

۲. حمایت لجستیکی؛ شامل مفاهیم تأمین تجهیزات فیزیکی موردنیاز برای اقدامات متعدد و حمایت فنی جهت بهره‌گیری از امکانات فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی.

۳. حمایت آموزشی؛ شامل مفاهیم برگزاری دوره‌های آموزشی نظامی؛ برگزاری دوره‌های آموزشی عقیدتی و ارائه مشاوره‌های فکری به مروجان جریان‌های تکفیری.

۴. حمایت رسانه‌ای؛ شامل مفاهیم ایجاد ظرفیت استفاده از رسانه‌های دیداری و شنیداری و

زمینه‌سازی جهت حمایت در شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی.

در این رابطه مصاحبه‌شونده شماره M27 بیان کرد: «جریان‌های تکفیری، فضایی را فراهم می‌آورند تا افرادی که پتانسیل گرایش به سمت آنها را دارند، از جنبه‌های مختلف مادی و معنوی و روحی پشتیبانی شوند و نه تنها خود، بلکه اطرافیان‌شان را هم به این جریان سوق دهند».

قضیه ۵ (راهبردها / کنش‌ها): «راهبردها و کنش‌ها اقداماتی هستند که از پدیده محوری منتج شده و منجر به شکل‌گیری پیامد می‌شوند» (Strauss & Corbin, 2014). مهم‌ترین راهبردها / کنش‌های مستخرج از مصاحبه‌ها عبارت‌اند از:

۱. اقدامات ایدئولوژیکی - فرهنگی؛ شامل مفاهیم تقویت روند فعالیت‌های جریان‌های واگرا؛ تشدید نمودن روند مطالبه‌های نامعقول مذهبی از حاکمیت؛ تقویت حس تنفر از حاکمیت؛ تقویت فضای واگرایی مذهبی در بستر محیط؛ انفعال جریان‌های تبلیغی همسوی اهل سنت؛ تأسیس مراکز تربیت عناصر سلفی تکفیری در پوشش مراکز آموزش قرآن کریم؛ تقویت شکاف‌های مذهبی در بستر افکار عمومی جامعه داخلی استان؛ تلاش برای تقویت شکاف‌های مذهبی در بستر جغرافیایی جامعه هدف.

۲. اقدامات اقتصادی؛ شامل مفاهیم جذب افراد از طریق حمایت‌های مالی به‌ویژه از خانواده‌های کم‌بضاعت و حمایت مالی به‌منظور جذب نخبگان مذهبی و بومی به سمت جریان‌های سلفی تکفیری.

۳. اقدامات سیاسی - امنیتی؛ شامل مفاهیم افزایش هزینه‌های امنیتی بر حاکمیت و نظام؛ کاهش ضریب امنیت پایدار؛ تقویت حس تنفر از حاکمیت؛ درگیر نمودن سرویس‌های امنیتی نظام در محیط؛ افزایش آمار جذب‌شدگان و مهاجرت‌های تبلیغی جهادی و تشدید نمودن روند مطالبه‌های نامعقول سیاسی از حاکمیت.

تعدادی از روایات گفتاری مرتبط با مفاهیم راهبردها/ کنش‌ها در ادامه ارائه شده است:

در این خصوص، مصاحبه‌شونده شماره M2 بیان کرد: «... مدتی است که راه‌اندازی مراکز اسماً آموزشی باب شده؛ مثلاً محافل انس با قرآن کریم که البته هدف دیگری پشت آنها است. در برخی از این مراکز، نیروهای تکفیری آموزش داده می‌شوند که باید به جدیت با آن مقابله کرد». همچنین مصاحبه‌شونده شماره M15 بیان کرد: «تزریق منابع مالی به خانواده‌هایی که ضعیف هستند، یکی از راهبردهایی است که تکفیری‌ها و وهابیان از آن برای سوق دادن مردم به سمت خود استفاده می‌کنند».

قضیه ۶ (پیامدها): «پیامدها، نتایج و خروجی‌ها در یک مدل پارادایمی هستند» (Strauss & Corbin, 2014). مهم‌ترین پیامدهای مستخرج از مصاحبه‌ها عبارت‌اند از:

۱. پیامدهای امنیتی؛ شامل مفاهیم کاهش ضریب امنیت پایدار داخلی؛ افزایش هزینه‌های امنیتی؛ افزایش حس تنفر از حاکمیت و افزایش درگیری سرویس‌های امنیتی داخلی.
 ۲. پیامدهای اقتصادی؛ شامل مفاهیم کاهش فرصت‌های جذب سرمایه‌گذاری اقتصادی. کاهش ضریب ورود گردشگران به استان.
 ۳. پیامدهای اجتماعی؛ شامل مفاهیم افزایش روند فعالیت جریان‌ها و واگرا؛ افزایش آمار جذب‌شدگان و مهاجرت‌های تبلیغی جهادی و افزایش روند مطالبات نامعقول قومی - مذهبی.
 ۴. پیامدهای اعتقادی؛ شامل مفاهیم افزایش فضای واگرایی مذهبی در جامعه هدف.
- در این خصوص، مصاحبه‌شونده شماره M11 بیان کرد: «... زمانی که تهدیدهای تروریستی تکفیری‌ها و وهابیان در استان زیاد می‌شود، تمایل به انجام سرمایه‌گذاری کم می‌شود، زیرا هیچ سرمایه‌گذاری تمایل به انباشت سرمایه خود در یک منطقه پرخطر و با ریسک بالا که دائم در حال تهدید است، ندارد، لذا وضعیت اقتصادی استان این چنین می‌شود که با استان‌های دیگر تفاوت چشم‌گیر دارد».

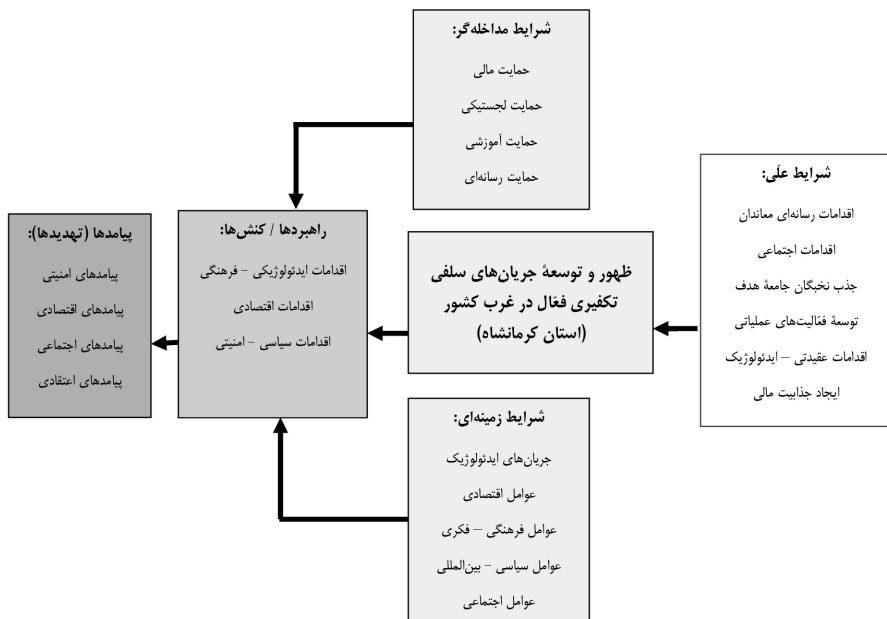
ب) کدگذاری محوری

پس از کدگذاری باز در فرایند کدگذاری محوری، مقایسه مداوم میان مقوله‌ها انجام گرفت تا روابط بین مقوله‌ها و مقوله‌های فرعی توسعه داده شود. هم‌زمان با انجام کدگذاری باز و محوری، الگویی ساخته شد که حاکی از ارتباط بین مقوله‌ها و مقوله‌های فرعی است. زمانی که این ارتباطها توسعه داده شدند، از رویه کدگذاری انتخابی استفاده شد تا ادغام مقوله‌ها، در قالب یک نظریه نوظهور تسهیل شود. در پژوهش حاضر، مدل پارادایمی توسعه داده شده که روابط میان مؤلفه‌ها و مقوله‌ها با داده‌های فرایند پژوهش در آن به تصویر کشیده شده است (شکل شماره ۲).

ج) کدگذاری انتخابی

در این سطح، سعی شد که با کنار هم قرار دادن مقوله‌ها حول مقوله محوری، یک روایت اصلی، بر اساس نظریه برای پدیده ارائه شود. روایت ذیل نتایج برآمده از کدگذاری انتخابی برای پدیده

ظهور و توسعه جریان‌های سلفی تکفیری فعال در غرب کشور و به‌ویژه در استان کرمانشاه است: «اقدامات رسانه‌ای معاندین، اقدامات اجتماعی، جذب نخبگان جامعه هدف، توسعه فعالیت‌های عملیاتی، اقدامات عقیدتی - ایدئولوژیک و ایجاد جذابیت مالی بستر ساز پدیده ظهور و توسعه جریان‌های سلفی تکفیری فعال در استان کرمانشاه هستند. راهبردهای حاصل از این پدیده، شامل مواردی مانند اقدامات ایدئولوژیکی - فرهنگی، اقدامات اقتصادی و اقدامات سیاسی - امنیتی است که متأثر از عواملی چون حمایت مالی، لجستیکی، آموزشی و رسانه‌ای است. این مهم در فضایی پیچیده و چندبُعدی با ورود عوامل اقتصادی، فرهنگی - فکری، سیاسی - بین‌المللی و اجتماعی رخ می‌دهد که گروه‌های زیادی با اهداف، ارزش‌ها، انگیزه‌ها و منافع متفاوت در شکل‌گیری آن نقش دارند. در نهایت، پیامدهای امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و اعتقادی به‌عنوان پیامدهای ظهور و توسعه جریان‌های سلفی تکفیری فعال در غرب کشور و به‌ویژه استان کرمانشاه مطرح می‌شوند».



شکل شماره ۲: کدگذاری محوری بر اساس مدل پارادایمی پژوهش (منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

هم‌گرایی در جهان اسلام، همواره یکی از موضوعات مهم و مبتلابه جهان اسلام و از مسائل تأثیرگذار بر سرنوشت امت اسلامی بوده که در زمان کنونی با پیدایش و گسترش جریان‌های تکفیری با چالش مواجه شده است. بدین منظور، در این پژوهش به واکاوی تهدیدهای ناشی از اقدامات وهابیت و جریان‌های سلفی تکفیری در استان کرمانشاه به‌عنوان یکی از استان‌های مرزی و استراتژیک پرداخته شده است. تلاش شد تا سؤالات مطرح‌شده در مورد شرایط علی، پدیده محوری، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای اجرای این راهبردهای مقابله‌ای علیه جریان‌های وهابی و سلفی تکفیری مورد بررسی قرار گرفته و به دنبال ارائه پاسخ‌های لازم به این سؤالات باشیم. این پژوهش با رویکرد کیفی و مصاحبه عمیق با ۳۸ نفر از خبرگان موضوع انجام پذیرفت و نتایج آن در قالب یک مدل پارادایمی ارائه گردید.

به‌اختصار، نتیجه این پژوهش حاکی از آن است که گرایش به وهابیت افراطی و جریان‌های سلفی تکفیری به‌عنوان یک واقعیت در استان کرمانشاه به‌ویژه منطقه اورامانات و در قشر جوان روند فزاینده‌ای دارد. به عبارت دیگر، این جریان‌های تکفیری با نفوذ در لایه‌های زیرین جامعه و تولید واگرایی و شکاف‌های قومی - مذهبی در بستر جغرافیای امنیتی و انسانی مناطق اشاره شده در بالا، به‌خوبی توانسته‌اند تا در ایجاد چالش‌ها و آسیب‌های امنیتی استان به ایفای نقش بپردازند. آمار گسترده افراد اعزامی جهت انجام عملیات انتحاری در کشورهای عراق، سوریه و افغانستان و اقدامات تروریستی آنان در داخل کشور از جمله حمله به مجلس شورای اسلامی و مرقد امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در سال ۹۶ بیانگر تهدیداتی است که از جانب این جریان‌ها متوجه امنیت استان و کشور است.

بنابراین، پدیده محوری ظهور و توسعه جریان‌های سلفی تکفیری فعال در استان کرمانشاه، در اثر شرایط علی شامل اقدامات رسانه‌ای معاندان، اقدامات اجتماعی، جذب نخبگان جامعه هدف، توسعه فعالیت‌های عملیاتی، اقدامات عقیدتی - ایدئولوژیک و ایجاد جذابیت مالی به وجود آمده است که این شرایط هر کدام به‌نوعی سبب ایجاد تهدیدهای ناشی از جریان‌های تکفیری شده‌اند. این در حالی است که عوامل بسترساز (زمینه‌ای) اقتصادی، فرهنگی - فکری، سیاسی - بین‌المللی و اجتماعی، زمینه تشدید پدیده محوری را فراهم آورده و هر یک، نقش بسزایی در توسعه جریان‌های تکفیری دارند. به‌عنوان مثال، با کاهش سطح سرمایه اجتماعی در جامعه و تضعیف اعتماد میان شهروندان، فضای مناسبی برای رخنه معاندان فراهم می‌گردد. همچنین، عوامل مداخله‌گر که می‌توانند تسهیل‌گر یا تضعیف‌کننده پدیده

محوری باشند، از طریق حمایت‌های مالی، لجستیکی، آموزشی و رسانه‌ای که توسط جریان‌های سلفی تکفیری و کشورهای حامی آنها مانند عربستان سعودی تأمین می‌شود، شرایط تهدیدکنندگی این جریان‌ها را مهیا می‌سازند. راهبردها و کنش‌ها که در نتیجه ظهور و توسعه جریان‌های سلفی تکفیری و تأثیرگذاری بستر محیطی شکل می‌گیرند، شامل راهبردهای ایدئولوژیکی - فرهنگی، اقتصادی و سیاسی - امنیتی هستند. در نهایت، پیامدهای خروجی از این فرایند که در واقع همان تهدیدهایی است که در پژوهش مورد واکاوی قرار گرفته‌اند، سبب شکل‌گیری تهدیدهای «امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و اعتقادی» برای استان کرمانشاه و به تبع آن، برای کل کشور می‌گردند.

نتیجه این پژوهش با نتایج پژوهش‌های قنبری و بیات (۱۳۹۸) در خصوص اهمیت مناطق مرزی در حفظ و ارتقای امنیت ملی؛ رحیمی و همکاران (۱۳۹۸) در خصوص تأثیر امنیت ملی و کاهش تهدیدها در توسعه اقتصادی منطقه؛ محمدی‌الموتی و همکاران (۱۳۹۷) در رابطه با تأثیر اقدامات عقیدتی و ایدئولوژیک در شکل‌گیری جریان‌های سلفی تکفیری؛ زروندی و یاری (۱۳۹۷) در خصوص نقش مهم تهدیدهای منطقه‌ای و مرزی بر امنیت ملی و پیامدهای آن؛ شاهقلین قهفرخی و رستمی (۱۳۹۶) در خصوص نقش حمایت‌های کشورهای معاند در ظهور و توسعه جریان‌های تکفیری؛ رستمی و اسماعیلی (۱۳۹۵) در خصوص نقش اقدامات سیاسی و امنیتی در شکل‌گیری تهدیدها و طاهری و احمدوند (۱۳۹۴) در رابطه با نقش کشورهای حامی تروریست (آل سعود) در شکل‌گیری این جریان‌ها و تهدیدهای ناشی از آن، همسو بوده و مورد تأیید قرار گرفته است. امید است که نتایج این پژوهش مورد استفاده سیاست‌گذاران حوزه علوم سیاسی، پژوهشگران و برنامه‌ریزان و مسئولان جهت تدوین برنامه‌های کاهش سطح تهدیدها با اعمال مدل علمی طراحی شده قرار بگیرد.

پیشنهادهای کاربردی برخاسته از پژوهش عبارت‌اند از:

۱. ایجاد شبکه و فضای مناسب برای همدلی، همفکری و هم‌زبانی بیشتر با جامعه اهل سنت و اقلیت‌های مذهبی برای افزایش سطح سرمایه اجتماعی؛
۲. کاهش برخوردهای سلیقه‌ای در استان
۳. ایجاد جریان نقدینگی و درآمد برای افزایش سطح رفاه جامعه اهل سنت و کاهش تضاد طبقاتی؛
۴. تدوین سند جامع راهبردی ویژه مناطق اهل سنت برای ایجاد وحدت رویه در مسئولان ملی

و منطقه‌ای در مواجهه با این جامعه؛

۵. تدوین سند راهبردی برای توسعه وضعیت معیشتی استان.

درنهایت، محدودیت‌های پژوهش عبارت بودند از: ضعف تعمیم‌پذیری آماری در روش‌های پژوهش کیفی، نبود معیارهای روشن و شفاف برای ارزیابی کیفیت و قدرت داده‌ها و دشواری دسترسی به داده‌ها.

منابع و مأخذ

الف) کتب فارسی

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی، چاپ دوم (۱۳۹۵)، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سید علی (۱۳۹۸)، «مجموعه بیانات مقام معظم رهبری»، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: WWW.Khamenei.ir.
۳. امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، سید روح‌الله (۱۳۵۸)، «صحیفه»، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام (رحمت‌الله‌علیه).
۴. بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۲)، «روش‌های تحقیق در علوم انسانی و اجتماعی»، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.
۵. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴)، «مدیریت بحران: نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران»، چاپ دوم، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
۶. چگینی، عباس (۱۳۹۸)، «نظام مدیریت استراتژیک دفاعی»، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۷. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۸)، «جریان‌شناسی فکری معاصر ایران»، قم: انتشارات موسسه فرهنگ حکمت نوین اسلامی.
۸. دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی؛ آذر، عادل (۱۳۹۱)، «روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت»، تهران: انتشارات صفار- اشرافی.
۹. داودی، علی اصغر؛ مهدی‌پور، ملیحه (۱۳۹۱)، «نقش رسانه‌های جمعی در امنیت شهرهای مرزی»، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۱۰. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (۱۳۹۳)، «مرزبان‌نامه»، قم: انتشارات حوزه علمیه.
۱۱. رحیمی، اکبر؛ راد، عباس؛ عالم‌تبریز، اکبر؛ مؤتمنی، علیرضا (۱۳۹۷)، «به‌کارگیری رویکردهای مدیریتی ناب، چابک و تاب‌آور در زنجیره تأمین صنایع دفاعی؛ راهبردی جدید و مؤثر در ارتقای بازدارندگی دفاعی و امنیت ملی»، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، ۱۷ (۸۶): صص ۵۸ - ۱۹.
۱۲. رستمی، علی اکبر؛ اسماعیلی، محمدمهدی (۱۳۹۵)، «راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با جریان‌های تکفیری»، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، ۱۵ (۸۱): صص ۴۰ - ۱.

۱۳. زروندی، مهدی؛ یاری، مریم (۱۳۹۷)، «کالبدشکافی تهدیدات با تأکید بر مفهوم امنیت ملی»، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، ۱۶ (۸۵): صص ۱۴۴ - ۱۱۷.
۱۴. سبحانی، جعفر (۱۳۸۸)، «وهابیت؛ مبانی فکری و کارنامه عملی»، چاپ چهارم، قم، موسسه امام صادق (علیه‌السلام).
۱۵. سبحانی، جعفر (۱۳۹۳)، «سلفی‌گری در آیینۀ تاریخ»، چاپ دوم، قم: انتشارات توحید قم.
۱۶. سید رضی (۱۳۸۶)، «نهج البلاغه»، ترجمۀ محمد دشتی، چاپ دوم، مشهد: آئین تربیت.
۱۷. شاهقلیان قهفرخی، رضا؛ رستمی، علی‌اکبر (۱۳۹۶)، «تبیین زیرساخت‌های ایدئولوژیک و ساختاری گروه تکفیری - تروریستی داعش»، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، ۱۵ (۸۳): صص ۱۱۹ - ۱۵۴.
۱۸. طاهری، مهدی؛ احمدوند، شجاع (۱۳۹۴)، «وهابیت و استمرار حکومت آل سعود»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۵ (۴): صص ۱۱۱ - ۸۷.
۱۹. فلاح، محمدهادی (بی‌تا)، «مقدمه‌ای بر جریان سلفیت در جهان اسلام»، جزوه پژوهشی منبع تدریس دوره دکتری در سال ۱۳۹۸.
۲۰. فیروزآبادی، سید حسن و همکاران (۱۳۹۳)، «تکفیری‌های داعش را بهتر بشناسیم»، چاپ پنجم، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲۱. قنبری، محمد؛ بیات، بهرام (۱۳۹۸)، «محیط‌شناسی تهدیدهای تروریستی در سطح جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علوم سیاسی، ۱۴ (۴۶): صص ۱۵۹ - ۱۸۵.
۲۲. عزیززاده موسوی، مهدی (۱۳۹۳)، «تبارشناسی سلفی‌گری و وهابیت»، قم: انتشارات آوای منجی.
۲۳. محمدحسینی، مسعود؛ صفوی، یحیی (۱۳۹۱)، «مرزهای ایران: همراه با تغییرات جدید در طول مرزهای جمهوری اسلامی ایران»، تهران: انتشارات دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه‌السلام).
۲۴. محمدی‌الموتی، محسن؛ وثوقی، سعید؛ امام‌جمعه‌زاده، جواد (۱۳۹۷)، «تجزیه و تحلیل واگرایی اعتقادی و اندیشه‌ای در جهان اسلام در پرتو نقش آفرینی جریان تکفیری»، دوفصلنامه انسان‌پژوهی دینی، ۱۴ (۳۹): صص ۱۴۵ - ۱۶۶.
۲۵. مرادیان، محسن (۱۳۸۸)، «تهدید و امنیت»، تهران: انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی.

۲۶. مزینانی، احمد؛ خسرو پناه، عبدالحسین (۱۳۹۴)، «پدیدارشناسی تکفیرگرایی و ارزیابی امنیتی آن»، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)، ۳ (۱۴): صص ۲۷ - ۱.
۲۷. معاونت پژوهش و تولید علم (۱۳۹۴)، «*تروریسم تکفیری در غرب آسیا*»، تهران: انتشارات موسسه چاپ و انتشارات دانشکده اطلاعات.
۲۸. معین، محمد (۱۳۶۴)، «*فرهنگ فارسی معین*»، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۹. مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۸۹)، «*وهابیت بر سر دوراهی*»، چاپ چهاردهم، قم: انتشارات امام علی ابن ابیطالب (علیه‌السلام).
۳۰. مهدی‌پور، فرشاد (۱۳۹۳)، «*گونه‌شناسی جریان‌شناسی‌های فکری - فرهنگی در ایران معاصر*»، فصلنامه دین و سیاست فرهنگی، ۲: صص ۳۰ - ۷.
۳۱. نصیری‌دامغانی، عباس (۱۳۹۳)، «*جریان‌شناسی سلفی تکفیری (داعش)*»، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۳۲. هاشمی، حمید (۱۳۹۰)، «*جنگ نرم در دنیای معاصر*»، تهران: انتشارات مطالعات فرهنگی و برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

ب) منابع لاتین

1. Brauch, H.G. (2011). *"Concepts of Security Threats, Challenges, Vulnerabilities and Risks"*. Hexagon Series on Human and Environmental Security and Peace, 5: 61- 106. DOI: 10.1007/978-3-642-17776-7_2.
2. Charmaz, K. (2006). *"Constructing grounded theory: A practical guide through qualitative analysis"*. Sage.
3. Glaser, B. (1992). *"Basics of Grounded Theory Analysis"*. Mill Valley: Sociology Press.
4. Premaratne, U. (2016). *"Reconciling the Irreconcilable: The Use of Reasonable Consequentialism for the Conundrum of National Security and Fundamental Rights"*. Available at: <https://www.researchgate.net/publication/308938733>.

5. Strauss, A., & Corbin, J. (2014). *"Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory (Fourth Ed.)"*. USA: Sage Publications.

ج) تارنما

۱. خبرگزاری تابناک (۱۳۹۶)، «*حادثه تروریستی تهران*»، کد خبر: ۷۰۱۳۷۵ نوشته شده در تاریخ ۱۳۹۶/۰۳/۰۷، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۱۷. قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: <https://www.tabnak.ir/fa/news/701375> در نهایت، محدودیت‌های پژوهش عبارت بودند از: ضعف تعمیم‌پذیری آماری در روش‌های پژوهش کیفی، نبود معیارهای روشن و شفاف برای ارزیابی کیفیت و قدرت داده‌ها و دشواری دسترسی به داده‌ها
۲. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، «*گزارش جمعیتی سرشماری در کشور، سال ۱۳۹۵؛ استان کرمانشاه*»، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: <https://www.amar.org.ir>.

Investigating the threats posed by the activities of Wahhabism and Takfiri Salafi movements (case study: Kermanshah province)

● Mohsen Hosseinabadi ●

Ph.D. Candidate in National Security Studies at Supreme National Defense University (corresponding author).

● Seyed Mahmoudreza Shams Dolatabadi ●

Assistant Professor at Supreme National Defense University.

● Mohsen Moradian ●

Assistant Professor at Supreme National Defense University.

Abstract

One of the components of national security threats in border areas, especially in Kermanshah province, is the dangers posed by the influence of Wahhabism and Salafi takfiri movements and their actions. The idea of takfir is rooted in the thoughts of Ibn Taymiyyah (8th century AH) who, based on his Deviant perception from Islam, considered some Muslims outside the circle of Islam and called them infidels. After that, Muhammad Ibn Abd al-Wahhab (12th century AH) put this idea into practice and based on it, started killing of Muslims. This idea is still being practiced by Wahhabis, ISIS and other takfiri movements against Muslims. The purpose of this study is to identify the threats and harms caused by the activity of these currents in different dimensions and to provide solutions to deal with them through a qualitative approach to the grounded theory. The main question of the research is "What threats will the actions of the takfiri Salafi currents pose in various dimensions against the security of this region and the national security of the Islamic republic of Iran?". In this study, theoretical sampling methods and snowball technique have been used to collect data and theoretical data saturation has been obtained using deep and semi-structured interviews with 38 experts from political-security different. Also, the systematic approach of Strauss and Corbin was used to analyze the data. In short, the analysis of the data showed that the phenomenon of the emergence and development of takfiri Salafi currents in the geography of border areas and the western margins of the country, including Kermanshah province, is affected by various causal conditions. This phenomenon, along with interventional conditions (financial, logistical, educational, and media support) and contextual conditions (ideological currents, economic, cultural-intellectual, political-international, and social factors) creates actions including ideological-cultural, economic-security and political measures. Finally, the consequences of this phenomenon include security, economic, social and religious threats and also, at the end, suggestions were presented to counter these threats.

Key words

Kermanshah Province, threat, Salafist takfiri currents, Wahhabism.

Investigating the Impact of counter-terrorism measures of the Islamic republic of Iran in the West Asia region (Iraq and Syria) on the sense of security of Tehran's citizens

● Parvin Savadian ●

Assistant Professor of Human Science at Islamic Azad University, Garmsar Branch.

● Mostafa Hasheminasab ●

Ph.D. Candidate at Islamic Azad University, Tehran Center Branch.

5

Abstract

This study was conducted to investigate the effect of Islamic Republic of Iran's counter-terrorism activities in the West Asian region (Iraq, Syria) on the sense of the security of Tehran's citizens. The main question of the research is that "how has the Islamic Republic of Iran's counter-terrorism actions in the region of West Asia, and specifically in the countries of Iraq and Syria, affected the sense of security of Tehran's citizens?". The theories of Mollar, Weaver, Bozan, Mitar, Durkheim, Giddens and Habermas were used in the theoretical framework after reviewing various theories in the field of social security and sense of security and survey method was utilized to conduct the research. The statistical population of the research consisted of people over 18 years old in Tehran and using Cochran formula, the sample size was calculated 420 people and also a researcher-made questionnaire was distributed among the respondents in five regions of Tehran (north, south, east, west and center) based on quota sampling method. Finally, the data were analyzed using descriptive and inferential statistics. The findings indicate that there is a relationship between the counter-terrorism measures of the Islamic Republic of Iran and the sense of social, economic, political, military and individual security. Also, there is a relationship between the news reflection of counter-terrorism measures of the Islamic republic of Iran and the sense of social security of Tehran's citizens.

Key words

Sense of security, counter-terrorism measures, social security, West Asia.

Identifying the environment of the role of people's participation in the public security of the country

● Bahram Bayat ●

Full Professor of National Security at Supreme National Defense University, (corresponding author).

● Fardin Piri ●

Ph.D. in National Security at Supreme National Defense University

4

Abstract

The main purpose of this article is to examine the people's participation in the public security of the country. This research is of applied research type and in terms of method, it is of mixed type (qualitative and quantitative). The statistical population of the study consisted of 97 persons of university professors, managers of security and political apparatuses, and military and police commanders. In addition to basic studies and review of previous researches, basic information of this research has been collected through interviews and questionnaires and is analyzed at two levels of descriptive and inferential statistics. Research findings show that the society of Iran, especially security and political institutions and agencies, need to continue their efforts to "provide legal platforms for interaction and communication with the people, "emphasis on proliferation of culture and public education (people and organizations responsible for security), "focus on changing structures and decentralization of power and responsibility in institutions that are responsible for security", "attention to the element of social capital and its most constructive component; that is public trust" and "increase the sense of social responsibility".

Spring 2020 Vol.1 No.33

Key words

Public security, threat, strategic plan, opportunity, people's participation, weak points, strengths points.

Basic security- based architecture for the battle scene based on the technology of the Internet of Things

● Mansour Farzinfard ●

Ph.D. Candidate in Cyber Security at Supreme National Defense University, (corresponding author),

● Mohammad-Reza Movahedisefat ●

Assistant Professor at Supreme National Defense University.

3

Abstract

The Internet of things, as an emerging technology, can provide the ability to identify and transfer data to all objects. Controlling the performance of equipment, identifying users and controlling information are the key advantages of this technology. The special features of the battle scene and the multiplicity and variety of equipment used in this environment, make it possible for defense organizations around the world to use this technology to control the battle scene. One of the requirements of utilizing the technology of the Internet of things in the battle scene is to focus on the subject of security and create a security- based architecture that defines all the components and relationships between components in the form of security components. The present study is an applied research and its method is descriptive- analytical with exploratory approach. The qualitative data of this research is gathered from the study of sources and of scientific researches and using qualitative research method of meta-synthesis. In order to validate the proposed architecture, the opinions of the sample community, which are experts in the field of defense sciences and are fully acquainted with the technology of the Internet of Things, as well as experts in the field of Internet of things, have been used based on interviews. The study results show that Internet of Things (IoT) technology has the best performance on the battle scene in the environment of cloud computing that is based on big data. It was also determined that due to the features of the battle scene; the security layer should cover all layers of the architecture.

Key words

Security, the Internet of things (IOT), sensors, battle scene, architecture

Trump's policies toward IRGC in the Post JCPOA; security consequences of placing IRGC's name in the list of terrorist groups

● Younes Foroozan ●

Ph.D. in Communications Science at Allameh Tabatabai University.

● Abdolreza Alishahi ●

Ph.D. Candidate in Political Science at Allameh Tabatabai University, (corresponding author).

● Hossein Massoudnia ●

Associate Professor of Political Science at Isfahan University.

Abstract

Following the victory of the neo-conservatives in the U.S. presidential election in 2016, the issue of reconsideration of their relations with the Islamic Republic of Iran was considered by that country (republicans and Donald Trump). Indeed, with this policy, trump unilaterally abolished the entire process of nuclear negotiations that had led to the agreement and then, by adopting a policy that led to an escalation of divergence and confrontation with the Islamic Republic of Iran, placed the name of the Islamic revolutionary guard corps in the list of terrorist groups. In fact, the main issue is Donald Trump's repeated accusations against Islamic republic in support of terrorism. In this article, the authors are trying to answer the question of "what are the main reasons that led to placing the name of the Islamic revolutionary guard corps in the list of international terrorist groups by U.S.A and the continuation of such policies will lead the region of Middle East in terms of security to what direction?" The authors' hypothesis is based on the fact that the creation of a break in the resistance front in the region is the main reason for the adoption of this policy by Trump. The findings of this paper, which utilize John mearsheimer's offensive realism theory and a combination of historical sociology and futures studies, confirm that the restoration of US hegemony in the form of the rejection of Obama's theory, non-imposition of sanctions against the Islamic Republic of Iran in post- JCPOA, breakdown of convergence in the Shiite resistance front, providing the security of zionist regime, interrupting the economic flow of IRGC and intensifying psychological warfare and creating more inflammation in the West Asian region have been the six major objectives of U.S.A for placing the name of the Islamic Revolutionary Guard Corps in the list of terrorist groups.

Key words

Terrorism, Islamic republic, IRGC, neoconservatives, hegemony.

Desirable system of intelligence protection in the seven-part command of the second step statement

● Mostafa savedoroodi ●

Associate Professor of Political Science at Farabi University (corresponding author), mo_doroudi@yahoo.com

● Hamid reza Nadi ●

Assistant Professor of Political Science at Farabi University

● Mohammd-hossein Panahi ●

M.A. in Political Science at Farabi University

1

Abstract

The purpose of writing this study is the conformity of the seven-part concepts of the second step statement with the mission of intelligence protection organizations. Therefore, an attempt was made to analyze the ways to achieve the final goals of this statement by following the path of the desirable system of intelligence protection organizations in seven movements and to provide a solution for it. The authors of this article attempt to answer the question of “What are the indicators of the desirable system of intelligence protection based on the seven-part axes of the second step statement?”

This issue, which is methodologically descriptive and thematically practical, has been done by utilizing the text-based content analysis of the second step statement in the field of study of this article. The results of monitoring the results in seven entries and with the highest impact factor on the subjects are lifestyle, intelligence teaching, seeking justice, strengthening spiritual beliefs and intelligence ethics, national dignity, combating industrial espionage in the economic sphere and continuing to defend independence and freedom by means of intelligence. Drawing a roadmap based on these orders in the macro strategic decisions of the system of the Islamic republic of Iran with good, correct, logical and reasoned intelligence estimation can play an important role in strengthening the structures of the desirable system of intelligence protection for defending the security of our country.

Key words

The second step statement, intelligence protection, desirable system.

Contents

- 1 ■ Desirable system of intelligence protection in the seven-part command of the second step statement.
Mostafa savedoroodi -Hamid reza Nadi – Mohammad-hossein Panahi
 - 2 ■ Trump's policies toward IRGC in the Post JCPOA; security consequences of placing IRGC's name in the list of terrorist groups.
Younes Foroozan - Abdolreza Alishahi - Hossein Massoudnia
 - 3 ■ Basic security- based architecture for the battle scene based on the technology of the Internet of Things.
Mansour Farzinfard - Mohammadreza Movahedisefat
 - 4 ■ Identifying the environment of the role of people's participation in the public security of the country
Bahram Bayat – Fardin Piri
 - 5 ■ Investigating the Impact of counter-terrorism measures of the Islamic republic of Iran in the West Asia region (Iraq and Syria) on the sense of security of Tehran's citizens
Parvin Savadian - Mostafa Hasheminasab
 - 6 ■ Investigating the threats posed by the activities of Wahhabism and Takfiri Salafi movements (case study: Kermanshah province)
Mohsen Hosseinabadi – Seyed Mahmoudreza Shams Dolatabadi – Mohsen Moradain
- Abstracts
Mohamad Rajabi



Protective and Security Researches
spring 2020 Vol.1 No.33

Publisher: Imam Hossein(P) University - Imam Hadi(P) college

Manager: Dr. Ali Bahramian

Chief editor: Dr. Borzoo Farrahi Buzanjani

Executive manager: Dr. Hamed Fashi

Executive editor: Mohammad Jafari khorami

The Editorial board:

Dr. Ali Rezaeian,
professor of Shahid Beheshti University

Dr. Jamil Zargane,
associate professor of Imam Hossein (pbh) general University

Dr. Mansoor Sadeghi,
associate professor of Imam Hossein (pbh) general University

Dr. Borzoo Farrahi Buzanjani,
professor of Imam Hossein (pbh) general University

Dr. Arsalan Ghorbani,
professor of Kharazmi University

Dr. Ghasem Keramat,
assistant professor of Imam Hossein (pbh) general University

Dr. Abdolrasol Mirghadri,
associate professor of Imam Hossein (pbh) general University

Dr. Ghadir Nezamipour,
associate professor of Supreme National Defence University

Editor: Mohamad Rajabi

Graphic Designer & Typesetter: Mojtaba Zabihi

English Translator: Mohamad Rajabi

Circulation: 300 **Price:** 30000 Rials

Address: Shahid Babaei highway, Imam Hossein (pbh) general
University, Imam Hadi Faculty , Department of Research
P.O.Box: 17845-358 Tel/Fax: 33244518
E-mail: srq@ihu.ac.ir <http://srq.ihu.ac.ir>
